

۴۴۱

کجهان

KAYHAN, LONDON

بنيانگذار: دكتور مصطفى مصباح زاده
جمعه ۱۷ تا ۲۳ آذر ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهلم - شماره ۱۹۰۷

جمهوری اسلامی خودِ خودِ فساد است



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۰۷ (۴۴۱)

جمعه ۱۷ تا ۲۳ آذرماه ۱۴۰۲

۸ تا ۱۴ دسامبر ۲۰۲۳



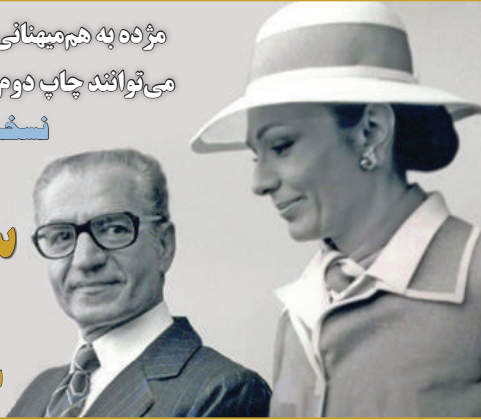
مژده به هم میهنانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با **کیهان لندن** ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیهان

* فهرست مطالب *

سر مقاله- تجاوز جنسی در اسارت؛ شکنجه و تحقیر و ارضای «منکر» معروف! / الاهی بقراط ۴
تیر هفته - جمهوری اسلامی خودِ خودِ فساد است ... / روشنک آسترکی ۴-۵

گزارش تکاندهنده سازمان عفو بین الملل از آزار جنسی و تجاوز به بازداشت شدگان ... / ۶-۷
شاهرخ شاهید خواننده وطن دوست درگذشت ... / ۷
شهبانو فرح پهلوی و گلشیفته فراهانی در آثار نمایشگاه روشنک امین الهی ... / ۸
رازگشائی از قتل کشیش های مسیحی در گفتگو با ایرج مصداقی ... / ۹
انتقاد جمهوری اسلامی از دولت عراق در روند «خلع سلاح» گروه های کرد ... / ۹
سفیر اسرئیل در سازمان ملل: کمک ۱۵ میلیون دلاری جرح سوروس به ... / ۱۰-۱۱
امور بالا و امور باین ... / خیر اندیش (احمد احرار) ۱۱
نگاهی از درون به جنبش چپ ایران (۲) ... / ۱۲-۱۴
گزارش ویژه کیهان لندن از همایش «ایرانگرای» در برلین ... / ۱۴
اندیشکده پروژه فتنوس کنفرانس «ایران در گذار به آینده» ... / ۱۴
«آرماندر» فرانسوی ایرانی تبار در پاریس با چاقو و چکش و فریاد «الله اکبر» ... / ۱۵
متن فارسی گفتگوی شاهرخ ادهر ضا پهلوی و پاتریک بت - دیوید (۲) ... / ۱۶-۱۷
در گفتگو با کیهان لندن؛ وخامت حال زهره سرور زندانی مشروطه خواه در ... / ۱۸
بیست و هشتمین کنفرانس بین المللی تغییرات اقلیمی بدون حضور ... / احمد رأف ۱۹
جانیات هفتم اکتبر علیه زنان؛ ده ترو ریست حماس به زنی که التماس ... / ۲۰-۲۱
دولت بایدن به دنبال تشکیل «گروه ضربت دریایی» علیه تهدیدات ... / ۲۲
حسین راغفر اقتصاددان: پشت پرده فروش نفت نهادهای قدرت و الیکارش ها ... / ۲۳
فساددیش! از کلاهبرداری ۱۴۰ هزار میلیارد تومانی «شرکت دبش» تا «اختلاس» ... / ۲۴-۲۶
بادستور «شورای عالی امنیت ملی» حضور، اسکان و اشتغال اتباع افغانستان در ... / ۲۶-۲۷
«جلوگیری از «براندازی»، هدف اصلی از تشکیل سازمان حفاظت و ... / ۲۸-۲۹
فرانسه دارای های یحیی سنوار از رهبران حماس را مسدود می کند ... / ۲۹
اداره خدمات مرزی کانادا مانع ورود ده ها مقام رژیم ایران به ... / ۳۰
تعلیق مجوز تدریس جعفر محلاتی در کالج اوپر لین به اتهام «یهودستیزی» و «تقاضای» ... / ۳۱
یکی از قضات پیشین دیوان عالی کشور «تعرض جنسی» را جزو «جرم حدی» و ... / ۳۲-۳۳
دادخواست دو وکیل به دیوان عدالت اداری برای ابطال مصوبه محرمانه حجاب ... / ۳۳-۳۴
نقش شخصیت های سیاسی در هدایت کشور پس از جمهوری اسلامی ... / بهرام فرخی ۳۴-۳۵
دو عضو «سپاه قدس» در حمله اسرئیل به حومه دمشق کشته شدند ... / ۳۶
هشدار یک کارشناس سیاسی در تهران: موساد به دنبال تسویه حساب است ... / ۳۶-۳۷
سه دولت اروپایی با دو هفته تاخیر رونمایی سپاه پاسداران از موشک «فتاح ۲» ... / ۳۷
#صدامونو بشنوید! هشنگی برای بازتاب بیشتر صدای زندانیان و ... / فیروزه نوردستروم ۳۸-۳۹
ضرورت اطلاع، آگاهی و تسهیل واکسیناسیون در گفتگو با ... / فیروزه نوردستروم ۴۰-۴۱
«کابوس آباد»، آلبوم جدید گروه کیوسک در گفتگو با آرش سیحانی ... / ۴۱
آشنایی با هنرمندان جوان؛ رضاشادمان باز یگر تئاتر و سینما و فیلمساز ... / ۴۱
مینا کاوانی: مهم نیست چه اتفاقی افتاده، باید از کابوس های خود ... / کتابیون حلاجان ۴۲-۴۳
زنان و مصائب راه های دور زدن «قانون سقط جنین» ... / فیروزه نوردستروم ۴۳-۴۴
فاجعه آموزش پایه در سیستان و بلوچستان؛ از هر ۱۰۰ دانش آموز کمتر از ۴۰ نفر ... / ۴۴-۴۵
هکر ها پلیکشین هشت بانک ایران را هدف قرار دادند ... / ۴۵
آلودگی هوا مدارس چند شهر را تعطیل و کارمندان رادور کار کرد ... / ۴۶-۴۷
شماری کشته و زخمی در حمله هوایی اسرئیل به پایگاه های حزب الله ... / ۴۷
کودک سر بازان جمهوری اسلامی؛ تاکید وزیر آموزش و پرورش بر «اسلحه» ... / ۴۸
رقابت جمهوری اسلامی با طالبان و داعش ... / ۴۹
روزنامه «فایننشال تایمز»: اسرئیل خود را برای «عملیات طولانی» در غزه ... / ۵۰
۳/۵ میلیارد دلار پوشاک قاچاق ... / ۵۱
پر تاب موشک بالستیک «سلمان» با قابلیت حمل کلاهک نیم تنی ... / ۵۲
درخواست رئیس اف بی آی برای تمدید «مجوز شنود دور صد» اطلاعات ... / ۵۲-۵۳
حمله حوثی ها به یک ناو آمریکایی و چند کشتی تجاری در دریای سرخ ... / ۵۳
تشییع جنازه علی آقا عبداللهی در خیابان پاستور؛ سرکوبگر «سپاه حفاظت انصار» ... / ۵۴-۵۵
اعتصاب کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان ... / ۵۵
هشدار جدیدی درباره ناترازی گاز کشور ... / ۵۶-۵۷
آغاز روند اخراج عوامل حکومت ایران در کانادا ... / ۵۷
پشت جلد - عکس هفته / به همین آشفتگی!

بازنشر
بازنشر



تیر هفته
جمهوری اسلامی خودِ خودِ فساد است

● رقم فساد «دبش» بیش از نیمی از رقم پول‌های آزاد شده ایران در کره جنوبی است که جمهوری اسلامی دستیابی به آن را در ازای آزادی گروگان‌های آمریکایی یک موفقیت بسیار بزرگ برای خود قلمداد می‌کند!

وزارت آموزش و پرورش، ۹۰ درصد بودجه بهداشت، بیش از ۴۳ برابر بودجه محیط زیست کل کشور و تقریباً برابر با بودجه عمرانی کشور است. ارزهای دولتی که اکبر رحیمی و همدستانش در حکومت به جیب زدند، برابر با رقم ارز مورد نیاز برای واردات دارو و شیرخشک است؛ رقمی که دولت به دلیل «نبود منابع» آن را اختصاص نداده و سبب درگذشت بیماران زیادی به دلیل عدم دسترسی به دارو و بروز بحران شیرخشک در کشور شد.

قابل توجه اینکه رقم فساد «دبش» بیش از نیمی از رقم پول‌های آزاد شده ایران در کره جنوبی است که جمهوری اسلامی دستیابی به آن را در ازای آزادی گروگان‌های آمریکایی یک موفقیت بسیار بزرگ برای خود قلمداد می‌کند!

از سوی دیگر فساد ۳/۳۷ میلیارد دلاری «دبش» برابر با هزینه ساختن «دو برج خلیفه دویی»، «ساخت سه واحد پتروشیمی» و «ساخت یک نیروگاه هسته‌ای ۵۰۰ مگاواتی» است.

پرسش‌های بی‌پاسخ درباره «دبش»

بر اساس گزارش‌ها، اکبر رحیمی متهم ردیف اول این پرونده با وثیقه پنج هزار میلیارد تومانی، سنگین‌ترین وثیقه صادر شده از سوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی، در زندان است.

این در حالیست که این پرونده همچنان دارای ابعاد پیچیده و پنهانی است که رئیس سازمان بازرسی کل کشور و رئیس دفتر بازرسی ویژه ریاست جمهوری که در روزهای گذشته درباره این پرونده توضیحاتی ارائه کردند، به آن نپرداختند. برای نمونه به نقش مقامات ارشد وزارت جهاد کشاورزی، گمرک و بانک مرکزی در این پرونده اشاره نشده است. هرچند گفته شده تعدادی در بخش‌های مرتبط بازداشت شده‌اند اما معلوم نیست این افراد چه کسانی هستند و چه سمت‌هایی داشته‌اند؟

از سوی دیگر همچنان پرسشی مهم‌تر نیز مطرح ←

خر فساد سه میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلاری از سوی یک شرکت کشت و صنعت جای مهم‌ترین خبر هفته دوم آذرماه ۱۴۰۲ در ایران بود. به تاراج رفتن رقمی برابر با ۱۴۰ هزار میلیارد تومان از دارایی‌های مردمی که هر روز در نبردی نابرابر با فقر و گرانی دست و پنجه نرم می‌کنند، بار دیگر ناکارآمدی و تباهکاری ساختاری نظام را به نمایش گذاشت. در حالی که «فساد اقتصادی» با سرشت جمهوری اسلامی پیوند خورده اما خبر فساد ۳/۳۷ میلیارد دلاری به عنوان بزرگترین فساد اقتصادی تاریخ ایران که از سوی «گروه کشت و صنعت دبش» صورت گرفته بسیاری را مبهوت کرده است.

در یک اقدام شبکه‌ای میان چند وزارتخانه و گمرک و بانک مرکزی، اکبر رحیمی مدیرعامل «گروه کشت و صنعت دبش» توانسته فساد اقتصادی هنگفتی را در کمتر از چهار سال و در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ رقم بزند. ساز و کار فساد صورت گرفته به این شکل بوده که گروه کشت و صنعت دبش، برای چای درجه یک هندی ثبت سفارش کرده، اما در عمل چای درجه دو کنیایی (یعنی همانجایی که کشت فراسرمی انجام می‌دهد) وارد کرده است. اختلاف قیمت این دو نوع چای چیزی حدود ۱۲ دلار در هر کیلو بوده که در مقادیر بالا مبلغ سرسام‌آوری نصیب مدیران این گروه کرده است.

بر اساس توضیحات ارائه شده از سوی رئیس سازمان بازرسی کل کشور، بخش دیگری از این فساد به اسم واردات ماشین‌آلات بوده که یک میلیارد و ۴۷۲ میلیون دلار ارز دولتی دریافت اما ماشین‌آلاتی وارد کشور نشده است.

رقم اختلاس پرونده «دبش» چنان هنگفت است که برخی رسانه‌ها به سنجش آن با بودجه بخش‌های مختلف کشور و یا هزینه‌کرد مبالغ مشابه در دیگر کشورها پرداخته‌اند. این محاسبات نشان می‌دهد رقم فساد «دبش» بیش از ۳ درصد بودجه کل کشور، بیش از ۸۰ درصد کل بودجه

سرمقاله تجاوز جنسی در اسارت شکنجه و تحقیر و ارضای «منکر» معروف!

سازمان عفو بین‌الملل در تازه‌ترین گزارش خود به آزار و اذیت و تجاوز جنسی در اشکال مختلف علیه معترضان ایرانی در جنبش ملی ۴۰۱ به ویژه دختران به عنوان قربانیان اصلی تجاوز که در نظام‌های حقوقی به عنوان جرم جنایی شناخته می‌شود، پرداخته است.

از نظر تاریخی، موضوع جدیدی نیست. به غنیمت گرفتن زنان و پسران جوان و خرید و فروش و به کنیزی و غلامی بردن آنها که سوء استفاده جنسی بخشی از آن بود، به عنوان یک



امر رایج و بدیهی هیچ تلنگر اخلاقی جدی به جوامع بشری سده‌های دور نمی‌زد.

«وجدان» یا «وجدان» هم پدیده‌ای فرهنگی و آموزشی است که بسی فراتر از همدردی و همدلی، از آگاهی و آزادی می‌آید. بیهوده نیست که واژه «وجدان» در اغلب زبان‌ها ترکیبی با مشتقات «دانش» و «دانستن» است. وجدان با احساس مسئولیت و در نتیجه، با اعتراض، همراه است.

یکی از دلایل خشونت ادیان در همین نکته است که برای مهار حقوق و آزادی‌های مؤمن به عنوان انسان، باید مرتب به وحشت وی از آن دنیا دامن زد و هربار در دعاهای روزانه پیامدهای وحشتناک انحراف از «صراط مستقیم» و «منکر» و «معروف» را به او یادآوری کرد. «ایوب» و صبرش که زیانزد شده، نقطه‌ای اوج اطاعت بی‌چون و چرا و انسان بی‌مسئولیت و بی‌اختیار و قربانی اعتقادات، در برابر خود و خانواده و هم‌نوع خویش است!

وجدان اما همزاد حق، «حق» نه در مفهوم مذهبی بلکه به معنی حقوق طبیعی و شهروندی انسان، و همزاد آزادی و اختیار و مسئولیت است و بیداری آن، مستلزم آگاهی بر همه اینهاست. شیوه‌های وحشیانه‌ی اسلامگرایان چه در جمهوری اسلامی و چه حماس و داعش و طالبان و غیره در پیشبرد سیاست و اعتقادات خود، همان خشونت مذهبی و ایدئولوژیک را به نمایش می‌گذارد که انسان را مطیع و بدون حق و آزادی و مسئولیت می‌خواهد و با اینهمه ادعای «انسان صالح»، «انسان تراز نوین» و «انسان برتر» دارد! اما «صالح» و «تراز نوین» و «برتر» نسبت به کی و چی؟! آنهم در حالی که منادیان این برتری «انسان»، خود در خوی ضدانسانی دست و پا می‌زنند!

در چنین فرهنگ و تربیت مذکری، زنان و دختران پیش از همه از جمله با تعدی و تجاوز به بیگر و حریم شخصی خود قربانی می‌شوند. پس از آنها، کودکان و پسران نوجوان قرار دارند. جنایتی که با روی کار آمدن جمهوری اسلامی در حمله‌ی حزب‌اللهی‌ها و کمیته‌چی‌های زردنبو و با امیال سرکوب‌شده به مخالفان رژیم در خیابان‌ها و به «غنیمت» گرفتن دختران و پسران و روانه کردن آنها به زندان‌ها برای شکنجه و تجاوز و اعدام شروع شد و تا کنون ادامه دارد.

تصاویر و شرح سرکوب اعتراضات و تجاوزات اسلامگرایان از ایران و افغانستان و عراق و فلسطین تا سوریه و یمن و نیجریه یک روش و فرهنگ مشترک را به نمایش می‌گذارد: تجاوز جنسی به عنوان شکنجه، تحقیر و ارضای امیال سرکوب‌شده‌ای که اتفاقاً بر «امر به معروف و نهی از منکر» متکی است!

است؛ اکبر رحیمی که حتی برخی رسانه‌ها از انتشار نام او خودداری کرده و از او به عنوان «الف. ر.» نام می‌برند، بر اساس کدام زد و بند و رابطه و رانت توانسته

داستان قم «اختلاس توأم با جعل به مبلغ ۱۷۰ میلیارد ریال» و «اخذ رشوه به مبلغ ۲۰ میلیارد ریال» را از اتهامات مندرج در کیفرخواست این مدیر بانکی و فراهم آوردن کرده‌اند.

در این میان ابراهیم رئیسی که به نظر می‌رسد متوجه شکل‌گیری آرایش تهاجمی جناحین علیه یکدیگر با افشای



تا داشتن برنامه اختصاصی و رپرتاژآگهی در صداوسیما جمهوری اسلامی یا روزنامه «دنیای اقتصاد» یا خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلابی پیش برود و همزمان بزرگترین فساد اقتصادی «افشا شده» در جمهوری اسلامی را در مدت زمان کوتاهی مرتکب شود؟!

«دبش» مُشتی نمونه خروار

در حالی که رسانه‌ها از فساد «گروه کشت و صنعت دبش» به عنوان بزرگترین فساد تاریخ ایران نام می‌برند اما به بیان دقیق‌تر این فساد «بزرگترین فساد افشا و اعلام شده» در تاریخ ایران است.

واقعیت اینست که ساختار فاسد و تبهکار جمهوری اسلامی مافیاهای تو در تو و بزرگی را به صورت شبکه‌ای در خود زاینده و پرورنده که به نظر می‌رسد فسادهایی بسیار بزرگتر و کلان‌تر از فساد «دبش» هم در این ساختار صورت گرفته که یا تا کنون پنهان مانده و یا افشا و علنی نشده است.

با اینهمه رقم‌های افشا شده از فساد در جمهوری اسلامی همواره روند صعودی داشته است. برای نمونه رقم فساد در پرونده «دبش» یک و نیم برابر رقم فساد صورت گرفته از سوی بابک زنجانی است که در دوره‌ای که افشا شد بسیاری را مبهوت کرده بود و چنین فساد را غیرقابل باور می‌دانستند.

در این میان، فسادهای ریز و درشت دیگری به صورت گسترده هر روز و هر هفته در ایران سازماندهی و انجام می‌شود. در همین روزهایی که خبر فساد «دبش» به تیتز نخست رسانه‌ها تبدیل شد بود، خبر دیگری درباره اختلاس عجیب و البته هنگفت یک رئیس بانک در شهر قم منتشر شد که با جعل سند توانسته مبلغ ۲۴۴ وام ازدواج را به جیب بزند.

تحقق جرم «ارتشاء»، «تحصیل مال از طریق نامشروع» و «معاونت در اختلاس توأم با جعل» را از اتهامات همدستان این متهم عنوان کرد.

در فساد دیگری که در شهرداری تهران رخ داده، مبلغ ۱۷ هزار میلیارد تومان از درآمد شهرداری تهران گم شده و به جیب فرد یا افرادی متصل به این سازمان رفته است! نبرد «خودی»‌ها با اسم رمز «فساد»

فساد ساختاری در جمهوری اسلامی اگرچه مدت‌ها از سوی مقامات حکومتی پنهان و انکار می‌شد، اکنون به حدی عیان شده که دیگر صدای «خودی»‌ها را هم درآورده است. عباس عیدی از گروه‌انگیزان سفارت آمریکا و بازجویان اوایل انقلاب و فعال اصلاح‌طلب در یادداشتی در روزنامه اعتماد با اشاره به فساد «دبش» نوشته دست زدن به فساد در این سطح قطعاً با اطلاع مقام‌های عالی‌رتبه دولت جمهوری اسلامی بوده است.

روزنامه «جمهوری اسلامی» هم در مطلبی با کتایه به سیدابراهیم رئیسی که قرار بود دولتش با فساد مبارزه کند نوشته «هر روز اخبار متعددی از فسادهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی از دستگاه‌های مختلف به گوش می‌رسد. وجود فساد، عمدتاً از بحران اقتصادی ناشی می‌شود. دولت‌ها برای مقابله با فساد قبل از هرچیز باید بیماری اقتصادی را معالجه کنند.»

در ادامه این مطلب آمده که «مسئولان بجای پرداختن به ریشه فساد و سوزاندن آن و سام‌سازی جامعه، تلاش می‌کنند آن را به این و آن نسبت بدهند و دامن خود را پاک جلوه دهند.»

آنچه روزنامه «جمهوری اسلامی» به آن اشاره کرده، رویکرد جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا بر سر پرونده «دبش» است که هر یک «توپ» فاسد بودن را به زمین دیگری انداخته و این پرونده را به ابزاری برای زدن یکدیگر تبدیل

پرونده فساد «دبش» شده، در سخنانی گفته «از مهم‌ترین اصول مبارزه جدی با فساد، پرهیز از رویکردهای سیاسی در فسادستیزی است.»

در عمل اما فسادها و اختلاس‌های ریز و درشت در جمهوری اسلامی، در سایه حمایت دولت‌های مختلف اصولگرا و اصلاح‌طلب رخ داده و هر یک از جریان‌ها بر گوشه‌ای از «سفره انقلاب» نشسته و بیش از چهار دهه در حال «تناول» منابع و ثروت کشورند.

هرچند در میان متهمان پرونده‌های فساد اقتصادی، وزنه تباهکاری اصلاح‌طلبان بیشتر است و چهره‌هایی چون غلامحسین کرباسچی، حسین فریدون، شبنم نعمت‌زاده و مهدی جهانگیری حضور دارند اما مافیاهای وابسته به اصولگرایان و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز ید طولایی در ایجاد و گسترش شبکه‌های مافیایی فساد اقتصادی دارند. برای مثال، علیرضا زاکانی که در زمان نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دهه ۹۰ خورشیدی مدعی عدالتخواهی و مبارزه با فساد بود، اکنون به عنوان شهردار تهران با فسادهای پی در پی و توزیع رانت میان نزدیکانش خبرساز شده است.

در مجموع، فساد در تار و پود ساختار جمهوری اسلامی تنیده شده و «مبارزه با فساد» و «اصلاح ساختار» تنها نمایش و ادعایی است که از پشت تریبون‌ها در رقابت‌های انتخاباتی و یا برای «زدن» جناح رقیب مطرح می‌شود. به ویژه آنکه جناحین حکومت برای تبلیغاتی به سود خود جهت انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی که قرار است در نیمه اسفند برگزار شود، خیز برداشته‌اند. وگرنه تا جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام فاسد و فسادپرور در ایران حاکم است، فساد و تباهی از کشور رخت بر نخواهد بست.

گزارش تکاندنده سازمان عفو بین‌الملل از آزار جنسی و تجاوز به بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱



بر اساس ارزیابی سازمان عفو بین‌الملل هدف از این شکنجه‌ها «القای ترس و وارد کردن ضربه‌های روحی پایدار» به زندانیان بوده تا آنها را از شرکت در تظاهرات آتی یا سایر اقدامات اعتراضی نظیر بی‌حجاب شدن در ملاء عام در مورد زنان و دختران بازدارد.

سازمان عفو بین‌الملل با انتشار شواهد برخی از بازداشت‌شدگان تأکید کرده که تجاوز جنسی و سایر خشونت‌های جنسی، اغلب با اشکال دیگر شکنجه و برخورد‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز مانند کتک‌زدن، شلاق زدن، ضربه با شوک الکتریکی، تجویز قرص‌ها یا تزریق داروهای نامشخص، محرومیت از غذا و آب، ایجاد شرایط ظالمانه و غیرانسانی در دوران بازداشت و جلوگیری از مراقبت‌های پزشکی و درمانی به آسیب‌دیدگان همراه بوده است.

برهنه کردن افراد برای ساعت‌ها در مقابل دیگر زندانیان یا استفاده از شوک الکتریکی روی اندام‌های تناسلی، و محرومیت عمدی از دسترسی به توالت از جمله دیگر آزارها و رفتارهای تحقیرکننده با بازداشت‌شدگان بوده است.

تنها یک بخش از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی این شکنجه‌های تکاندنده را انجام نمی‌دادند و بر اساس گزارش سازمان عفو بین‌الملل افراد شکنجه‌گر از مأموران سپاه پاسداران، نیروهای شبه‌نظامی بسیج، مأموران وزارت اطلاعات و همچنین شاخه‌های مختلف نیروی انتظامی از جمله پلیس امنیت عمومی، پلیس آگاهی و یگان ویژه نیروی انتظامی بوده‌اند.

همچنین تجاوزها و آزارهای جنسی در مکان‌ها مختلف، از ون‌هایی که بازداشت‌شدگان را منتقل می‌کرد تا بازداشتگاه‌های رسمی و مکان‌هایی چون مدارس که در دوران اعتراضات به عنوان بازداشتگاه موقت استفاده می‌شد صورت گرفته است.

با اعتراضات سال‌های گذشته، تجاوز و خشونت جنسی علیه بازداشت‌شدگان با افزایش نگران‌کننده‌ای روبرو بوده است. این گزارش در برگیرنده روایت‌های تکاندنده بازداشت‌شدگان از تجربه آزار جنسی و تجاوز است. بر اساس این گزارش تجاوز به زنان به صورت واژینال، مقعدی و دهانی بوده و تجاوز به مردان به صورت مقعدی انجام شده است. بخش دیگری از این گزارش نوشته شهروندان بازداشت‌شده با باتوم‌های چوبی و فلزی، بطری‌های شیشه‌ای، شلنگ و یا اندام‌های جنسی و انگشتان مأموران مرد مورد تجاوز قرار گرفته‌اند.

یک زن جوان به سازمان عفو بین‌الملل گفته که پس از بازداشت توسط مأموران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به یک ون انداخته شده و سپس به مدت دو ماه در بازداشتگاه محبوس بوده و شکنجه شده است. این زن جوان درباره آزارهای جنسی تجربه کرده طی این دو ماه گفته «دو مأمور به من تجاوز کردند، از جمله بطور مقعدی با یک بطری. حتی حیوانات هم این کارها را انجام می‌دهند. من در مقایسه با آنها به لحاظ جثه خیلی کوچک بودم. پس از آن، از هوش رفتم.»

«مریم» به عفو بین‌الملل گفته قربانی تجاوز گروهی مأموران بوده و ماموران به او گفته‌اند: «شما همه معتاد آلت تناسلی مردان هستید. ما هم به شما حال دادیم. مگر هدفان از آزادی همین نیست.»

«فرزاد» شهروند بازداشت‌شده دیگری به عفو بین‌الملل گفته در یک ون متعلق به نیروی انتظامی اما توسط مأموران لباس شخصی مورد تجاوز قرار گرفته است. او گفته مأموران لباس شخصی او را رو به دیواره ون قرار داده، به پاهایش شوک الکتریکی وارد کرده و ضمن ضرب و جرح شدید که موجب شکستگی بینی و دندان‌هایش شد، شلوارش را پایین کشیدند و به او تجاوز کردند بطوری که دچار خونریزی شدید از مقعد شده است.

● شهروندان بازداشت‌شده با باتوم‌های چوبی و فلزی، بطری‌های شیشه‌ای، شلنگ و یا اندام‌های جنسی و انگشتان مأموران مرد مورد تجاوز قرار گرفته‌اند.

● آزار جنسی و تجاوز به شهروندان بازداشت‌شده با کتک‌زدن، شلاق زدن، ضربه با شوک الکتریکی، تجویز قرص‌ها یا تزریق داروهای نامشخص، محرومیت از غذا و آب، همراه بوده است.

● بیشتر قربانیان پس از بازداشت آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت را متحمل شده‌اند و برخی به همین خاطر تمایل به خودکشی از خود نشان داده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل در گزارش تحقیقی تکاندنده‌ای از آزار جنسی و تجاوز به بازداشت‌شدگان اعتراضات جنبش ملی سال ۱۴۰۱ خبر داده است.

سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی تحقیقی در ۱۱۸ صفحه به تجربه‌های هولناک ۴۵ شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات سال گذشته شامل ۲۶ مرد، ۱۲ زن و ۷ کودک پرداخته که نشان از تجاوز و آزار جنسی بازداشت‌شدگان از سوی مأموران جمهوری اسلامی، در کنار دیگر ابعاد شکنجه‌های ویران‌کننده و دردناک دارد.

همه این افراد در حد فاصل شهریور تا دی ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات بازداشت شده‌اند و عفو بین‌الملل توانسته با آنها، وکلایشان و یا خانواده‌هایشان آنها صحبت کند و به مدارک تصویری و سوابق پزشکی آنها دسترسی پیدا کند.

از میان ۴۵ پرونده بررسی شده از سوی سازمان عفو بین‌الملل، ۱۶ نفر مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند که شامل ۶ زن، ۷ مرد، یک کودک دختر ۱۴ ساله و دو کودک پسر ۱۶ و ۱۷ ساله هستند. همچنین ۶ نفر از این افراد شامل ۴ زن و ۲ مرد توسط مأموران مرد به صورت گروهی مورد تجاوز قرار گرفته‌اند.

در این گزارش آمده که در اعتراضات سال ۱۴۰۱ در مقایسه

بیشتر قربانیان پس از بازداشت آسیب‌های جسمی

شاهرخ شاهید خواننده وطن دوست درگذشت



شاهرخ خواننده ایرانی ساکن لس آنجلس پس از چند سال مبارزه با بیماری سرطان بامداد یکشنبه ۱۲ آذرماه در سن هفتاد سالگی درگذشت.

این هنرمند با وجود بیماری، سال گذشته در تجمعات ایرانی‌ها در حمایت از جنبش ملی حضور می‌یافت و ترانه اجرا می‌کرد.

وی به اجرای آثاری با مضامین سیاسی علیه حکومت مشهور بود.

شاهرخ چهارسال پیش از انقلاب ۱۳۵۷ برای ادامه تحصیل موسیقی و فعالیت در ارکستر فلارمونیک شهر لس آنجلس به آمریکا مهاجرت کرد اما بعد از پایان تحصیلات به ایران بازگشت.

او یک شب پیش از ورود روح‌الله خمینی به تهران به ایالات متحده بازگشت و به فعالیت هنری خود همراه با پشتیبانی از اعتراضات مردم در تمامی سال‌های گذشته ادامه داد.

و روانی ناشی از تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت را متحمل شده‌اند و برخی به همین خاطر تمایل به خودکشی از خود نشان داده‌اند. مادر یک دانش آموز دبیرستانی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود به عفو بین‌الملل گفت پسرش در حین بازداشت «دو بار سعی کرده بود به زندگی خود پایان دهد».

یک دختر معترض دیگر که در بازداشت قربانی خشونت جنسی مأموران جمهوری اسلامی شده، به عفو بین‌الملل گفت خیلی زیاد به خودکشی فکر می‌کند.

یک عضو کادر درمان که دانش‌آموزی دبیرستانی را پس از یک ماه بازداشت معاینه کرده بود به عفو بین‌الملل گفته است: «تجهیزات بهداشتی‌ای برای آنها وجود نداشت که باعث می‌شد فضا برای آنان غیرقابل تحمل شود. اگر یکی از آنها عادت ماهانه داشت، به او نوار بهداشتی نمی‌دادند و خونس همه جا پخش می‌شد».

در این گزارش آمده که «آسیب‌دیدگان خشونت‌های جنسی و تجاوز شامل زنان و کودکان دختری بودند که با جسارت روسری‌های خود را در اعتراضات از سر برداشته بودند و همچنین مردان و کودکان پسری که به خیابان‌ها آمدند تا خشم خود را نسبت به چند دهه ظلم و ستم حکومتی و تبعیض جنسیتی ابراز کنند».

سازمان عفو بین‌الملل همچنین گزارش داده که «تا به امروز، مقامات ایرانی هیچ یک از مقامات دولتی را به دلیل تجاوز جنسی و سایر خشونت‌های جنسی مستند شده در این گزارش متهم نکرده یا تحت پیگرد قانونی قرار نداده‌اند.» سازمان عفو بین‌الملل همچنین تأکید کرده که مواردی چون «ترس از طرد شدن» و یا انتقام از خویشاوندان توسط مأموران باعث شده است تا همچنان برخی از قربانیان درباره تجربه آزار جنسی خود سکوت کنند. عفو بین‌الملل بر همین اساس برآورد کرده که تعداد بازداشت‌شدگانی که مورد آزارهای جنسی قرار گرفتند باید بسیار بیشتر از موارد ثبت شده در گزارش این سازمان باشد.

انیس کالامار، دبیرکل عفو بین‌الملل گفته: «شهادت‌های هولناکی که جمع‌آوری کردیم به الگوی گسترده‌تری از کاربرد خشونت جنسی به‌عنوان یک سلاح کلیدی در زرادخانه سلاح‌های مقامات جمهوری اسلامی برای پایان دادن به اعتراضات و سرکوب مخالفان برای حفظ قدرت به هر قیمتی، اشاره دارد».

خانم کالامار در این بیانیه به خشونت و تجاوز جنسی به معترضان، حتی کودکی که تنها ۱۲ سال داشته، اشاره کرده و گفته است: «اکثریت قریب به اتفاق آسیب‌دیدگان به عفو بین‌الملل گفته‌اند که پس از آزادی، طرح شکایت نکرده‌اند، زیرا از آسیب بیشتر می‌ترسند و معتقدند که قوه قضائیه (ایران) نه برای جبران خسارت که ابزاری برای سرکوب است».

قربانیان خشونت جنسی و تجاوز در حالی از شکایت هراس داشته‌اند که سه نفر از این افراد پس از آزادی شکایت کردند. دو نفر آنها پس از آنکه مأموران امنیتی تهدید کردند خودشان و خانواده‌هایشان را ربوده و می‌کشند، شکایت خود را به اجبار پس گرفتند.

یکی از مقامات ارشد حکومتی هم به شاکای سوم گفته است که او بازرسی بدنی را با خشونت جنسی اشتباه گرفته است!

عفو بین‌الملل تأکید کرده که دادستان‌ها و قاضی‌های ایران نه تنها شکایت‌های قربانیان تجاوز در بازداشتگاه‌ها را مسکوت گذاشته‌اند بلکه از اعترافات اجباری که تحت تجاوز و شکنجه به دست آمده برای صدور احکام اعدام و زندان علیه معترضان استفاده کرده‌اند.

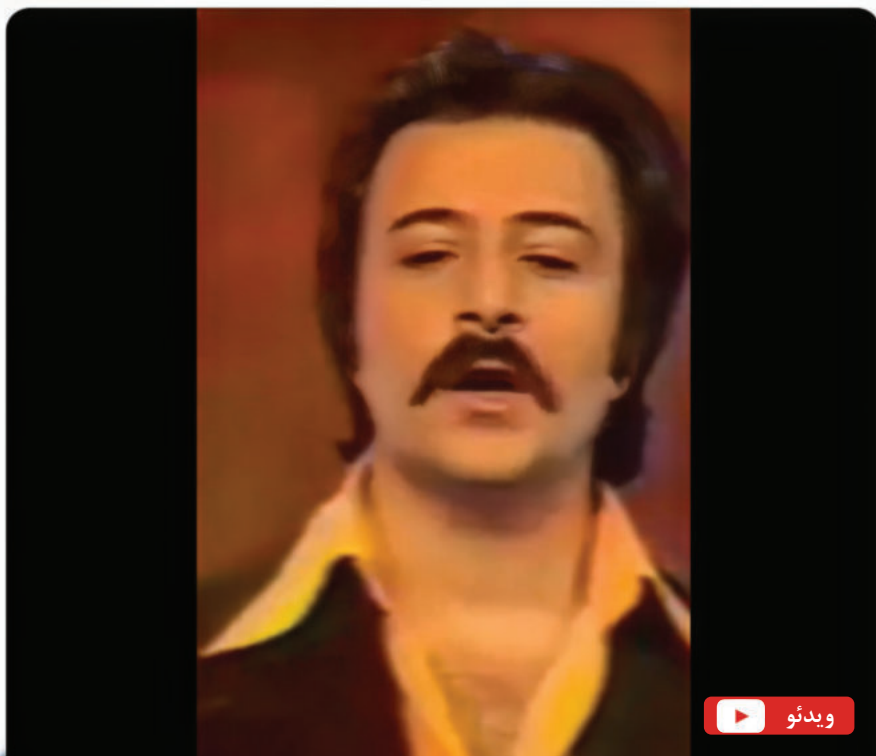


Reza Pahlavi
@PahlaviReza

پیام شاهزاده رضا پهلوی

شاهرخ شاهید یکی از نخستین هنرمندان ایرانی در تبعید بود که هنرش را به مبارزه آشکار با جمهوری اسلامی پیوند زد و در تمام ۴۴ سال گذشته، در این مبارزه در کنار مردمش پابرجا ایستاد. او به درستی معتقد بود که هیچ ایرانی تبعیدی نمی‌تواند بگوید که سیاسی نیست. شوربختانه این هنرمند میهن‌پرست زود از میان ما رفت اما ترانه‌های دلنشین و صدای گرمش تا سالها برای ایرانیان ماندگار خواهد بود. فقدان شاهرخ را به خانواده وی، جامعه هنری ایران، و همه دوستان و دوستانش تسلیت می‌گویم. یادش گرامی!

Translate post



ویدیو

شهبانو فرح پهلوی و گلشیفته فراهانی در آثار نمایشگاه روشنگر امین‌الهی

● روشنگر امین‌الهی: «از کودکی به یاد دارم که مادرم اشعار حافظ و فردوسی را برایم می‌خواند. هر وقت بخوام نقاشی کنم، کتاب‌های شعرم و کتاب‌های موزه‌ای ام از ایران را دارم که می‌خوانم و به آنها برمی‌گردم. در حال حاضر انتظار دیگری ندارم. به نوعی، شخصیت‌هایی را در شاهنامه داریم مثل رستم، پهلوان افسانه‌ای که همیشه می‌آید و ایران را نجات می‌دهد. من با این شخصیت آمیخته شده‌ام.»

● وقتی ایران را ترک کرد، همسرش را که به او عشق می‌ورزید و دو فرزندش را از دست داد. او هنوز استوار ایستاده است- سرش را با وقار و متانت و صبر، بالا نگه داشته و مردم او را دوست دارند. این قابل تحسین است.

● «احساس می‌کنم همه ما به نوعی در حال زندگی کردن مثل گردآفرید هستیم: شخصیت او مانند یک شاهزاده‌خانم است، اما وقتی لازم باشد، کلاه خود به سر می‌گذارد و به جنگ می‌رود.»

«چهره‌های مقاومت» عنوان نمایشگاهی در گالری «ایام» دوی است که در آن روشنگر امین‌الهی هنرمند نقاش به بانوان برجسته تاریخ و فرهنگ معاصر مانند ملکه فرح پهلوی، گلشیفته فراهانی بازیگر سینمای ایران و بین‌المللی، روزا پارکس فعال حقوق مدنی آفریقایی- آمریکایی و سیمون دوبووار نویسنده فرانسوی و مدافع حقوق زنان و برخی از چهره‌های دیگر ادای احترام می‌کند. با این حال، زنان در این پرتوها بی‌چهره هستند.

برای امین‌الهی، سرزمین‌اش، ایران موضوعی احساسی است. برنامه جدید او از مبارزات شخصی و همچنین از مرگ بی‌رحمانه مهسا امینی در سال گذشته و همه اعتراضات طرفدار زنان در سراسر جهان الهام گرفته است. این نمایشگاه تا ۲ ژانویه ۲۰۲۴ ادامه خواهد داشت.

روشنگر امین‌الهی که در سال ۱۹۷۲ در ایران به دنیا آمده، در گفتگو با کیهان لایف در این گالری، از اسطوره‌شناسی ایرانی، زیبایی درونی و زنان ایرانی مورد تحسین خود صحبت کرده است.

● کار شما در گالری به وضوح زن‌محور است. می‌خواستید نمایش‌تان اساساً چه موضوعی داشته باشد؟

-می‌خواستم این نمایشگاه جنبه «سیاسی» داشته باشد. این نمایش درباره قدرت است. این مقوله به عنوان زنی که در جامعه‌های زندگی می‌کنید که در آن مردان حرف آخر را می‌زنند، همیشه سخت بوده. در اینجا، آنچه من سعی کردم نشان دهم این است که زنان از کشورهای مختلف در نقش‌های متفاوت چه چیزی را پشت سر گذاشته‌اند و چگونه خود را تثبیت کرده‌اند.

در این نمایشگاه، من پرتوهای از ملکه الیزابت دوم دارم



نمایشگاه نقاشی روشنگر امین‌الهی / PIA TORELLI-9448 COP©

می‌کرد. اما استقامت نشان داد و موفق شد.

● درباره سابقه خودتان و اینکه چگونه علاقه شما به هنر شروع شد بگویید.

-من همیشه مشغول طراحی و نقاشی بودم. در ۸ یا ۹ سالگی پدر و مادرم مرا در کلاس‌های خصوصی نقاشی ثبت نام کردند. سال‌ها بعد شروع به شرکت در کلاس‌های آکادمیک مناسب کردم. در طول زندگی‌ام همواره نزد تعدادی از بهترین معلمان تهران هنرآموزی کردم. آنجا یاد می‌گرفتم و موازی با آن کار هنری می‌کردم. زمانی که می‌خواستم وارد دانشگاه شوم، طراحی گرافیک را انتخاب کردم و فوق لیسانس گرفتم. سپس در بهترین آژانس تبلیغاتی تهران مشغول به کار شدم که جالب بود. تبلیغات چیزهای زیادی به من آموخت، به خصوص اهمیت داشت یک ایده. من به زندگی‌ام به سوی هنر هیچ نوع تغییری ندادم زیرا هنر پیوسته در زندگی من جریان داشته است.

● آیا موضوع خاصی وجود دارد که بیشتر در کار خود به بررسی آن می‌پردازید؟

-برای ما ایرانی‌ها، به دلیل آنچه در کشورمان می‌گذرد، مدام به عقب نگاه می‌کنم. من به جلو نگاه نمی‌کنم. کار من مربوط به شعر است. از کودکی به یاد دارم که مادرم اشعار حافظ و شاهنامه فردوسی را برایم می‌خواند.

هر وقت بخوام نقاشی کنم، کتاب‌های شعرم و کتاب‌های موزه‌ای ام از ایران را دارم که می‌خوانم و به آنها برمی‌گردم. در حال حاضر انتظار دیگری ندارم. به نوعی، شخصیت‌هایی را در شاهنامه داریم مثل رستم، پهلوان افسانه‌ای که همیشه می‌آید و ایران را نجات می‌دهد. من با این شخصیت آمیخته شده‌ام.

یک زن جنگجوی دیگری وجود دارد که من با او ارتباط دارم. نام او گردآفرید است. احساس می‌کنم همه ما در حال زندگی کردن به این شکل هستیم: شخصیت او مانند یک شاهزاده‌خانم است، اما وقتی لازم باشد، کلاه خود به سر می‌گذارد و به جنگ می‌رود.

*منبع: کیهان لایف

*نویسنده: روا تالاس

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

که به عنوان طولانی‌ترین سلطنت در تاریخ بریتانیا و به عنوان یک زن، سهم قابل توجهی داشته است. رهبری و تعهد او به خدمات عمومی الهام‌بخش نسل‌ها بوده است. همچنین شهبانو فرح کارهای زیادی برای هنر و فرهنگ انجام داده و به عنوان یک ملکه، در ابتکارات مختلفی با هدف توانمندسازی و حمایت از بانوان مشارکت داشته‌اند از جمله حمایت از آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و حقوق اجتماعی زنان تا ایفای نقش در ترویج برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی که موقعیت آنان در ایران را بطور قابل توجهی در طول زندگی خود بهبود بخشید.

وجه مشترک همه این زنان استقامت و تاب‌آوری است. من چهره آنها را پنهان کردم زیرا معتقدم حتی اگر آنان را نبینید، آنقدر شخصیت‌های جسورانه‌ای دارند که می‌توانید آنرا کشف کنید.

● با این حال پنهان کردن چهره آنها را می‌توان به روش‌های مختلفی تفسیر کرد.

-قطعاً تعبیر دیگر این است که همه به چیزهای سطحی نگاه می‌کنند، اما برای من زیبایی در این زنان در اعمال، شخصیت و آنچه است که به دست آورده‌اند.

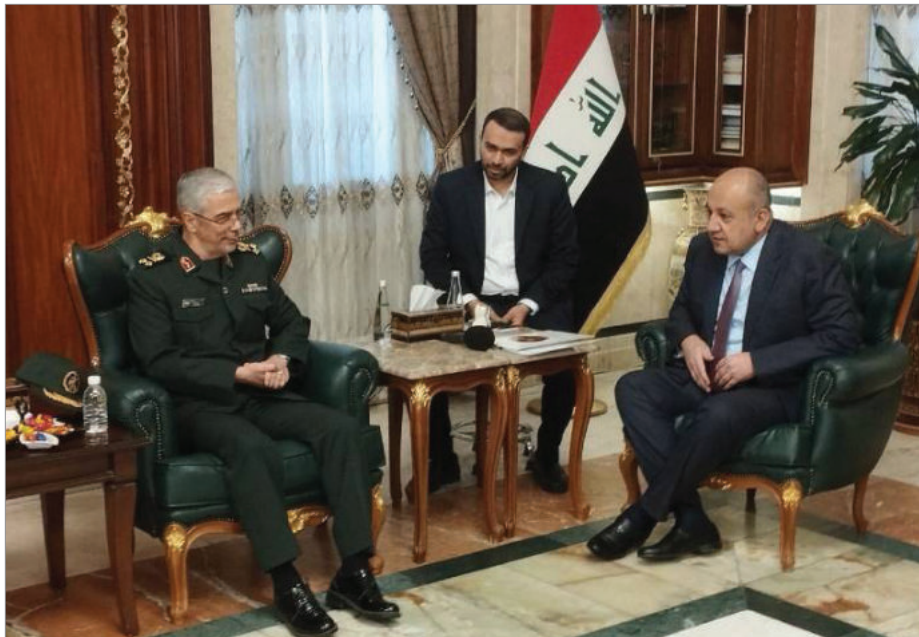
● آیا بانوی خاصی وجود دارد که به تصویر کشیده‌اید و بیشتر شما را مجذوب خود کرده باشد؟

-هر زن داستانی دارد. با شهبانو فرح شروع شد. وقتی ایران را ترک کرد، همسرش را که به او عشق می‌ورزید و دو فرزندش را از دست داد. او هنوز استوار ایستاده است- سرش را با وقار و متانت و صبر، بالا نگه داشته و مردم او را دوست دارند. این قابل تحسین است.

● می‌توانید در مورد برخی از بانوان ایرانی دیگری که به تصویر کشیده‌اید صحبت کنید؟

-گلشیفته فراهانی بازیگر ایرانی- فرانسوی. من واقعاً شخصیت او را دوست دارم، زیرا او یک جنگجو است. من یک مصاحبه از او را تماشا کردم، جایی که واقعاً باز حرفش را زد و درباره چگونگی ترک ایران، بازگشتش و بازجویی از سوی مسئولان صحبت کرد. این یک اتفاق بسیار شجاعانه بود. بعد مجبور شد کشور و خانواده‌اش را پشت سر بگذارد، که بسیار سخت است. باید در کشور دیگری از صفر شروع

انتقاد جمهوری اسلامی از دولت عراق در روند «خلع سلاح» گروه‌های کُرد



دیدار رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با وزیر دفاع عراق

وی به مقامات عراقی در مورد «طرح‌ریزی و فعالیت مشترک نیروهای مرزبانی» پیشنهاداتی ارائه داده است. رئیس ستادکل نیروهای مسلح دیدارهایی با همتای عراقی خود و همچنین وزیر دفاع این کشور داشت. وی به محمد ثابت سعید العباسی وزیر دفاع عراق گفته «معتقدیم همکاری‌های بین نیروهای مسلح دو کشور با وجود زمینه‌ها و ظرفیت‌های فراوان همچنان با نقطه مطلوب فاصله دارد.» با اینکه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آبان‌ماه ۱۴۰۱ پایگاه‌های این گروه‌ها را با موشک و پهپاد هدف قرار داد اما از صحبت‌های باقری چنین به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی از مقامات بغداد توقع اقدامات بیشتری علیه گروه‌های کُرد دارد.

باقری همچنین در دیدار با محمد شیاع السودانی نخست‌وزیر عراق به وی گفته انتظار می‌رود تکمیل فرآیند «خلع سلاح» گروه‌های ضدانقلاب با جدیت پیگیری شود. سفر این مقام ارشد نظامی رژیم ایران به بغداد همزمان با افزایش حملات راکتی شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران به پایگاه‌های آمریکایی در منطقه بوده است. جمهوری اسلامی از ضعف‌های امنیتی عراق برای تقویت شبه‌نظامیان حشدالشعبی و گروه‌های موازی و افزایش نفوذ خود در این کشور همسایه سوء استفاده می‌کند. عمده نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در جنوب عراق در استان‌های شیعه‌نشین فعال‌اند اما این شبه‌نظامیان در سراسر عراق به ویژه در مرز سوریه به نیابت از سپاه پاسداران و رژیم ایران مرتب به پایگاه‌های آمریکایی راکت‌برانی می‌کنند.

منابع غیررسمی می‌گویند که در این سفر باقری به مقامات سیاسی و امنیتی عراق در مورد فعالیت‌های احتمالی نهادهای امنیتی اسرائیل از خاک این کشور علیه جمهوری اسلامی هشدار داده است.

● رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در دیدار با وزیر کشور عراق در جریان سفر به بغداد گفت، «هنوز شواهد و نگرانی‌هایی از حضور برخی عناصر تروریستی ضدانقلاب در مرزها وجود دارد و انتظار می‌رود دولت عراق تا خلع سلاح کامل این گروه‌ها به اقدامات خود ادامه دهد.»

● باقری همچنین به وزیر دفاع عراق گفته «معتقدیم همکاری‌های بین نیروهای مسلح دو کشور با وجود زمینه‌ها و ظرفیت‌های فراوان همچنان با نقطه مطلوب فاصله دارد.»

● خواسته جمهوری اسلامی همکاری مشترک مرزی با عراق است اما به جزئیات بیشتری اشاره نشده است. -منابع غیررسمی می‌گویند که در این سفر باقری به مقامات سیاسی و امنیتی عراق در مورد فعالیت‌های احتمالی نهادهای امنیتی اسرائیل از خاک این کشور علیه جمهوری اسلامی هشدار داده است. جمهوری اسلامی برای اقدام بیشتر علیه گروه‌ها و احزاب کُرد مستقر در مناطق غربی، دولت عراق را زیر فشار گذاشته است.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در دیدار با وزیر کشور عراق در جریان سفر به بغداد گفت، «هنوز شواهد و نگرانی‌هایی از حضور برخی عناصر تروریستی ضدانقلاب در مرزها وجود دارد و انتظار می‌رود دولت عراق تا خلع سلاح کامل این گروه‌ها به اقدامات خود ادامه دهد.»

محمد باقری روز یکشنبه ۱۲ آذرماه در این دیدار از دولت عراق برای «دور کردن» گروه‌های مسلح از مرز ایران و با اقلیم کردستان عراق قدردانی کرده اما گفته «دولت عراق تا خلع سلاح کامل گروه‌های تروریستی به اقدامات خود ادامه دهد.»

رازگشائی از قتل کشیش‌های مسیحی در گفتگو با ایرج مصداقی



«رازگشائی از قتل کشیش‌های مسیحی» تازه‌ترین کتاب پژوهشی ایرج مصداقی نویسنده ایرانی ساکن سوئد است. این کتاب در سه بخش به بررسی قتل روحانیون مسیحی در سال‌های بعد از انقلاب ۵۷ و در دوران قتل‌های زنجیره‌ای می‌پردازد.

فصلی از این کتاب گفتگویی است بین ایرج مصداقی و فرحناز انامی از هواداران سازمان مجاهدین خلق که در دادگاهی به اتهام قتل اسقف طاطائوس میکائیلیان به زندان محکوم شد. فرحناز انامی تصور می‌کرد که فرمان قتل این روحانی مسیحی از سوی رهبری مجاهدین صادر شده و تصور نمی‌کرد که بازیچه دست نیروهای امنیتی در دوران وزارت علی فلاحیان و مدیریت سعید امامی قرار گرفته است.

ایرج مصداقی قتل رئیس شورای کشیشان کلیسای جماعت ربانی و دو روحانی مسیحی دیگر هایک هوسیپیان مهر و مهدی دیباج را سرآغاز آنچه بعدها با نام قتل‌های زنجیره‌ای شهرت یافت می‌داند. پیش از قتل طاطائوس میکائیلیان، هایک هوسیپیان مهر اسقف کلیسای جماعت ربانی ربوده شده بود. پیکر بیجان او که با ۲۶ ضربه چاقو به قتل رسیده بود در حومه «اسلام‌آباد» تهران پیدا شد. پیکر مثله‌شده مهدی دیباج نیز در همان زمان در محل دیگری پیدا شد. احمد رأفت با ایرج مصداقی گفتگویی انجام داده است.

سفیر اسرائیل در سازمان ملل: کمک ۱۵ میلیون دلاری جرج سوروس به سازمان‌های ضداسرائیلی شرم‌آور است



جرج سوروس / عکس: رویترز

داده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد بنیاد وابسته به سوروس بودجه قابل توجهی را به سازمان‌های غیردولتی ضد اسرائیلی که گفته می‌شود طرفدار حماس هستند، اختصاص داده است.

فاکس نیوز در ماه اکتبر از رابرت مالی، نماینده منتظرخدمت بایدن در امور ایران به دلیل تلاش او برای ارتباط با جریان‌های تروریستی از جمله حماس و حزب‌الله که در لیست سیاه آمریکا قرار دارد گزارش داده بود.

مالی در یک ویدئو ادعا کرده بود که «اطلاعات نادرست زیادی در مورد آنها [حماس] وجود دارد... من با آنها صحبت می‌کنم و همکارانم با آنها [حماس] صحبت می‌کنند، و اگرچه ممکن است با آنها مخالف باشیم، اما آنها عقلانیت خاص خود را دارند... هیچکدام دیوانه نیستند... و مقاومت برای آنها جنبه فرهنگی دارد.»

روزنامه «نیویورک پست» گزارش داده بود که سوروس در طول هفت سال گذشته بیش از ۱۵ میلیون دلار به ده‌ها گروه طرفدار فلسطین که اعتراضات علیه اسرائیل را در آمریکا سازماندهی می‌کنند کمک کرده است.

بر اساس گزارشی که این روزنامه منتشر کرده بود بررسی در سوابق «بنیاد جامعه باز» (وابسته به سوروس) نشان می‌دهد که شبکه کمک مالی وی ۷/۱۳ میلیون دلار برای گروه‌های طرفدار فلسطین از طریق «Tides» تامین شده است که یک گروه چپ‌گراست. این گروه از چندین سازمان غیرانتفاعی حمایت می‌کند که تظاهرات علیه اسرائیل را هدایت می‌کنند.

فاکس نیوز تلاش کرده است از دفتر سوروس بپرسد که آیا حماس را یک سازمان تروریستی می‌دانند یا نه ولی آنها از پاسخ خودداری کردند. با این حال سخنگوی OSF گفت که «بنیاد جامعه باز حملات وحشیانه به شهروندان اسرائیل را محکوم می‌کند. ما مانند بسیاری دیگر در سراسر

ارنفلد در کتاب خود آورده که «خیلی زود پس از استقرار در کاخ سفید، بایدن رابرت مالی را به عنوان فرستاده ویژه خود در ایران منصوب کرد. مالی مدیرعامل سابق گروه بین‌المللی بحران مستقر در بروکسل است که تحت حمایت سوروس قرار دارد و مانند سوروس از اسرائیل انتقاد کرده و حماس را تحسین می‌کند.»

در ادامه گزارش فاکس نیوز آمده، آمریکا و اتحادیه اروپا حماس را در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی قرار



گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل

● گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل به «فاکس نیوز» گفت: «کمک‌های سوروس به سازمان‌هایی که به دنبال نابودی کشور اسرائیل به عنوان یک کشور یهود هستند شرم‌آور است اما از این کمک‌ها تعجب نمی‌کنم.»

● راشل ارنفلد نویسنده کتاب «دستور کار سوروس» (the George Soros agenda)، به فاکس نیوز می‌گوید: «حمایت از گروه‌های حامی حماس و فلسطینی‌ها در ایالات متحده به نهادهای خارجی محدود نمی‌شود، بلکه بطور مستقیم و غیرمستقیم از بنیادهای مستقر در ایالات متحده می‌آید که بنیاد «جامعه باز» الکساندر سوروس (OSF) یکی از آنهاست.»

● بنیادهای وابسته به سوروس از دو سازمان غیردولتی به نام «صدای یهود برای صلح» (JVP) و «IfNotNow» حمایت مالی کرده است. روزی که حماس ۱۲۰۰ نفر را در اسرائیل قتل‌عام کرد، گروه «JVP» در بیانیه‌ای اعلام کرد منشاء تمام این خشونت‌ها آپارتاید و اشغال اسرائیل با همدستی ایالات متحده در این ظلم است.

● منتقدان می‌گویند بنیاد سوروس به سازمان‌هایی کمک مالی می‌کند که در پوشش یهودی علیه اسرائیل فعالیت می‌کنند.

سفیر اسرائیل در سازمان ملل با انتقاد شدید از جرج سوروس سرمایه‌دار میلیاردر وی را متهم به پرداخت بیش از ۱۵ میلیون دلار به سازمان‌های غیردولتی کرده که گفته می‌شود حامی حماس هستند.

گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل سوم دسامبر (۱۲ آذرماه) به «فاکس نیوز» گفت: «کمک‌های سوروس به سازمان‌هایی که به دنبال نابودی کشور اسرائیل به عنوان یک کشور یهودی هستند شرم‌آور است اما از این کمک‌ها تعجب نمی‌کنم.»

حماس که مورد حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است در عملیات مرگبار «هفت اکتبر» با حمله وحشیانه تروریستی به اسرائیل بیش از ۱۲۰۰ نفر را کشت و حدود ۲۰۰ شهروند این کشور را به گروگان گرفت.

اردان که یک کمپین ضدتروریسم علیه جنایت‌های حماس را هدایت می‌کند افزود: «سال‌هاست که سوروس از سازمان‌های حامی BDS که می‌خواهند اسرائیل را منزوی کنند، حمایت کرده و به آنها پول داده است. آنها هرگز به دنبال صلح واقعی و یا هیچ راه حلی برای مناقشه اسرائیل و فلسطین نبوده‌اند.»

کمپین «Boycott, Divestment, Sanctions» یا (BDS) که دولت یهود و کشور اسرائیل را هدف قرار می‌دهد توسط پارلمان‌های آلمان و اتریش به عنوان یک جنبش یهودستیز طبقه‌بندی شده است که در مورد تحریم تجارت و معامله با یهودی‌ها شبیه نازی‌ها عمل می‌کنند.

راشل ارنفلد نویسنده کتاب «دستور کار سوروس» (the George Soros agenda) به فاکس نیوز می‌گوید: «حمایت از گروه‌های حامی حماس و فلسطینی‌ها در ایالات متحده به نهادهای خارجی محدود نمی‌شود، بلکه بطور مستقیم و غیرمستقیم از بنیادهای مستقر در ایالات متحده می‌آید و بنیاد «جامعه باز» الکساندر سوروس (OSF) یکی از آنهاست.»

امور بالا و امور پائین

(کیهان لندن شماره ۱۰۴۶) اسفندماه ۱۳۸۳

بازنشر

خیراندیش (احمد احرار)



آتش‌سوزی مسجد ارگ تهران در ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۳

تغییر داد. مقبره او به نام گنبد سلطانیه در نزدیکی زنجان از بناهای تاریخی ایران است. وقتی این مقبره را بنا نهاد به خیال افتاد که جسد مطهر حضرت علی را از نجف بدانجا منتقل کند. شبی حضرت را به خواب دید که فرمود «ای شاه خداینده - سن ده، سن ده، من ده من ده» مال تو مال خودت، مال من مال خودم!

ای کاش حضرت باری تعالی هم جرئیل یا میکائیل یا امام و پیغمبری را به خواب کسی که مدعی نمایندگی خدا بر روی زمین است می‌فرستاد و به یک زبانی، ترکی یا فارسی یا عربی یا عبری، به او حالی می‌کرد که «سن ده، سن ده، من ده، من ده» آن پائین هر کاری از دست شما جماعت برآمده برای بی اعتبار کردن دستگاه بالا کرده‌اید، حالا دیگر کار زمین را از کار آسمان تفکیک کنید و بگذارید احترام ما پیش بندگانمان محفوظ بماند.

در «ممتازالحکایه» آمده است که هلاکوخان مغول وقتی وارد بابل شد تمام مردم آنجا فرار کردند مگر یک تن که آنجا مانده بود. هلاکو با او گفت تو کیستی. گفت من خدای زمینم، مگر نشینده‌ای که در آسمان خدایی است و در زمین خدایی؟

هلاکو گفت خدای آسمان بر همه کار قادر است آیا تو نیز قدرت داری بر همه اشیاء زمین؟ گفت آری، هرچه می‌خواهی بگو.

هلاکو طفلی همراه داشت. گفت دهان این طفل بسیار تنگ است، اگر توانی آن را گشادکن.

گفت مرا با خدای آسمانها عهده‌ای است که آنچه متعلق است به بالا، بر عهده او باشد و آنچه متعلق است به پائین بر دمه من. اگر خواهی پائین او گشاد کنم. هلاکو بخندید و رفت!

در مورد ایران و ایرانی کار از این حرفها گذشته و برای التیام جراحات وارده مگر خدای آسمانها تفضل فرماید.

مسجد ارگ آتش گرفت و ۶۷ تن که اکثرشان زن و کودک بودند در این واقعه جان خود را از دست دادند، نزدیک به ۳۰۰ تن نیز مجروح شدند.

آنها که در بوق تبلیغات دمیدند و سالم ماندن مسجدی را در «سونامی» معجزه اسلام معرفی کردند باید دید حالا جواب خدا و بندگان خدا، مخصوصاً شیعیان و عزاداران حسینی را چه می‌دهند.

عبید می‌گوید اعرابی به حج رفت. در طواف دستارش بر بودند. گفت خدایا، یک بار که به خانه تو آمدم فرمودی که دستارم برپروند. اگر بار دیگر مرا اینجا ببینی بفرمای تا دندانهایم بشکنند.

کار زمین و آسمان را به هم ربط دادن و پای خدای عزّوجلّ را در هر مسأله‌ای به میان کشیدن، این قبیل حرفها را هم پیش می‌آورد. زبان بلفضول جماعت بر سر آفریدگار دراز می‌شود که خداوند، به داده‌ات شکر، به نداده‌ات هم شکر، اما تو که در چین و ماچین مراقبی میادا «سونامی» به خانه‌ات گزند برساند و حتی کافرانی را که به حریم مسجد پناه آورده‌اند از بلا محفوظ می‌داری چگونه است که در قلب ام‌البلاد اسلام، تنها سرزمینی که مشمول عنایت خاص خود قرار داده و حکومت الهی در آنجا برقرار ساخته‌ای، خانه‌ات را به کام آتش می‌سپاری و بر زن و مردی که به عشق فرزند فاطمه در آنجا گردآمده‌اند ترحم روا نمی‌داری؟

استغفرالله! بدیهی است که این جور حرفها هذیاناتی بیش نیست ولی این هذیانها را بیماری خرافه‌باوری به دنبال می‌آورد و خرافات را کسانی در باورهای مردم رسوخ می‌دهند که کسبشان فروش خانه‌های بهشت به خلق ساده‌دل خداست.

سلطان محمد خداینده از اعقاب هلاکوخان بود که اسلام اختیار کرد و نام مغولی خود - الجایتو خان - را به محمد

جهان امروز برای جان‌های از دست رفته و مجروحان و گروگان گرفته شده‌ها و خانواده‌های آنها متأسفیم.» سخنگوی OSF افزود: «[حماس] باید پاسخگوی جنایات جنگی و نقض قوانین بشردوستانه باشد.»

وی در پاسخ به پرسشی درباره اتهام کمک‌های مالی به سازمان‌های غیردولتی حامی حماس گفت: «هر یک از دریافت‌کنندگان کمک‌های ما دیدگاه‌های متفاوتی دارند و بطور معمول با یکدیگر مخالف هستند، اما استراتژی تأمین مالی ما که طی ۲۰ سال تکامل یافته، در جهت تلاش برای دستیابی به اهدافمان است. آینده‌ای امن که در آن حقوق و آزادی‌ها رعایت می‌شود. قوانین ضد تروریستی سختگیرانه‌ای در ایالات متحده وجود دارد که تعیین می‌کند بنیادی مانند OSF می‌تواند کدام سازمان‌ها را تأمین مالی کند. ما تلاش زیادی را صرف اطمینان از رعایت کامل این مقررات می‌کنیم.»

در سال ۲۰۰۷ سوروس یک مقاله نظری برای «فایننشال تایمز» نوشت و در آن از دولت‌های آمریکا و اسرائیل به دلیل به رسمیت نشناختن حماس به عنوان دولت قانونی نوار غزه انتقاد کرد.

بنیادهای وابسته به سوروس از دو سازمان غیردولتی به نام «صدای یهود برای صلح» (JVP) و «IfNotNow» حمایت مالی کرده است. روزی که حماس ۱۲۰۰ نفر را در اسرائیل قتل‌عام کرد، گروه «JVP» در بیانیه‌ای اعلام نمود منشاء تمام این خشونت‌ها آپارتاید و اشغال اسرائیل با همدستی ایالات متحده در این ظلم است.

کارشناسانی که جریان اصلی یهودستیزی را زیر نظر دارند استدلال می‌کنند که استفاده از عنوان یهودی برای این گروه از سازمان‌های غیردولتی گمراه کننده است. در همین ارتباط سازمان غیردولتی بین‌المللی «اتحادیه ضد افترا» نوشت: «صدای یهود برای صلح (JVP) یک گروه فعال ضد اسرائیلی و ضد صهیونیستی افراطی است که از تحریم اسرائیل و ریشه‌کن کردن صهیونیسم دفاع می‌کند و نماینده جامعه یهودی نیست.»

بررسی‌ها نشان می‌دهد بنیاد جرج سوروس از سال ۲۰۱۷ دست‌کم ۶۵۰ هزار دلار به حساب JVP پول واریز کرده است.

به گزارش «اتحادیه ضدافترا»، در یک بروشور که سازمان «IfNotNow» منتشر کرد تصویری از یک پاراگلایدر نشان داده شده، که اشاره‌ای آشکار به تروریست‌های حماس است که به عنوان بخشی از عملیات هوایی خود برای کشتن یهودیان در عملیات «هفت اکتبر» از این وسیله استفاده کردند. این سازمان یکی از سازماندهندگان اصلی کمپین مستقر در ایالات متحده علیه اسرائیل است. بر اساس گزارش‌ها، این سازمان ۴۰۰ هزار دلار از بنیاد سوروس دریافت کرده است.

سازمان «JVP» که در کالیفرنیا تأسیس شد، از انیمیشن «راهپیمایی بازگشت بزرگ» که گروه حماس در سال ۲۰۱۸ منتشر کرد حمایت کرده بود. مضمون این ویدیو زمینه‌سازی برای عملیات «هفت اکتبر» بود.

منتقدان همچنین می‌گویند بنیاد سوروس به سازمان‌هایی کمک مالی می‌کند که در پوشش یهودی علیه اسرائیل فعالیت می‌کنند.

فاکس نیوز در پایان این گزارش می‌نویسد الکس پسر جرج سوروس اخیراً کنترل ثروت ۲۵ میلیارد دلاری پدرش را به دست گرفت. در ماه ژوئن، آمیچای چیکلی وزیر امور اسرائیلی‌های خارج از کشور، به فاکس نیوز گفته بود «به نظر می‌رسد که این پسر کپی پدرش است. ما هیچ انتظاری نداریم که پدرش یک صهیونیست بزرگ باشد.»

«نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» (۲)

مسافرت به چین - گفت و گو با نمایندگان سازمان جوانان حزب کمونیست

پرویز نیکخواه پس از مسافرت به ایران، اوضاع را «انقلابی» تشخیص نداد در حالی که ما همچنان

طرفدار انقلاب مسلحانه بودیم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از مهر تا آذر ماه ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۷۵ تا ۱۰۸۲)

بازنشر



حمید شوکت



کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی و سازمان انقلابی که از ائتلاف آن با حزب توده به وجود آمد در سوق دادن مبارزه سیاسی به مسیر مبارزه چریکی و اقدام مسلحانه علیه رژیم پیشین ایران نقش مؤثر داشتند. حمید شوکت، از فعالان کنفدراسیون، در سالهای اخیر به تدوین تاریخ شفاهی کنفدراسیون همت گماشته و چند کتاب زیر عنوان «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» انتشار داده که آخرین آنها گفتگو با محسن رضوانی است.

در این کتاب، گفتنی‌های بسیار از کم و کیف فعالیتهای پنهان و ارتباطات کنفدراسیون و سازمان انقلابی به صورت گفت و شنود بین شوکت و رضوانی بازگو شده است.

خوانندگان عزیز و پژوهندگان تاریخ معاصر ایران را به مطالعه این کتاب که بخشهایی از آن برای درج در صفحه خاطرات و تاریخ برگزیده شده است دعوت می‌کنیم.

گزیده کتاب را از مأموریت پرویز نیکخواه و عزیمت وی به تهران می‌آغازیم. «گروه نیکخواه» پس از حادثه تیراندازی به محمدرضا شاه در کاخ مرمر (۲۱ فروردین ۱۳۴۴) به عنوان متهم اصلی شناخته شد. پرویز نیکخواه و تعدادی دیگر از افراد تیم او بازداشت و محاکمه شدند. نیکخواه پس از آن که قسمتی از دوران محکومیت خود را در زندان گذراند آزاد شد و چون به تحولات ناشی از «انقلاب سفید» در جامعه ایران عقیده پیدا کرده بود مانند کورش لاشایی تصمیم به همکاری برای پیشبرد این برنامه گرفت. او در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران مشغول کار شد و پس از انقلاب اسلامی در شمار نخستین کسانی بود که اعدام شدند.

چهره روستای ایران را تغییر داده. می‌دانیم که بعدها آمد و در مصاحبه با رسانه‌های گروهی همین حرفها را زد.

● این را می‌دانیم. آنچه اساسی است دریافت این نکته است که پی بریم نیکخواه کی به این ارزیابیها رسیده بود. او ادعا کرده است پس از محاکمه و در جریان گذراندن دوران محکومیتش در زندان به این نتیجه گیریها رسیده است. اما اگر گفته های تو را پیرامون تغییرمواضعش بپذیریم، اظهاراتش پیرامون اوضاع ایران در دادگاه دیگر چه معنایی پیدامی‌کند؟

-قطعاً می‌دانم که پیش از دستگیری نیز اعتقادی به مبارزه مسلحانه به عنوان راه انقلاب ایران نداشت.

● دو نکته را دقیق کنیم. یکی این که احتمال دارد نیکخواه به این ارزیابی رسیده باشد که دست زدن به مبارزه مسلحانه در ایران خشت برآب زدن است. تا اینجا جز ادعای تو و نامه‌ای که به آن اشاره کردی دلیل دیگری در دست نداریم. اما این هنوز به آن معنا نیست که دست از انقلاب شسته باشد. می‌شود مدافع انقلاب، اما مخالف مبارزه مسلحانه بود. این که اصلاحات شاه چهره جامعه ایران را تغییر داده و به این دلیل باید مخالف مبارزه مسلحانه بود، داستانی جداگانه است و برزمینه استواری بنا نشده است. می‌توان از چنین واقعیتی به نتایجی بس گوناگون رسید. آن چه در این باره از نیکخواه برجای مانده است یکسره به دوره پس از محکومیت و زندان بر می‌گردد. راوی این روایت در میان ما نیست و روایت تو از این داستان اگر قرار باشد مورد قبول قرارگیرد، هنوز محتاج به استدلال و اسناد بیشتری است. -وقتی ما شعار «مردم ایران مسلح شوید» را پیش کشیدیم، گمان می‌کردیم مردم نمی‌داندند نجاتشان مبارزه مسلحانه است و این را خطای حزب توده می‌دانستیم. نیکخواه نیز با این نظریه به ایران رفت و متوجه شد چنین نیست ←

انجام رفم ارضی دست زدن به مبارزه مسلحانه معنایی ندارد. -حرف ما این بود که رهبری حزب توده در آلمان شرقی کنگر خورده و لنگر انداخته. می‌گفتیم آنها از پراتیک انقلابی دست شسته‌اند. تا این جا هنوز مسأله چین و نظریه راه محاصره شهرها از طریق دهات و اعتقاد به انقلاب دهقانی در میان نبود. هسته اصلی اختلاف ما با کمیته مرکزی حزب توده بی عملی آنها بود. حرف این بود که باید به ایران بازگشت و در عرصه اصلی نبرد به مبارزه پرداخت. نیکخواه و یارانش به همین جهت به ایران بازگشتند و با پوشش طبیعی و گرفتن شغل رسمی به زندگی در آنجا پرداختند. کار عمده آنها تا پیش از دستگیری کوشش برای تماس با گروهها و محافل چپ ایران و بررسی اوضاع جامعه ایران بود. نیکخواه در نامه‌ای به من نوشت برای شناخت جامعه ایران نباید همه چیز را از صفر شروع کرد. در ایران کسانی هستند که محیط را می‌شناسند و باید با آنها رابطه برقرار کرد. او در همان نامه اشاره کرده بود که در آن شرایط دست زدن به مبارزه مسلحانه دیوانگی است.

● این نامه چه زمانی به دست توریسید؟ -پس از تشکیل کنفرانس تدارکاتی برای تشکیل سازمان انقلابی که در اردیبهشت ۱۳۴۳ در مونیخ برگزار شد. در این کنفرانس مهدی خانبابا تهرانی، کوروش لاشایی، بیژن حکمت، هوشنگ ثریا پور، عطا حسن آقایی کشکولی، منوچهر بوذری، خسرو صفایی، حسین قاضی، حمید مدنی، پرویز نعمان، حسن زاده که نام کوچکش را فراموش کرده‌ام و من شرکت داشتیم.

● اما در سند مصوب کنفرانس آلبانی صحبت از مبارزه مسلحانه در میان است. آیا این نظر نیکخواه و رفقایان در ایران است یا فقط بازگوکننده نظرات شرکت کنندگان در کنفرانس دوم سازمان انقلابی؟ - ما تمایلی نداشتیم حرفهای او را در این زمینه که شرایط ایران تغییر کرده است بپذیریم. او معتقد بود فرمهای شاه

● یعنی نیکخواه پیش از آن که دستگیر و محاکمه شود معتقد بود جامعه ایران تغییرکرده و دست زدن به مبارزه مسلحانه بی‌معناست؟

- نیکخواه در تابستان ۱۳۴۲ به ایران بازگشت و مدتی بعد نظراتش را پیرامون اوضاع سیاسی و مسایلی که در برابر ما قرار داشت برابیم فرستاد. اصلاً سند مصوبه در کنفرانس اول سازمان انقلابی که در آذر ۱۳۴۳ در تیرانا، پایتخت آلبانی، برگزار شد نوشته گروه نیکخواه است که آن را با تغییراتی به تصویب رساندیم و به عنوان اساس کار پذیرفتیم. در این سند هیچ صحبتی از ضرورت کار چریکی در میان نیست.

● این گزارش را در چه زمینه‌ای تغییر دادید و چرا؟ -در این گزارش اشاره شده بود که نیروی عمده انقلاب در شهرها متمرکز است و صحنه وسیع مبارزه در روستاست. بدون اتصال دقیق مبارزات شهر و روستا پیروزی انقلاب غیرممکن است. به دنبال تقسیم اراضی، در میان دهقانان قشر بندی جدیدی شروع شده و نمی‌توان از آنان به عنوان طبقه واحدی سخن گفت. پیروزی انقلاب تنها با تشکیل جبهه‌ای که استخوان بندی آن را اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل دهد میسر خواهد بود.

● این که نعل به نعل حرف چینی هاست. اگر نیکخواه بر این گمان بود که فرمهای شاه تاثیر بخشیده است، دیگر انقلاب در روستاها چه معنایی داشت؟

- وقتی نیکخواه به ایران بازگشت نه دوره چریکی دیده بود و نه حرف کار چریکی در میان بود. حرف این بود که در ایران سرو صدایی است و باید به این صدا پیوست. باید رفت و نیروی چپ را متشکل کرد. البته این نظریه نیز وجود داشت که راه نجات ایران دست زدن به مبارزه مسلحانه است.

● اما می‌گویی نیکخواه به این باور رسیده بود که با

➔ که به مردم بگوئیم مسلح شوید و چنین شود و به رستگاری برسند. نیکخواه حرفش این بود که ما در طرح این شعار دچار ذهنی گرابی شده‌ایم.

● پس به مبارزه مسلحانه اعتقاد داشتید؟

- معلوم است که اعتقاد داشتیم. اصلا یکی از دلایل بریدن از حزب توده همین بود. منتها بین تئوری استراتژی مبارزه مسلحانه و پراتیک آن فاصله وجود داشت و برایمان ناروشن بود. نیکخواه و یارانش در ایران به این نتیجه رسیده بودند که باید پیشاپیش دست به سازماندهی طولانی زد تا در مرحله ای مردم آماده شوند و اسلحه در دست بگیرند. به همین جهت پیشنهاد کرد این شعار را تغییر دهیم. ما پیش از تشکیل کنفرانس اول سازمان در آلبانی این شعار را تغییر دادیم و شعار استراتژیک «انقلاب قهرآمیز تنها راه رهایی مردم ایران است» را جایگزین آن کردیم. با این اقدام، از لحاظ تئوریک نیز راه مبارزه مسالمت آمیز را نقد و رد کردیم.

● می‌خواهی بگویی مبارزه مسلحانه چریکی را رد کردید؟

- پاسخ صریح به این پرسش دشوار است. همان طور که گفتم شعار «مردم ایران مسلح شوید» را تغییر دادیم و از آن پس نوشتیم راه نجات ایران مبارزه قهرآمیز است. این خیلی عام تر بود و همزمان با شیوه مبارزه مسالمت آمیزی که حزب توده مبلغ آن بود مرز بندی می‌کرد. ادامه نظرات نیکخواه چنان که می‌دانیم این شد که بگوید رفرمهای شاه مثبت بوده است و به این نتیجه برسد که می‌شود درون رژیم کار کرد و متمر ثر واقع شد. از اینجا به بعد دیگر از ما بریده بود. در مقابل، ما، با دستگیری و محکومیت گروه نیکخواه به رویارویی آشکار با رژیم ایران کشانده شدیم و با بریدن قطعی از حزب توده و کشش به جاذبه انقلاب کوبا و بعد چین به راهی بس متفاوت گام نهادیم.

● تماس با چین چگونه شکل گرفت؟

- منوچهر ثابتیان که نقش مهمی در شکل‌گیری جنبش دانشجویان ایرانی در انگلیس داشت اطلاع یافته بود که اتحادیه بین‌المللی دانشجویان که مرکز در پراگ بود در نظر دارد نشست در بخارست، پایتخت رومانی، برگزار کند. این اتحادیه از سازمان دانشجویان ایرانی دعوت کرده بود تا نمایندگی به این نشست اعزام دارد. همزمان با این جریان، از طرف حزب توده در پاریس نیز به ما خبر دادند تا نماینده‌ای به نشست رومانی اعزام کنیم. ما از این دعوت استقبال کردیم و یک نفر را به رومانی فرستادیم.

● چه کسی را؟

- پرویز نیکخواه را. او در بازگشت، ضمن ارائه گزارشی از آن نشست، توضیح داد که در آنجا با هیأت نمایندگی سازمان جوانان حزب کمونیست ملاقات کرده است. آنها به نیکخواه پیشنهاد کرده بودند رفقای کمونیست ایرانی سفری به چین بکنند. این چگونگی آغاز رابطه ما با جمهوری تودهای چین بود. پس مدتی بعد به این دعوت پاسخ مثبت دادیم و من و رفیق دیگری به نمایندگی از طرف گروهی که در انگلیس داشتیم به چین رفتیم. در این فاصله هنوز سازمان انقلابی تشکیل نشده و اگر اشتباه نکنم نیکخواه نیز به ایران بازگشته بود.

● آیا این دعوت یک نشست رسمی بود یا خصوصی و محرمانه تلقی می‌شد؟

- تا آنجا که به خاطر دارم دعوت به یک نشست رسمی دانشجویی بود و حالتی حزبی نداشت. از همان نوع جلسات پوششی که در کشورهای کمونیستی مرسوم بود.

● در چین چه مسائلی گذشت؟

- آن روزها رفتن به چین کار ساده‌ای نبود. از لندن با هواپیما رفتیم به پاریس و از آنجا به رانگون پایتخت برمه. وقتی در رانگون از هواپیما پیاده شدیم، دیدیم یک اتومبیل لیموزین شیک در انتظارمان است. سوار شدیم و جلو و عقب اتومبیل چند موتورسوار پلیس ما را اسکورت می‌کردند.

در راه فرودگاه تا هتل مجلی که محل اقامتمان بود، میزبان ما از وضع تهران و آب و هوای آنجا پرسید و به انگلیسی توضیحاتی دادیم تا رسیدیم به هتل و آنجا نیز پذیرایی گرمی از ما کردند. همه چیز به نظرم کمی عجیب می‌آمد. چه دلیلی داشت که از ما با این تشریفات پذیرایی کنند؟ آیا چینی‌ها سفارش ما را کرده بودند؟

به هر حال، شب را در آن هتل گذرانیدیم و صبح طبق برنامه های قبلی قرار بود با هواپیما به پکن برویم. این بار یک اتومبیل معمولی فرستادند دنبال ما. در فرودگاه سفیر چین در رانگون با ما خوش و بش کرد و سوار شدیم. در هواپیما با یک هیأت نمایندگی از آلبانی رو به رو شدیم که به پکن می‌رفتند. تازه پی بردیم که ما را با آنها اشتباه گرفته‌اند.

● یعنی دولت برمه اشتباه گرفته بود؟

- نه، سفیر چین در رانگون که میهماندار هیأت نمایندگی آلبانی بود تازه فهمیدیم که بین راه وقتی از ما راجع به وضع تهران و آب و هوای آن می‌پرسید منظورش تیرانا بود و ما بخاطر لهجه و انگلیسی دست و پا شکسته‌ای که داشت گمان کرده بودیم منظورش تهران است.

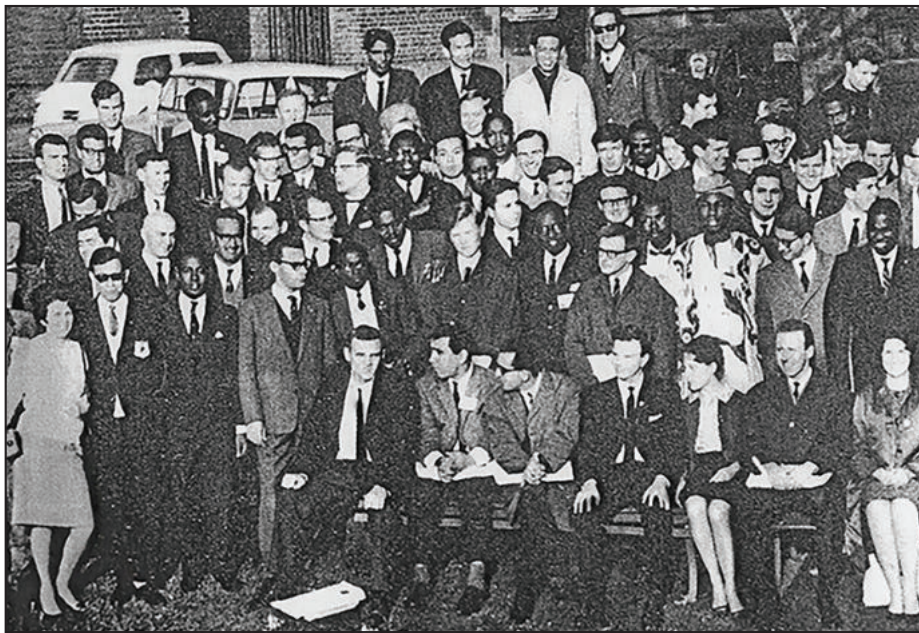
در هواپیما با هیأت نمایندگی آلبانی دوست شدیم. یکی از

انقلاب چین همراه ما تو بوده است. از ما پذیرایی مفصلی کرد و در ضمن چون عرق خور قهاری بود، هیأت نمایندگی آلبانی را هم مست لایعقل کرد. به ما اما هرچه اصرار کرد لب به عرق نزدیم. روز بعد وقتی طوفان آرام گرفت، ما را با همان کامیونهای نظامی به صحرا باز گردانند و از آنجا با هواپیما به پکن رفتیم. در پکن نماینده سازمان جوانان حزب کمونیست چین به استقبالمان آمده بود و ما را به هتل پکن که در بالای میدان تیان من قرار داشت بردند. مترجمی نیز که خود را رفیق وانگ معرفی کرد از آن پس با ما بود.

روز بعد با هیأت نمایندگی سازمان جوانان حزب کمونیست چین جلسه‌ای داشتیم. از خلال صحبتها روشن شد که اطلاعاتی درباره ایران دارند. رئیس آن هیأت می‌گفت نیکخواه را در بخارست دیده و با فریدون کشاورز که روزگاری از رهبران حزب توده بود نیز در الجزایر ملاقاتی داشته است. در جریان همین ملاقات بود که گفتند رفقای حزب کمونیست چین نیز میلند با ما دیداری داشته باشند. از این پیشنهاد استقبال کردیم.

● در جریان ملاقات با نماینده حزب کمونیست چه مسائلی طرح شد؟

- نماینده حزب کمونیست گفت رفقای حزب توده در پکن بودند. به دنبال اختلافات میان چین و شوروی، آن کشور را ترک کرده و با این اقدام به بخش فارسی رادیو پکن خیلی لطمه زده‌اند. او اضافه کرد چون خروشچف دستور داده است تمام کارشناسان شوروی، چین را ترک کنند، اعضای حزب توده نیز به تبعیت از این فرمان چنین کرده‌اند و سگ زنجیری شوروی‌اند. او می‌گفت این اقدام در حالی صورت گرفته است



نمایندگان سازمان‌های دانشجویی جهان در کنفرانس بین‌المللی دانشجویان

که رفیق رادمنش دبیر اول حزب توده ایران، طی دیداری با ما توته‌سه دون در سال ۱۹۵۷ اعلام کرده بود مسایلی که چینی‌ها می‌گویند در مورد ایران نیز صادق است. منظورش این بود که مسأله حزب توده سیاسی نیست. آنها چویدست مسکو هستند و به این جهت چینی‌ها را تنها گذاشته‌اند.

● می‌دانستند شما با حزب توده و شوروی مخالف هستید؟

- گمان می‌کنم حدس‌هایی زده بودند و گفتند اگر شما یک جریان حزبی باشید مایلیم با رفقای رهبری‌تان نیز گفتگو کنیم. ➔

آنها که آدم خوش مشربی بود تمام راه را با ما شوخی می‌کرد و می‌گفت: «خوب در هتل درجه یک خوابیدید و غذاهای حسابی خوردید. ما شش نفر را به جای شما در یک اتاق قرضه‌ای خواباندند.»

در این سفر ماجرای دیگری نیز پیش آمد و آن این که بین راه طوفان شدیدی در گرفت و هواپیما مجبور شد در صحرایی که گمان می‌کنم منطقه نظامی بود فرود آید. تا هواپیما بر زمین بنشیند نیمه‌جان شدیم. مدتی آنجا به انتظار ماندیم تا کامیونهای باری آمدند و ما را به یکی از کمون‌های دهقانی چین بردند. مسئول کمون می‌گفت در جریان راه‌پیمایی طولانی در

این مذاکرات چقدر طول کشید؟

دو سه ساعتی طول کشید. ما ضمن توضیح اوضاع ایران به اختلافات با رهبری حزب توده اشاره کردیم و گفتیم مصمم هستیم خود امر ساماندهی کمونیستی را پیش ببریم. آنها ضمن استقبال از نظرات ما یادآور شدند که تجربه انقلاب چین فقط مربوط به چین است و بزرگترین خدمت رفیق مائو به مردم چین این بود که توانست مارکسیسم را با شرایط چین تطبیق دهد. کمونیست‌های ایرانی نیز باید با شناخت از اوضاع ایران سیاست خود را تدوین کنند.

وقتی جلسه تمام شد به رستورانی رفتیم و مترجم که به زبان انگلیسی با ما صحبت می‌کرد گفت: در پکن نباید با کسی صحبت کنید. اما به حرفش گوش ندادیم.

روز بعد وقتی بدون مترجم به همین رستوران آمدیم، با پیرمردی که بار قبل هم او را دیده بودیم و درگوشه‌ای نشسته بود شروع کردیم به صحبت. او از اهالی اندونزی بود و انگلیسی می‌دانست. او را به سر میز خودمان دعوت کردیم و مشغول صحبت شدیم. می‌گفت کمونیت است و نیروهای ضد انقلاب چهار فرزندش را کشته‌اند. روز بعد سر میز صبحانه، رفیق وانگ مترجم ما گفت: «شما عهد شکنی کرده‌اید و به رغم توصیه‌ای که کرده بودیم در رستوران با مردم صحبت کرده‌اید. این رفتار درست نیست و ما مجبور شده‌ایم هتل شما را عوض کنیم»

● بقیه سفر به چین چگونه گذشت؟

چند روز دیگری که در چین بودیم ما را به تئاتر، اپرا، کنفرانس و گردشهای علمی بردند و از دیوار چین دیدن کردیم.

یکی از شبها که به تئاتر رفته بودیم، حین اجرای برنامه، مترجم آهسته به من گفت: «کسی که کنار شما نشسته رفیق چوئن لای، وزیر امور خارجه چین است» چوئن لای دستش را پیش آورد و با من دست داد. پس از پایان نمایش نیز ملاقات کوتاهی داشتیم که طی آن از آمدن ما به چین اظهار خوشحالی کرد. آن شب شنیدم این هفدهمین باری است که او از این نمایش دیدن می‌کند. گفته می‌شد این اقدام برای تشویق جوانان به دیدن این برنامه است. مضمون نمایش این بود که برای جوانان دو راه وجود دارد: ادامه انقلاب در راه سوسیالیسم و حفظ جمهوری توده‌ای چین، یا قرار گرفتن در راه بورژوازی و سرمایه داری.

پیش از ترک چین، طی ملاقات کوتاهی که با مسئولان حزب داشتیم مجدداً از اختلاف‌هایمان با رهبری حزب توده ایران صحبت کردیم. خاطرم هست در جریان همین ملاقات، که گمان می‌کنم سال ۱۹۶۳ صورت گرفت، به هیأت نمایندگی سازمان جوانان حزب کمونیست چین گفتم به آموزش تئوریک مارکسیسم و مسائل نظامی احتیاج داریم و آماده‌ایم گروهی را به این منظور به چین بفرستیم. علاوه بر این، می‌توانیم رفقایی را برای کمک به پیش بردار بخش فارسی رادیو پکن به آن کشور اعزام کنیم و در ترجمه آثار مائو به زبان فارسی نیز به چینی‌ها کمک کنیم آنها از این پیشنهاد استقبال کردند.

● بدون آنکه پیرامون این مسایل با رفقایت در اروپا صحبتی کرده باشی؟

احتیاجی نبود. ما از طرف رفقایمان در انگلیس و با تدارک قبلی به چین رفته بودیم. می‌خواستیم با تجربه انقلاب چین و از این مهمت با تجربه مبارزه مسلحانه توده‌ای آن کشور که آوازه‌اش سراسر جهان را فرا گرفته بود آشنا شویم.

(ادامه دارد)

گزارش ویژه کیهان لندن از همایش «ایرانگرایی» در برلین



ویدئو

شنبه ۲۵ نوامبر ۲۰۲۳ همایش «ایرانگرایی» به ابتکار «سازمان ایرانی آمریکایی‌ها برای آزادی»، «حزب رستاخیز ایرانیان» و «سازمان آزادی‌ها و حقوق فردی» با هدف بررسی اندیشه‌ی ایرانگرایی در هتل «اینترکانتیننتال» برلین برگزار شد. سخنرانان در سه بخش:

ایرانگرایی در برابر اسلامگرایی
ایرانگرایی در برابر قومگرایی
و ایرانگرایی در برابر گلوبالیسم صحبت کردند.
کیهان لندن در حاشیه این همایش گفتگوی کوتاهی با برخی از سخنرانان و صاحب‌نظران داشت.

اندیشکده پروژه ققنوس کنفرانس «ایران در گذار به آینده» را در لندن برگزار کرد



ویدئو

دوران گذار و در ماه‌های اول پس از جمهوری اسلامی نیز یکی دیگر از موضوعاتی بود که کارشناسان در این سمینار در مورد آن صحبت کردند.

کیهان لندن در گفتگو با فرخ زندی کارشناس اقتصادی، رضا سعیدی پزشک، آلن بستاکیان کارشناس مدیریت، و نامدار بقانی یزدی کارشناس محیط زیست و از برگزارکنندگان این کنفرانس گزارشی تهیه کرده است.

لندن در روزهای ۱۱ و ۱۲ آذرماه ۱۴۰۲ (۲ و ۳ دسامبر ۲۰۲۳) میزبان سمینار «ایران در گذار به آینده» بود که از سوی اندیشکده «پروژه ققنوس» در دانشگاه وست‌مینستر برگزار شد. در این دو روز کارشناسانی که از کشورهای دیگری به لندن سفر کرده بودند در رابطه با اولویت‌ها در ۱۰۰ روز اول پس از گذار از جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف از اقتصاد تا بهداشت و عدالت تا محیط زیست صحبت کردند. مدیریت سیاسی

«آرماند ر.» فرانسوی ایرانی تبار در پاریس با چاقو و چکش و فریاد «الله اکبر» یک نفر را کشت و دو نفر را زخمی کرد



استقرار نیروهای پلیس در مرکز شهر فرانسه پس از حمله تروریستی یک مهاجم مسلمان به مردم

این مهاجم قاتل پس از دستگیری به پلیس گفته که از آنچه در غزه اتفاق می‌افتد عصبانی است و فرانسه نیز در جنایات اسرائیل شریک است. وزیر کشور فرانسه افزوده «او گفته از دیدن اینکه مسلمانان چه در افغانستان و چه در فلسطین می‌میرند خسته شده است.»

بر اساس گزارش‌هایی که منتشر شده، کمی پیش از حمله آرماند ر. یک ویدئو از او در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که در آن مهاجم به «ویدئوهای جاری، دولت [فرانسه] و کشتار مسلمانان بی‌گناه» اشاره می‌کند.

آرماند ر. در سال ۱۹۹۷ در فرانسه از پدر و مادری ایرانی که با آنها در جنوب پاریس زندگی می‌کند، به دنیا آمد.

این مهاجم قاتل پس از دستگیری به پلیس گفته که از آنچه در غزه اتفاق می‌افتد عصبانی است و فرانسه نیز در جنایات اسرائیل شریک است. وزیر کشور فرانسه افزوده «او گفته از دیدن اینکه مسلمانان چه در افغانستان و چه در فلسطین می‌میرند خسته شده است.»

بر اساس گزارش‌هایی که منتشر شده، کمی پیش از حمله آرماند ر. یک ویدئو از او در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که در آن مهاجم به «ویدئوهای جاری، دولت [فرانسه] و کشتار مسلمانان بی‌گناه» اشاره می‌کند.

آرماند ر. در سال ۱۹۹۷ در فرانسه از پدر و مادری ایرانی که با آنها در جنوب پاریس زندگی می‌کند، به دنیا آمد.

این مهاجم قاتل پس از دستگیری به پلیس گفته که از آنچه در غزه اتفاق می‌افتد عصبانی است و فرانسه نیز در جنایات اسرائیل شریک است. وزیر کشور فرانسه افزوده «او گفته از دیدن اینکه مسلمانان چه در افغانستان و چه در فلسطین می‌میرند خسته شده است.»

بر اساس گزارش‌هایی که منتشر شده، کمی پیش از حمله آرماند ر. یک ویدئو از او در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که در آن مهاجم به «ویدئوهای جاری، دولت [فرانسه] و کشتار مسلمانان بی‌گناه» اشاره می‌کند.

آرماند ر. در سال ۱۹۹۷ در فرانسه از پدر و مادری ایرانی که با آنها در جنوب پاریس زندگی می‌کند، به دنیا آمد.

این مهاجم قاتل پس از دستگیری به پلیس گفته که از آنچه در غزه اتفاق می‌افتد عصبانی است و فرانسه نیز در جنایات اسرائیل شریک است. وزیر کشور فرانسه افزوده «او گفته از دیدن اینکه مسلمانان چه در افغانستان و چه در فلسطین می‌میرند خسته شده است.»

بر اساس گزارش‌هایی که منتشر شده، کمی پیش از حمله آرماند ر. یک ویدئو از او در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که در آن مهاجم به «ویدئوهای جاری، دولت [فرانسه] و کشتار مسلمانان بی‌گناه» اشاره می‌کند.



آرماند رنجبر

خبرگزاری‌های فرانسه در ارتباط با پرونده‌ی قبلی وی که منجر به صدور حکم ۵ سال زندان علیه وی شده بود به

● شهروندی که در این حمله توسط آرماند رنجبر ایرانی تبار کشته شد، یک توریست آلمانی است. قاتل به دنبال همسر این گردشگر آلمانی نیز رفت که جان او با کمک یک راننده تاکسی که شاهد این سوء قصد بود نجات یافت.

● امانوئل ماکرون کشته شدن یک شهروند آلمانی در حمله در مرکز پاریس را به خانواده او تسلیم گفت و با آسیب‌دیدگان ابراز همدردی کرد. او تأکید کرد دفتر دادستانی ضدتروریسم در حال تحقیق و تفحص درباره این حمله است تا عدالت در این مورد به اجرا درآید.

● آرماند رنجبر که متولد فرانسه است و با پدر و مادرش در جنوب پاریس زندگی می‌کند به پلیس گفته «از دیدن اینکه مسلمانان چه در افغانستان و چه در فلسطین می‌میرند خسته شده است.»

● ژرارد دارمنین وزیر کشور فرانسه اعلام کرد که فرد مهاجم ۲۶ ساله و دچار اختلال روانی است و سابقه اسلامگرایی افراطی دارد. او در سال ۲۰۱۶ به جرم طراحی یک حمله چهار سال زندانی بود و در سال ۲۰۲۰ آزاد شد.

تکمیلی: امروز نام کامل و عکس مهاجم این عملیات تروریستی منتشر شد: آرماند رنجبر.

یک فرد مهاجم در نزدیکی برج ایفل پاریس شنبه شب سوم دسامبر (۱۱ آذرماه) با چاقو و چکش و با فریاد «الله اکبر» پس از حمله به عابرین پیاده یک نفر را کشت و دو نفر دیگر را زخمی کرد. فردی که در این حمله جان باخته یک توریست آلمانی است.

پلیس بعد از تعقیب و گریز با فرد مهاجم که در رسانه‌ها با نام «آرماند ر.» معرفی شده، وی را بازداشت کرد. این مجرم متولد فرانسه اما ایرانی تبار است و به پلیس گفته به دلیل وضعیت غزه و «مرگ مسلمانان در افغانستان و فلسطین» ناراحت است.

دادستانی کل مبارزه با تروریسم (PNAT) مسئولیت رسیدگی به این قتل و اقدام به قتل دو زخمی را در چارچوب عملیات جنایی و تروریستی بر عهده گرفته است. ژرارد دارمنین وزیر کشور فرانسه اعلام کرد که فرد مهاجم ۲۶ ساله و دچار اختلال روانی است و سابقه اسلامگرایی افراطی دارد. او در سال ۲۰۱۶ به جرم طراحی یک حمله چهار سال زندانی بود و در سال ۲۰۲۰ آزاد شد. وزیر کشور فرانسه درباره چگونگی وقوع این جنایت گفت: «حمله اندکی بعد از ساعت ۹ شب رخ داد و مهاجم به یک زوج توریست حمله کرد که مرد بر اثر ضربات چاقو جان باخت و پس از آن مهاجم به دنبال همسر این گردشگر آلمانی رفت که جان او با کمک یک راننده تاکسی که شاهد این سوء قصد بود نجات یافت.»

بر اساس گزارش‌ها، آرماند ر. در جریان تعقیب پلیس به دو نفر دیگر نیز حمله کرده است که زخمی شده‌اند و جان آنها در خطر نیست. گفته می‌شود یکی از زخمی‌ها بر اثر ضربه چکش به چشم به شدت آسیب دیده و دیگری در حالت شوک از پا افتاد.

متن فارسی گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت - دیوید (۲) سقوط ایران در ۵۷ و خواستن و برخاستن مردم برای تغییر رژیم



شاهزاده رضا پهلوی و پاتریک بت - دیوید / نوامبر ۲۰۲۳

در پخش ویدئویی این مصاحبه از نرم افزار زیرنویس انگلیسی و صوت ترجمه همزمان به فارسی استفاده شده که اگرچه می‌تواند کمک اولیه برای آگاهی از مضمون باشد اما از آنجا که گفتار بر اساس صوت و تلفظ گویندگان تشخیص داده می‌شود، هم در زیرنویس انگلیسی و هم در ترجمه فارسی اشتباهات فاحش و غلط‌هایی وجود دارد که یا جمله را بی‌معنی و بی‌ربط کرده و یا حتا منظوری برعکس را منتقل می‌کند. کیهان لندن کل این گفتگو را ترجمه کرده که بالغ بر ۲۷ هزار کلمه می‌شود. اما هم از نظر زبان محاوره و هم از نظر برخی موضوعات پراکنده که مجری مطرح می‌کند، بخش‌های اصلی این گفتگو تا حد ممکن با وفاداری به عبارات اصلی تنظیم شده تا به صورت مکتوب و به عنوان مرجع در دسترس همگان قرار داشته باشد.

مردم خوزستان با پوست تیره‌تر، مردم شمال با پوست روشن‌تر؛ ارمنی‌ها، آذری‌ها، از کردستان، از خوزستان، مسیحیان و مسلمانان بودند. ما به عنوان هموطنان ایرانی بهم نگاه می‌کردیم. هرگز این سوال مطرح نشد که چه کسی «اقلیت» است! این جوی است که این رژیم ایجاد کرده.

همه این نکات برای اینست که بگویم چه چیزی به ما انگیزه می‌دهد. چیزی که به ما انگیزه می‌دهد اینست که ما لایق زندگی بهتری از آنچه در حال حاضر داریم هستیم. به ویژه با توجه به این واقعیت که می‌دانیم زمانی ایران کجا بوده. ایران می‌بایست امروز ژاپن خاورمیانه می‌بود و نه کره شمالی! ما همه ظرفیت‌ها را داشتیم و هنوز هم داریم. وقتی به این واقعیت نگاه می‌کنیم که ایرانیان نیز از این واقعیت آگاه هستند که ما اینهمه منابع داریم. کار امروز من و کارزار من درواقع رهبری و حرکت دادن آنها از امید به باور است. امید داشتن یک چیز است؛ همه یک رویایی دارند. اما من معتقدم که توانمندسازی کلید موفقیت است: قدرت مردم. اما برای اینکه مردم توانمند شوند باید چیزی بیش از امید داشته باشند. آنها باید واقعا باور داشته باشند که این کار شدنی است. و من باور دارم که این کار شدنی است صرف نظر از آنچه شما به آن اشاره کردید. نمی‌گویم آسان است اما اگر به خودمان نه بیش از آنچه باور داشته باشیم که دیگران می‌توانند انجام دهند تا ما را از انجام آن بازدارند، آنوقت تقریبا مثل بالا بردن پرچم سفید [تسلیم شدن] است!

ما تسلیم نخواهیم شد، زیرا از نظر ما، و وقتی می‌گویم «ما»، منظورم ایرانیان امروز است، تعیین سرنوشت، آزادی، مشارکت، حقوق بشر، همه اینها بستگی به این دارد که ما با موفقیت از شری که امروز بر کشور ما حاکم است رها شویم و پیام ما به بقیه جهان اینست که وقتی ارزش‌های یکسانی در زمینه آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، برابری و پایان دادن به هر نوع تبعیض بین ما مشترک است، پس داریم به یک زبان صحبت می‌کنیم. ما در اصل متحد شما هستیم و معتقدیم و انتظار داریم که جهان غرب قبل از اینکه در پی محاسبه امنیت ملی یا منافع اقتصادی باشد، به این فکر کند که اتفاقا با رژیمی که به فکر مردم‌اش هست و تمایل به همکاری دارد سود بیشتری خواهد داشت.

روسیه شرکای هم هستند. برای اینکه به پاسخ پرسشی که دارم برسیم باید یک چیز احساساتی و تحریک‌آمیز گفت و من خیلی دلم می‌خواهد این کار را بکنم. اینکه بروید کلیپ‌های قدیمی را ببینید و مکالمات قدیمی را بشنوید و خودتان را ببینید و بگویند واقعا می‌خواهید یک صدا و یک رهبر باشید و کمک کنید که امر تغییر به واقعیت تبدیل شود؟ آیا وقتی به عقب نگاه می‌کنید و خاطراتی را به یاد می‌آورید احساساتی شده و افتخار می‌کنید که می‌خواهید کاری انجام دهید؟

-البته؛ و اجازه دهید با این شروع کنم که زمانی بود که فکر نمی‌کردم در طول زندگی‌ام سقوط دیوار برلین را ببینم؛ اما این اتفاق افتاد. حرف من اینست که چیزهای زیادی وجود دارد که بسیاری از مردم ممکن است فکر کنند که ما باید با آن به عنوان یک واقعیت کنار بیاییم! ولی این را پیش‌بینی نکنیم که هر لحظه ممکن است همه چیز تغییر کند و برای من فاکتور تغییر هیچ ربطی به قدرت‌های اطراف ندارد بلکه به خود مردم ربط دارد و آنها عامل تغییر هستند.

وقتی امروز به ایرانیان نگاه می‌کنیم به ویژه مهم است که بفهمیم برای اولین بار نیست که چنین چیزی را تجربه می‌کنند. بسیاری از آزادی‌هایی که به دلیل روی کار آمدن این رژیم از دست رفت، قبل از انقلاب وجود داشت. آزادی‌ای که جوامع دینی ما داشتند؛ ما هرگز موضوع تبعیض به شکلی که امروز می‌بینیم نداشتیم. اگر یهودی بودی یا بهایی یا مسیحی یا هر چیز دیگری، کسی به این موضوعات نگاه نمی‌کرد.

اینکه پرسیدید یکی از بهترین خاطرات من چیست، یادم هست، در کودکی، لحظه‌ای بود که ایران برای اولین بار به جام جهانی صعود کرد و یادم می‌آید که بازی ایران را در ورزشگاه تماشا کردم؛ جایی که ۱۱۵ هزار نفر در استادیوم ۱۰۰ هزار نفری که بیش از ظرفیت‌اش بود جمع شده بودند. یادم می‌آید با کوییت بازی می‌کردیم و بازی مقدماتی ما بود اما تأثیر بسیار بزرگی داشت با انرژی و جوی که به وجود آمده بود. من به عنوان ولیعهد این امتیاز را داشتم که گاهی از تیم ملی فوتبال دعوت کنم تا من و همکلاسی‌هایم در مدرسه در کنار آنها بازی کنیم. آنها هم اوقات خوشی را می‌گذراندند و به ما هم خوش می‌گذشت. اما نکته‌ای که می‌خواهم بگویم اینست که در آن تیم ملی همه کس از اقوام و مذاهب ایران داشتیم؛

● بهترین خاطره‌ای که از آن دوران دارید چیست؟ [نمایش یک کلیپ از پهلوی‌ها و نوزادی و کودکی شاهزاده]. چند روز پیش این کلیپ را تماشا می‌کردم؛ خانواده با هم؛ پدر شما؛ خودتان این ویدئو را چقدر تماشا می‌کنید؟

-خیلی از هم‌مهمانم هستند که برایم کلیپ می‌فرستند. من در اینستاگرام یک اکانت رسمی و یکی دو تا غیررسمی دارم که آنها برایشان عکس و کلیپ می‌فرستند. بامزه است که کلیپ‌های بیشتری در مورد خانواده‌ام را از آنها دریافت می‌کنم که خودم دنبالشان می‌گردم. آنها مرتب از این کلیپ‌ها می‌فرستند که به نوعی خیلی نوستالژیک است. می‌دانید چه چیز جالب است؟ شاید فکر شود اکثر کسانی که اینها را می‌فرستند هم‌سن و سال من یا بزرگتر هستند؛ اما تعجب خواهید کرد که بدانید بسیاری از اعضای نسل جوان با این تصاویر ارتباط برقرار می‌کنند اگرچه هرگز در آن دوران زندگی نکردند و فقط از والدین‌شان شنیده‌اند. وقتی مدام با من تماس می‌گیرند و مرا پدر صدا می‌کنند بسیار متأثر می‌شوم. من نقش یک پدر را برای آنها دارم و اینطور با من ارتباط برقرار می‌کنند. وقتی در کلیپ خودم را دو ساله می‌بینم و آنها به من می‌گویند پدر، خوب، جالب است. هرچه زمان می‌گذرد نسل به نسل برداشت متفاوتی دارند. نسل پدر و مادر من نوع متفاوتی از احترام داشتند که البته فکر می‌کنم بیشتر به نهاد مربوط می‌شود. بسیاری از جمعیت امروز که هیچکدام از اینها را نمی‌دانند، بسیار راحت‌تر هستند و بیشتر به این نگاه می‌کنند که چطور با فرد ارتباط برقرار کنند و این برای من بسیار ارزشمند است.

● این شما می‌باشد؟ [اشاره به کلیبی که پخش می‌شود]

- بله، احتمالا مربوط به زمانیست که ما در کاخ تهران بودیم. هنوز به سعدآباد یا نیاوران نرفته بودیم که هنوز ساخته نشده بود. فکر کنم به آن «کاخ شهر» می‌گفتند. [اشاره به کاخ مرمر در نزدیکی چهارراه خیابان پهلوی/ خیابان سپه]

حمایت جامعه جهانی از ما نتیجه‌اش برد- برد خواهد بود
● بسیاری می‌گویند که امروز تغییر رژیم غیرممکن است. رژیم ایران یک قرارداد ۲۵ ساله ۴۰۰ میلیارد دلاری با چین امضا کرده. آنها توسط روسیه حمایت می‌شوند و چین

شما چند دموکراسی را می‌شناسید که علیه یکدیگر می‌جنگند؟! و به همین دلیل است که فکر می‌کنم ایران با وارد کردن این عامل [دموکراسی] خود به خود به یک متحد تبدیل می‌شود.

اما نیاز به حمایت داریم. باید بتوانیم مشکل را با هم حل کنیم. بنابراین من با گفتن این شروع می‌کنم که اول ما باید روی خودمان کار کنیم. اول باید باور کنیم که نور در انتهای تونل وجود دارد و البته که وجود دارد و این کار شدنی است. من با بسیاری از مخالفان سابق کشورهای بلوک شرق از جمله مخالفان شوروی صحبت کرده‌ام که می‌گفتند در آن زمان، قبل از اینکه رونالد ریگان یا مارگارت تاجر به صحنه بیایند، در یک گولاگ در سبیری بودند و به عنوان مخالف درباره سرنوشته روسیه مدرن و آنچه برای همه پیش خواهد آمد فکر می‌کردند و یکی از آنها، به یاد دارم که در یکی از سخنرانی‌های وی شرکت کردم، می‌گفت: روزی که نور را در انتهای تونل دیدیم، روزی بود که رونالد ریگان روسیه را «امپراتوری شر» نامید که در نهایت هم منجر به تخریب دیوار برلین توسط گورباچف شد و... منظوم اینست که عوامل مشخص خارجی وارد عمل می‌شوند و البته که سیاست خارجی برخی کشورهای کلیدی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند اما همه ناراضیان چه در چین باشند یا چه در آن زمان در روسیه و یا آنچه منجر به پایان آپارتاید در آفریقای جنوبی شد و یا جنبش همبستگی در لهستان یا بسیاری از نمونه‌های دیگر، به عنوان افرادی که برای کارزار آزادی خود به اندازه کافی قدرت داشتند و مطرح می‌شدند، معتقد بودند که باید این کار را خودشان به سرانجام برسانند و به همین دلیل نیز همیشه به هموطنانم می‌گفتم ما نمی‌توانیم به کسی جز خودمان متکی باشیم. اما پیام ما به آنها [جامعه جهانی] اینست که کار ما بسیار آسانتر خواهد بود اگر آنها از ما حمایت کنند چون نتیجه‌اش برد-برد خواهد بود.

● به اینکه در نهایت چه کسی برنده می‌شود، خواهیم پرداخت اما دنیا برنده می‌شود زیرا دما در حال حاضر آنقدر بالاست که همه نگرانند که مبادا این شرایط تشدید شود. ولی فعلا می‌خواهم در اینبار صحبت کنم که طی این مرحله چه اتفاقی می‌افتد. شما پسر یک پادشاه هستید. نوه یکی از محترم‌ترین و ترس‌آورین رهبران ایران اعلیحضرت رضاشاه هستید که نام وی بیانگر نوع کاملا متفاوتی از یک رهبر بود. از افراد مسن‌تر که همین الان پیرسید یا از افراد جوان‌تر آنها واقعا چیزی از آن زمان نمی‌دانند. پدر بزرگ شما سردار سپه یک عملگر بود که اقدامات زیادی انجام داد. اما می‌خواهم درباره پدر شما و اتفاقاتی که منجر به سقوط ایران شد صحبت کنم. می‌خواهم بدانم فکر می‌کنید دلایل آن چه بود؟ معمولا گفته می‌شود که دست سیا و ام‌آی‌۶ در کار بوده و برای همین سقوط کرد. پای جیمی کارتر در میان بوده [فحاش عکس شاه فقید و جیمی کارتر مربوط به ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷]. در این عکس پدر شما خیلی ناراحت به نظر می‌رسد. به نظر می‌رسد سعی می‌کند محترمانه رفتار کند اما به کلماتی که از دهان کارتر بیرون می‌آید اعتماد ندارد یا اینهمه سعی می‌کند محترمانه رفتار کند. و کارتر که نگاه می‌کند و شما با خود فکر می‌کنید وقتی از این اتاق خارج می‌شود نمی‌داند با شما چه خواهد کرد.

علاوه بر نقش سیا، ام‌آی‌۶ و خود شاه یک عامل دیگر هم هست: کنسرسیوم نفتی ۱۹۵۴ که یک قرارداد ۲۵ ساله بود که رو به پایان بود. طبق این قرارداد ۵۰ درصد کل مالکیت متعلق به شرکت‌های خارجی است. ۴۰ درصد آن هرکدام ۸ درصد بطور مساوی بین پنج شرکت بزرگ آمریکایی تقسیم می‌شد. این یک سرمایه‌گذاری بسیار سودآور بود زیرا اگر ایران در این ۲۵ سال رشد می‌کرد، یعنی از ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۹،

هیچکس نمی‌خواست این سرمایه‌گذاری را کنار بگذارد. مستندهایی درباره این واقعیت ساخته شده و جلساتی که در آمریکای مرکزی یا جنوبی در مورد اینکه چه کاری می‌توانند برای سقوط پدر شما انجام دهند.

همچنین پدر شما خیلی قبل‌تر از آنکه پرزیدنت ترامپ موضوع «فیک نیوز» را مطرح کند از خبرهای جعلی حرف زد. می‌دانم آیا این مصاحبه او را به خاطر می‌آورید یا نه... ۲۴ اکتبر ۱۹۷۶ در برنامه «۶۰ دقیقه» با مایک والاس. (پخش کلیپ گفتگوی مایک والاس با شاه) ژ

بخشی از مصاحبه مایک والاس با شاه

والاس: اعلیحضرت، حتما شما به من نمی‌گویید که لابی یهودیان در ایالات متحده سرخ ریاست جمهوری را در دست دارد؟

شاه: نه کاملا؛ اما فکر می‌کنم کمی بیش از حد حتما برای منافع اسرائیل [به زبان منافع اسرائیل].

والاس: به نظر شما لابی اسرائیل در ایالات متحده برای منافع اسرائیل خیلی قدرتمند است؟

شاه: اینطور فکر می‌کنم. گاهی اوقات آنها در خدمت منافع اسرائیل هستند و افراد بسیاری را تحت فشار قرار می‌دهند.

والاس: منظورتان از تحت فشار قرار دادن چیست؟

شاه: خوب، فشار می‌آورند. آنها ابزار زیادی در اختیار دارند و به افراد فشار می‌آورند و در پایان من فکر نمی‌کنم که حتما به اسرائیل کمک کنند!

والاس: چرا؟ اگر این واقعیت دارد، چرا رئیس جمهور ایالات متحده به آن بی‌توجهی می‌کند؟

شاه: آنها قوی هستند.

والاس: قوی از چه نظر؟

شاه: آنها خیلی چیزها را کنترل می‌کنند.

والاس: چی را کنترل می‌کنند؟

شاه: روزنامه‌ها، رسانه‌ها، بانک‌ها، امور مالی، و من آنها را متوقف خواهم کرد.

والاس: خوب، حالا یک ثانیه صبر کنید. شما واقعا باور دارید که جامعه یهودیان در ایالات متحده اینقدر قدرتمند است؟ آنها رسانه درست می‌کنند تا بازنتاب نظرات آنها در سیاست خارجی باشد؟

شاه: بله.

والاس: و آنها گزارش نمی‌دهند؟ ما صادقانه گزارش نمی‌دهیم؟ شاه: مسائل را با هم مخلوط نکنید. من نمی‌گویم رسانه‌ها. من می‌گویم آنها درون رسانه‌ها آدم دارند؛ نه کل رسانه. برخی روزنامه‌ها نظرات خود را منعکس می‌کنند.

والاس: به عنوان مثال نیویورک تایمز متعلق به خانواده زلتزبورگر است که یهودی هستند. آیا شما می‌گویید که نیویورک تایمز با مسئله صهیونیسم، موجودیت اسرائیل و رابطه آمریکا با جهان عرب مغرضانه برخورد می‌کند؟ شاه: من باید تمام مقالات نیویورک تایمز را که در این رابطه نوشته شده کنار هم بگذارم و نتیجه بگیرم. شما می‌توانید آنها را به کامپیوتر بدهید تا به شما پاسخ بدهد.

والاس: چیزی که شما می‌گویید اینست که بله، باور دارید که مغرض است.

شاه: خوب، بیابید منتظر جواب کامپیوتر بمانیم.

والاس: واشنگتن پست؟

شاه: همچنین!

والاس: شبکه‌ها؟

شاه: کمتر.

– علاوه بر سیا، ام‌آی‌۶، جیمی کارتر و قرارداد نفتی ۱۹۵۴ باید رسانه‌های جریان اصلی را هم [به دلایل سقوط ایران] اضافه کرد.

(پخش یک کلیپ دیگر)

بخشی از مصاحبه بی‌بی‌سی با شاه

شاه: احتمالا و شاید بیشتر؛ چرا که ما قصد داریم در بریتانیا سرمایه‌گذاری کنیم.

خبرنگار: آیا توانستید به دولت بریتانیا اطمینان بدهید که بیشترین پولی را که ما برای نفت به شما می‌دهیم در صنعت بریتانیا سرمایه‌گذاری خواهید کرد؟

شاه: البته! زیرا باور دارم که در ده سال آینده کشور ما همینجایی خواهد بود که شما هستید. و در ۲۵ سال آینده ما بین پنج کشور پیشرفته دنیا قرار خواهیم داشت. این را من نمی‌گویم؛ دیگران می‌گویند.

چرا ایران سقوط کرد؟

● من از مصاحبه و تفاسیر ورزشی پس از بازی بیشتر از خود بازی لذت می‌برم. بیشتر دوست دارم مصاحبه مایکل جردن را بعد از بازی تماشا کنم. سیا، ام‌آی‌۶، جیمی کارتر و رسانه‌های جریان اصلی. آیا اینها دلایل سقوط ایران بودند؟

-قطعا بخشی از دلایل آن بودند و فکر می‌کنم برای بسیاری از آنها که روایت‌های دشمنان سرسخت پدرم را شنیدند که او دست‌نشاندهی غرب یا حرف‌هایی از این دست بوده، این [مصاحبه‌ها] نشان می‌دهد که وی تا چه اندازه به منافع کشور ما اهمیت می‌داده و برایش ارزش قائل بوده است. تاج و تخت خود را به خطر انداخت زیرا می‌دانست که برخی راه او را درست نمی‌دانند و ممکن است علیه‌اش توطئه کنند. خیلی ریسک داشت اما این حس زیبای ملی او را ثابت می‌کند و فکر می‌کنم که در تاریخ مورد قضاوت قرار خواهد گرفت.

اما برای اینکه با شما صادق باشم، ببینید، آنچه اتفاق افتاده مؤلفه‌های زیادی دارد و فکر می‌کنم تمرکز بر برخی جنبه‌ها بسیار آسان است و یک چیز را فراموش نکنیم، بیشترین درآمدهای نفتی ایران اواخر دهه شصت میلادی و اوایل دهه هفتاد اتفاق نیفتاد زیرا اگر اشتباه نکنم نفت بشکه‌ای حدود یک دلار و ۸۰ سنت تا حدود دو دلار و ۲۰ سنت یا همین حدود بود. تا زمانی که به حدود هفت تا هشت دلار رسید، درآمد بیشتری برای ما ایجاد کرد. البته اوپک هم تشکیل شد. ما نسبت به این موضوع حساس بودیم که اگر نفت بیش از حد قیمت‌گذاری شود، ارزش مواد اولیه‌ای که به ایران وارد خواهیم کرد نیز در مقایسه بالا خواهد رفت؛ بنابراین باید قیمت را مناسب نگه داشت. پدرم همیشه معتقد بود که قیمت نفت مثل قبل منصفانه نیست. به این ترتیب در نهایت نیز ما درآمد بیشتری به دست آوردیم که به ما اجازه داد تا به پروژه‌های بسیار سنگین‌تر از نظر نوسازی و صنعت و زیرساخت‌ها بپردازیم و البته ساخت مدرسه و دانشگاه و انواع امکانات.

ولی منتقدان آن زمان مسئله را از نظر آزادی که چرا حوزه سیاسی محدود بود مطرح می‌کردند. باز هم باید به مخاطبان یادآوری کنم که ما درباره دوران جنگ سرد صحبت می‌کنیم. بسیاری از گروه‌هایی که آن زمان منتقد رژیم بودند، لیبرال بودند به این معنی که خواهان مشارکت سیاسی بیشتر بودند. اما گروه‌های دیگری که به معنی واقعی با رژیم می‌جنگیدند از جمله با مبارزات مسلحانه، گروه‌های مارکسیست بودند که با مسکو همسو بودند و قصد مسکو در آن زمان این بود که راهی برای ضمیمه کردن ایران به خود پیدا کند. همانطور که در چکسلواکی همان زمان انجام دادند. ایران هرگز تن نداد.

● آیا درباره حزب توده حرف می‌زنید؟

- درباره گروه‌های مشخصی صحبت می‌کنم که به یک اتحاد رسیده بودند و با اسلامگرایان همسو شدند و منجر به اتحادی شد که پدرم آن را «اتحاد سرخ و سیاه» نامید که سرخ در آن کمونیست‌ها و سیاه نیز اسلامگرایان هستند. (ادامه دارد)

در گفتگو با کیهان لندن؛ وخامت حال زهره سرور زندانی مشروطه خواه در دوازدهمین روز اعتصاب غذا



● یک منبع آگاه به «کیهان لندن» می‌گوید که هفته گذشته و پس از چند روز اعتصاب غذای زهره سرور، او را به داسرا بردند و در آنجا فقط «وعده دادند» که خواسته او را «پیگیری» می‌کنند.

● حتی برای زهره سرور اقدامات پزشکی موثری هم انجام نشده و تنها طی روزهای گذشته فقط یکبار به دلیل افت شدید فشار خون به او سرم تزریق کردند.

● زهره سرور به دلیل عدم اعزام به مرخصی درمانی از روز پنجشنبه دوم آذرماه در زندان اوین اعتصاب غذا کرده است.

با گذشت دوازده روز از اعتصاب غذای زهره سرور حال این زندانی مشروطه خواه وخیم گزارش شده است. او در اعتراض به عدم اعزام به مرخصی درمانی اعتصاب غذا کرده است.

زهره سرور زندانی سیاسی مشروطه خواه در دوازدهمین روز اعتصاب غذا در زندان اوین با افت فشار خون و درد شدید معده و ضعف جسمانی روبرو است.

یک منبع آگاه در گفتگو با «کیهان لندن» گفته که زهره سرور در سیزدهمین روز اعتصاب غذا دچار معده درد شدید، ضعف جسمانی و افت فشار خون روبروست با وجود این هنوز مقامات قضایی به خواسته او پاسخ ندادند.

زهره سرور به دلیل عدم اعزام به مرخصی درمانی از روز پنجشنبه دوم آذرماه در زندان اوین اعتصاب غذا کرده است.

این زندانی سیاسی به دلیل پارگی رباط صلیبی و شاخ خلفی منیسک لترال زانوی پای راست نیاز فوری به عمل جراحی داد. این منبع آگاه به «کیهان لندن» می‌گوید که هفته گذشته و پس از چند روز اعتصاب غذای زهره سرور، او را به داسرا بردند و در آنجا فقط «وعده دادند» که خواسته او را «پیگیری» می‌کنند.

خواسته زهره سرور بر اساس قوانین کیفری جمهوری اسلامی، خواسته‌های منطقی و از جمله حقوق او به شمار می‌رود. او در حال حاضر یک سوم مدت حبس را گذرانده و در نتیجه مشمول حق استفاده از مرخصی درمانی و آزادی مشروط است. اکنون با توجه به ابتلا به چند بیماری و نیاز فوری به عمل جراحی باز هم مقامات قضایی با مرخصی او موافقت نکرده‌اند.

این منبع مطلع افزوده که حتی برای زهره سرور اقدامات پزشکی موثری هم انجام نشده و تنها طی روزهای گذشته فقط یکبار به دلیل افت شدید فشار خون به او سرم تزریق کردند. منبع آگاه به «کیهان لندن» تأکید کرده که «امروز اصلاً شرایط جسمی زهره سرور خوب نبوده» و علاوه بر ضعف شدید و کاهش فشار خون و درد شدید معده، به دلیل توده‌ای که در سینه دارد و درد زانو نیز تحت فشار قرار دارد.

هفته گذشته و پس از آغاز اعتصاب غذای زهره سرور نیز یکی از نزدیکان زهره سرور به «کیهان لندن» گفته بود که «زهره حدود سه سال است که پیوسته در زندان بوده و هفته گذشته بعد از یک سال درد شدید زانو او را به ام‌آر‌آی بردند و پزشک تشخیص داده که هم رباط صلیبی و هم شاخص خلفی منیسک لترال زانوی پای راستش پاره شده و باید فوری عمل شود.»

به گفته او «این عمل جراحی دوران نقاهت خیلی دشواری دارد که در بند زنان زندان و با توجه به پله‌هایی که بند دارد

در عمل امکان‌پذیر نیست و با اینهمه مقامات قضایی و امنیتی با اعزام او به مرخصی درمانی مخالفت می‌کنند و به همین دلیل زهره از روز شنبه دست به اعتصاب غذا زده است.»

وی افزوده بود که «آذرماه سال گذشته به دلیل درد شدید زانو قرار بود به تشخیص پزشک به ام‌آر‌آی برده شود اما پس از آنکه او را از زندان خارج کردند و درواقع او را ربودند و به زندان قرچک ورامین منتقل کردند زهره در قرچک دست به اعتصاب غذا زد. هیچ کار درمانی روی زانویش انجام نشد و به دلیل اعتصاب غذا مشکل گوارشی هم به مشکلات جسمی‌اش اضافه شده و دو توده هم در پستان داشته که آنهم نیاز به عمل جراحی دارد.»

یکی از مسائلی که درباره زهره سرور مطرح شده اینست که مادر او که باید پیگیر مسائل مرخصی و درمان او باشد به دلیل کهولت نمی‌تواند برای مرخصی دخترش فعالیت کند و حتی رفتن به زندان برای ملاقات نیز برای او دشوار است. پیشتر گزارش شده بود که زهره سرور مسئولیت مراقبت از مادر ۷۵ ساله‌ی بیمارارش را به عهده داشته است.

در امرداد امسال و مدتی پس از تشخیص وجود دو توده در پستان زهره سرور، یک منبع آگاه درباره وضعیت این زندانی مشروطه خواه به «کیهان لندن» گفته بود که «به تأیید پزشکان اوین و پزشکان معتمد قوه قضاییه زهره دو توده‌ی بزرگ در سینه دارد و نیازمند اقدام‌های جدی و فوری برای درمان و پیشگیری از رشد غده‌ها است.»

این منبع آگاه افزوده بود که «متأسفانه مسئولان پرونده خانم سرور بی‌توجه به شرایط جسمی او همچنان هیچ اقدامی آزادی مشروط یا آزادی با پابند یا مرخصی برای درمان وی نمی‌کنند.»

با وجود وضعیت اورژانسی این زندانی به دلیل وجود دو توده در پستان راست، او روز چهارشنبه چهارم امردادماه

از زندان اوین به بیمارستان «طالقانی» تهران اعزام شد اما بدون رسیدگی پزشکی کافی برای تشخیص وضعیت بیماری به زندان بازگردانده شد.

این منبع آگاه همچنین با اشاره به مشکل در زانوی راست این زندانی سیاسی گفته بود که به دلیل عدم رسیدگی پزشکی در دوران زندان، دردهایش تشدید شده است.

این منبع آگاه افزوده بود که «زهره سرور پیش از این به مدت ۱۸ روز در انفرادی‌های سالن ۹ زندان قرچک که سوئیت‌های قبل از اعدام هستند نگهداری شده بود. اعتصاب غذای خشک او و شرایط هولناک سوئیت‌های سالن ۹ زندان قرچک آسیب جدی به سلامت او زده است.» زهره سرور اوایل مهرماه سال ۱۴۰۰ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اطلاعات سپاه، موسوم به بند الف-یک منتقل شد. وی اواسط آبان‌ماه سال ۱۴۰۰ با پایان مراحل بازجویی به بند زنان زندان اوین فرستاده شد اما بعد از مدتی به زندان قرچک ورامین انتقال یافت.

این زندانی سیاسی یازدهم اردیبهشت امسال به همراه شمار دیگری از زندانیان سیاسی مانند الهه محمدی، نیلوفر حامدی، سها مرتضایی و حوریه رضایی راد از بند ۸ زندان قرچک ورامین به زندان اوین منتقل شد.

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری زهره سرور را از بابت اتهامات «اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام» به ۷ سال حبس تعزیری محکوم کرده است. با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، ۶ سال زندان در خصوص او قابل اجرا است.

زهره سرور متولد سال ۱۳۴۵ است که پیش از بازداشت با نام «ماه فر» در شبکه‌های اجتماعی فعالیت داشت.

مدت‌هاست که فشار بر زندانیان مشروطه خواه با تشکیل پرونده‌هایی با اتهامات واهی و سنگین و همچنین احکام زندان بلندمدت در جریان است.

بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی تغییرات اقلیمی بدون حضور جمهوری اسلامی در دومی آغاز به کار کرد



● بیست و هشتمین نشست تغییرات اقلیمی یا «کاپ۲۸»، نهم آذر، با شرکت بیش از ۷۰ هزار نفر رسماً در دومی آغاز به کار کرد. این کنفرانس ۲۱ آذر به پایان خواهد رسید.

● ایجاد صندوقی برای کمک به کشورهای جنوب جهان برای مقابله با اثرات منفی تغییرات اقلیمی یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی است که در دستور کار این کنفرانس قرار دارد.

● هیأت جمهوری اسلامی که به ریاست وزیر نیرو به دومی رفته بود، جمعه کنفرانس را در اعتراض به حضور نمایندگان اسرائیل ترک کرد.

احمد رأفت - بیست و هشتمین نشست تغییرات اقلیمی یا «کاپ۲۸»، نهم آذر، با شرکت بیش از ۷۰ هزار نفر رسماً در دومی آغاز به کار کرد. بیش از ۱۵۰ تن از رهبران جهان چون چارلز سوم پادشاه بریتانیا، آنتونیو گوتش دبیگل سازمان ملل و محمد بن زاید آل نهيان رئیس امارات متحده عربی در مراسم افتتاح این نشست شرکت کردند. رؤسای جمهوری آمریکا و چین به «کاپ۲۸» نیامدند ولی کشورهایشان حضوری پراهمیت در اجلاس خواهند داشت. سیدابراهیم رئیسی ولی اعلام کرد به دلیل حضور اسرائیل در این کنفرانس به دومی سفر نخواهد کرد.

این کنفرانس که تا ۲۱ آذر ادامه خواهد یافت، سومین نشست تغییرات اقلیمی است که در منطقه خاورمیانه برگزار می‌شود. در گذشته قطر میزبان «کاپ۲۲» بوده و اجلاس قبلی نیز در شرم‌الشیخ مصر برگزار شده بود. برگزاری این اجلاس در امارت متحده عربی و انتخاب سلطان الجابر مدیرعامل بزرگترین شرکت نفتی امارات (ADNOC) به عنوان رئیس دوره‌ای آن، به بحث‌های بسیاری دامن زده است. در حالی که فعالیت‌های مربوط به شرکت‌های بزرگ سوخت فسیلی از مهم‌ترین عوامل انتشار گازهای گلخانه‌ای و گرمایش زمین به حساب می‌آید، انتخاب مدیرعامل یکی از بزرگترین این شرکت‌ها برای ریاست ادواری نشست تغییرات اقلیمی را بسیاری دهان‌کجی به محتوا و اهداف این کنفرانس تلقی می‌کنند و بعید نمی‌دانند که این شرکت‌ها بخواهند از این نشست برای توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری در بخش سوخت فسیلی استفاده کنند.

اولین کنفرانس تغییرات اقلیمی را سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵ در برلین برگزار کرد. در این نشست کشورهای سه سال قبل از آن در اجلاس زمین در برزیل حضور داشتند و کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره تغییر اقلیم را امضا کردند، حضور داشتند. نقطه عطف در این سلسله کنفرانس‌های اقلیمی، نشست «کاپ۲۱» است که در سال ۲۰۱۵ با شرکت نمایندگان ۲۰۰ کشور در پاریس برگزار شد. در این کنفرانس کشورهای شرکت‌کننده متعهد شدند تدابیری اتخاذ کنند که تا سال ۲۱۰۰ میلادی افزایش دمای زمین از حد ۵/۱ درجه سانتیگراد تجاوز نکند. هدف ۵/۱ درجه افزایش دما برای جلوگیری از اثرات ویرانگر تغییرات اقلیمی ضروری است.

نشست می‌نویسد «نه تنها رئیس‌جمهور در این کنفرانس شرکت نمی‌کند، بلکه نماینده‌ای هم از سوی او به اجلاس فرستاده نخواهد شد». هیأت جمهوری اسلامی ایران در «کاپ۲۸» به ریاست علی‌اکبر محرابیان وزیر نیرو که به دومی رفته بود نیز جمعه، دهم آذر، کنفرانس را در اعتراض به حضور نمایندگان اسرائیل ترک کرد. به گزارش خبرنگاری ایرنا، علی‌اکبر محرابیان در زمان ترک کنفرانس، حضور نمایندگان اسرائیل در این نشست را «سیاسی» خواند و آن را «مغایر با اهداف و راهبردهای» کنفرانس بین‌المللی «تغییرات اقلیمی» موسوم به «کاپ ۲۸» اعلام کرد.

البته علی سلاجقه رئیس سازمان محافظت زیست در نشست قبلی تغییرات اقلیمی علت عدم همکاری جمهوری اسلامی در زمینه کاهش اثرات مخرب ناشی از افزایش گازهای گلخانه‌ای را «تروریسم اقتصادی»، در اشاره به تحریم‌های بین‌المللی، خوانده بود. این در حالیست که حسن روحانی رئیس دولت پیشین جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۷ صریحاً لزوم کاهش گازهای گلخانه‌ای برای مقابله با تغییرات اقلیمی را رد کرده و مدعی شده بود هیچ کشوری در دنیا این کار را نمی‌کند. جمهوری اسلامی یکی از ده آلاینده اول دنیا از نظر انتشار گازهای گلخانه‌ای است و با وجود تعهدات لفظی، انتشار این گازها در ایران طی چند سال اخیر کاهش نیافته است.

بنا بر شاخص عملکرد محیط زیستی که هر دو سال یکبار توسط دانشگاه‌های ییل و کلمبیا در آمریکا منتشر می‌شود، جمهوری اسلامی از میان ۱۸۰ کشور در تغییرات اقلیمی رتبه‌ی ۷۵ و در مدیریت زباله و پسماندها رتبه‌ی ۹۷ را دارد. در شاخص تنوع زیستی جمهوری اسلامی در رتبه‌ی ۱۳۸ قرار دارد.

هدف کنفرانسی که اکنون در دومی در جریان است، تنها تأکید بر دستیابی به تعهدات پیمانی که در سال ۲۰۱۵ در پاریس به امضا رسید نیست. از جمله دیگر موضوعاتی که در دستور کار قرار دارند می‌توان به برداشت گام‌های لازم برای استفاده هرچه بیشتر از انرژی‌های پاک برای کاهش اثرات گازهای گلخانه‌ای اشاره کرد. ایجاد صندوقی زیر نظر بانک جهانی برای کمک به کشورهای جنوب جهان برای مقابله با اثرات منفی تغییرات اقلیمی یکی دیگر از مسائلی است که شرکت‌کنندگان در این نشست درباره آن گفتگو خواهند کرد.

این صندوق باید با کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری کشورهای صنعتی و کشورهای تولیدکننده سوخت‌های فسیلی تاسیس شود. خبرنگاری رویترز به نقل از دیپلمات‌های اروپایی می‌نویسد کشورهایی چون آلمان، دانمارک و هلند در چند روز آینده میزان کمک‌های خود را اعلام خواهند کرد و اتحادیه اروپا نیز متعهد شده است که مشارکت قابل توجهی داشته باشد، اما مشروط بر اینکه کشورهایی چون چین، پادشاهی سعودی و امارات نیز سهم مهمی به عهده بگیرند.

البته در جریان این نشست مسائل دیگری چون سلامت، اقتصاد، معضل گرسنگی و حفاظت از طبیعت نیز در دستور کار قرار دارند. همکاری‌های چندجانبه در زمینه تأمین امنیت غذایی و ارتباط آن با تغییرات اقلیمی و برنامه‌هایی جهت افزایش تاب‌آوری زمین جهت رشد پایدار در زمینه کشاورزی و تأمین خواربار نیز یکی از موضوعاتی است که قرار است در مورد آنها راهکارهایی در این اجلاس ارائه شوند.

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اشاره به عدم شرکت ابراهیم رئیسی در این

جنایات هفتم اکتبر علیه زنان؛ ده تروریست حماس به زنی که التماس مرگ می‌کرد تجاوز کردند و بعد...



Credit: AP

می‌کند، می‌گوید: «اکنون واضح است که جرائم جنسی بخشی از برنامه‌ریزی آنها بوده و هدفشان ایجاد وحشت و تحقیر مردم بوده است.»

پلیس هزاران بیانه، عکس و کلیپ ویدئویی جمع‌آوری کرده است. او می‌گوید: «به عنوان یک مادر، ذهن و روح وی نمی‌تواند آنرا تحمل کند. از جمله دخترانی که لگن خاصره آنان شکسته شده بود، از بس که مورد خشونت و تجاوز قرار گرفته بودند.»

اولین نشانه‌ها در روزی بود که حماس برخی از اعمال وحشتناک خود را برای ارباب و تحقیر مردم به ویژه زنان به صورت زنده پخش کرد. فیلم‌ها نشان می‌دهد که آنها چند زن را لخت و عریان کرده‌اند. یکی از ویدئوها زن جوانی را با لکه‌های خون روی فاق لباس زیرش نشان می‌دهد.

دکتر کوچوا ال‌کایام- لوی، کارشناس حقوق بین‌الملل که ریاست کمیسیون غیرنظامی جنایات حماس علیه زنان در هفتم اکتبر را بر عهده دارد، می‌گوید: «ما در ابتدا متوجه نشدیم. از بازماندگانی که به بیمارستان‌ها می‌رسیدند در مورد آزار جنسی سؤال نشد و یا بسته‌های آزمایشی تجاوز به عنف برای جمع‌آوری مدرک و مستندات در اختیارشان قرار نگرفت.»

با این حال، کسانی که وظیفه جمع کردن پیکر کشته‌شدگان را داشتند، گزارش دادند که بسیاری از دختران و زنان برهنه بودند و از ناحیه اندام تناسلی خونریزی داشتند.

حیم آتم‌زگین، فرمانده یگان ویژه زکا، یک سازمان داوطلب مذهبی که بقایای کشته‌شدگان، از جمله خون آنها را جمع‌آوری می‌کند تا بتوان آنها را مطابق سنت یهودیان دفن کرد، در مورد آنچه دیده‌اند تردیدی ندارد.

او گفت: «ما ۱۰۰۰ پیکر بیجان را در ده روز از محل جشنواره و کیپوتس [شهرک] جمع‌آوری کردیم. هیچکس بیشتر از ما شاهد این صحنه‌ها نبود. واضح بود که آنها سعی داشتند تا آنجا که می‌توانند وحشت را گسترش

پلیس اسرائیل: خشونت جنسی و تجاوز در این حمله حماس برنامه‌ریزی شده بود

سه بار در هفته، بازماندگان از سراسر اسرائیل با والدینی که فرزندان‌شان در میان کشته‌شدگان هستند، در این محل گرد می‌آیند. عصر چهارشنبه نیز جمع شدند و مردم برایشان آجیو و سوپ سبزیجات آوردند. سپس بیرون رفتند تا دور آتش بنشینند و همزمان رونا کنعان، خواننده، گیتار می‌نواخت و می‌خواند.

روانشناسانی که برای این برنامه داوطلب شده‌اند از جمله بار یووال شانی، ۵۸ ساله، که تنها خواهرش، دبور، و همسرش، شلومی ماتیا، که هر دو نوازنده و از فعالان صلح بودند، در شهرک هولیت توسط ستیزه‌جویان تروریست که به اتاق امن آنها نفوذ کرده بودند کشته شدند. او با گریه گفت: «خواهرم هشت سال از من کوچکتر بود، اما انگار دوقلو بودیم. من خاطراتش را حفظ کرده و به شدت دلتنگش هستم.»

دبور در آن روز مرگبار برای محافظت از پسر ۱۶ ساله‌اش، روتم، خود را روی او انداخت و کشته شد. روتم که از ناحیه شکم مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود توانست ۹ ساعت خود را پنهان کند زیرا ستیزه‌جویان بارها و بارها برمی‌گشتند. یووال شانی او را از طریق تلفن راهنمایی می‌کرد که چگونه عمل کند تا زنده بماند.

داستان یونی سادون فقط یکی از چندین روایت شاهدان تجاوز جنسی در هفتم اکتبر است که یووال شانی از بازماندگان جشنواره شنیده است. او می‌گوید که همه آنها «عمیقاً آسیب دیده‌اند.»

هشت هفته پس از حمله‌ای که در آن ۱۲۰۰ کشته و ۲۴۰ تن به گروگان گرفته شدند، شواهد فزاینده‌ای از تجاوز جنسی گسترده در ۷ اکتبر وجود دارد. پلیس اسرائیل تحقیقات وسیع و بی‌سابقه‌ای را در مورد خشونت جنسی و جنایات علیه زنان آغاز کرده است.

شلی هاروش، فرمانده پلیس که تحقیقات را مدیریت

● تروریست‌ها «ماموریت» تجاوز جنسی را در حمله وحشیانه‌ی ۷ اکتبر به اسرائیل داشتند. کارزارهای مختلف می‌پرسند چرا سازمان ملل سکوت کرده است؟

● اولین نشانه‌ها در روزی بود که خود گروه تروریستی حماس برخی اعمال وحشتناک خود را برای ارباب و تحقیر مردم به ویژه زنان به صورت زنده پخش کرد. فیلم‌ها نشان می‌دهد که آنها چند زن را لخت و عریان کرده‌اند.

● پلیس اسرائیل: «برای ارتکاب خشونت جنسی به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از حمله حماس برنامه‌ریزی شده بوده است.»

● یونی سادون ۳۹ ساله هر شب با چهره‌های اندوهگین زنانی بیدار می‌شود که قربانی تروریست‌ها شده‌اند. او درباره زن جوانی که مورد تجاوز قرار گرفت و کشته شد می‌گوید: «وی چهره یک فرشته را داشت.»

● از سوی نهادهای بین‌المللی و سازمان ملل «واکنش اولیه، سکوت بود. عجیب بود که اینهمه مستند، با اینهمه سکوت همراه باشد! یکی از ارزش‌ها و وظایف سازمان ملل این است که «زنان را باور کن» زیرا جنایات علیه زنان همیشه انکار می‌شود؛ اما آنها ما را باور نکردند- همان سازمان‌هایی که قصد حمایت از ما را داشتند، ما را ناامید کردند.»

وقتی خورشید در بامداد هفتم اکتبر طلوع کرد، زن جوانی در کنار او در زیر صحنه جشنواره سوپ‌رنا مخفی شده بود، جایی که وی در حال رقصیدن با موسیقی الکترونیک بود هنگامی که شبه نظامیان حماس به سوی حاضران شروع به تیراندازی کردند.

سادون گفت: «او به زمین افتاد، گلوله‌ای به سرش خورد، بدن او را روی خود کشیدم و خونش را به خود مالیدم تا تصور کنند من هم مرده‌ام. من هرگز چهره او را فراموش نمی‌کنم. هر شب از خواب بیدار می‌شوم و از او عذرخواهی می‌کنم و می‌گویم «متاسفم.»»

ساعتی بعد زیرچشمی به بیرون نگریم: «زنی زیبا را دیدم با چهره‌ای مانند فرشتگان که هشت یا ده نفر از ستیزه‌جویان او را کتک زدند و به وی تجاوز کردند. او فریاد می‌زد: «بس کنید! من به هر حال با این کاری که می‌کنید خواهم مرد؛ فقط مرا بکش!» وقتی آنها کارشان را تمام کردند، می‌خندیدند و آخرین نفر به سر او شلیک کرد. پدر چهار فرزند افزود: «من مدام فکر می‌کردم که او می‌توانست یکی از دختران من باشد یا خواهرم که من برایش برای این جشنواره بلیت خریده بودم اما او در لحظه آخر نتوانست بیاید.»

وحشت اما به اینجا ختم نشد. او که در میان بوته‌ها پنهان شده بود، دو ستیزه‌جوی دیگر حماس را دید که یک زن جوان را در نزدیکی یک ماشین گرفته بودند و مقاومت می‌کرد و اجازه نمی‌داد برهنه‌اش کنند. آنها وی را روی زمین انداختند و یکی از تروریست‌ها بیلی برداشت و سرش را چنان قطع کرد که روی زمین غلتید.»

سادون مدیر یک کارخانه ریخته‌گری است و این رویدادهای فجیع را در یک منطقه پشتیبانی که در سیترا، در جنوب شرقی تل‌آویو، برای بازماندگان جشنواره‌ی خونین برپا شده، برای «سندی تایمز» روایت کرده است.

این جشنواره خودکشی کرده و ۱۸ نفر آنها در مراکز روانی تحت درمان هستند.

در این میان این نگرانی وجود دارد که برخی بازماندگان به عنوان بردگان جنسی توسط فرماندهان حماس نگه داشته شوند. همانگونه که دولت اسلامی (داعش) با ایزدی‌ها در سال ۲۰۱۴ رفتار کرد.

از سوی دیگر، در تناقضی انکارناپذیر و در جهانی که تجاوز به عنف به عنوان یک سلاح جنگی در همه جا، از اتیوپی تا اوکراین استفاده می‌شود، از این فجایع وحشتناک، به عنوان یک درگیری یاد می‌شود که در آن چنین اتفاقی نیفتاده است.

حماس تجاوز به زنان توسط ستیزه‌جویانش را رد می‌کند. یکی از مسئولان رسمی، بسم نعیم، به واشنگتن پست گفته که این گروه «هرگونه رابطه جنسی یا فعالیت خارج از ازدواج را کاملاً حرام می‌داند!» اسلام آن را ممنوع کرده است!

زنان فلسطینی می‌گویند که آنها نیز در زندان‌های اسرائیل مورد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند، ادعایی که مقامات اسرائیلی آن را رد کرده‌اند.

دادگاه کیفری بین‌المللی اعلام کرده است که در مورد حملات هفتم اکتبر و وضعیت غزه که در آن حدود ۱۵۰۰۰ تن کشته شده‌اند و درگیری‌هایی که از روز جمعه از سر گرفته شده، تحقیق خواهد کرد.

کریم خان، دادستان کل دادگاه کیفری بین‌المللی، دو روز گذشته را در اسرائیل گذرانده و با بازماندگان و خانواده‌های گروگان‌ها در تل آویو دیدار کرده و از کرانه باختری رود اردن نیز بازدید نموده است. وی گفت: «ما بر اساس اطلاعاتی که در اختیار داریم و شواهد بالقوه در دسترس، جرائم را در حوزه قضایی خود بررسی خواهیم کرد. انتظار می‌رود این تحقیقات شامل خشونت جنسی نیز باشد.»

طی یک هفته گذشته، هیئت‌های فمینیست‌های اسرائیلی و کارشناسان حقوق بشر در ژنو و نیویورک برای شنیده شدن این گزارش‌ها گرد آمده‌اند و روز دوشنبه در مقابل مقر سازمان ملل تظاهرات می‌کنند و شریل سندبرگ، مدیرعامل سابق فیس‌بوک در آن سخنرانی خواهد کرد.

جمعه شب گذشته، سازمان ملل متحد سرانجام در محکومیت حملات هفتم اکتبر بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است: «ما از گزارش‌های بی‌شماری از جنایات جنسیتی و خشونت جنسی در طول این حملات نگران هستیم.»

پروفیسور روت هالپرین- کاداری که ۱۲ سال به عنوان عضو کمیته کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد رفع انواع تبعیض‌ها علیه زنان (Cedaw) فعالیت کرده است، گفت: «این بیانیه‌ای است که باید دو ماه پیش صادر می‌شد!» او افزود: «این دیوانه‌کننده است. ما هر زمانی که اتفاقات وحشتناکی روی داده، برای خواهران خود تلاش کرده‌ایم از جمله در آنسوی اقیانوس در ارتباط با حق سقط جنین در آمریکا، یا به خاطر کشتار زنان در ایران، برای ربوده شدن ایزدی‌ها... اما حالا آنها رو برمی‌گرداند و من برای این رفتار پاسخ قانع‌کننده‌ای پیدا نمی‌کنم.»

آیلت رازین بت اور، مدیر سابق اداره اسرائیل برای ارتقای وضعیت زنان اما در این مورد پاسخی ندارد. او می‌گوید: «به زنان اسرائیلی خیانت شده است. آنها همیشه می‌گویند MeToo [جنبش من هم] مگر اینکه یهودی باشید!»

*منبع: تایمز

*نویسنده: کریستینا لمب

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

انتظار نداشتیم چنین صحنه‌های وحشتناکی ببینیم.» با این حال، چیزی که آنها را به گریه می‌انداخت، گاه به گاه درخشیدن رنگ‌ها بود: «برخی از بدن‌هایی که بیرون آورده‌ایم، ناخن‌های صورتی یا بنفش روشن داشتند، همه ما مکث می‌کردیم؛ در آن لحظه بسیاری از ما شکستیم.» با انتشار گزارش‌های بیشتر و بیشتر، الکیام- لوی از عدم واکنش بین‌المللی از سوی نهادهایی مانند زنان سازمان ملل شوکه شده است. در روز هشتم، او گروهی از کارشناسان حقوق بین‌الملل و حقوق زنان، از جمله ۱۶۰ استاد حقوق را گرد آورد و پیش‌نویس نامه‌هایی را برای آژانس‌های سازمان ملل تهیه کرد که همه این جنایات فجایع را به اشتراک می‌گذاشتند.

الکیام می‌گوید: «واکنش اولیه، سکوت بود. عجیب بود که اینهمه مستند، با اینهمه سکوت همراه باشد! یکی از ارزش‌ها و وظایف سازمان ملل این است که «زنان را باور کن» زیرا جنایات علیه زنان همیشه انکار می‌شود؛ اما آنها ما را باور نکردند- همان سازمان‌هایی که قصد حمایت از ما را داشتند، ما را ناامید کردند.»

این زنان یک کمیسیون غیرنظامی برای جمع‌آوری فیلم‌ها، عکس‌ها و اظهارات شاهدان، به عنوان آرشیو در پایگاه داده‌ها و همچنین با هدف افزایش آگاهی بین‌المللی ایجاد کرده‌اند.

الکیام- لوی می‌گوید: «داشته‌ها روشن می‌کند که حماس چه نیتی داشته است. آنها می‌خواستند ما را برای نسل‌های بعدی به وحشت بیندازند و به ابتدایی‌ترین شکل، نامنی را به ما القاء کنند و به همین دلیل زنان را به این صورت، هدف قرار دادند.»

چرا جمعیت #MeToo در مورد تجاوز جنسی تروریست‌های حماس سکوت کرده است؟

الکیام- لوی افزوده: «من یک فمینیست هستم، در این زمینه آموزش می‌دهم و برای حقوق زنان مبارزه می‌کنم، اما پس از ۷ اکتبر به شوهرم گفتم باید اسلحه داشته باشیم. اینکه من یک اسلحه بخوام و آن را در خانه‌ام نگه دارم، برخلاف هر چیزی که به آن همیشه اعتقاد داشته و دارم، نشان می‌دهد که آنها با ما چه کرده‌اند.»

منابع نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) می‌گویند که ستیزه‌جویان حماس که در غزه اسیر شده‌اند، در بازجویی‌ها به آنها گفته‌اند؛ دستور داشته‌اند که زنان را «کتیف» یا «فاحشه» کنند. آنها همچنین عکس‌ها و فیلم‌هایی به ساندی تایمز نشان دادند که قبلاً دیده نشده بود و به هیچ وجه نمی‌توان آنها را منتشر کرد.

برخی به دلیل استفاده از تبلیغات توسط ارتش اسرائیل و این واقعیت که هیچ قربانی به مسئولان مراجعه نکرده، این ادعاها را زیر سوال برده‌اند. اما دکتر دوورا باومن، مدیر مرکز بت آمی برای قربانیان آزار جنسی در بیمارستان هداسا، یادآور می‌شود: «معمولاً افرادی که مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند، برای مدت طولانی آن را گزارش نمی‌کنند، زیرا صحبت کردن در مورد آن بسیار دشوار است و نگرانند که مورد قضاوت قرار بگیرند. ما شواهد زیاد دیگری نیز داریم. من بیش از ۲۰ سال در این زمینه کار کرده‌ام و هرگز چنین چیزهای وحشتناکی نشنیده‌ام.»

در عین حال، برخی از جان‌به‌دردبران جشنواره بعدا جان خود را از دست داده‌اند و برخی دیگر در مراکز روانی تحت درمان هستند.

همچنین گفته می‌شود بیشتر زنانی که مورد تجاوز وحشیانه قرار گرفته‌اند یا کشته و یا به گروگان گرفته شده‌اند، گزارش‌ها حاکی از آن است که برخی از بازماندگان

دهند؛ با کشتن، زنده سوزاندن، تجاوز به عنف... به نظر می‌رسد که یکی از مأموریت‌های آنها تجاوز هرچه بیشتر بوده است.»

پدر ۶ فرزند که یکی از دخترانش ۲۴ سال دارد، برایش بسیار سخت است که در مورد آنچه دیده صحبت کند. او پیدا کردن جسد دو دختر را در یک مزرعه که هر دو به



سرشان شلیک و پاهایشان از هم جدا شده، یکی با شلوارک پاره شده و گلوله در واژن و دیگری با شلوار جین پایین کشیده شده و کبودی روی پاهایش را توصیف نمود. خانواده و اطرافیان او همگی تحت سرپرستی روانی و درمان هستند. پس از جمع‌آوری پیکرها، آنها به سردخانه اصلی پایگاه نظامی «شورا» منتقل شدند تا شناسایی و برای خاکسپاری آماده شوند. شاری ۶۰ ساله، مهندس ساختمان، ساکن اورشلیم، در میان داوطلبان یک تیم کاملاً زنانه برای تهیه پیکر زنانی بود که تروریست‌های حماس آنها را به قتل رساندند.

او که از صبح روز بعد به مدت دو هفته شب و روز در آنجا کار کرده است، صحنه‌های ترسناک غیرقابل تصویری را توصیف می‌کند: «اینجا یک ساختمان بزرگ است، اما به معنای واقعی کلمه کیسه‌های پر از بدن همه اتاق‌ها را پر کرده و راهروها را از کف تا سقف با این کیسه‌ها پوشانده شده بود و از تمامی آنها مایعاتی می‌چکید.»

او افزود: «باز کردن کیسه حامل این پیکرها بسیار ترسناک بود زیرا نمی‌دانستیم چه خواهیم دید. همه آنها زنان جوان بودند. بیشترشان با لباس‌های کم یا لباس‌های تکه‌تکه شده و بدن‌شان به ویژه دور لباس زیرشان خونی شده بود و برخی از آنها بطوری که گویی می‌خواستند آنها را مثلثه کنند، بارها به صورت‌شان شلیک شده بود.»

وی ادامه داد: «چهره‌های آنان نشان از این داشت که در حال ترس و اضطراب جان باختند و اغلب هنگام مرگ انگشتان‌شان مشت شده بود. زنانی را دیدیم که لگن خاصره و پاهایشان از ناحیه فاق شکسته شده بود. به پستان‌هایشان گلوله خورده بود... شکی نیست که چه اتفاقی برای آنها افتاده است.»

تیم او باید برای تشخیص هویت کشته‌شدگان منتظر پزشکان، دندانپزشکان و متخصصان DNA می‌شدند تا بتوانند به آرامی این پیکرها را در کفن‌های کتان سفید قرار دهند. او گفت: «ما فقط زنان عادی هستیم نه پزشک، هرگز

دولت بایدن به دنبال تشکیل «گروه ضربت دریایی» علیه تهدیدات جمهوری اسلامی



ناوشکن آمریکایی «یواس اس کارنلی» در دریای سرخ که پیش از اعزام به دریای سرخ در مدیترانه مستقر بود / اکتبر ۲۰۲۳

تسلیماتی حوثی‌ها و «مسئول نهایی» حملات به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ است. این مقام آمریکایی ضمن رد ارتباط کشتی‌های هدف گرفته شده توسط نیروهای حوثی با اسرائیل تأکید کرد که این امر نشان‌دهنده «گستاخی» ستیزه‌جویان مورد حمایت رژیم ایران است. وی توضیح داد: «در حالی که ناوشکن نیروی دریایی ایالات متحده یواس اس کارنلی به درخواست کمک از کشتی‌های تجاری در جنوب دریای سرخ پاسخ می‌داد، در مورد ساقط کردن سه پهپاد که به سمت آنها در حال پیشروی بودند، با احتیاط عمل کردند».

تشکیل گروه ضربت

در این میان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید با بیان اینکه ایالات متحده در حال مذاکره با سایر کشورها برای ایجاد «گروه ضربت دریایی» جهت جلوگیری از حملات جدید است، گفت: «ما با مشورت اقدامات مناسب را انجام خواهیم داد و این کار را در زمان و مکانی به انتخاب خود پیش خواهیم برد».

تشکیل گروه ضربت برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی اقدامی است که در دوران دونالد ترامپ انجام شد و شماری از متحدان آمریکا به این گروه پیوستند. پس از آغاز عملیات اسرائیل علیه گروه تروریستی حماس که جنگ غزه را با جنایت هفتم اکتبر آغاز کرد، بیش از ۶۳ مورد به نیروهای آمریکایی در منطقه حمله شد. طبق گزارش مقامات پنتاگون در این حملات بیش از ۵۰ پرسنل آمریکایی دچار آسیب‌های جزئی شدند. مقامات جمهوری اسلامی مدعی‌اند آمریکا گرداننده اصلی عملیات اسرائیل در غزه است. علی‌خامنه‌ای ۱۵ مهرماه در یک سخنرانی آمریکا را به «مدیریت جنایت غزه» متهم کرد.

توجه و جرم‌زدایی تجاوزکارانه و نقض جدی قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد در سوریه و منطقه می‌داند. «همچنین ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز روز دوشنبه ۱۳ آذرماه در نشست هفتگی با خبرنگاران در پاسخ به پرسشی درباره گزارش سنتکام مبنی بر دخالت جمهوری اسلامی در حمله حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ گفت: «سنتکام را نیروی تروریستی تلقی می‌کنیم و حضور نیروهای تروریستی سنتکام مخل آرامش و ایجاد کننده بی‌ثباتی و ناامنی برای کشورهای منطقه بوده است. ادعاهایشان بی‌سند و مدرک است و قابلیت راستی‌آزمایی ندارد. از منظر ایران این ادعاها فاقد ارزش پاسخگویی است».

او افزود: «معتمدیم آمریکایی‌ها اکنون در جایگاه اخلاقی نیستند که دیگران را به اقداماتی نظیر بی‌ثباتی در منطقه متهم کنند. آمریکایی‌ها یک طرف جنگ در منطقه هستند و مسئول دو ماه کشتار مردم فلسطین هستند و در جایگاه اخلاقی برای طرح ادعاهای واهی نه علیه دولت‌ها و نه گروه‌های مقاومت در منطقه هستند».

مقامات جمهوری اسلامی مدعی هستند «نیروهای مقاومت در منطقه نه از [رژیم] ایران دستور می‌گیرند و نه بر اساس دستورالعمل [حکومت] ایران اقدام می‌کنند». ستاد فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا مستقر در خاورمیانه (سنتکام) تصاویری را منتشر کرده که نشان می‌دهد گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پوشش یک تانکر سوخت اقدام به پرتاب راکت به سمت پایگاه‌های آمریکایی در سوریه کرده‌اند. آنها لانچرهای پرتاب راکت را داخل مخزن سوخت این تانکر جاسازی کرده‌اند.

جیک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا پیش از این در یک کنفرانس خبری گفته بود که رژیم ایران حامی مالی و

● نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل در نامه‌ای به شورای امنیت ادعای مقامات آمریکایی در مورد دخالت ایران در حمله به پایگاه‌های آمریکایی در عراق و سوریه را انکار کرد و مدعی شد «جمهوری اسلامی در هیچ اقدام یا حمله‌ای علیه نیروهای نظامی آمریکا حضور نداشته است».

● ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی دخالت جمهوری اسلامی در حمله حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ را انکار کرده است.

● ستاد فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا مستقر در خاورمیانه (سنتکام) تصاویری را منتشر کرده که نشان می‌دهد گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پوشش یک تانکر سوخت اقدام به پرتاب راکت به سمت پایگاه‌های آمریکایی در سوریه کرده‌اند. آنها لانچرهای پرتاب راکت را داخل مخزن سوخت این تانکر جاسازی کرده‌اند.

● جیک سالیوان مشاور امنیت ملی آمریکا پیش از این در یک کنفرانس خبری گفته بود رژیم ایران حامی مالی و تسلیماتی حوثی‌ها و «مسئول نهایی» حملات به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ است.

امیرسعید ایروانی نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل در نامه‌ای به شورای امنیت ادعای مقامات آمریکایی در مورد دخالت رژیم ایران در حمله به پایگاه‌های آمریکایی در عراق و سوریه را انکار کرد و مدعی شد «جمهوری اسلامی در هیچ اقدام یا حمله‌ای علیه نیروهای نظامی آمریکا حضور نداشته است».

در این نامه که متن آن سه‌شنبه ۱۴ آذرماه منتشر شده آمده است که «ادعاهای نماینده دائم آمریکا درباره دخالت ایران» در حمله به نیروهای نظامی ایالات متحده «بی‌اساس» است و رژیم ایران آن را «تلاشی عمدی از سوی ایالات متحده، برای

حسین راغفر اقتصاددان: پشت پرده فروش نفت نهادهای قدرت و الیگارش‌ها حضور دارند



قایق‌های تندرو سپاه پاسداران در خلیج فارس

سپردن فروش نفت ایران به ارگان‌های نظامی و امنیتی یکی از اصلی‌ترین مجاری فساد است که منتهی به غارت منابع ایران شده است. یکی از این موارد پرونده فساد اسماعیل احمدی‌مقدم فرمانده سابق نیروی انتظامی جمهوری اسلامی و شماری از فرماندهان رده بالای پلیس در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد است.

چندین گروه مافیایی مستقیم و غیرمستقیم برای فروش نفت ایران با نیروهای مسلح در ارتباط هستند. مهدی نصیری مدیرمسئول پیشین کیهان تهران در فروردین ۱۴۰۲ طی یک سخنرانی افشا کرد که پسر علی شمخانی دبیر پیشین شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی از فروش نفت روزی یک میلیون دلار سود می‌برد.

فریدون عباسی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی اوایل امرداد ۱۴۰۲ از دولت خواست راه‌های فروش نفت، بازگشت پول نقد حاصل از فروش و میزان فروش نفت را محرمانه نگه دارد و مقامات اطلاعات را فاش نکنند و در تجارت نفت «رمزگذاری» کنند.

وی توصیه کرده بود «باید در فروش نفت که تحریم هستیم رمزگذاری داشته باشیم، کسی هم نباید بتواند این رمز را بشکند. اینکه آیا پول فروش نفت به کشور برگردانده می‌شود و از چه راهی، باز باید محرمانه بماند.»

با توجه به اینکه ارگان‌های نظامی از پرداخت مالیات معاف هستند و نسبت به درآمدهای خود پاسخگو نیستند مشخص نیست در اینهمه سال چه میزان نفت فروخته‌اند و چقدر از آن را در کجا خرج کرده‌اند. حالا با بودجه ۱۴۰۳ قرار است دست «برادران قاچاقچی» سپاه پاسداران و دیگر نهادهای امنیتی و نظامی برای نفت‌فروشی و به جیب زدن درآمدهای حاصل از آن بطور قانونی و بیش از پیش باز شود.

بنیه دفاعی در نظر گرفته است. در این بند آمده است در صورت عدم تخصیص این بودجه شرکت ملی نفت ایران با هماهنگی با سازمان برنامه و بودجه معادل نفت خام این رقم را به اشخاص حقوقی معرفی شده از سوی ستاد کل نیروهای مسلح واگذار کند.

حسین راغفر اقتصاددان در مصاحبه با «ایلنا» که ۱۳ آذرماه منتشر شد درباره کاهش درآمدهای جمهوری اسلامی از فروش نفت گفت «واقعیت این است که در بودجه ۱۴۰۲ ارزیابی دولت برای فروش نفت غیرواقعی بود از این رو در بودجه ۱۴۰۳ درآمد حاصل از فروش نفت را کاهش دادند. موضوع مهم‌تر این است که قیمتی که برای فروش نفت در برنامه‌های بودجه پیش‌بینی می‌شود عمدتاً برآورد بالاتر از واقعیت است.»

وی توضیح داده است «باید توجه داشت که نفت ایران در بازار جهانی به فروش نمی‌رود بلکه به شکل محموله‌هایی خارج از بازار رسمی و معمولاً زیر قیمت به فروش می‌رود.» راغفر می‌گوید «پس از تحولات منطقه‌ای، روس‌ها قیمت نفت را به شدت پایین آوردند تا فروش بیشتری داشته باشند و ایران هم برای اینکه بتواند فروش نفت در این شرایط را داشته باشد، قیمت نفت خود را از قیمت روسیه هم پایین‌تر آورده است. بنابراین درآمدی که در بودجه ۱۴۰۲ پیش‌بینی می‌کردند، محقق نشد.»

وی در بخش دیگری از این مصاحبه بدون نام بردن از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا سایر ارگان‌های امنیتی و نظامی رژیم گفت «مدت‌هاست که فروش نفت خارج از مسیر وزارت نفت به کانالی برای توزیع فساد تبدیل شده است که پشت پرده آن نهادهای قدرت و الیگارش‌ها حضور دارند که در برنامه‌ها و تصمیمات کشور نفوذ دارند تا جای پاهای خود را قانونی کنند و در نهایت فساد شکل قانونی پیدا کند.»

● حسین راغفر اقتصاددان در مصاحبه با ایلنا بدون نام بردن از سپاه پاسداران یا سایر ارگان‌های امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی گفت «مدت‌هاست که فروش نفت خارج از مسیر وزارت نفت به کانالی برای توزیع فساد تبدیل شده است که پشت پرده آن نهادهای قدرت و الیگارش‌ها حضور دارند که در برنامه‌ها و تصمیمات کشور نفوذ دارند تا جای پاهای خود را قانونی کنند و در نهایت فساد شکل قانونی پیدا کند.»

● بر اساس بند «ب» تبصره ۴ رابطه مالی دولت و نفت، دولت، ماهانه ۱۳۴ هزار میلیارد تومان به عنوان تقویت بنیه دفاعی در نظر گرفته است. در این بند آمده است در صورت عدم تخصیص این بودجه شرکت ملی نفت ایران با هماهنگی با سازمان برنامه و بودجه معادل نفت خام این رقم را به اشخاص حقوقی معرفی شده از سوی ستاد کل نیروهای مسلح واگذار کند.

با اینکه مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند با وجود تحریم‌ها درآمدهای نفتی ایران افزایش پیدا کرده اما در لایحه بودجه ۱۴۰۳ درآمدهای نفتی ۱۶ درصد کمتر از امسال (سال ۱۴۰۲) برآورد شده و همزمان میزان دریافت مالیات به دو برابر درآمدهای نفتی رسیده است.

همچنین بر اساس آنچه در لایحه بودجه سال آینده آمده، ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مجوز فروش نفت خام و میعانات گازی را تا سقف ماهانه ۱۳۴ هزار میلیارد تومان، به منظور تقویت بنیه دفاعی دریافت کرده است. به این ترتیب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر نهادهای نظامی و امنیتی با اجرای لایحه بودجه سال آینده، به صورت رسمی می‌توانند نفت‌فروشی کنند.

بر اساس بند «ب» تبصره ۴ رابطه مالی دولت و نفت، دولت، ماهانه ۱۳۴ هزار میلیارد تومان به عنوان تقویت

فساد دبش! از کلاهبرداری ۱۴۰ هزار میلیارد تومانی «شرکت دبش» تا «اختلاس توأم با جعل سند» برای ۲۴۴ وام ازدواج



کارخانه چای دبش / عکس از وبسایت «دبش»

کشور شده است؛ در حالیکه واردات چای نیازمند استعلام از دستگاه‌های دیگر برای تأیید کیفیت است و قاعداً بر اساس مقررات باید واردات این محصول یا از مسیر زرد یا قرمز انجام می‌شد.

به گفته رئیس سازمان بازرسی کل کشور، واردات چای و ماشین‌آلات این گروه تجاری، نیازمند ثبت سفارش و تأییدیه وزارت صمت، جهاد کشاورزی و بانک مرکزی بوده که طی سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ با هماهنگی‌های صورت گرفته توسط مدیران دستگاه‌های مذکور، ثبت سفارش‌های این گروه به میزان بیشتر از نیاز کشور تأیید و به محض ارسال برای بانک مرکزی تخصیص لازم انجام شده است؛ در حالی که برای دیگر شرکت‌های متقاضی شرایطی از جمله سابقه قبلی واردات و ... ملاک عمل تأیید قرار می‌گرفت و بنا به اظهار برخی واردکنندگان بعضاً هیچ کدام از ثبت سفارش‌های درخواستی آن‌ها مورد تأیید قرار نمی‌گرفت.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور با ارائه آماری تکانه‌دهنده از منابع ارزی داده شده به «دبش» گفته که «این گروه تجاری از ابتدای سال ۱۳۹۸ تا پایان سال ۱۴۰۱، حدود ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار برای واردات چای و ماشین‌آلات پیشرفته چاپ و بسته‌بندی، ارز دریافت کرده و طی این مدت، ۷۹ درصد از ارز نیامی تخصیص یافته برای واردات چای، به این گروه تجاری اختصاص پیدا کرده است.»

رئیس سازمان بازرسی افزوده که «در سال ۱۴۰۱ نیز کل ارز تأمین شده برای واردات چای حدود یک میلیارد و ۳۹۶ میلیون دلار بود که از این میزان یک میلیارد و ۱۰۱ میلیون دلار به این گروه اختصاص پیدا کرده بود.» آن‌گونه که خدایان، رییس سازمان بازرسی می‌گوید: «این گروه تجاری، تاکنون برای یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار از ارزهای دریافتی خود، رفع تعهد نداشته و کالایی وارد کشور نکرده است.»

اقتصادی ایران سابقه نداشته است. همچنین بر اساس خبرهای منتشر شده مدیر عامل این گروه صنعتی هم‌اکنون در بازداشت است.

هرچند سازمان بازرسی کل کشور درباره نام این گروه اطلاعاتی نداده اما روزنامه «اعتماد» نوشته که این فساد توسط «گروه کشت و صنعت دبش» با برند تجاری «چای دبش» صورت گرفته است؛ یک بیزینس خانوادگی و موروثی که توسط خانواده «الف.ر.» اداره می‌شود. عمده فعالیت این شرکت نیز در اختیار گرفتن باغات چای در کشورهای آفریقایی به صورت قرارداد سلف و واردات چای تولید شده به ایران است.

بر اساس اطلاعات منتشر شده سازوکار فساد صورت گرفته به این صورت بوده که گروه کشت و صنعت دبش، برای چای درجه یک هندی ثبت سفارش کرده، اما در عمل چای درجه دو کنیایی (یعنی همانجایی که کشت فراسرزمینی انجام می‌دهد) وارد کرده است.

اختلاف قیمت این دو نوع چای چیزی حدود ۱۲ دلار در هر کیلو بوده که در تناژ بالا اعداد سرسام‌آوری نصیب مدیران این گروه شده است.

اطلاعات منتشر شده از این پرونده نشان می‌دهد که شبکه‌ای گسترده متشکل از سازمان استاندارد، گمرک و حتی وزارتخانه‌هایی، چون جهاد کشاورزی و سازمان غذا و دارو نیز کیفیت چای وارداتی را تأیید کرده‌اند. این موضوع نشانه‌ای از ساختار فاسد و مافیایی و شبکه‌های تودرتوی فعال در حوزه اقتصاد و تجارت ایران دارد.

ذبیح‌الله خدایان چگینی رئیس سازمان بازرسی کل کشور درباره این پرونده گفته که «مسیری که در گمرک برای ترخیص کالاهای این گروه در نظر گرفته شده بود عمدتاً «مسیر سبز» بوده، بدین معنا که فقط از طریق سیستم، تیک‌های مورد نظر زده شده و در نتیجه کالا ترخیص و وارد

یکی از جدیدترین فسادهای اقتصادی در جمهوری اسلامی توسط «گروه کشت و صنعت دبش» با برند تجاری «چای دبش» صورت گرفته است.

● رقم ریالی فساد «دبش» حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان است که از نظر ریالی، تاکنون چنین چیزی در تاریخ اقتصادی ایران سابقه نداشته است.

● در قم نیز یک مدیر بانکی با جعل سند توانسته مبلغ ۲۴۴ وام ازدواج را به جیب بزند.

در روزهای گذشته چند پرونده فساد اقتصادی دیگر در جمهوری اسلامی خرساز شده است. این فساد توسط «گروه کشت و صنعت دبش» با برند تجاری «چای دبش» به رقم ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار معادل ۱۴۰ هزار میلیارد تومان بوده که تاکنون در تاریخ ایران سابقه نداشته است.

بر اساس گزارش سازمان بازرسی کل کشور، یکی از جدیدترین فسادهای اقتصادی در جمهوری اسلامی توسط «گروه کشت و صنعت دبش» با برند تجاری «چای دبش» صورت گرفته است. این گروه صنعتی ۷۹ درصد ارز تخصیص یافته برای واردات چای را دریافت می‌کرده اما این رقم را در جای دیگری سرمایه‌گذاری و مصرف می‌کرده است.

در همین رابطه روزنامه «اعتماد» گزارش داده که سازمان بازرسی کل کشور از فساد جدیدی در حوزه واردات با ارز ترجیحی پرده برداشته که اندازه آن، یک رکورد خارق‌العاده را جابه‌جا کرده است. به گفته سازمان بازرسی «یک گروه فعال در حوزه چای، از سال ۹۸ تا ۱۴۰۱ بالغ بر ۲/۷ میلیارد دلار ارز با نرخ نیامی برای واردات ماشین‌آلات و واردات چای دریافت و بخش بزرگی از آن را در جای دیگری هزینه کرده است.

رقم ریالی فساد رخ داده چیزی حدود ۱۴۰ هزار میلیارد تومان است که از نظر ریالی، تاکنون چنین چیزی در تاریخ

ممنوع الخروج کرد و اخیراً و هم وزارت اطلاعات به عنوان ضابط قضایی مسأله را پیگیری کرده‌اند و در حال حاضر فرد مورد نظر با قرار وثیقه در بازداشت قرار دارد و پرنده وی در دست رسیدگی است.»

سازمان بازرسی کل کشور نیز روز شنبه یازدهم آذرماه ۱۴۰۲ اعلام کرد که «کل ارز دریافتی یک شرکت خاص از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ (در قالب واردات چای و ماشین آلات) معادل ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار بوده که از این مبلغ حدود یک میلیارد و ۴۷۲ میلیون دلار از ارز نیمایی تأمین شده برای ماشین آلات و مابقی آن برای واردات چای بوده است.»

اکبر رحیمی یکی از صدها فردی است که با پیوستن به بخشی از بدنه رانت حکومت و تشکیل یک شبکه که گفته شده تا وزارتخانه و گمرک و... کشیده شده، توانسته بزرگترین فساد اقتصادی افشا شده در ایران را رقم بزند.

اکبر رحیمی متولد سال ۱۳۵۰ در شهر تهران و دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی است. او از سال ۱۳۷۶ به صورت رسمی وارد فعالیت در صنعت چای کشور شد. محمدرحیم رحیمی پدر او مدیریت شرکت چای دیش را بر عهده داشت. این شرکت در سال ۱۳۰۹ خورشیدی (۱۹۳۰ میلادی) فعالیت بازرگانی خود را آغاز کرد و تا کنون به عنوان یک تجارت خانوادگی مشغول به کار بوده است. اکبر رحیمی در ابتدا در بخش فروش این شرکت خانوادگی مشغول به کار شد و به مرور مسئولیت‌های بیشتری به عهده گرفت.

در سال ۱۳۸۵ اکبر رحیمی به عنوان مدیرعامل شرکت چای دیش منصوب شد. در ظاهر او در طول دوران مدیریت خود، این شرکت را به یکی از بزرگترین و موفق‌ترین شرکت‌های تولید و توزیع چای در ایران تبدیل کرد؛ اما اکنون مشخص شده او با اتکا به این شرکت، یکی از بزرگترین شبکه‌های فساد اقتصادی در ساختار معیوب جمهوری اسلامی را تشکیل داده است.

اکبر رحیمی در گذشته نیز یکبار بازداشت و سپس آزاد شده است. او یک پرونده بزرگ مربوط به تخلف در واردات کاغذ هم در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد.

جالب اینکه روابط او به حدی گسترده بوده که حتی در صداوسیما جمهوری اسلامی هم نفوذ کرده و در دهه ۹۰ خورشیدی برنامه اختصاصی با عنوان «شب‌نشینی دیش» در شبکه یک صداوسیما جمهوری اسلامی برای تبلیغ داشت! چند ماه پیش محمدرضا یزدی دبیر ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی اعلام کرده بود که شرکت «گروه کشت و صنعت دیش» چای نامرغوب داخلی را صادر و همان چای نامرغوب و یا خاک چای را با تغییر بسته‌بندی تحت عنوان چای مرغوب خارجی وارد کشور نموده و از این طریق بیش از دو میلیارد یورو ارز از کشور خارج شده است.

اکبر رحیمی هم‌راه امسال در گفتگو با خبرگزاری «تسنیم»، نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از توقیف ۳۰ هزار تن چای وارداتی شرکت‌اش توسط گمرک به شدت انتقاد کرده و اتهام ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی درباره واردات «چای بی‌کیفیت» را رد کرده بود.

اکبر رحیمی که با تکیه بر رانت دولتی و حکومتی توانسته چنین تخلف بزرگ اقتصادی را پیش ببرد، در سال ۹۹ در گفتگو با روزنامه «دنیای اقتصاد» از «مداخله» دولت در اقتصاد شکایت کرده و گفته بود: «هرگونه استرس وارده به صنایع غذایی اثری آبی بر کاهش اقلام سبب غذایی مصرف‌کنندگان دارد و اثر ثانویه آنها را می‌توان در ایجاد سستی در صنعت و قرار گرفتن در محدوده افول از منحنی طول عمر سازمان مشاهده کرد. اگر محدودیت‌ها و

خبر فساد ۳/۲۷ میلیارد دلاری به عنوان بزرگترین فساد اقتصادی تاریخ ایران که از سوی «گروه کشت و صنعت دیش» صورت گرفته همچنان تپت برجسته رسانه‌های ایران است. «الف. ر.» متهم ردیف اول این پرونده با وثیقه پنج هزار میلیارد تومانی، سنگین‌ترین وثیقه صادر شده از سوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی، در زندان است.

فساد اقتصادی صورت گرفته توسط «گروه کشت و صنعت دیش» با برند تجاری «چای دیش» رقم ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار معادل ۱۴۰ هزار میلیارد تومان بوده که تا کنون در تاریخ ایران سابقه نداشته است.

متهم ردیف اول پرونده فساد اقتصادی «گروه کشت و صنعت دیش» مدیرعامل این مجموعه، اکبر رحیمی، است که رسانه‌های داخلی از او به عنوان «الف. ر.» نام برده‌اند. آخرین اطلاعات منتشر شده درباره اکبر رحیمی بیانگر اینست که او از اواخر ماه گذشته، آبان ۱۴۰۲، بازداشت و پس از تعیین وثیقه ۵۰۰۰ میلیاردی از سوی بازپرس دادسرای ویژه جرائم اقتصادی تهران روانه زندان شده است.

رقم تعیین شده به عنوان وثیقه اکبر رحیمی هرچند سنگین‌ترین وثیقه صادر شده در قوه قضاییه جمهوری اسلامی است اما نسبت به رقم ۱۴۰ هزار میلیارد تومانی فساد او و هم‌دستانش، رقم چندان زیادی نیست.

بر اساس اطلاعات منتشر شده درباره این پرونده، ساز و کار فساد صورت گرفته به این شکل بوده که گروه کشت و صنعت دیش، برای چای درجه یک هندی ثبت سفارش کرده، اما در عمل چای درجه دو کنیایی (یعنی همانجایی که کشت فراسرزمینی انجام می‌دهد) وارد کرده است.

اختلاف قیمت این دو نوع چای چیزی حدود ۱۲ دلار در هر کیلو بوده که در مقادیر بالا مبلغ سرسام‌آوری نصیب مدیران این گروه کرده است.

اطلاعات منتشرشده از این پرونده نشان می‌دهد که شبکه‌ای گسترده متشکل از سازمان استاندارد، گمرک و حتی وزارتخانه‌هایی چون جهاد کشاورزی و سازمان غذا و دارو نیز کیفیت چای وارداتی را تأیید کرده‌اند. این موضوع نشانه‌ای از ساختار فاسد و مافیایی و شبکه‌های تو در توی فعال در حوزه اقتصاد و تجارت جمهوری اسلامی دارد.

حسن درویشیان رئیس دفتر بازرسی ویژه رئیس جمهور شامگاه دوشنبه ۱۳ آذر درباره اقدامات و پیگیری‌های دولت درباره این پرونده گفته که «اواخر سال ۱۴۰۱ به دنبال برخی اطلاعات واصله از جمله نامه جمعی از فعالان صنعت چای به معاون اول رئیس جمهور، دستور پیگیری به ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی صادر و هم‌زمان بازرسی ویژه رئیس جمهور و وزارت اطلاعات نیز پیگیری‌های لازم را به عمل آوردند.» حسن درویشیان با بیان اینکه کارت بازرگانی این شرکت برای رسیدگی‌های سازمان تعزیرات تعلیق شده گفته که «آن بخشی که بالغ بر ۱۰۰ میلیارد ریال بوده در دادگاه انقلاب مطرح و در حال رسیدگی است و متهم نیز با قرار وثیقه بازداشت شده و اکنون در زندان به سر می‌برد و در یکی از شعب دادگاه‌های عمومی تهران، پرونده وی مطرح رسیدگی است.»

رئیس دفتر بازرسی ویژه ابراهیم رئیسی افزوده که «با ورود به موقع دولت جلوی این کار گرفته شد و فرد متخلف ممنوع‌الخروج و دستگاه‌های نظارتی دولت اعم از وزارت اطلاعات، بازرسی ویژه و دبیرخانه ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی این فساد را کشف و پیگیری‌های لازم را انجام دادند و پرونده از سوی وزارت اطلاعات به عنوان ضابط به مراجع قضایی ارجاع داده شد.»

او گفته که «دادستان عمومی و انقلاب تهران نیز این موضوع را به جد دنبال کرد و در مقطعی مدیر شرکت را

دبیرالله خداییان چکینی افزوده که «علاوه بر ارزهای تأمین شده جهت واردات چای، بالغ بر یک میلیارد و ۴۷۲ میلیون دلار در طول سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ جهت واردات ماشین‌آلات مربوطه به این گروه تجاری تخصیص داده شده که به سرجمع تعهدات این شرکت اضافه می‌شود و با اتمام مهلت قانونی، به میزان تعهدات رفع نشده منقضی شده اضافه خواهد شد.»

ساختار فاسد و تهاکار جمهوری اسلامی پرونده‌های مختلفی از فسادهای اقتصادی را ثبت کرده است. هم‌زمان با انتشار خبر فساد ده‌ها هزار میلیارد تومانی «دیش» در خبر دیگری یک مدیر بانکی با جعل سند توانسته مبلغ ۲۴۴ وام ازدواج را به جیب بزند.

حسن غریب دادستان قم از این پرونده به عنوان «اختلاس توأم با جعل سند» نام برده و گفته رئیس بانک و هم‌دستانش با جعل اسناد رسمی هویتی و سند ازدواج خانواده‌هایی که مشمول قوانین اخذ وام قرض‌الحسنه ازدواج نبودند اقدام به اخذ ۲۴۴ فقره وام ازدواج کردند.

دادستان قم توضیح داده که «این مدیر متخلف بانکی با شناسایی مشکلی در استعلام بانک مرکزی با کمک هم‌دستانش در خارج از بانک اقدام به جعل مدارک شناسایی ۱۲۲ زوج از خانواده‌های مسن یکی از روستاهای استان‌های غربی کشور می‌کند و بر اساس این مدارک جعلی در قبال اخذ رشوه، ۲۴۴ فقره تسهیلات ازدواج را اخذ و به این متقاضیان پرداخت می‌نماید.»

دادستان قم «اختلاس توأم با جعل به مبلغ ۱۷۰ میلیارد ریال» و «اخذ رشوه به مبلغ ۲۰ میلیارد ریال» را از اتهامات مندرج در کیفرخواست این مدیر بانکی و فراهم آوردن تحقق جرم «ارتشاء»، «تحصیل مال از طریق نامشروع» و «معاونت در اختلاس توأم با جعل» را از اتهامات هم‌دستان این متهم عنوان کرد.

حسن غریب افزوده که اغلب این وام‌های ازدواج به حساب این متقاضیان که فاقد شرایط دریافت وام بودند واریز شده است اما در مواردی نیز متهم حتی بدون اطلاع افراد اقدام به جعل مدارک آنان و دریافت وام به حساب خودش کرده بود و صاحبان شناسنامه و سند ازدواج جعلی از کل ماجرا اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند.

جزئیاتی از بزرگترین فساد

اقتصادی تاریخ ایران؛ «الف»

ر. متهم ردیف اول پرونده

«دیش» کیست؟

● فساد اقتصادی صورت گرفته توسط «گروه کشت و صنعت دیش» با برند تجاری «چای دیش» رقم ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار معادل ۱۴۰ هزار میلیارد تومان بوده که تا کنون در تاریخ ایران سابقه نداشته است.

● متهم ردیف اول پرونده فساد اقتصادی «گروه کشت و صنعت دیش» مدیرعامل این مجموعه، اکبر رحیمی، است که رسانه‌های داخلی از او به عنوان «الف. ر.» نام برده‌اند. آخرین اطلاعات منتشر شده درباره اکبر رحیمی بیانگر اینست که او از اواخر ماه گذشته، آبان ۱۴۰۲، بازداشت و پس از تعیین وثیقه ۵۰۰۰ میلیاردی از سوی بازپرس دادسرای ویژه جرائم اقتصادی تهران روانه زندان شده است.

با دستور «شورای عالی امنیت ملی» حضور، اسکان و اشتغال اتباع افغانستان در ۱۶ استان ایران ممنوع شد

● استان‌هایی که بطور کامل برای اقامت شهروندان افغان ممنوع هستند، عبارتند از: آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، مازندران، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و همدان.

● حمزه سلیمانی مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری کرمانشاه با اعلام این خبر در ارتباط با بازرسی و دستگیری افراد در واحدهای مختلف و «طرد» آنها افزود: «در این بازرسی‌ها تعدادی از کارگران افغانستانی که توسط کارفرمایان به کار گرفته شده بودند، دستگیر و از استان طرد شدند.» او توضیح نداد این افراد چگونه و به کجا «طرد شدند».

مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری کرمانشاه اعلام کرد: «در حال حاضر با دستورالعمل ابلاغی از شورای عالی امنیت ملی، حضور، اسکان و اشتغال اتباع افغانستان در ۱۶ استان کشور و از جمله کرمانشاه ممنوع است.»

استان‌هایی که بطور کامل برای اقامت شهروندان افغان ممنوع هستند، عبارتند از: آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، مازندران، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و همدان.

حمزه سلیمانی روز شنبه ۱۱ آذرماه ۱۴۰۲ با بیان این مطلب به ایسنا گفت: «در این راستا از ابتدای امسال تا کنون هشت مرحله طرح شناسایی، دستگیری و طرد اتباع غیرمجاز در کرمانشاه اجرایی شده است.»

وی به مشارکت پلیس امنیت عمومی، اداره اجرائیات شهرداری و سایر دستگاه‌های مربوطه در اجرای این طرح اشاره کرد و افزود: «طی اجرای این طرح‌ها تا کنون تعداد قابل توجهی از کارگران افغانه و نیز تعدادی از کارفرمایان متخلف و بی‌تعهد که اقدام به به‌کارگیری آنها کرده بودند، دستگیر شدند.»

این مقام مسئول از آغاز مرحله نهم اجرای این طرح هم خبر داد و گفت: «مرحله نهم اجرای طرح شناسایی، دستگیری و طرد اتباع غیرمجاز از هشتم آذر در کرمانشاه آغاز

تیک‌های مورد نظر زده شده و در نتیجه کالا ترخیص و وارد کشور شده است؛ در حالیکه واردات چای نیازمند استعلام از دستگاه‌های دیگر برای تأیید کیفیت است و قاعدتا بر اساس مقررات باید واردات این محصول یا از مسیر زرد یا قرمز انجام می‌شد.»

به گفته رئیس سازمان بازرسی کل کشور، واردات چای و ماشین‌آلات این گروه تجاری، نیازمند ثبت سفارش و تأییدیه وزارت صمت، جهاد کشاورزی و بانک مرکزی بوده که طی سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ با هماهنگی‌های صورت گرفته توسط مدیران دستگاه‌های مذکور، ثبت سفارش‌های این گروه به میزان بیشتر از نیاز کشور تأیید و به محض ارسال برای بانک مرکزی تخصیص لازم انجام شده است؛ در حالی که برای دیگر شرکت‌های متقاضی شرایطی از جمله سابقه قبلی واردات و ... ملاک عمل تأیید قرار می‌گرفت و بنا به اظهار برخی واردکنندگان بعضاً هیچ کدام از ثبت سفارش‌های درخواستی آنها مورد تأیید قرار نمی‌گرفت.»



رئیس سازمان بازرسی کل کشور با ارائه آماری تکانهنده از منابع ارزی داده شده به «دبش» گفته که «این گروه تجاری از ابتدای سال ۱۳۹۸ تا پایان سال ۱۴۰۱، حدود ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار برای واردات چای و ماشین‌آلات پیشرفته چاپ و بسته‌بندی، ارز دریافت کرده و طی این مدت، ۷۹ درصد از ارز نمایم تخصیص یافته برای واردات چای، به این گروه تجاری اختصاص پیدا کرده است.»

رئیس سازمان بازرسی افزود که «در سال ۱۴۰۱ نیز کل ارز تأمین شده برای واردات چای حدود یک میلیارد و ۳۹۶ میلیون دلار بود که از این میزان یک میلیارد و ۱۰۱ میلیون دلار به این گروه اختصاص پیدا کرده بود.» آن‌گونه که خدایان، رییس سازمان بازرسی می‌گوید: «این گروه تجاری، تاکنون برای یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار از ارزهای دریافتی خود، رفع تعهد نداشته و کالایی وارد کشور نکرده است.»

ذبیح‌الله خدایان چگینی افزود که «علاوه بر ارزهای تأمین شده جهت واردات چای، بالغ بر یک میلیارد و ۴۷۲ میلیون دلار در طول سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ جهت واردات ماشین‌آلات مربوطه به این گروه تجاری تخصیص داده شده که به سرجمع تعهدات این شرکت اضافه می‌شود و با اتمام مهلت قانونی، به میزان تعهدات رفع نشده منقضی شده اضافه خواهد شد.»

→ قابلیت‌های نهفته در اقتصاد کشور با نگاهی مسوولانه کارشناسی شوند بدون شک اقتصاد راه تعادل و ثبات قیمت کالاها را پیش خواهد گرفت.»

خبرگزاری «مشرق» درباره پرونده فساد افشا شدهی «دبش» نوشته که مدیرعامل گروه کشت و صنعت دبش، اواخر ماه گذشته با تعیین وثیقه پنج هزار میلیاردی بازداشت و روانه زندان شده است.

در این گزارش آمده که اطلاعات حاکی از این است که گروه کشت و صنعت دبش، برای چای درجه یک هندی ثبت سفارش کرده، اما در عمل چای درجه دو کنبایی (یعنی همانجایی که کشت فراسرزمینی انجام می‌دهد) وارد کرده است، اختلاف قیمت این دو نوع چای چیزی حدود ۱۲ دلار در هر کیلو بوده که در تناژ بالا اعداد سرسام‌آوری نصیب مدیران این گروه شده است. گفته می‌شود که این شرکت با حضور در بازار چای صادراتی ایران همان چای صادراتی را نیز به قیمت دو دلار وارد کرده و به قیمت‌های نزدیک به

۱۴ دلار فروخته است.

«مشرق» در ادامه افزود که «حسب پیگیری‌های صورت گرفته، مشخص شد بخشی از ارزهایی که توسط این گروه دریافت شده، در بازار آزاد به مبالغ بالاتر فروخته شده است. ذکر این نکته ضروری است که علاوه بر مبلغ مورد اشاره (یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار) مهلت مابقی ارزهای دریافتی این گروه نیز رو به پایان است و میزان ارز رفع تعهد نشده در حوزه واردات چای برای این شرکت تا عدد نزدیک به دو میلیارد دلار قابل افزایش است.»

وبسایت «عصر ایران» هم نوشته که «تا کنون عددی به بزرگی ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار زیر عنوان «فساد اقتصادی» در ایران سابقه نداشته است. آن‌گونه که اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد ابعاد این پرونده پیچیدگی‌های زیادی دارد و آنچه هم‌اکنون توسط رییس سازمان بازرسی افشا شده، در آینده با ورود نهادهای امنیتی مبارزه با فساد بیشتر دیده خواهد شد. این را هم باید اضافه کرد که مدیرعامل این گروه صنعتی هم‌اکنون در بازداشت نهاد قضایی است.»

ذبیح‌الله خدایان چگینی رئیس سازمان بازرسی کل کشور درباره این پرونده گفته که «مسیری که در گمرک برای ترخیص کالاهای این گروه در نظر گرفته شده بود عمدتاً «مسیر سبز» بوده، بدین معنا که فقط از طریق سیستم،



→ شده که طی آن از بسیاری از پروژه‌های ساخت مسکن در شهرک‌های اطراف شهر، گلخانه‌ها، اصطبل‌های پرورش اسب و گاوداری‌ها بازرسی به عمل آمد.

سلیمانی مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری کرمانشاه اضافه کرد: «در این بازرسی‌ها هم تعدادی از کارگران افغانستانی که توسط کارفرمایان به کار گرفته شده بودند، دستگیر و از استان طرد شدند.» او توضیح نداد این افراد چگونه و به کجا «طرد شدند».

در همین ارتباط ۵ آذرماه عضو کمیسیون امور داخلی کشور به ایسنا گفته بود: «هر شخص ایرانی که به اتباع خارجی خانه اجاره داده و همچنین کارفرمای ایرانی که به این اتباع غیرمجاز کار می‌دهد، باید مجازات شود.»

ابوالفضل ابوترابی مهم‌ترین مفاد طرح ساماندهی اتباع خارجی را تشریح کرد و افزود: «این طرح که از سوی بنده تهیه شده است ساماندهی واقعی اتباع خارجی را در یک برنامه جامع دنبال می‌کند و دارای ۱۰۳ ماده و تبصره است و همه مسائل مهاجران را دربر می‌گیرد.»

وی ادامه داد: «یکی از مفاد این طرح تشکیل سازمان ملی مهاجرت بود که در قالب بندی از لایحه برنامه هفتم توسعه به تصویب مجلس رسید. رتبه بندی اتباع خارجی یکی دیگر از مواردی است که در این طرح دیده شده است. اینکه اتباع خارجی با چه جرم‌ها و تخلفاتی از کشور نیز تردد خواهند شد در این طرح دیده شده است.»

این عضو کمیسیون امور داخلی و شوراها یکی از موضوعات مهم دیده شده در این طرح را ساماندهی ایرانیان دانست و افزود: «ما تا زمانی که ایرانی‌ها را ساماندهی نکنیم، نمی‌توانیم اتباع خارجی را نیز ساماندهی کنیم. باید کاملا مشخص شود شخص ایرانی که به اتباع خارجی خانه اجاره داده است، چه کسی هست؟ و اگر خانه خود را به اتباع غیرمجاز اجاره داد باید مجازات شود. همچنین باید کارفرمای ایرانی که به اتباع خارجی غیرمجاز کار می‌دهد، مجازات شود.»

نماینده مردم نجف آباد در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه در این طرح همه موارد را لحاظ کرده‌ایم، تاکید کرد: «ما باید فضا را برای اتباع خارجی غیرمجاز تنگ کنیم تا یا کشور را ترک کنند یا مسیر قانونی طی کنند.»

ابوترابی تاکید کرد: «امروز ۱۷ کارت از سوی دستگاه‌های مختلف به اتباع خارجی داده می‌شود که این اشتباه است. در این طرح پیش‌بینی شده است تا همه این کارت‌ها در یک کارت جمع شود که پشت آن نیز کارت بانکی اتباع باشد و قابل رصد باشد. این کارت هم کد شناسه اتباع را دارد هم کارت بانکی فرد به شمار می‌رود. با این کارت تمام کارهای مالی، تحصیلی و شغلی اتباع دنبال خواهد شد.»

این عضو کمیسیون امور داخلی مجلس شورای اسلامی در ادامه اضافه کرد: «برای ساماندهی اشتغال و محل اقامت اتباع خارجی نیز پیش‌بینی کردیم تا کمیسیون ساماندهی استانی تشکیل شود. این کمیسیون سالی یکبار مشخص می‌کند که چه تعدادی اتباع و در کدام شهر و روستای استان می‌تواند باشد و سپس این اطلاعات را در سامانه ثبت اسناد و املاک به اطلاع همه می‌رسانند. از این طریق می‌توانیم ساماندهی کنیم تا همه اتباع به یکباره در یک شهر یا یک استان جمع پیدا نکنند.»

ابوترابی با بیان اینکه فعلا این طرح به لحاظ اختلاف نظرانی که بین چند دستگاه وجود دارد، مسکوت مانده است توضیح داد: «بنده تا این لحظه تمام تلاش خود را می‌کنم تا این طرح دنبال شود و مصمم هستم تا این طرح به نتیجه برسد.»

و روند کند ساماندهی اتباع بیگانه در کشور نگران‌کننده است.»

به گفته وی، منابع کشور نباید رایگان در اختیار اتباع بیگانه غیرقانونی قرار گیرد. باید هزینه‌های ماندن در ایران را آنقدر برای مهاجران غیرقانونی بالا برد که ماندن در ایران برایشان به صرفه نباشد.

رشیدی کوچی تاکید کرده بود: «هشدار می‌دهم و تعجب می‌کنم که چگونه برخی افراد با ایجاد فضای احساسی می‌خواهند حساسیت موضوع را کم کنند. برخی از مهاجران غیرقانونی سابقه خدمت در ارتش افغانستان دارند.»

حشمت‌الله فلاحت پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز در همین ارتباط روز یکشنبه ۱۶ مهرماه به خبرگزاری ایلنا گفته بود: «مجلس و دولت حداقل در بودجه امسال که ۱۵ آذر به مجلس می‌آید، باید ردیف ویژه‌ای را برای تکمیل انسداد مرزها شکل بدهند تا این مشکلات حل شود. چون از همان کمپ‌های پناهندگان که دیدار می‌کردم، کسانی بودند که بعضا سابقه بیش از ۳ بار ورود به ایران و استرداد را داشتند و می‌گفتند حتی اگر مسترد شوند بار دیگر ۵۰۰ دلار را جمع می‌کنند تا به مافیا بدهند و وارد کشور شوند. اینها واقعتی است که من معتقدم نیازمند یک عزم مشترک برای حل آن است.»

در این میان جرائم مختلفی از جمله جنایی نیز طی سال‌های گذشته توسط مهاجران افغانستانی در ایران روی داده که حساسیت جامعه را نسبت به آنها بیشتر برانگیخته است. در همین ارتباط این هفته نیز در پی قتل یک جوان در شهر میبد در یک «نزاع و درگیری دستجمعی»، فرمانده انتظامی استان یزد از بازداشت قاتل خبر داد. ویدیوهای مختلفی از این درگیری‌ها که جمعه دهم آذرماه اتفاق افتاد در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. برخی منابع محلی هویت این نوجوان را «امیررضا آقایی» اعلام کردند و ادعا شد که توسط یک «تبعه افغان» کشته شده است. گفته می‌شود درگیری‌ها به محل نماز جمعه شهر میبد نیز کشیده شده و مردم معترض با امام جمعه، فرماندار و فرمانده سپاه میبد نیز درگیر شدند.

در همین ارتباط روزنامه دنیای اقتصاد در مطلبی با عنوان «ساماندهی ضعیف اتباع بیگانه، در ۱۵ آبان‌ماه نوشته بود: «حضور مهاجران افغان در ایران که تعداد حدودی آنها ۱۰ میلیون نفر برآورده شده، واکنش‌های منفی شدیدی را از سوی مردم به همراه داشته که بیشتر از آنکه ریشه نژادی داشته باشد، از سوء مدیریت و سیاست‌گذاری‌های ضعیف در بخش مهاجرت نشات می‌گیرد.»

بر اساس این گزارش در سال ۱۴۰۱، حدود ۲۵۵ هزار نفر از اتباع، از کارت کار موقت برخوردار بوده‌اند. همچنین در این سال تعداد پروانه‌های کار برای تبعه بیگانه ماهر در کشور حدود ۹ هزار فقره بوده است.»

بررسی سالنامه آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۵ جمعیت کشور معادل ۷۹ میلیون و ۹۲۶ هزار نفر بوده که از این جمعیت ۷۸ میلیون و ۱۶۶ هزار نفر ایرانی بوده و بقیه تابعیت کشورهای دیگر را داشته‌اند. در همین سال یک میلیون و ۵۸۳ هزار نفر تابعیت کشور افغانستان را داشته‌اند که در ایران ساکن بوده و ۵۱۵ هزار نفر از آنان به زندگی در تهران مشغول بوده‌اند.

این در حالیست که مرکز آمار یا وزارت کار به تازگی آمار دقیقی از تعداد اتباع کشورهای مختلف در ایران منتشر نکرده‌اند. همچنین در حال حاضر آمار دقیقی از تعداد مهاجران افغانستانی در ایران وجود ندارد. کارشناسان این حوزه تخمین می‌زنند که در حال حاضر جمعیت شهروندان افغانستان که در ایران ساکن هستند، حدود ۱۰ میلیون نفر است که تعداد قابل توجهی از آنها فاقد مدارک شناسایی هستند. پس از حکومت مجدد طالبان در افغانستان موج جدیدی از مهاجرت شهروندان این کشور به ایران آغاز و موجب رشد جمعیت اتباع این کشور در ایران شد.

پیش از این جلال رشیدی کوچی رئیس کمیته امنیت کمیسیون امور داخلی و شوراها در مجلس شورای اسلامی در ۱۱ آبان با بیان اینکه «با احساب مهاجران غیرقانونی بیشتر از ۱۵ میلیون نفر اتباع بیگانه در کشور داریم» گفته بود: «تعداد زیادی از اتباع بیگانه در کشور قابلیت رصد ندارند»

«جلوگیری از «براندازی»، هدف اصلی از تشکیل سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه



قضائیه به منظور حفظ استقلال قوه قضائیه» از جمله اهداف تبدیل شدن این مرکز امنیتی به «سازمان» است. در ادامه این اهداف به مواردی چون «پیشگیری، کشف، شناسایی و مقابله با توطئه‌ها و فعالیت‌های جاسوسی، خرابکاری، براندازی و ایجاد عوامل ناراضی در بین مردم و اقدامات علیه امنیت ملی در سطح قوه قضائیه و پرونده‌های مورد رسیدگی در آن قوه، نظارت و حفظ امنیت فردی و فیزیکی در حجم عظیم تردها و رفت و آمد روزانه اشخاص و اصحاب پرونده‌ها و زندانیان و متهمان بین مراجع قضائی، انتظامی و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و دیگر سازمان‌ها و مراکز تابعه، نظارت بر سلامت و امنیت فرایندهای دادرسی با هدف جلوگیری از مداخله افراد ناصالح و فاقد سمت در روندها و پرونده‌های قضائی و نظارت بر محیط پیرامونی قوه قضائیه برای مقابله با تحرکات سودجویان و رفتارهای غیرقانونی به منظور اعمال نفوذ ناروا» نیز اشاره شده است.

«صیانت از جان، مال و آبروی قضات و دیگر کارکنان و خانواده آنان در پرونده‌های حساس و مهم یا مناطق ناامن یا جرم‌خیز»، «همکاری با دیگر نهادهای امنیتی، پلیس بین‌الملل و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط برای دسترسی مجرمان و متهمان متواری در پرونده‌های قضایی ملی و فراملی» و «فراهم آوردن اطلاعات و گزارش‌های پرونده‌های قضایی مهم و حساس تحت نظارت مرجع قضایی ذی‌صلاح به منظور مقابله با تبلیغات استکباری جهانی و شبه‌افکنی معاندان و مخالفان» از دیگر اهداف طرح تأسیس «سازمان» حفاظت قوه بیان شده است.

اما به عنوان «ضابط» عمل نمی‌کرد اما با تبدیل شدن آن به سازمان، همچون وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات قوه قضائیه به عنوان «ضابط» به تشکیل پرونده، بازداشت، بازجویی و شکایت از فعالان خواهد پرداخت. پیش از این حفاظت اطلاعات قوه قضائیه در صورت تشکیل پرونده برای فعالان سیاسی و مدنی و منتقدان، پرونده را به وزارت اطلاعات ارجاع می‌داد.

این طرح ۵ ماده‌ای حدود، وظایف و اختیارات سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه را مشخص می‌کند که درباره موضوع قوه قضائیه و کارکنان آن است. یکی از اهداف این طرح «پیشگیری روزافزون عملیات‌های سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، تنوع اشکال جرائم نوپدید، حملات گسترده سایبری، جنگ روانی مخالفان و معاندان نظام جمهوری اسلامی علیه نظام قضایی کشور» عنوان شده است.

در اهداف تشکیل این سازمان، یک کارویژه هم پیش‌بینی شده که شاید مهم‌ترین هدف از تشکیل این سازمان همین باشد؛ جلوگیری از «براندازی»: «پیشگیری، کشف، شناسایی و مقابله با توطئه‌ها و فعالیت‌های جاسوسی، خرابکاری، براندازی و ایجاد عوامل ناراضی در بین مردم و اقدامات علیه امنیت ملی در سطح قوه قضائیه و پرونده‌های مورد رسیدگی در آن قوه».

بر اساس جزئیات این طرح «ایجاد سرویس‌های اطلاعاتی هوشمند برای شناسایی»، «پیشگیری و مقابله با انواع فساد در قوه قضائیه اعم از مراجع قضائی و شبه قضائی و سازمان‌های تابعه و مراکز وابسته»، «مقابله با هر گونه فشار، تهدید، تطمیع و فریب علیه مقامات و کارکنان قوه

● طرح تأسیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه بهار ۱۴۰۱ تدوین و با امضای ۷۴ نفر از نمایندگان، برای بررسی به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارجاع شد.

● در اهداف تشکیل این سازمان، یک کارویژه پیش‌بینی شده که شاید مهم‌ترین هدف از تشکیل این سازمان همین باشد؛ جلوگیری از «براندازی»!

● نهادهای امنیتی موازی در جمهوری اسلامی طی دو دهه گذشته توسعه یافته و در حال حاضر چند نهاد امنیتی-اطلاعاتی موازی به فعالیت اطلاعاتی و سرکوب منتقدان و مخالفان مشغول هستند.

طرح تبدیل مرکز حفاظت اطلاعات قوه قضائیه به «سازمان» در روزهای آینده در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

طی روزهای آینده ارائه گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در مورد طرح تأسیس حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه در دستور کار جلسات علنی مجلس قرار خواهد گرفت.

طرح تأسیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه اوایل بهار ۱۴۰۱ تدوین شد و ۷۴ نفر از نمایندگان یازدهمین دوره مجلس آن را امضا کردند که برای بررسی به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارجاع شد.

مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه در حال حاضر نیز در این نهاد فعال است اما با تبدیل شدن آن به سازمان، به عنوان یک نهاد امنیتی مستقل فعالیت خواهد کرد. این مرکز هرچند تا کنون اقدامات امنیتی انجام می‌داد

فرانسه دارایی‌های یحیی سنوار از رهبران حماس را مسدود می‌کند



یحیی سنوار

تروریستی، رهبران آن هنوز در فهرست تحریم‌های فرانسه یا بریتانیا قرار نداشتند یک تناقض جدی است چنانکه در مورد قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا نیز شبیه همین تناقض وجود دارد.

فرانسه ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان) نیز تحریم‌هایی را علیه محمد الضیف فرمانده نظامی حماس و معاون وی مروان عیسی وضع کرده بود. رویترز به نقل از دیپلمات‌ها نوشته بود که پاریس با همکاری شرکای خود در پی وضع تحریم‌هایی علیه اعضای حماس و شبکه مالی آن در سطح اتحادیه اروپا است. مواضع دولت فرانسه در قبال تروریست‌های حماس با انتقاداتی از سوی مقامات اسرائیل روبروست. امانول ماکرون رئیس جمهوری فرانسه که برای شرکت در کنفرانس اقلیمی سازمان ملل موسوم به «کاپ ۲۸» به دوبئی رفته بود در واکنش به از سر گرفتن حمله اسرائیل به نوار غزه تصریح کرد «از بین بردن کامل حماس جنگ را ۱۰ ساله خواهد کرد.» وی خطاب به مقامات اسرائیلی توصیه کرده بود که «باید دقیق‌تر» آنچه را می‌خواهد در جنگ با حماس انجام دهد، تعریف کند.

ماکرون همچنین گفت «امنیت پایدار» اسرائیل از راه هزینه کردن زندگی فلسطینی‌ها تضمین نمی‌شود و باید برابری مبتنی بر احترام به افکار عمومی منطقه باشد. این درحالیست که وی دو هفته پیش از این اظهارات گفته بود «در جنگ علیه تروریسم کنار اسرائیل خواهیم بود.»

جدید، پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا به دو مجموعه «سازمان اطلاعات» و «پلیس امنیت عمومی» تبدیل شده است. پلیس امنیت عمومی زیرشاخه‌هایی از جمله «پلیس امنیت اخلاقی» دارد که گشت ارشاد به عنوان مسئول مستقیم قتل مهسا امینی از زیرمجموعه‌های آن است. در ساختار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران افزون بر پلیس اطلاعات، واحد دیگری به نام «سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی» نیز وجود دارد.

● در حکمی که در روزنامه رسمی فرانسه منتشر شده، پول و منابع اقتصادی یحیی سنوار از پنجم دسامبر به مدت شش ماه مسدود می‌شود. با اینهمه از میزان دارایی‌های این رهبر ارشد حماس در فرانسه اطلاعی در دست نیست.

اینکه چرا با وجود قرار داشت حماس در فهرست سازمان‌های تروریستی، رهبران آن هنوز در فهرست تحریم‌های فرانسه یا بریتانیا قرار نداشتند یک تناقض جدی است چنانکه در مورد قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا نیز شبیه همین تناقض وجود دارد.

دولت فرانسه روز سه‌شنبه پنجم دسامبر (۱۴ آذرماه) اعلام کرد که دارایی‌های یحیی سنوار از رهبران ارشد گروه حماس را به عنوان بخشی از تحریم‌ها علیه این گروه مسدود می‌کند.

آمریکا و اتحادیه اروپا گروه حماس را در فهرست سازمان‌های تروریستی طبقه‌بندی کرده‌اند.

پیش از این نیز بریتانیا، رهبران ارشد حماس و حامیان مالی این گروه را تحریم کردند که بازتاب مجموعه‌ای از اقدامات مشابه از سوی آمریکا است.

در حکمی که در روزنامه رسمی فرانسه منتشر شده، پول و منابع اقتصادی یحیی سنوار از پنجم دسامبر به مدت شش ماه مسدود می‌شود. با اینهمه از میزان دارایی‌های این رهبر ارشد حماس در فرانسه اطلاعی در دست نیست.

اینکه چرا با وجود قراردادن حماس در فهرست سازمان‌های

را بر عهده دارد «مرکز بررسی جرایم سازمان یافته» است که وسیعاً «گرداب» یکی از خروجی‌های آن است.

عریض و طویل شدن سازمان‌های امنیتی تنها به ایجاد سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ختم نشد. پس از اعتراضات آبان ۹۸ و تیر ۱۴۰۰ نیز نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به «فرماندهی انتظامی» ارتقا یافت و همزمان «سازمان اطلاعات انتظامی کشور» نیز تشکیل شد. پیشتر نیز مقامات انتظامی گفته بودند که در ساختار

با گذشت بیش از یک سال و نیم از به جریان افتادن این طرح در مجلس شورای اسلامی به نظر می‌رسد اعتراضات سراسری جنبش ملی در سال گذشته سبب پیگیری جدی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس برای پیشبرد آن شد.

در مهر ۱۴۰۱ و در اوج اعتراضات جنبش ملی، ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی از تصویب کلیات طرح در این کمیسیون خبر داد.

همزمان خبرگزاری مهر به بوجه مورد نیاز برای تبدیل شدن مرکز حفاظت اطلاعات قوه قضاییه به «سازمان» و عریض و طویل شدن در پی این تغییر اشاره کرده و نوشته که «نکته‌ای که از همان بدو مطرح شدن این طرح اعلام شد این بود که دستگاه قضا، هزینه‌های این تغییر را بر عهده می‌گیرد. سوال اینجاست که قوه قضاییه که همواره از کمبود بودجه شکایت می‌کند و خواهان افزایش مبلغ بودجه است، با چه میزان هزینه‌ای، این تغییر را ایجاد می‌کند و آیا در بودجه سال آینده، از دولت برای این مهم، بودجه دریافت می‌کند؟ چرا که در این طرح ذکر شده که امور مالی، معاملاتی و اعتبارات این سازمان از شمول قانون محاسبات عمومی خارج و تابع آئین نامه مالی و معاملاتی مصوب رئیس قوه قضاییه می‌باشد.»

وحید جلال‌زاده رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در ۵ بهمن‌ماه از پایان رسیدگی به «طرح تاسیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه» در این کمیسیون خبر داد و گفت: «طرح تاسیس سازمان حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه با توجه به موافقت اعضای کمیسیون برای بررسی و تصویب نهایی به صحن مجلس ارسال شده است.»

نهادهای امنیتی موازی در جمهوری اسلامی طی دو دهه گذشته توسعه یافته و در حال حاضر چند نهاد امنیتی-اطلاعاتی موازی به فعالیت اطلاعاتی و سرکوب منتقدان و مخالفان مشغول هستند.

پس از اعتراضات سال ۸۸ معاونت اطلاعات سپاه پاسداران به «سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس)» تبدیل شد و ریاست آن به حسین طائب سپرده شد. جدا از حسین طائب، تعداد دیگری از امنیتی‌های نزدیک به بیت خامنه‌ای و مجتبی خامنه‌ای که به یاران «گردان حبیب» معروف هستند نیز در این موازی سازی نقش داشتند.

موضوع موازی‌سازی اطلاعاتی-امنیتی در بین علی خامنه‌ای در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی، دخالت در انتخابات نماینده ریاست جمهوری اسلامی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ و حتی تلاش او برای ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی از جمله موارد مطرح شده درباره مجتبی خامنه‌ای است. اما به نظر می‌رسد نطفه تشکیل شبکه‌ای سیاسی-امنیتی-اقتصادی از سوی مجتبی خامنه‌ای زمانی که او در سنین جوانی بود از سال ۱۳۶۵ در گردان حبیب در جبهه‌های جنگ ایران و عراق شکل گرفت.

«گردان حبیب» در زمان جنگ ایران و عراق در شلمچه می‌جنگید و مجتبی خامنه‌ای فرزند علی خامنه‌ای عضو آن بود. بعد از جنگ اعضای این گردان به یکی از حلقه‌های امنیتی-سیاسی حول مجتبی خامنه‌ای تبدیل شدند. برادران طائب، حسین نجات، علیرضا پناهیان، حسن محقق، محمد کوثری، علی فضل‌ی، ابراهیم جباری از جمله اعضای «گردان حبیب» بودند.

«مقابله با جنگ نرم» و «مقابله با فعالیت‌های غیرمجاز سایبری» از اهدافی است که «ساس» پیش می‌برد. یکی از واحدهای زیرمجموعه «ساس» که برخوردار با جرایم سایبری

اداره خدمات مرزی کانادا مانع ورود دهها مقام رژیم ایران به این کشور می‌شود



تظاهرات در تهران / پاییز ۱۴۰۱

که کانادا «نیروهای قدس سپاه پاسداران» را در سال ۱۳۹۶ به عنوان یک نهاد تروریستی اعلام کرده است.

استدلال دولت ترودو این است که اگر سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار بگیرد افراد سطح پایین این نهاد که مجبور به خدمت در آن شده‌اند نیز هدف این تصمیم قرار می‌گیرند.

با وجود این اندیشکده «شورای روابط خارجی» مستقر در آمریکا می‌گوید نیروی قدس نقطه اصلی اتصال جمهوری اسلامی به «محور مقاومت» است و به آنها آموزش، تسلیحات و بودجه برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای رژیم ایران ارائه می‌دهد.

لیا وست دانشیار دانشگاه «کارلتون» که حقوق امنیت ملی تدریس می‌کند گفته است قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی یک «ژست تا حد زیادی نمادین» است که ممکن است برخلاف قوانین کانادا باشد.

او به سی‌بی‌سی گفت: «قانون جنایی اساساً برای تعریف فعالیت تروریستی که واحدهای نظامی یا طرف‌های درگیری مسلحانه را مستثنای می‌کند، مشخص شده است.»

این حقوقدان استدلال کرده «فهرست نهادهای تروریستی وابسته به تعریف فعالیت تروریستی است و فهرست کردن کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نیروی نظامی حداقل به صورت قانونی دشوار است... ما نباید تعهدمان را به قوانین داخلی خود قربانی کنیم تا آنچه را که در حقیقت یک بیانیه سیاسی است اعلام کنیم، چرا که این تأثیر واقعی بسیار کمی از نظر نتایج‌اش خواهد داشت.»

دولت کانادا در ماه‌های اخیر در پاسخ به اقدامات رژیم ایران با تحریم ۳۱ نهاد و ۱۲۹ فرد وابسته به حکومت به دلیل نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر و تهدید جدی صلح و امنیت بین‌المللی واکنش نشان داده است.

در کانادا هستند.

این اداره بر اساس قانون «آی‌آر‌پی‌ای رژیم ایران» دست‌کم ۱۰ نفر را غیرقابل پذیرش تشخیص داده است. از این تعداد ۹ نفر در حال حاضر در کانادا بسر می‌برند و در حال دادرسی در برابر هیئت مهاجرت پناهندگان هستند. دادگاه مشخص خواهد کرد که آیا اقامت آنها در کانادا باید لغو شود یا نه. اداره خدمات مرزی کانادا با استناد به قانون حفظ حریم خصوصی، نام هیچ‌یک از افراد تحت تحقیق یا افرادی را که از دسترسی به کانادا محروم شده‌اند اعلام نمی‌کند.

کاوه شهروز فعال حقوق بشر و وکیل مؤسسه مک‌دونالد-لوریر ضمن ابراز خشنودی از اقدام عملی دولت کانادا می‌گوید: «خوشحالم که برخی افراد غیرقابل پذیرش تشخیص داده شده‌اند، زیرا برای من روشن نبود که دولت اقدامی در این راه انجام بدهد. فکر می‌کنم هر عضوی از سپاه که با میل خدمت کرده، و نه سربازان وظیفه، باید از کشور کانادا اخراج شود.»

دولت کانادا سال‌ها با فشار مواجه است تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد. این فشارها پس از سرنگون ساختن پرواز «پی‌اس ۷۵۲» توسط موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۸ تشدید شد. همه ۱۷۶ سرنشین هواپیما، از جمله ۵۵ شهروند کانادایی و ۳۰ دارنده اقامت دائم کانادا، کشته شدند.

پس از حمله «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل که حدود ۱۲۰۰ کشته برجای گذاشت، پیر پولیور رهبر محافظه‌کاران کانادا بار دیگر درخواست‌های خود را از جاستین ترودو نخست‌وزیر تکرار کرد تا سپاه پاسداران را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهد. حماس از قبل در فهرست سازمان‌های تروریستی کانادا قرار دارد.

با اینهمه ترودو در برابر درخواست‌ها برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران مقاومت می‌کند و همچنان تأکید دارد

● اداره خدمات مرزی کانادا ورود دهها نفر از مقامات ارشد حکومت ایران را ممنوع کرده و در حال تحقیق از حدود ۱۰۰ نفر از دارندگان اقامت کانادا برای ارتباط احتمالی آنان با جمهوری اسلامی است.

● با فشار جامعه ایرانی مقیم کانادا و با فشارهای سیاسی حزب محافظه‌کار (حزب رقیب دولت لیبرال جاستین ترودو) برای اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی، دولت لیبرال در عوض تصمیم گرفت از طریق قوانین مهاجرت اقداماتی انجام دهد.

● اداره خدمات مرزی کانادا اعلام کرد تا ۲۹ آبان ۱۴۰۲ این نهاد تقریباً ۱۷۸۰۰ درخواست ویزا را برای عدم پذیرش احتمالی تحت عنوان «آی‌آر‌پی‌ای رژیم ایران» بررسی کرده است. در نتیجه ۷۸ نفر از ورود به کانادا محروم شدند.

خبرگزاری «سی‌بی‌سی» در گزارشی که سوم دسامبر (۱۲ آذرماه) منتشر شد گزارش داد اداره خدمات مرزی کانادا ورود دهها نفر از مقامات ارشد حکومت ایران را ممنوع کرده و در حال تحقیق از حدود ۱۰۰ نفر از دارندگان اقامت کانادا برای ارتباط احتمالی آنان با جمهوری اسلامی است.

اداره خدمات مرزی کانادا همچنین پرونده ۹ نفر از افرادی را که کارت اقامت کانادا دارند به هیئت مهاجرت و پناهندگی ارجاع داده تا وضعیت آنها مشخص شود.

ممنوعیت ورود و تحقیق درباره وضعیت افراد مرتبط با اقداماتی است که دولت کانادا پس از اعتراضات گسترده سال ۱۴۰۱ در ایران اتخاذ کرده است.

در بهمن ۱۴۰۱ چند هفته پس از سرکوب گسترده اعتراضات ویدیوهایی از سردار پاسدار مرتضی طلایی رئیس پلیس سابق تهران بزرگ منتشر شد که نشان می‌داد وی در یک سالن ورزشی در تورنتو مشغول ورزش است. بسیاری از ایرانیان معتقدند کانادا پناهگاه مقامات عالی رتبه و فاسد رژیم ایران است. با فشار جامعه ایرانی مقیم کانادا و با فشارهای سیاسی حزب محافظه‌کار (حزب رقیب دولت لیبرال جاستین ترودو) برای اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی، دولت لیبرال در عوض تصمیم گرفت از طریق قوانین مهاجرت اقداماتی انجام دهد.

مارکو مندیچینو وزیر وقت امنیت عمومی در آبان ۱۴۰۱ با استناد به قانون مهاجرت و حفاظت از پناهندگان، جمهوری اسلامی را به عنوان «رژیمی که به تروریسم و نقض سیستماتیک و فاحش حقوق بشر دست زده است» معرفی کرد. قانون مهاجرت و حفاظت از پناهندگان «آی‌آر‌پی‌ای رژیم ایران» (IRPA) باعث شد ورود چند هزار نفر از مقامات حکومتی جمهوری اسلامی، از جمله بسیاری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، برای کانادا غیرقابل پذیرش باشد.

در بیانیه‌ای که به خبرگزاری سی‌بی‌سی ارائه شده آمده است که اداره خدمات مرزی کانادا اعلام کرد تا ۲۹ آبان ۱۴۰۲ این نهاد تقریباً ۱۷۸۰۰ درخواست ویزا را برای عدم پذیرش احتمالی تحت عنوان «آی‌آر‌پی‌ای رژیم ایران» بررسی کرده است. در نتیجه ۷۸ نفر از ورود به کانادا محروم شدند. همزمان تحقیقات روی پرونده مهاجرتی، پناهندگی و شهروندی ۱۴۱ نفر آغاز شده است. اداره خدمات مرزی کانادا ۳۸ مورد از این ۱۴۱ پرونده را بسته است به این دلیل که یا افراد خارج از کشور بودند یا اداره مرزی تشخیص داده که مجاز به حضور

تعليق مجوز تدريس جعفر محلاتي در كالج اوبرلين به اتهام «يهودستيزي» و «تقاضاي رابطه جنسي از دانشجو در ازاي نمره قبولي»



محمدجعفر محلاتي



اسلامی را انکار می‌کرده است. محلاتی آذر ۱۳۶۷ در دیدار با گزارشگر سازمان ملل، گزارش‌های مربوط به اعدام‌های دستجمعی را رد کرد و آنها را با جنگ ایران و عراق مرتبط دانست. وی اسفند ۱۳۶۷ نیز در نامه‌ای به عفو بین‌الملل مجدداً «وجود هرگونه اعدام سیاسی در ایران» را تکذیب کرد و مدعی شد که اعدام‌شدگان اعتراف کرده‌اند در کشتار ۴۰ هزار ایرانی در طول جنگ نقش داشته‌اند!

آندریا سیماکیس سخنگوی کالج اوبرلین به نیویورک پست می‌گوید محلاتی ۲۸ نوامبر ۲۰۲۳ به مرخصی فرستاده شد، اما مشخص نیست این کالج دقیقاً چه زمانی از پرونده اخلاقی وی در دهه ۱۹۹۰ مطلع شده است.

سیماکیس توضیح می‌دهد: «ما تمام اتهامات مربوط به اذیت و آزار جنسی را بسیار جدی می‌گیریم و کسی را که بدانیم سابقه آزار جنسی یک دانشجو، همکار یا کارمند را داشته باشد، به‌عنوان عضو هیئت‌علمی استخدام نمی‌کنیم.» این در حالیست که در سال‌های اخیر ده‌ها مقاله درباره سوابق و وابستگی‌های محلاتی با جمهوری اسلامی و دفاع وی از فتوای قتل سلمان رشدی و همچنین انکار کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت خورشیدی و نیز یهودستیزی وی منتشر شده که کیهان لندن بخش مهمی از آنها را در دسترس همگان قرار داده است.

تحقیقات اساسی از محلاتی وقتی شروع شد که حقوق مدنی وزارت آموزش فاش کرد به عنوان بخشی از تحقیقات گسترده‌تر درباره یهودستیزی، در حال بررسی شکایتی است که نشان می‌دهد او به دانشجویان در اوبرلین «حمایت از حماس و تروریسم» را آموزش می‌دهد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در بهمن ماه ۱۴۰۱ خانواده شماری از قربانیان قتل عام سال ۶۷ در زندان‌های جمهوری اسلامی، با تأکید بر نقش محمدجعفر محلاتی در لاپوشانی این قتل‌عام، خواهان اخراج فوری او از کالج اوبرلین شده بودند.

از این دانشگاه‌ها انتقاد کردند که آیا دانشجویان در آن مؤسسات می‌توانند خواستار نسل‌کشی یهودیان شوند؟!

محمدجعفر محلاتی از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ به مدت یک سال سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد بود و سپس در بخش مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا در کالج اوبرلین شروع به تدریس کرد. وی متهم است زمانی که در دهه ۱۹۹۰ استادیار دانشگاه کلمبیا بود از یک زن مسیحی فلسطینی که آن زمان ۳۲ سال داشت در ازای نمره خواستار رابطه جنسی شده بود. محلاتی آن زمان متأهل بود و پسری جوان داشت. این زن مدعی شده اولین بار در سپتامبر ۱۹۹۵ برای تحقیق در رشته مطالعات خاورمیانه با محلاتی ملاقات کرده است. محلاتی به بهانه مصاحبه به عنوان دستیار پژوهشی، وی را به خانه خود دعوت کرده و بارها با وی در خانه شخصی محلاتی در منهتن و محل کار رابطه جنسی داشته و این وضعیت ۱۵ ماه تکرار شده تا به وی نمره قبولی داده است. مدارکی که نیویورک پست به دست آورده نشان می‌دهد که مقامات دانشگاه کلمبیا و محمدجعفر محلاتی در سال ۱۹۹۷ این اتهامات را رده کرده و این شکایت را جعلی و غیرواقعی خواندند.

بر اساس این شکایت، محمدجعفر محلاتی دانشجوی زن را تهدید کرده بود که اگر ساکت نشود، از دادن نمره قبولی به او خودداری می‌کند. سوابق دادگاه نیز نشان می‌دهد که محلاتی تلاش کرده بود با سوء استفاده از حکم «مشاور ویژه در امور سیاسی» که در تاریخ اول دسامبر ۱۹۹۷ از سوی نماینده بعدی جمهوری اسلامی در سازمان ملل برای او صادر شده بود، برای خود در این پرونده مصونیت دیپلماتیک به دست آورد!

یکی از اصلی‌ترین اتهامات محلاتی این است که در دوران نمایندگی‌اش در سازمان ملل متحد قتل عام بهائیان و مخالفان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به دست رژیم جمهوری

● تحقیقات اساسی از محلاتی وقتی شروع شد که حقوق مدنی وزارت آموزش فاش کرد به عنوان بخشی از تحقیقات گسترده‌تر درباره یهودستیزی، در حال بررسی شکایتی است که نشان می‌دهد او به دانشجویان در اوبرلین «حمایت از حماس و تروریسم» را آموزش می‌دهد.

● محلاتی که یک آخوند است متهم است در دهه ۱۹۹۰ وقتی استادیار دانشگاه کلمبیا بود از یک زن مسیحی فلسطینی که آن زمان ۳۲ سال داشت در ازای نمره خواستار رابطه جنسی شده بود. محلاتی آن زمان متأهل بود و پسری جوان داشت.

● این زن مدعی شده اولین بار در سپتامبر ۱۹۹۵ برای تحقیق در رشته مطالعات خاورمیانه با محلاتی ملاقات کرده است. محلاتی به بهانه مصاحبه به عنوان دستیار پژوهشی، وی را به خانه خود دعوت کرده و بارها با وی در خانه شخصی محلاتی در منهتن و محل کار رابطه جنسی داشته و این وضعیت ۱۵ ماه تکرار شده تا به وی نمره قبولی داده است.

● آندریا سیماکیس سخنگوی کالج اوبرلین به نیویورک پست می‌گوید محلاتی ۲۸ نوامبر ۲۰۲۳ به مرخصی فرستاده شد، اما مشخص نیست این کالج دقیقاً چه زمانی از پرونده اخلاقی وی در دهه ۱۹۹۰ مطلع شده است.

● در سال‌های اخیر ده‌ها مقاله درباره سوابق و وابستگی‌های محلاتی با جمهوری اسلامی و دفاع وی از فتوای قتل سلمان رشدی و همچنین انکار کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت خورشیدی و نیز یهودستیزی وی منتشر شده که کیهان لندن بخش مهمی از آنها را در دسترس همگان قرار داده است.

محمدجعفر محلاتی روحانی شیعه و سفیر پیشین جمهوری اسلامی در سازمان ملل که در مؤسسه «اوبرلین» در ایالت اوهایو آمریکا سال‌ها به تدریس «صلح» اشتغال داشته، متهم به حمایت از گروه تروریستی «حماس» است. وی همچنین به اتهام مجبور کردن یک دانشجوی دختر به رابطه جنسی در ازای گرفتن نمره قبولی در دهه ۱۹۹۰ از سمت خود در هیأت علمی این کالج تعلیق شده بود.

روزنامه «نیویورک پست» ششم دسامبر (۱۵ آذرماه) گزارش داده محلاتی ۷۱ ساله که از حامیان فتوای روح‌الله خمینی درباره قتل سلمان رشدی و خواستار نابودی اسرائیل است، ماه گذشته توسط مدیران کالج اوبرلین به مرخصی اجباری فرستاده شد و ماه گذشته پس از اینکه دولت متوجه سوابق وی شد، نام وی از لیست اساتید این کالج حذف گردید.

وزارت آموزش دولت فدرال آمریکا تحقیقات از وضعیت کالج اوبرلین را آغاز کرده است. محمدجعفر محلاتی متهم است به مقالات با محتوای ضداسرائیلی که در آنها از حماس حمایت شده اعتبار می‌دهد که ناقض حقوق دانشجویان یهودی است.

اقدام کالج اوبرلین برای تعلیق محلاتی در میان خشم روزافزون از شکست کالج‌ها و مؤسسات آمریکایی در مقابله با یهودستیزی در پی قتل عام ۱۲۰۰ اسرائیلی توسط گروه تروریستی حماس در «هفت اکتبر» صورت می‌گیرد.

رؤسای دانشگاه هاروارد و دانشگاه پنسیلوانیا نیز روز چهارشنبه با درخواست استعفای یک میلیاردی که پشتیبان مالی آنها بود روبرو شده‌اند. حتا منابعی در کاخ سفید

یکی از قضات پیشین دیوان عالی کشور «تعرض جنسی» را جزو «جرائم حدی» و مجازات آن را اعدام دانست



اسلامی با این محتوا که اگر فردی «سب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد»، از طریق «اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع» با توجه به اقداماتی که متهم انجام داده از طریق «دعوت دختران به منزل خود»، «خوراندن نوشیدنی‌های مسموم به آنها»، «بی‌هوش و کم‌هوش کردن» و «تجاوز به آنها» به امام‌وردی تفهیم شده بوده است.

در ارتباط با حکم اعدام امام‌وردی، بر اساس آنچه برخی وکلای دادگستری در توئیتر نوشته بودند اتهام «زنای به عنف» از جرائم حدود الهی است و گذشت شاکی خصوصی هم نمی‌تواند جلوی اجرای حکم را بگیرد. از این رو، اگر حکم اعدام امام‌وردی در دیوان عالی تأیید شود، اعدام او قطعی است. بعداً وی از اتهام «افساد فی الارض» در پرونده‌ی خود تبرئه شد و ۳ آبان ۱۴۰۲ قوه قضاییه اعلام کرد که دادستان تهران به رای صادره از سوی شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب اسلامی تهران درباره کیوان امام‌وردی اعتراض کرده است. طبق این رای امام‌وردی از اتهام افساد فی الارض تبرئه شده و پرونده او در خصوص اتهام تجاوز به عنف به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شده است.

در همین ارتباط پیشتر مهدی برزگر عضو کانون وکلای مرکز در پاسخ به این پرسش که اگر فردی در هنگام برقراری رابطه جنسی در حالت عادی نبوده و با این شرایط تمایل به برقراری رابطه داشته، در قانون کیفری ایران می‌توان آن را تجاوز نامید؟ به ایسنا گفته بود: «در قانون مجازات اسلامی برای این مسئله، پاسخ دقیقی وجود ندارد. به صورت کامل در قانون، برای فرد تحت تأثیر داروی روانگردان یا مشروبات الکلی که جرمی مرتکب شود، مقرراتی در نظر گرفته شده اما در مورد حقوق فرد بزه‌دیده جواب دقیقی نداریم و در هیچ ماده قانونی به صورت کامل و صریح به این مسئله اشاره نشده است.»

وی با بیان اینکه از نظر قانونی کاستی‌های زیادی در پیگیری پرونده‌های تجاوز به عنف وجود دارد، یکی

شدم. او مدعی بود کارگردانی را می‌شناسد که می‌تواند انرژی منفی را از بدنم خارج کند. آنقدر درباره این موضوع حرف زد که قبول کردم همراه او به دیدن کارگردان بروم. کارگردان جوان وقتی مرا دید، گفت ارتباطات ماورایی دارد و بعد هم مدعی شد شیاطین مرا احاطه کرده‌اند، اما گفت نگران نباش، چون هنوز دختری نوجوان هستی و روح پاک است، به زودی از دست آنها رها می‌شوی و به همه خواسته‌هایت می‌رسی. او از خانم مربی خواست ما را تنها بگذارد و بعد گفت باید بدون لباس باشی. او با این ترفند مرا آزار داد و عنوان کرد نباید با کسی در اینباره حرف بزنم تا بتوانم به خواسته‌هایم برسم.»

در ادامه این گزارش آمده است: «پس از ثبت شکایت سه دختر نوجوان، دو متهم دستگیر شده و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری ارسال شد. در جلسه دادگاه دختران نوجوان به تشریح ماجرا پرداختند و برای کارگردان و خانم مربی درخواست مجازات کردند. سپس دو متهم در جایگاه قرار گرفتند اما منکر اتهامات خود شدند. پس از دفاعیات متهمان و وکلای آنها قضات وارد شور شدند و کارگردان جوان را به اعدام محکوم کردند. همدست او هم به حبس محکوم شد. این رای قطعی نیست و متهم در فرصت قانونی می‌تواند به آن اعتراض کند تا در دیوان عالی کشور دوباره بررسی شود.»

پیشتر در تیرماه ۱۴۰۱ قوه قضاییه جمهوری اسلامی به جرم «فساد فی الارض» علیه کیوان امام‌وردی از نخستین متهمان آزار جنسی در افشاگری‌های «منهم» در ایران، حکم اعدام صادر کرده بود.

امام‌وردی از نخستین متهمان به آزار جنسی است که تاکنون در دیوان عالی کشور محکوم شده است. او متهم شد که با نوشتن داروی بیهوشی به چندین دختر تعرض جنسی و تجاوز کرده است. اتهام «فساد فی الارض» مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات

این قاضی می‌گوید: «اینکه قربانی با پای خودش رفته باشد هم تأثیری در نفی موضوع ندارد. حتی اگر با پای خودش رفته، به هر حال این اتفاق افتاده است. اساساً ارتباط در جامعه بر پایه اعتماد است پس اینکه بگوییم این دختران و زنان با پای خودش رفته‌اند، فرض درستی نیست.»

در همین ارتباط به تازگی کارگردان جوانی که متهم است با فریب دختران دانش‌آموز آنها را مورد آزار و اذیت قرار داده، پس از محاکمه به اعدام محکوم شده است.

روزنامه اعتماد روز یکشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۲ به نقل از محمدباقر قربانزاده یکی از قضات پیشین دیوان عالی کشور نوشت: «موضوع تعرض جنسی اگر ثابت شود، جزء جرائم حدی تلقی می‌شود. اثبات آنهم راه‌های گوناگونی دارد. نتیجه مجازات حدی، اعدام است.»

به گفته وی، اگر قربانیان شیء یا لباسی دارند حتماً نگه دارند که اگر برای آزمایش‌های تطبیقی از آنها درخواست شد، ارائه دهند تا به راحتی موضوع آزار و اذیت جنسی ثابت شود. وی افزود: «اینکه قربانی با پای خودش رفته باشد هم تأثیری در نفی موضوع ندارد. حتی اگر با پای خودش رفته، به هر حال این اتفاق افتاده است. اساساً ارتباط در جامعه بر پایه اعتماد است پس اینکه بگوییم این دختران و زنان با پای خودش رفته‌اند، فرض درستی نیست.»

در همین ارتباط روزنامه جام جم در روز یکشنبه با انتشار گزارشی اعلام کرد کارگردان جوانی که متهم است با فریب دختران دانش‌آموز آنها را مورد آزار و اذیت قرار داده، پس از محاکمه به اعدام محکوم شده است.

به گفته شاکیان، پس از دوستی با یکی از مربیان زن آموزشگاه موسیقی، او با طرح ادعای عجیبی آنها را گرفتار دام کارگردان می‌کرد.

یکی از شاکیان در این رابطه گفته است: «در جریان رفت و آمد به آموزشگاه هنری با یکی از مربیان که زن جوانی بود آشنا

دادخواست دو وکیل به دیوان عدالت اداری برای ابطال مصوبه محرمانه حجاب وزارت کشور



(الف) بند ۶، حق و تکلیفی برای هیئت‌های مدیره و مالکان مجتمع‌های تجاری وضع شده که مغایر ماده ۱۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب سال ۸۸ است.» علی مجتهدزاده با بیان اینکه «در مصوبه وزارت کشور شاهد نقض قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری هستیم»، گفت: «وزارت کشور در مصوبه خود در حالی وظایفی را بردوش دادستان‌ها گذاشته که براساس قانون آیین دادرسی کیفری، وظایف آنان روشن و مشخص است. همچنین این اقدام وزارت کشور مغایر اصول ۵۶ و ۵۷ قانون اساسی مبنی بر تفکیک قوا و استقلال قوه قضائیه است.» این وکیل دادگستری افزوده که «همچنین در مصوبه وزارت کشور ضابطان اجازه فیلمبرداری و عکسبرداری از مردم را یافته‌اند حال آنکه براساس قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان مکلف‌اند تحت تعالیم و دستورات مقام قضائی عمل کنند. جلوگیری از ورود زنان بی حجاب به مترو و اماکن دولتی نیز که در مصوبه پیش‌بینی شده هم مصداق قانونی ندارد. همچنین در مصوبه وزارت کشور شاهد نقض بند ۱۰ اصل ۳، اصل ۲۲ و اصل ۳۶ قانون اساسی هستیم.» بخشنامه وزارت کشور در شماره یکشنبه ۵ آذرماه روزنامه «اعتماد» منتشر شد که همانطور که علی مجتهدزاده توضیح داده، تنها یک صفحه از کل این سند منتشر شده است. این سند به شماره ۹۷۴۳ و تاریخ ۹ خرداد ۱۴۰۲ دارای مهر «خیلی محرمانه» است که در آن بر «بازداشت» و «برخورد» با زنانی که پوشش اختیاری دارند تأکید شده است. در بخشی از این سند، مالکان و مدیران مراکز تفریحی، مال‌ها و مراکز تجاری بزرگ موظف شده‌اند «افرادی با توانمندی مناسب» را جهت ممانعت از ورود افراد مکشوفه و هنجارشکن به کار بگیرند. همچنین تکلیف شده که از افراد هنجارشکن درون مرکز با دوربین‌های نصب شده عکسبرداری شود و در صورت نبود دوربین ضابطین اقدام به تصویربرداری کنند.

در بخش دیگری از این سند آمده است: «سازمان اطلاعات فراجا، سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات نسبت به تصویربرداری، تهیه مستندات احراز هویت مرتکبین

● دو وکیل دادگستری با استناد به اصول قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری، دادخواستی را برای ابطال بخشنامه محرمانه وزارت کشور درباره حجاب به دیوان عدالت اداری ارائه کردند.

● علی مجتهدزاده یکی از وکلایی که این دادخواست را تنظیم کرده گفته که در مصوبه وزارت کشور شاهد نقض قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری هستیم.

● افشای یک صفحه از بخشنامه وزارت کشور پس از آن صورت گرفت که در پی آزار شهروندان توسط حجاب‌بان‌های مستقر در مترو پایتخت، نه دولت و نه شهرداری تهران زیر بار مسئولیت آنها نرفتند.

دو وکیل دادگستری در ایران با ارائه دادخواستی به دیوان عدالت خواستار ابطال بخشنامه محرمانه وزارت کشور درباره اعمال حجاب اجباری «به دلیل ایرادات حقوقی فراوان» شدند.

یک روز پس از انتشار اطلاعیه وزارت کشور درباره بخشنامه محرمانه وزارت کشور درباره اعمال محدودیت‌ها و فشارهای بیشتر به شهروندان به بهانه «حجاب»، دو وکیل دادگستری با استناد به اصول قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری، دادخواستی را برای ابطال این بخشنامه به دیوان عدالت اداری ارائه کردند.

به گزارش «شبکه شرق» حسن یونسی و علی مجتهدزاده دو وکیل دادگستری هستند که این دادخواست را به دیوان عدالت اداری ارائه کردند.

علی مجتهدزاده در گفتگو با «شبکه شرق» گفته «اگرچه دسترسی به مصوبه محرمانه وزارت کشور به شماره ۹۷۴۳ برای ما ممکن نبود اما دیوان عدالت اداری بنا به تبصره ۲ ماه ۲۰ قانون تشکیلات دیوان، صلاحیت پذیرش شکایت را دارد. بنابر این ماده، دیوان عدالت اداری موظف است ضمن پذیرش شکایت، از دستگاه مربوطه مصوبه را مطالبه کرده و نسبت به بررسی آن اقدام کند.»

این وکیل دادگستری توضیح داده که «در همان یک صفحه منتشر شده از مصوبه محرمانه وزارت کشور، مشخصا در جزء

از مشکلات قانونی در مسئله تجاوز به عفت را عدم امکان سقط جنین حاصل تجاوز دانسته و توضیح داده بود: «قانون این اجازه را به بزه‌دیده نمی‌دهد در صورتی که تکلیف آن بچه مشخص نیست و به موجب ماده ۸۸۴ قانون مدنی از پدر (متجاوز) ارث نخواهد برد.»

با اینهمه تا کنون اخبار اجرای حکم اعدام چندین نفر متهم متجاوز به عفت در ایران منتشر شده هرچند هیچگاه تمامی موارد اجرای احکام اعدام در ایران در رسانه‌ها منتشر نشده است. یکی از این موارد، اجرای حکم اعدام پنج متهم تجاوز به عفت بود که صبح روز ۱۸ ارداد در مرند اجرا شد. این در حالیست که وکیلی که عهده‌دار وکالت این پنج متهم تجاوز به عفت در شهرستان مرند شده بود، در ۲۳ آبان چندماه پس از اجرای حکم اعدام متجاوزان، شبانه در ویلای شخصی‌اش به طرز فجیعی به قتل رسید که تا کنون پلیس موفق به دستگیری قاتل یا قاتلین نشده است.

در ۱۳ تیرماه نیز اعدام سه نفر به اتهام تجاوز به زنان در مؤسسه زیبایی در زندان بندرعباس اجرا شد.

با اینهمه بسیاری از وابستگان و مسئولان حکومتی متهم به چنین جرمی زیر سایه حمایت‌های فراقانونی حاکمیت از چنین مجازات‌هایی جان سالم به در برده‌اند.

از جمله رضا ثقتی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان بعد از گزارش‌ها در مورد رابطه جنسی با یک مرد جوان برکنار شد. در بهمن‌ماه ۱۴۰۱ نیز دادگاه نظامی استان سیستان و بلوچستان ابراهیم کوچک‌زایی فرمانده سابق پلیس چابهار را که به تجاوز به یک دختر ۱۵ متهم شده بود تنها به ۶۰ ماه زندان و انفصال از خدمات محکوم کرد.

بر اساس قوانین قضایی جمهوری اسلامی، جرمی چون «قتل، تجاوز جنسی، سوء استفاده جنسی از کودکان، قاچاق موادمخدر، دزدی مسلحانه، آدم‌ربایی، تروریسم، رابطه جنسی با محارم، زنا غیرمحصنه، رابطه جنسی نامشروع، لواط، همجنسگرایی، سوء رفتار جنسی، تن‌فروشی، تلاش برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، نافرمانی سیاسی، خرابکاری، آتش‌افروزی، شورش، ارتداد، زنا محصنه، کفرگویی، اخاذی، جعل، قاچاق، احتکار، ایجاد اختلال در تولید، تکرر در مصرف الکل، تهیه یا توزیع خوراک، نوشیدنی، لوازم آرایشی یا بهداشتی که مصرف یا استفاده از آن‌ها منجر به مرگ شود، تولید و پخش آثار پورنوگرافی، استفاده از پورن برای وسوسه جنسی، تکرر در متهم کردن دیگران به صورت دروغین به انجام زنا به صورتی که منجر به اعدام فرد بی‌گناه شود، تکرر در انجام دزدی، برخی جرائم نظامی (مانند فرار از صحنه جنگ، یا همکاری با دشمن و غیره)، محاربه (جنگ با خدا، فرستاده خدا و حکومت اسلامی)، افساد فی‌الارض، جاسوسی و خیانت» حکم اعدام دارد.

به عنوان مثال آنچه در ایران رابطه جنسی «نامشروع» خوانده می‌شود اساسا در دموکراسی‌ها و جوامع باز حتی تجربه برای یک زندگی مشترک پایدار و با تفاهم محسوب می‌شود و کاملا عادی است. تن‌فروشی، همجنسگرایی، کفرگویی و مسائل مرتبط با پورن و بسیاری دیگر از مواردی که جمهوری اسلامی به خاطر آنها به راحتی جان انسان‌ها را سلب می‌کند، در جهان امروز به سود جامعه و فرد قانونمند شده است.

تعدد شاخصه‌های منجر به اعدام و نوع برخورد دستگاه قضایی با این به اصطلاح جرائم موجب شده تا مجامع بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران را در رتبه‌های بالای شمار اعدامیان قرار دهند. این مسئله همچنین موجب نگرانی‌های گسترده در جامعه شده و اعدام‌های ناحق متعدد، اعتماد مردم را بیش از پیش از حکومتی ضدانسان و ناکارآمد سلب کرده است.

نقش شخصیت‌های سیاسی در هدایت کشور پس از جمهوری اسلامی

● شاهزاده رضا پهلوی بسیار روشن‌ضمیر و دموکرات است تا حدی که هم دوستان و هم دشمنانش را نگران می‌کند. دوستان به خاطر اینکه احساس می‌کنند با این وسعت از دموکراسی‌خواهی شاید شخص مناسبی برای هدایت انقلاب آزادیبخش و ملی در ایران امروز با این فقر فرهنگی و ۴۴ سال استبداد مذهبی نباشد و برای هدایت این انقلاب چه بسا شخصیتی لازم باشد که کمتر دموکرات و بیشتر کاریزماتیک و از ویژگی‌هایی مانند جدش رضاشاه برخوردار باشد. دشمنانش هم در لایه‌های اسلامی و چپ سنتی و مارکسیستی از دموکرات بودن او وحشت دارند چرا که در اندیشه آنها دموکراسی امری بورژوازی برای استمرار سرمایه‌داری و کاپیتالیسم و امپریالیسم است.

بهرام فرخی - این دیدگاه را در اواخر ژانویه ۲۰۲۳ پس از کمپین (من وکالت می‌دهم) نوشتم و به دلایلی از انتشار آن خودداری کردم. اینک پس از مصاحبه شاهزاده رضا پهلوی با پاتریک بت- دیوید نویسنده و تحلیلگر آسوری ایرانی‌تبار در ایالات متحده، زمان برای انتشار این مطلب مناسب به نظر می‌رسد.

این مصاحبه سه ساعته برای کسانی که با شخصیت شاهزاده آشنایی نداشته‌اند و با عشق و نفرت افراطی و ایدئولوژیک در مورد وی نظر داده و یا قضاوت می‌کنند، روشنگر بسیاری از پرسش‌ها و ابهام‌های آنها بود اگرچه مشابه این سخنان را پیشتر نیز بیان کرده است.

شاهزاده در این مصاحبه با صداقت به تمامی سؤالاتی که مطرح شد جواب داده و از نقش و آرزوی خود برای کمک به بازگشت آزادی و دموکراسی به ایران گفته است و آنرا امکان‌پذیر دانسته و از عشق خود به حفظ محیط زیست ایران و سرمایه‌گذاری ایرانیان در آینده اقتصادی کشور صحبت نموده و از مسائلی چون، جنگ داخلی و کشت و کشتار و چرخه انتقام‌جویی به زشتی یاد کرده، در دلش آرزوی بازدید از گوشه و کنار کشور را دارد و رهنمودهایی برای چگونگی راه‌اندازی اعتصابات و مبارزه خشونت‌پرهیز داده و از همه مهم‌تر از مسئولیت‌های خود در فردای ایران آزاد یاد کرده و آنرا موکول به شرایط عینی آن زمان و رای مردم و انتخاب شخص خود کرده است.

امید است تا جایی که گذر زمان اجازه می‌دهد به خوبی بتوان از نقش تاریخی این شخصیت برای رسیدن به آزادی و دموکراسی در ایران بهره برد.

دیدگاهی را که در ژانویه گذشته با عنوان «فردای پیروزی انقلاب و نقش تحلیلین سیاسی در هدایت کشور» نوشتم در ادامه می‌خوانید.

شاهزاده رضا پهلوی شخصیتی مهم برای بازگشت

دسترسی به اسنادی محدود کند، نیازمند یک تصریح قانونی است؛ اداره یک نهاد خودسر نیست که به صورت سلیقه‌ای یک سند را اطلاق عنوان محرمانه کند.»

به گفته این وکیل دادگستری «هر مقرره‌ای که حق یا تکلیفی برای شهروندان ایجاد می‌کند باید به اطلاع عموم برسد و اصل دسترسی عموم به اطلاعات به خصوص اطلاعاتی که در حوزه عمومی هست به عنوان یکی از ارکان جامعه آزاد و مردم‌سالار شناخته می‌شود و هرگونه تضییع حق شفافیت باعث ایجاد تکلیف و گاه مسئولیت برای شهروندان می‌شود.»

محمد صالح نقره‌کار افزوده بود که «اداره یک نهاد خودسر نیست که به صورت سلیقه‌ای بخواهد یک سند را اطلاق عنوان محرمانه و سند دیگر را اطلاق عنوان غیرمحرمانه کند. اینکه هر نهادی بخواهد با طبقه‌بندی اسناد خود؛ حق آگاهی شهروندان را نسبت به دسترسی به اسنادی محدود کند، نیازمند یک تصریح قانونی است.»

مرکز اطلاع‌رسانی وزارت کشور در اطلاعیه‌ای اعلام کرد «سخنان وزیر کشور مبنی بر اینکه مجوز خاصی از سوی وزارت کشور برای آمرین به معروف صادر نشده با ابلاغیه ضرورت مراعات حجاب و اعمال آن از سوی دستگاه‌ها و حمایت از آمرین به معروف، تعارضی ندارد.»

در این اطلاعیه آمده بود که «موضع وزارت کشور در خصوص عفاف و حجاب و حمایت از آمرین به معروف کاملاً روشن و مشخص بوده است. رعایت حجاب و الزام به پوشش قانونی تغییر ناپذیر بوده و هرگونه برداشتی بر خلاف این موضوع، ناصحیح و غیر دقیق است.»

در ادامه اطلاعیه آمده که «ابلاغیه ضرورت مراعات حجاب توسط همگان و اعمال آن از سوی دستگاه و نهادها و حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکر، تعارضی با این اظهار نظر وزیر کشور در پاسخ به سوال خبرنگاری درباره عفاف و حجاب مبنی بر این‌که مجوز خاصی از سوی وزارت کشور صادر نشده است، ندارد و برخی فضا سازی‌های رسانه‌ای برای دوگانه نشان دادن آن، امری غیر واقعی و ناصواب است.» وزارت کشور جمهوری اسلامی مدعی شده که «گرچه تجربه نشان می‌دهد درگیر و دار رقابت‌های سیاسی و مناسبات و محاسبات، گروهی از رسانه‌ها با حاشیه‌آفرینی، برای جلب نظر بیشتر افکار عمومی تلاش می‌کنند، با این حال از صاحبان رسانه و ارباب جراید انتظار می‌رود با دقت بیشتر در منابع خبری و بازخوانی دقیق اظهار نظر مسئولان نسبت به انتشار تحلیل‌های ناصحیح و ابهام‌آفرین برای افکار عمومی خودداری کنند و به رعایت تقوای سیاسی و اخلاق رسانه‌ای اهتمام ورزند.»

استخدام حجاب‌بان‌ها توسط شهرداری تهران اما بیش از دو ماه پیش در رسانه‌ها مطرح و آن زمان شهردار تهران هیچ واکنشی به این خبر نشان نداده و آن را تکذیب نکرد. در مقابل یکی از معاونان او استقرار حجاب‌بان‌ها را در زیرمجموعه طرح‌های قرارگاهی خواند که از سوی شهرداری تشکیل شده است.

روزنامه اینترنتی «فرار» نیمه امرداد ۱۴۰۲ از «استخدام» ۴۰۰ تن با عنوان شغلی «حجاب‌بان» با حقوق ماهانه ۱۲ میلیون تومان برای فعالیت در متروها خبر داده بود.

بر اساس این گزارش، یک منبع آگاه در یک شرکت پیمانکاری گفته بود که شهرداری تهران، به زودی ۴۰۰ نیرو را با عنوان «حجاب‌بان» در ایستگاه‌های مترو پایتخت مستقر خواهد کرد. این نیروها که توسط یگان حفاظت شهرداری تهران گزینش شده و کلاس‌های آموزشی مربوط به این کار را نیز گذرانده‌اند، به زودی در ایستگاه‌های مترو وارد فعال خواهند شد.

→ کشف حجاب و برهنگی به صورت گسترده و طی طرح‌های کشوری اقدام و نتایج را به صورت فوری با فراجا یا مراجع قضایی ارسال کنند.»

بخشنامه وزارت ارشاد مشخصاً درباره مترو و حتی داخل واگن‌ها نیز تکلیف کرده و نوشته که باید «عکسبرداری و تهیه مستندات» از زنانی که از رعایت حجاب اجباری و تحمیلی جمهوری اسلامی در مراکز مختلف و از جمله در «همه بخش‌های مترو» و «داخل واگن‌ها» خودداری می‌کنند در «دستور کار ضابطین» قرار گیرد.

انتشار این سند پس از آن صورت گرفت که آزار شهروندان توسط حجاب‌بان‌های مستقر در مترو پایتخت در گزارش‌های مختلفی منعکس شد اما نه دولت و نه شهرداری تهران زیر بار مسئولیت آنها نرفتند.

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور گفته بود که «ما مجوز خاصی برای این کار ندادیم و تحت امر معروف و نهی از منکر ظاهراً توسط گروه‌های مردمی انجام می‌شود. کارشان در چارچوب امر معروف و نهی از منکر است. همه مردم برای این کار وظیفه دارند، ولی باید با ادبیت خوب و الفاظ خوب و صرفاً تذکر لسانی انجام شود. در همین حد این گروه‌ها مجاز هستند.»

این سخنان در حالی مطرح شده که دولت سیزدهم در کنار مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه برنامه‌های عریض و طویلی برای امنیتی کردن فضای جامعه و آزار شهروندان به بهانه «حجاب» دارند.

علیرضا زاکانی شهردار تهران در واکنش به گسترش حجاب‌بان‌ها گفته که این تذکرها «خودجوش» هستند و «اگر کسی در مترو بخواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، آیا می‌توانیم بگوییم این کار را انجام ندهد؟»

علیرضا زاکانی مدعی شده که «شهرداری مجوز این کار را نداده است و به صورت خودجوش این کار از سوی مردم شکل گرفته است.»

ادعای وزیر کشور و شهردار تهران با واکنش کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبرو و این پرسش را ایجاد کرده که اگر حجاب‌بان‌ها نیروهای «خودجوش» و «مردمی» هستند چطور همگی لباس یک شکل دارند؟!

انتشار یک صفحه از بخشنامه وزارت کشور که از تیرماه امسال دستورالعملی برای محدودسازی فضای جامعه به بهانه حجاب را ابلاغ کرده بود، نشان از دروغ وزیر کشور و همچنین شهردار تهران داشت.

هر چند ساعاتی پس از انتشار این سند دادستانی تهران علیه روزنامه «اعتماد» اعلام جرم کرد اما یک روز بعد، دوشنبه ششم آذرماه، روزنامه «توسعه ایرانی» در تیتیر نخست با عنوان «محرمانگی خودسرانه!» به این سند پرداخت. در این مطلب آمده بود تصمیم مقامات جمهوری اسلامی برای «محرمانه» تلقی کردن این سند تصمیمی «خودسرانه» بوده است.

روزنامه «توسعه ایرانی» افزوده بود که «اساساً طبقه‌بندی چنین سندی در رده «خیلی محرمانه» نقض آشکار قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» است.»

این روزنامه با انتقاد از این که «دایره محرمانگی در کشور چنان وسیع و گسترده است که از جزئیات مذاکرات اتمی تا فیش حقوقی حراست شهرداری را هم شامل می‌شود» نوشت که «اصل بر عدم محرمانگی کلیه اسناد و مدارک است.»

محمد صالح نقره‌کار عضو کانون وکلا در مورد اعلام جرم دادستانی علیه روزنامه اعتماد به «توسعه ایرانی» گفته بود که «اصل بر عدم محرمانگی است، اینکه هر نهادی با طبقه‌بندی اسناد خود حق آگاهی شهروندان را نسبت به

آنجا دارند و سیاست‌ورزی را در آنجا و با شرایط دشوار حکومت مذهبی آموخته‌اند و با شخصیت و شرایط مردم دیکتاتورزده در این مدت به خوبی آشنا هستند و زبان و فهم سیاسی مردم را بهتر درک می‌کنند. سوال این است که پس نقش شاهزاده در فرادای انقلاب چه خواهد بود؟



شاهزاده رضا پهلوی در تور اروپایی / مارس ۲۰۲۳

به شخصه فکر می‌کنم با کاراکتر و شرایط و آرزوهای که شاهزاده برای ایران دارد، نقش وی در فرادای پس از جمهوری اسلامی، نقشی مشورتی و فراجحاحی و مانند ظاهرشاه در افغانستان و در مقام اجرایی مانند آخرین شاه بلغارستان در بازگشت به وطن پس از سقوط رژیم کمونیستی و به مدتی کوتاه خواهد بود.

شاهزاده دیگر جوان نیست که بتواند مانند پدرش دورانی طولانی از حضور سیاسی را تجربه کند. آرزوهای هم که برای بازسازی یک ایران دموکرات و پیشرفته در ذهن خود دارد در قالب یک نقش تشریفاتی قابل اجراست. امکان ادامه سلطنت نیز، در صورتی که مردم به نظام پادشاهی رأی دهند، در خانواده ایشان به دلایل متعدد دشوار به نظر می‌رسد.

از طرفی انتخاب شدن برای یک نقش اجرایی برای مدت کوتاهی می‌تواند امکان‌پذیر باشد ولی آنهم با نقشی که شاهزاده در طول ۴۳ سال به عنوان ادامه دهنده دودمان پهلوی به عهده گرفته تعارض دارد. امیدوارم در ماه‌های آینده، طرفداران پادشاهی پارلمانی وی را برای نقش‌آفرینی در رهبری انقلاب برای دموکراسی در ایران یاری دهند و گروه‌های چپ و... مدافع دموکراسی نیز باور کنند که او قصد برپایی یک دیکتاتوری راستگرا در فرادای آزادی ایران ندارد، پس سنگ جلوی راه پیروزی انقلاب نیندازند و آب را به آسیاب رژیم هدایت نکنند و نقش تاریخی خود را در بالا بردن فهم مردم از دموکراسی و حقوق اقلی که مدعی نمایندگی آنها هستند به خوبی اجرا کنند تا بار دیگر مانند سال ۱۳۵۷ شرمند تاریخ و مردم خود نشوند.

*بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

همین رو لازم است که یک شورای رهبری (یا با هر عنوان دیگری) از جریان‌های مختلف دموکراسی خواه شکل گیرد که شاهزاده نقش سخنگوی آن را به عهده بگیرد. در حال حاضر به نظر می‌رسد مراحل شکل‌گرفتن چنین شورایی تا حدی در جریان است ولی لازم است که از تجربیات همه گروه‌های آزادیخواه و میهن‌دوست در خارج و داخل



شاهزاده رضا پهلوی در تور اروپایی / مارس ۲۰۲۳

برخوردار گردد. از سوی دیگر، در مورد انتخاب نظام سیاسی و حکومتی آینده در فرادای سقوط رژیم گویا توافقی در میان جریان‌های و احزاب و گروه‌های دموکرات به وجود آمده تا این تصمیم و انتخاب به عهده مردم ایران گذاشته شود که با انتخابات آزاد و رفراندوم آن را مشخص کنند.

شخصاً معتقد هستم که اکثر رهبران اپوزیسیون در خارج کشور نقش محلهای سیاسی را پس از پیروزی انقلاب و از هم پاشیدن رژیم جاهلیت به عهده خواهند گرفت و مدت کوتاهی در مقامات و مناصب دولتی نقش خواهند داشت تا زمینه‌های لازم را فراهم کرده و این نقش را به افراد منتخب مردم در داخل کشور بسپارند.

من فکر می‌کنم این کار به دو دلیل مهم اتفاق خواهد افتاد:

یکی اینکه، افرادی که عمری را در خارج کشور و به ویژه در دموکراسی‌های غربی بسر کرده‌اند به آسانی با ویرانه‌های مادی و معنوی که رژیم اسلامی برجای می‌گذارد کنار نخواهند آمد و پس از فروکش کردن شور انقلابی، پا به دنیای واقعیت‌ها خواهند گذاشت و بار دیگر به کشورهای میزبان خود در دوران تبعید باز خواهند گشت، چرا که خانواده و عزیزان آنها دهه‌ها در غرب سکونت کرده و شاهد به دنیا آمدن نسل‌های دوم و سوم در غرب بوده‌اند و برای آنها ایران کشوری است که پدر و مادر بزرگ‌های آنها با نوستالژی از آن یاد می‌کنند، ولی نه آن کشوری که با آن خو گرفته‌اند و در آن رشد و نمو کرده‌اند.

دوم اینکه، در مدت زمان کوتاهی افراد لایق و شایسته‌ای از درون کشور سر بر خواهند آورد که در آن کشور به دنیا آمده، تحصیل و زندگی و کار کرده و خانواده خود را در

ایران به دنیای مدرن و احتمالاً دموکرات است. در حفظ این شخصیت کوشا باشیم.

شاهزاده رضا پهلوی چه شخصیت و کاراکتری دارد؟ شاهزاده که بیش از ۴۴ سال از عمر خود را در تبعیدی ناخواسته در خارج از ایران بسر برده آیا قادر به رهبری جنبش ملی و آزادیخواهانه مردم ایران که برخی آن را خیزش «زن زندگی آزادی» می‌خوانند خواهد بود؟

وی در ۱۷ سالگی ایران را ترک کرده و در ایالات متحده مستقر شده است. پس از انقلاب ۵۷ در کنار شاه فقید به همراه خانواده‌اش شرایط بیماری پدر را از نزدیک دیده و فریادهای «مرگ بر شاه» و خشم مردم متوهم را از تلویزیون‌ها دیده و در رادیوها شنیده است.

پس از چندی مرگ پدر را تجربه کرده و در کنار مادری با فرهنگ و به نوعی اسطوره‌پایداری، شهبانو فرح پهلوی، در غربت زیسته و از کوله‌بار فرهنگ غنی و بی‌همتای مادر و تجربه سیاسی وی بهره‌مند گشته است.

پس از درگذشت شاه فقید و بعدها از دست دادن عزیزانش در غربت، با هرگونه حوادث چالش‌برانگیز روبرو شده و در عین حال تجربیات بسیاری در عرصه زندگی و سیاست کسب کرده است.

احترام به حقوق زنان را از مادری کم‌همتا آموخته و در زندگی در کنار خواهر، همسر و سه دخترش، این آموخته‌ها را به کار برده و بیشتر تجربه کرده و به برابری حقوق زنان باور عملی دارد.

برخلاف خواسته‌ها و آرزوهای طرفداران و دشمنان قسم خورده‌اش، سیاستمداری راستگرا نیست و از نوعی میان‌روی در حوزه سیاست پیروی می‌کند. به شدت قلب‌اش برای ایران می‌تپد و بیش از هر چیزی آینده ایران برایش مهم است؛ ایرانی که جوانانش از وطن رانده نشوند، متخصصانش در جهان پراکنده نشوند، طبیعت‌اش نابود نگردد و آثار باستانی آن را به تاراج نبرند؛ ایرانی آباد را برای نسل‌های آینده می‌خواهد.

شاهزاده رضا پهلوی بسیار روشن‌ضمیر و دموکرات است تا حدی که هم دوستان و هم دشمنانش را نگران می‌کند. دوستان به خاطر اینکه احساس می‌کنند با این وسعت از دموکراسی‌خواهی شاید شخص مناسبی برای هدایت انقلاب آزادیبخش و ملی در ایران امروز با این فقر فرهنگی و ۴۴ سال استبداد مذهبی نباشد و برای هدایت این انقلاب چه بسا شخصیتی لازم باشد که کمتر دموکرات و بیشتر کاریزماتیک و از ویژگی‌هایی مانند جدش رضاشاه برخوردار باشد.

دشمنانش هم در لایه‌های اسلامی و چپ سنتی و مارکسیستی از دموکرات بودن او وحشت دارند چرا که در اندیشه آنها دموکراسی امری بورژوازی برای استمرار سرمایه‌داری و کاپیتالیسم و امپریالیسم است.

به نظر من اما شاهزاده رضا پهلوی برگ برنده اپوزیسیون علیه رژیم سفاک اسلامی است و باید در عین حمایت همه‌جانبه از وی، رهنمودهایی که دلسوزان آزادی و آبادی دارند، با زبان صریح و بدون تخریب شخصیتی به شاهزاده منتقل کنند تا تغییری که در بطن جامعه ایران جریان دارد از یک رهبری مدبر، دموکرات و دلسوز به بهترین نحو بهره‌مند شود.

البته افراد دیگری هم هستند که صادقانه در داخل و خارج کشور علیه رژیم شرّ مبارزه می‌کنند ولی از نکات و ویژگی‌های مثبت شاهزاده برخوردار نیستند.

همچنین شک نیست که جامعه داخلی و خارج ایران، جامعه‌ای پویا و رنگارنگ است و شاهزاده به تنهایی قادر به هدایت این انقلاب علیه رژیم شرّ و فساد نیست. از

دو عضو «سپاه قدس» در حمله اسرائیل به حومه دمشق کشته شدند



محمدعلی عطایی (شورچه) و پناه تقی‌زاده

هشدار یک کارشناس سیاسی
در تهران:

موساد به
دنبال تسویه
حساب است؛
دایره ترورها به
رهبران حماس
محدود نمی‌شود

● حسن هانی‌زاده تحلیلگر سیاسی جمهوری اسلامی به خبرگزاری ایلنا گفته «توجه داشته باشید که اسرائیل در مورد ترور رهبران مقاومت صرفاً تمرکز خود را بر روی حذف فیزیکی سران حماس و جهاد اسلامی معطوف نخواهد کرد بلکه دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به دنبال آن است تا تمام رهبران مقاومت را از بین ببرد».

● روزنامه «وال استریت ژورنال» نهم آذرماه به نقل از منابع اسرائیلی گزارش داد که سرویس‌های امنیتی این کشور خود را برای حذف رهبران حماس که در لبنان، قطر یا ترکیه ساکن هستند آماده می‌کنند.

● شیخ علی یونسی وزیر سابق اطلاعات جمهوری اسلامی تیرماه ۱۴۰۰ در یک مصاحبه گفته بود «نفوذ موساد در کشور آنقدر زیاد شده که مسئولان باید نگران جان‌شان باشند».

شش هفته پس از آغاز جنگ غزه که گروه تروریستی حماس با حمله‌ی وحشیانه به اسرائیل مسبب آن شد، یک تحلیلگر سیاسی حکومتی در ایران در واکنش به گزارش‌ها در مورد سناریوی احتمالی سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل برای حذف فیزیکی رهبران حماس هشدار داده که موساد به دنبال «تسویه حساب» است و دایره ترورها صرفاً به رهبران حماس محدود نمی‌شود.

حسن هانی‌زاده در مصاحبه با خبرگزاری ایلنا که ۱۲ آذرماه منتشر شد گفته «توجه داشته باشید که اسرائیل در مورد ترور رهبران مقاومت صرفاً تمرکز خود را بر روی حذف فیزیکی سران حماس و جهاد اسلامی معطوف نخواهد کرد بلکه دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به دنبال آن است تا تمام رهبران مقاومت را از بین ببرد».

وی توضیح داده «باید گفت که موساد به دنبال ایجاد رعب و وحشت و تسویه حساب در چهارچوب مذکور است».

روزنامه «وال استریت ژورنال» نهم آذرماه به نقل از منابع اسرائیلی گزارش داد که سرویس‌های امنیتی این کشور خود را برای حذف رهبران حماس که در لبنان، قطر یا ترکیه ساکن هستند آماده می‌کنند.

اگرچه کارشناس سیاسی جمهوری اسلامی بطور مستقیم اشاره نمی‌کند که آیا رهبران حکومت یا فرماندهان سپاه

حمله هوایی‌های اسرائیل به مقر سپاه پاسداران را منتشر کرده‌اند.

در یک ماه گذشته دست‌کم در دو نوبت باند و تأسیسات فرودگاه دمشق و همچنین فرودگاه حلب هدف حملات ارتش اسرائیل قرار گرفت. جمهوری اسلامی از طریق این فرودگاه‌ها در پوشش هوایی‌های تجاری از جمله هوایی‌های شرکت «ماهان ایر» اقدام به انتقال سلاح و مهمات به سوریه می‌کند.

چهار روز پیش از این رویداد، جسد هشت عضو سپاه قدس که در اوایل جنگ سوریه کشته شده بودند به ایران بازگردانده شد. منابع حکومتی اعلام کردند اجساد آنها مفقود بود اما با آزمایش DNA هویت آنها مشخص شده است. آمار رسمی از تلفات سپاه پاسداران در سوریه و عراق طی ۱۲ سال گذشته موجود نیست اما تخمین زده می‌شود بین هفت تا هشت هزار نفر از اعضای آن تحت عنوان «مدافعان حرم» کشته شده‌اند.



● بر اساس اطلاعاتی روابط عمومی کل سپاه که روز شنبه ۱۱ آذرماه منتشر شد محمدعلی عطایی (شورچه) و پناه تقی‌زاده «حین انجام ماموریت مستشاری در جبهه مقاومت اسلامی سوریه» توسط اسرائیل کشته شدند.

● در این اطلاعیه اشاره نشده آنها متعلق به کدام واحد سپاه پاسداران بودند. حتا مشخص نیست از چه زمانی به سوریه اعزام شدند اما تصاویری که در رسانه‌های حکومتی از این دو سپاهی منتشر شده، تقی‌زاده «سردار مهندس» و عطایی شورچه «سردار دکتر» معرفی شده‌اند.

دو عضو نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حمله هوایی ارتش اسرائیل به حومه دمشق کشته شدند. بر اساس اطلاعاتی روابط عمومی کل سپاه که روز شنبه ۱۱ آذرماه منتشر شد محمدعلی عطایی (شورچه) و پناه تقی‌زاده «حین انجام ماموریت مستشاری در جبهه مقاومت اسلامی سوریه» توسط اسرائیل کشته شدند.

در این اطلاعیه اشاره نشده آنها متعلق به کدام واحد سپاه پاسداران بودند. حتا مشخص نیست از چه زمانی به سوریه اعزام شدند اما تصاویری که در رسانه‌های حکومتی از این دو سپاهی منتشر شده، تقی‌زاده «سردار مهندس» و عطایی شورچه «سردار دکتر» معرفی شده‌اند.

در متن اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمده «جنایت وحشیانه رژیم صهیونیستی» تحت حمایت آشکار آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی انجام شده و «شهادت» این دو نفر نشان داد «خط سرخ شهادت همچنان زنده» است.

خبرگزاری دولتی سوریه «سانا» گزارش داده بود که جنگنده‌های اسرائیل بامداد شنبه ۱۱ آذرماه نقاطی در اطراف شهر دمشق را هدف قرار دادند.

به گزارش «تایمز اسرائیل» رامی عبدالرحمان مسئول «دیدهبان حقوق بشر سوریه» مستقر در بریتانیا می‌گوید: «دو نظامی سوریه که برای حزب‌الله کار می‌کردند در این حملات کشته شدند و هفت نفر دیگر از نیروهای حزب‌الله در نزدیکی سیده زینب زخمی شدند».

در شبکه‌های اجتماعی برخی منابع غیررسمی تصاویری از

سه دولت اروپایی با دو هفته تأخیر رونمایی سپاه پاسداران از موشک «فتاح-۲» را محکوم کردند



موشک «فتاح-۲»

صورت می‌گیرد.»
این بیانیه می‌افزاید این تشدیدها همچنین نشان‌دهنده تهدید جدی ایران برای امنیت جهانی و منطقه‌ای است. با اینهمه سه قدرت اروپایی در ادامه بر تعهد خود به انجام اقدامات دیپلماتیک برای جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای و پاسخگو کردن آن در قبال فعالیت‌های بی‌ثبات کننده خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید کرده‌اند.

سپاه پاسداران ۲۷ مهرماه با حضور علی خامنه‌ای از موشک «فتاح-۲» رونمایی کرد. خبرگزاری «تسنیم» گزارش داد این موشک «توانایی پرواز در ارتفاع بسیار کمتر را دارد و همچنین می‌تواند در طول پرواز چندین بار مسیر خود را تغییر دهد.»

بیانیه مشترک سه دولت اروپایی با واکنش وزارت خارجه جمهوری اسلامی روبرو شد. ناصر کنعانی سخنگوی این وزارتخانه روز جمعه دهم آذرماه گفت این بیانیه «گمراه کننده، فاقد هرگونه مبنای حقوقی و دارای اهداف و انگیزه‌های خاص سیاسی» است.

وی افزود: «توسعه و تقویت توانمندی متعارف موشکی جمهوری اسلامی با هدف بازدارندگی و براساس نیازهای دفاعی کشور است.» کنعانی همچنین به طرفین اروپایی توصیه کرد «از طرح ادعاهایی که هیچ کمکی به تعاملات ایران و اروپا نمی‌کند، پرهیز کنند.»

● انگلیس، فرانسه و آلمان با اشاره به سوابق تحقیقاتی جمهوری اسلامی در زمینه ساخت کلاهک اتمی تأکید کردند: «ادامه توسعه برنامه موشکی بالستیک ایران به دنبال تشدید تنش اتمی و بدون هیچ توجیه غیرنظامی معتبر صورت می‌گیرد.»

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به این بیانیه آن را «گمراه‌کننده، فاقد هرگونه مبنای حقوقی و دارای اهداف و انگیزه‌های خاص سیاسی» دانسته است.

انگلیس، فرانسه و آلمان حدود دو هفته پس از رونمایی از موشک بالستیک «فتاح-۲» که فرماندهان سپاه پاسداران ادعا می‌کند «ما فوق صوت» است، در بیانیه‌ای مشترک توسعه موشک‌های بالستیک توسط جمهوری اسلامی را محکوم کردند.

در این بیانیه آمده جمهوری اسلامی، پس از سال‌ها بی‌توجهی به محدودیت‌های اعلام شده در قطعنامه سازمان ملل، با وجود درخواست‌های مداوم بین‌المللی برای توقف توسعه موشک‌های بالستیک همچنان به توسعه برنامه‌های موشکی خود ادامه می‌دهد.

سه کشور اروپایی عضو برجام با اشاره به سوابق تحقیقاتی جمهوری اسلامی در زمینه ساخت کلاهک اتمی تأکید کردند: «ادامه توسعه برنامه موشکی بالستیک ایران به دنبال تشدید تنش اتمی و بدون هیچ توجیه غیرنظامی معتبر

پاسداران انقلاب اسلامی را نیز در دایره «جبهه مقاومت» می‌داند یا نه اما اعتراف به ترس مقامات جمهوری اسلامی در مورد اینکه مأموران موساد به سراغ آنها بروند دارای پیشینه است.

شیخ علی یونسی وزیر سابق اطلاعات جمهوری اسلامی تیرماه ۱۴۰۰ در یک مصاحبه گفته بود «نفوذ موساد در کشور آنقدر زیاد شده که مسئولان باید نگران جان‌شان باشند.»

وی با اشاره به خرابکاری‌ها و ترور عوامل جمهوری اسلامی در چند سال اخیر اعتراف کرده بود که «غفلت از موساد سبب شد که نفوذ کند و اینگونه ضربه بزند؛ به گونه‌ای که صریحا مسئولان جمهوری اسلامی را تهدید کند.» محسن فخری‌زاده از متخصصان موشکی و اتمی یکی از آخرین مقامات ارشد نظامی-امنیتی جمهوری اسلامی است



اسماعیل قاسبی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران

که هفتم آذر ۱۳۹۹ در جاده دماوند ترور شد. دادستان عمومی و انقلاب تهران مهرماه ۱۴۰۱ اعلام کرد برای ۱۴ نفر در پرونده ترور فخری‌زاده به اتهام «مشارکت در افساد فی‌الارض»، «مشارکت در همکاری اطلاعاتی و جاسوسی به نفع رژیم صهیونیستی»، «تبانی با هدف برهم زدن امنیت کشور» و «اقدام علیه امنیت ملی» کیفر خواست صادر شده است. شبکه ۱۴ تلویزیون اسرائیل اواسط شهریورماه ۱۴۰۲ در برنامه‌ای با عنوان «چه کسی در تهران هدف ترور است؟» به فهرست موساد اسرائیل برای ترور مقامات ارشد رژیم ایران پرداخت. حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اسماعیل قاسبی فرمانده «سپاه قدس»، اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات و حسین طائب رئیس سابق اطلاعات سپاه (ساس) کسانی هستند که گفته می‌شود در فهرست سپاه اسرائیل قرار دارند.

داوید بارنتا رئیس سابق موساد در آن برنامه با اشاره به تهدیدات جمهوری اسلامی علیه شهروندان و امنیت اسرائیل گفته بود «زمانش رسیده که [رژیم] ایران به گونه‌ای متفاوت، تاوان دهد. آزار اسرائیلی‌ها و یهودیان، به هر نحوی که باشد، چه از طریق ایرانی‌ها چه از طریق نیابتی‌هایشان، به عملیات در ایران منجر می‌شود... در قلب تهران... ما گزینه دیگری نداریم. در آینده به هر کسی که عناصری را تحریک کند که به دنبال آزار و اذیت شهروندان ما باشد، دست پیدا خواهیم کرد.»

#صدامونو_بشنوید! هشتگی برای بازتاب بیشتر صدای زندانیان و دادخواهان و یاد جانباختگان



از دست داد. برادران او ابراهیم و مرتضی بارها احضار و بازجویی شده‌اند. آنها پیش از سالگرد تهدید شدند که اگر به مزار عزیزشان بروند همه آنها بازداشت خواهند شد. فاطمه حیدری در یک پست دیگر به ابوالفضل آدینه‌زاده از نوجوانان کشته شده در اعتراضات سال ۱۴۰۱ پرداخته که خانواده وی دائماً تحت فشارهای امنیتی قرار دارند: «سنگ مزار وی دو مرتبه توسط نیروهای حکومتی شکسته شد و حتی به گل‌های کاشته شده اطراف آنهم رحم نکردند. اعضای خانواده وی را یک روز پیش از روز تولد وی مورد ضرب و شتم قرار داده و بازداشت کردند و با وثیقه چند میلیاردی به صورت موقت آزاد کردند. مراسم سالگرد نیز تحت شرایط شدید امنیتی و حضور گسترده نیروها برگزار شد. پیگیری قضایی قتل وی نیز به جایی نرسید و پرونده وی مختومه شد و مسئولان قضایی اصرار به گرفتن دیه از سوی خانواده داشته‌اند. پدر و خواهر ابوالفضل با اتهامات متعددی مانند تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی علیه نظام و... تحت فشار هستند.»

کاربر دیگری به امید قدیمی از دادخواهان کشته‌شدگان اعتراضات مردمی دیواندره در شهریور ۱۴۰۱ اشاره کرده است. برادر وی فواد قدیمی در جریان تجمعات اعتراضی شهر دیواندره به شدت زخمی شد و بعد از سه روز، در ۳۰ شهریورماه در بیمارستان «کوثر» سنج در بخش مراقبت‌های ویژه جان باخت. به گفته این کاربر «برادر فواد قدیمی ۱۵ روز در انفرادی بود و ۲۹ آذر ۱۴۰۲ امید قرار دادگاه دارد به جرم دادخواهی برادرش و فعالیت در فضای مجازی؛ سالگرد هم اجازه ندادند به خانواده‌اش سر مزار بروند و امید در انفرادی بود.»

یک کاربر نیز از محسن قیصری نوشته است که در اعتراضات ۱۴۰۱ با شلیک گلوله به سر و سینه‌اش در ایلام کشته شد: «پیکر او را پس از سه روز سرگردانی و حیرت به خانواده‌اش تحویل دادند و مراسم خاکسپاری‌اش تحت شرایط امنیتی شدید و با دستگیری ده‌ها نفر برگزار شد. در مراسم چهلم هم نیروهای امنیتی علاوه بر بستن راه‌های منتهی به مزار او چندین نفر را دستگیر کرده و به سوی مردم شلیک کردند. بعدتر نیز بر سر مزارش دوربین و پروژکتور نصب کردند تا مردم را از حضور بر مزار او منع کنند. سرکوب شدید خانواده قیصری و همچنین اقوام و آشنایان و حتی

سرکوبی که ابعاد وحشیانه‌ی آن گاهی تصورناپذیر است. شمار زندانیان و جانباختگان و خانواده‌های دادخواه بسیار زیاد است و در این گزارش از بین صدها شهروند جانباخته و بازداشت شده در جریان خیزش سراسری ۱۴۰۱ و همچنین اعتراضات سال‌های گذشته به شمار بسیار کمی از آنها اشاره می‌شود که کاربران ایرانی طی دو روز اخیر در شبکه‌های اجتماعی با هشتگ #صدامونو_بشنوید از آنها یاد کرده‌اند. برای آگاهی بیشتر از آنانکه می‌بایست صدایشان را شنید به هشتگ #صدامونو_بشنوید در شبکه‌های اجتماعی مراجعه کنید.

سامان خضرنژاد کولبر ۲۷ ساله اهل بوکان و دارای لیسانس تربیت‌بدنی به «مفسد فی الارض» و «سب‌النبی» متهم شده و جان وی به شدت در خطر است. او از جمله زندانیانی است که نامش کمتر رسانه‌ای شده است.

زهره سعیدیان جو خواهر میلاد سعیدیان جو از جانباختگان جنبش ملی ۱۴۰۱ در ایزه در زندان سپیدار زندانی است. در همین ارتباط فاطمه حیدری، خواهر جواد حیدری، از دیگر کشته‌شدگان اعتراضات سراسری، شامگاه شنبه ۱۱ آذر در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «میلاد سعیدیان جو در آبان ۱۴۰۱ توسط جمهوری اسلامی کشته شد. زهره خواهر میلاد را سه بار بازداشت کردند و الان هم همچنان بلاتکلیف در زندان سپیدار در حبس است. خانواده‌ی میلاد را برای اینکه می‌خواستند برایش تولد بگیرند با باتوم سر خاکش زدند موه‌های خواهراشو کشیدند و خواهر و برادرش رو بازداشت کردند. اونها بارها تهدید به مرگ شدند. زهره که جزو کادر درمان [است] دو بار از کار اخراج شد و چون بهش کار نمی‌دادند مجبور شد برگردد ایزه پیش مادر بلال بفروشه! همه‌ی حساب‌های زهره رو بستند، مدارک شو گرفتند... زهره می‌گفت: همه‌چیمو گرفتید دیگه چی از جونم می‌خواید!» سعید افکاری برادر نوید افکاری به علی اکبر زر ۲۹ ساله و پدر دو کودک اشاره کرده که پنج ماه پیش توسط مأموران امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شده است. او پس از ماه‌ها شکنجه، به «سب‌النبی» و «محاربه» متهم شده و زندگی او در خطر است.

کاربر دیگری در مورد مسلم هوشنگی نوشته است: جوانی کارگر اهل سمیرم اصفهان که بر اثر شلیک مستقیم گلوله به سرش در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در سمیرم اصفهان، جان خود را

● محسن جعفرپناه یک پسر دو ساله داشت و در ۲۶ آبان ۹۸ با گلوله‌ی نیروهای امنیتی کشته شد. او فقط ۲۹ سال داشت و مغازه‌دار بود. خواهرش در یک ویدئو که بهمن ۱۳۹۹ پخش شد گفته است: «صدامونو بشنوید! به دادمون برسید!»

● این روزها دوباره توجه کاربران در رسانه‌های اجتماعی به این هشتگ جلب شده و بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی بطور گسترده برای یادآوری وضعیت زندانیان گمنام و بی‌صدا و کم‌صدا و همچنین کشته‌شدگان کمتر شناخته شده این هشتگ را بازنشر می‌کنند.

● شمار زندانیان و جانباختگان و خانواده‌های دادخواه بسیار زیاد است و کیهان لندن در این گزارش به شمار بسیار کمی از آنها که کاربران ایرانی طی دو روز اخیر در شبکه‌های اجتماعی از آنها یاد کرده‌اند اشاره می‌کند.

فیروزه نوردستروم - هشتگ #صدامونو_بشنوید در بهمن ۱۳۹۹ بر اساس جمله‌ای در یک ویدئو که از سوی خواهر یکی از جانباختگان آبان ۹۸ در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود، استفاده شد. خواهر محسن جعفرپناه این ویدئو را به اکانت ۱۵۰۰تصویر فرستاده بود. محسن جعفرپناه یک پسر دو ساله داشت و در ۲۶ آبان ۹۸ با گلوله‌ی نیروهای امنیتی کشته شد. او فقط ۲۹ سال داشت و مغازه‌دار بود. خواهرش در این ویدئو گفته است: «صدامونو بشنوید! به دادمون برسید!»

این روزها دوباره توجه کاربران در رسانه‌های اجتماعی به این هشتگ جلب شده و بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی بطور گسترده برای یادآوری وضعیت زندانیان گمنام و بی‌صدا و کم‌صدا و همچنین کشته‌شدگان کمتر شناخته شده در جریان اعتراضات سال‌های اخیر به ویژه در خیزش ملی ۱۴۰۱ و نیز برای رساندن صدای خانواده‌های دادخواه و بازماندگان جانباختگان از جمله در اعتراضات سراسری دی ۹۶ و آبان ۹۸ این هشتگ را بازنشر می‌کنند.

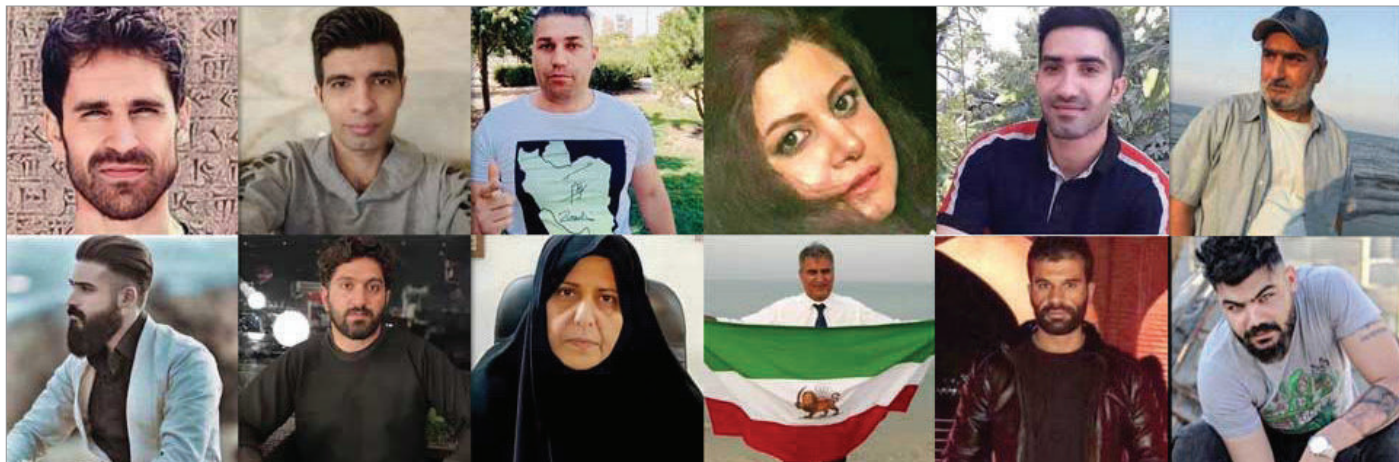
برخی اعضای خانواده‌های دادخواه و جانباختگان و زندانیان سیاسی که اکنون این کمپین را به راه انداخته‌اند معتقدند که با این کار می‌توان بیش از پیش حجم واقعی سرکوب، آزار و کشتار بی‌رحمانه مردم توسط جمهوری اسلامی را در جریان اعتراضات برای افکار عمومی به نمایش گذاشت.

می‌دهم. از خون بچه‌ام نمی‌گذرم. لعنت بر جمهوری اسلامی.»

در همین ارتباط خواهر جواد حیدری نوشته است: «در آبان ۹۸ ابراهیم کتابدار را که در مقابل مغازه‌اش ایستاده بود، با شلیک گلوله‌ای به قلبش گرفتند. شکایت خانواده کتابدار از قاتل او هم نه تنها پیگیری نشد که حکومت فشار بر

اعتراضات ۱۴۰۱ کشته شد: «فشار امنیتی شدید به خانواده او باعث شد که مراسم سالگرد محسن لغو شده و خانواده او برای چهار روز از حضور بر مزار او منع شدند. تنها برادر او را به اخراج از محل کارش تهدید کرده‌اند، نیروهای امنیتی بارها خانواده محسن را احضار و بازجویی و تهدید کرده‌اند و یکبار هم به خانه پدری او با تفنگ ساچمه‌زن شلیک کرده

همشهریان وی برای عدم پیگیری دادخواهی وی همچنان ادامه دارد و آنها بارها احضار و بازداشت شده‌اند.» دیگری از **محمد رضا اسکندری** یاد کرده است: جوان ۲۶ ساله اهل پاکدشت ورامین که در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ بر اثر گلوله ماموران امنیتی کشته شد: «اگر دوستانش نبودند، نیروهای حکومتی پیکر او را هم دزدیده بودند. در مراسم سالگرد



این خانواده را با تهدید، ارباب، هجوم و حمله به خانه و سرقت وسایل آنها بیشتر کرد، حتی در سومین سالگرد ابراهیم، به منزل **مادر و خواهر** او حمله و چند تن را هم با خشونت مورد ضرب و شتم قرار دادند و داماد خانواده را هم بازداشت کردند، حالا نیز با تهدید دختران، خواهر

و شیشه‌ها را شکستند.» **جواد اسعدزاده** از دیگر جانباختگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ جوانی ۳۶ ساله بود که در ۲۸ آبان در جریان تظاهرات مردمی در مشهد بازداشت شد اما نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی یک روز پس از بازداشت، پیکر

او نیز با تهدید خانواده مراسم را لغو کردند و حتی حق چاپ اعلامیه و بنر را هم از آنها سلب کردند. جمع کوچک خانواده بر سر مزار او را هم با استقرار نیروی نظامی و تک‌تیرانداز! کنترل و سرکوب کردند. یکسال تلاش پدر و **مادر محمد رضا** برای یافتن قاتل او بی‌نتیجه ماند، و بارها حکومت با پیشنهاد پول سعی در خاتمه این پرونده داشته که خانواده محمد رضا گفته‌اند: تنها مجازات قاتل فرزندشان را می‌خواهند.»



ابراهیم و حبس داماد خانواده و خواهرش و تهدید به حبس بچه‌ها که موقتا آزاد شده‌اند، بی‌شرمانه می‌خواهند فریاد دادخواهی مادر ابراهیم را خفه و سرکوب کنند.» خانواده‌های جانباختگان در سالهای گذشته لحظه‌ای از فشار مداوم حکومت در امان نیستند و شماری از آنان مدت‌هاست در زندان بسر می‌برند از جمله **منوچهر بختیاری** و **ناهید شیرپیشه** پدر و مادر **پویا بختیاری** که در ۲۵ آبان ۹۸ با شلیک مستقیم گلوله به سر و سینه‌اش کشته شد. منوچهر بختیاری در حالی در زندان است که در یک پرونده جدید که در زمان حبس برای او گشوده شده به شش ماه زندان محکوم شده است. ناهید شیرپیشه مادر پویا نیز به جرم دادخواهی و با اتهامات واهی از ۳۰ تیرماه ۱۴۰۱ در زندان بسر می‌برد.

نیمه‌جان او را با حالی وخیم به بیمارستانی در مشهد منتقل کردند و پس از جان باختن بر اثر شدت جراحات، پیکرش را با خود بردند. یک کاربر در ایکس نوشته است که «در روز تشییع نیز روی محل دفن‌اش سیمان ریخته‌اند تا خاکی نباشد که مادر او بر آن اشک بریزد. حالا هم بر سر مزارش دوربین کار گذاشته‌اند تا کسی جرات حضور بر سر مزار او را نداشته باشد. در روز تولد محمد جواد هم حکومت با استقرار نیروهای امنیتی زیاد نگذاشت کسی به مزار او برود.» فاطمه حیدری در پست دیگری از **ابراهیم کتابدار** از کشته‌شدگان آبان ۹۸ نوشته است: مادر وی از مادران دادخواه است که با وجود بازداشت و حبس از دادخواهی فرزندش دست نکشیده. پیشتر **سکینه احمدی** در یکی از ویدیوهایی که از خود منتشر کرده گفته بود «من رای

جواد موسوی از دیگر جانباختگان اعتراضات ۱۴۰۱ است که با شلیک مستقیم گلوله ساچمه‌ای به چشمانش کشته شد. فاطمه حیدری، خواهر جواد حیدری در ایکس نوشته است: «خانواده‌ی جواد از روزهای ابتدایی به قتل رسیدن او، همواره تحت فشار و سرکوب قرار گرفته‌اند تا هیچ نامی از جواد باقی نماند، به اجبار حکومت، حتی از گرفتن مراسم ترحیم برای جوان دلبنده‌شان نیز محروم شده‌اند و نه بر سر مزار او و نه حتی در خانه‌شان نتوانستند برای جواد مراسمی برگزار کنند و به اجبار سرکوب نیروهای امنیتی، مراسم ترحیم به مسجدی که محل پایگاه بسیج است منتقل شد تا همه چیز تحت کنترل و سرکوب‌شان باشد، با این حال مراسم ترحیم جواد حتی در پایگاه اصلی سرکوب نیز مملو از شعارهای ضد حکومتی بود. **خانواده‌ی جواد** تا امروز همچنان تحت سرکوب شدید ارگان‌های امنیتی حکومت قرار دارند.»

سعید افکاری برادر نوید افکاری در پست دیگری به **مهدی برنژاد** جوان ۲۲ ساله اهل قوچان اشاره کرده است که در اعتراضات ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شد: «تا امروز هرگونه مراسم و حضور اعضای خانواده بر مزار مهدی با برخورد امنیتی، انتظامی و قضایی همراه بوده است. **برادر و خواهر مهدی** بارها مورد بازجویی قرار گرفته و تهدید شده‌اند. در آخرین برخوردی که با خانواده مهدی صورت گرفت، آنها از برگزاری مراسم سالگرد منع و تهدید شده‌اند و در صورت حضور بر مزار او همگی بازداشت خواهند شد. فضای آرامگاه مهدی در روز سالگرد به شدت امنیتی بوده است.»

همچنین **فرهاد محمودی** برادر **فریدون محمودی** از جانباختگان شهریور ۱۴۰۱ در سقز با انتشار پستی در ایکس در مورد **محسن محمدی کوچکسرای** نوشته است که در

ضرورت اطلاع، آگاهی و تسهیل واکسیناسیون در گفتگو با پزشکان متخصص؛ پنهانکاری حکومت و شیوع ویروس زگیل تناسلی



را به صورت روزانه ویزیت می‌کنم.» یکی دیگر از پزشکان متخصص بیماری‌های زنان نیز نسبت به گسترش و شیوع این ویروس هشدار می‌دهد و می‌گوید: «اگر همین امروز اقدامی اساسی برای اجباری کردن واکسیناسیون انجام نشود به شما اطمینان می‌دهم آمار مبتلایان به سرطان دهانه رحم و در نتیجه مرگ و میر ناشی از آن در یک دهه آینده به اوج خود خواهد رسید و آنوقت دیگر نمی‌توان کاری کرد.» اینهمه در حالیست که وزارت بهداشت تا کنون هیچ اقدامی برای اجباری کردن یا دست‌کم تسهیل دسترسی شهروندان به واکسن ضد ویروس اچ‌پی‌وی انجام نداده است.

یک پزشک متخصص بیماری‌های زنان ساکن کرج با ابراز نگرانی از وضعیت شیوع این ویروس می‌گوید: «چه زمانی جان شهروندان برای حکومت اهمیت داشته که الان داشته باشد؟! در ماجرای ممنوعیت واردات ویروس کرونا که باعث کشته شدن صدها هزار نفر در کشور شد آیا کسی یقه خامنه‌ای را بابت توهمات دشمنی‌اش با آمریکا گرفت و از او پرسید که آیا می‌داند این تصمیم، جان‌های زیادی را گرفت و خانواده‌های بسیاری را عزادار کرد؟»

وی با ابراز ناامیدی نسبت به اجباری شدن یا دسترسی مردم به واکسن اچ‌پی‌وی می‌گوید: «آنهایی که وضعیت مالی بهتری دارند پیدا کردن و تزریق این واکسن را در اولویت کارهایشان قرار می‌دهند، کاش جمهوری اسلامی لابلائی کمک‌های بی‌حساب و کتابش به گروه‌های تروریستی و گسترش جنگ در منطقه کمی هم به فکر جان مردم کشور بود و حداقل واکسن تولید داخلی خودش را تحت پوشش بیمه قرار می‌داد یا حداقل تولید آن را افزایش می‌داد؛ اگر هم عرضه تولید ندارد لاقلاً به فکر واردات آن باشد چون اگر از الان برنامه‌ای برای این واکسیناسیون نداشته باشیم، زمان زیادی طول نخواهد کشید که بسیاری از مردم کشور مبتلا به این ویروس شوند و آنوقت هزینه‌های درمانی بیشتری بر کشور و جامعه تحمیل خواهد شد.»

این سکسولوژیست همچنین چند توصیه بهداشتی

را ۸ درصد اعلام کردند با اینهمه بسیاری از متخصصان و سکسولوژیست‌ها شیوع ویروس اچ‌پی‌وی در کشور را به مراتب بیشتر از ۸ درصد می‌دانند. همزمان با ممنوع شدن ارائه رایگان وسایل پیشگیری از بارداری، در چند سال اخیر بیماری‌های مقاربتی از جمله زگیل تناسلی، بطور چشمگیری افزایش یافته و متخصصان بسیاری در این مورد هشدار داده‌اند از جمله مسعود مردانی رئیس انجمن متخصصین میکروبیولوژی بالینی و بیماری‌های عفونی در اسفندماه ۱۴۰۰ این موضوع را تایید کرد.

این پزشک متخصص سیاست‌های حکومت مبنی بر افزایش جمعیت را «یک مشکل» خوانده بود که در نتیجه‌ی آن «سوزاک، سیفلیس و زگیل تناسلی رو به افزایش است.» این بیماری حتی «اکنون مشکل مهمی است که بسیاری از خانواده‌ها با آن مواجه هستند.» این موضوع را دکتر نگرس بیگانه متخصص اورولوژی در امرداد ۱۴۰۰ مطرح کرده و به وسایت «رکنا» گفته بود: «وقتی ما با این مشکل در افراد مختلف مواجه می‌شویم، نمی‌توانیم به صورت مستقیم به خانواده‌ها اعلام کنیم، زیرا این مسئله روابط خانوادگی را خدشه‌دار می‌کند و ما معمولاً ابتلای افراد به زگیل تناسلی را به صورت انفرادی به آنها می‌گوییم.»

وی با بیان اینکه زگیل تناسلی از مرد به زن انتقال پیدا می‌کند، توضیح داده بود: «اگر شوهر به زگیل تناسلی مبتلا باشد، ما نگران این مسئله هستیم که این مرد، بیماری خود را به همسرش انتقال دهد و اگر هم یک زن به زگیل تناسلی مبتلا باشد، ما نیاز پیدا می‌کنیم که از سوابق روابط جنسی قبلی آن خانم سوال کنیم و بعد هم به او اطلاعات لازم را می‌دهیم و او را برای انجام آزمایش‌های لازم می‌فرستیم.» در همین ارتباط یک پزشک ساکن تهران درباره تعداد بیمارانی که به او مراجعه می‌کنند به کیهان لندن می‌گوید: «اغراق نیست اگر بگویم روزانه حداقل ۹ تا ۱۰ بیمار مبتلا به ویروس اچ‌پی‌وی به مطب من مراجعه می‌کنند که عمدتاً از میان مردان هستند. در سال‌های پیش شاید در طول هفته ۱۰ بیمار مراجعه می‌کردند اما اکنون این تعداد

● به دلیل پنهانکاری حکومت در ارائه آمار دقیق مبتلایان به ویروس اچ‌پی‌وی در کشور آمار درستی وجود ندارد اما تقریباً یک دهه پیش، مصطفی اقلیما رئیس وقت انجمن مددکاری اجتماعی ایران آمار غیررسمی مبتلایان به این ویروس را دست‌کم یک میلیون نفر اعلام کرده بود. وی آن زمان هشدار داده بود که این ویروس در آستانه تبدیل شدن به یک «اپیدمی» در کشور است.

● یک پزشک ساکن تهران: «اغراق نیست اگر بگویم روزانه حداقل ۹ تا ۱۰ بیمار مبتلا به ویروس اچ‌پی‌وی به مطب من مراجعه می‌کنند که عمدتاً از میان مردان هستند. در سال‌های پیش شاید در طول هفته ۱۰ بیمار مراجعه می‌کردند اما اکنون این تعداد را به صورت روزانه ویزیت می‌کنم.»

● یک مربی تربیت بدنی: «در حال حاضر در به در دنبال واکسن برای بچه‌های نوجوان خانواده هستیم که قیمت‌اش سر به فلک می‌زند و نایاب است، اینهمه در حالیست که هیچ آموزشی برای پیشگیری از شیوع این ویروس نیست.» ● یک پزشک متخصص: نتیجه‌ی سیاست‌های حکومت مبنی بر افزایش جمعیت، افزایش «سوزاک، سیفلیس و زگیل تناسلی» است!

فیروزه نوردستروم- چندی پیش دکتر مهدیار سعیدیان پزشک فعال مستقل صنفی و سردبیر ماهنامه «دانستنی‌های پزشکی» در صفحه ایکس خود نوشت: «تقریباً روزی نیست که بیمار «زگیل تناسلی» نداشته باشم. از مردهای مجرد تا زنان سکس ورور و حتی زوجها. واکسن «گارداسیل» خارجی نایاب و هر دوزش تا هشت میلیون تومان رسیده است. «پاپیلوگارد» داخلی هم کمیاب و تاییده‌ی جهانی‌اش مبهم است. انگار در کوتاه مدت بایستی منتظر موج سرطان گردن رحم و آلت و مقعد باشیم.»

اچ‌پی‌وی یا «ویروس پاپیلوم انسانی» گروهی از ویروس‌ها است که پوست و مخاط مرطوب مانند مقعد، دهانه رحم، دهان و گلو را تحت تاثیر قرار می‌دهد. نزدیک به ۱۰۰ نوع از این ویروس وجود دارد که حدود ۴۰ نوع آن می‌تواند ناحیه تناسلی را مبتلا کند. این ویروس قدرت سرایت بالایی دارد و عفونت ناحیه تناسلی با انواع خاص مانند نوع ۱۶ و ۱۸ آن می‌تواند باعث سرطان سرریکس یا زگیل تناسلی شود؛ هرچند متخصصان استفاده از کاندوم در تماس جنسی را سبب کاهش انتقال اچ‌پی‌وی می‌دانند اما معتقدند که اثر پیشگیری‌کننده کامل ندارد زیرا این ویروس، در تمام مناطق اطراف ناحیه تناسلی و مقعد وجود دارد و کاندوم، تمام این نواحی را پوشش نمی‌دهد.

به دلیل پنهانکاری حکومت در ارائه آمار دقیق مبتلایان به ویروس اچ‌پی‌وی در کشور آمار درستی وجود ندارد اما تقریباً یک دهه پیش، مصطفی اقلیما رئیس وقت انجمن مددکاری اجتماعی ایران آمار غیررسمی مبتلایان به این ویروس را دست‌کم یک میلیون نفر اعلام کرده بود. وی آن زمان هشدار داده بود که این ویروس در آستانه تبدیل شدن به یک «اپیدمی» در کشور است. او حتی سرعت گسترش و خطرناک بودن آن‌را فراتر از ویروس ایدز اعلام کرده بود.

در بهمن ماه ۱۳۹۸ معاون وقت وزارت بهداشت نرخ ابتلا به اچ‌پی‌وی در شهروندان ایرانی را حدود ۵ تا ۹ درصد اعلام کرد اما در سال جاری مقامات وزارت بهداشت این رقم



ویدئو

احمد رأفت با آرش سبحانی گفتگویی انجام داده است.

«کابوس آباد»، آلبوم جدید گروه کیوسک در گفتگو با آرش سبحانی

گروه کیوسک یازدهمین آلبوم خود را با نام «کابوس آباد» منتشر ساخت. آلبوم‌های گروه کیوسک، چه آنهایی که در ایران انتشار یافتند و چه آنهایی که پس از خروج آرش سبحانی، بنیانگذار این گروه راک، در خارج کشور عرضه شده‌اند همگی دارای مضامین سیاسی و اجتماعی هستند.

ترانه‌های آلبوم «کابوس آباد» را آرش سبحانی پس از آغاز خیزش «زن، زندگی، آزادی» سروده و به نوعی در رابطه با این حرکت مردمی و پیامدهای آن هستند و وی همزمان از یأس و امید می‌خواند.



ویدئو

و سینما مانند سوسن فرخ‌نیا و سوسن تسلیمی بهره برده است. رضا شادمان علاوه بر بازیگری، فیلم کوتاهی به نام «ده هفته» ساخته که مورد توجه تماشاگران و چند جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کوتاه از جمله در کانادا قرار گرفته است. در «آشنایی با هنرمندان جوان» رضا شادمان از خود و فعالیت‌هایش می‌گوید.

منتقل می‌شود و از طریق شوهر به زن. در کشورهای پیشرفته، دختران در سن دبیرستان واکسینه می‌شوند ولی متأسفانه در ایران این واکسن زده نمی‌شود. زنی که حامل این ویروس است، نباید زایمان طبیعی داشته باشد، چون به نوزاد منتقل می‌شود. این ویروس، درمان کامل نداشته و حیاتش مخفی است. پارسال برای آموزش به یک دبیرستان رفته بودیم. آنجا متوجه شدیم که چقدر تخیال تناسلی شیوع دارد. چون دخترهای آن دبیرستان می‌آمدند و راجع به آن از ما سوال می‌کردند. دختران جوان در ایران نمی‌دانند سکس مقعدی خطر ابتلا به ایدز را بیشتر می‌کند. چون آگاهی ندارند و می‌خواهند بکارت‌شان را حفظ کنند. آنها سکس آنال یا مقعدی را می‌پذیرند و این به مراتب خطرناکتر بوده و در آن احتمال مبتلا شدن به ایدز بیشتر است.»

آشنایی با هنرمندان جوان؛ رضا شادمان بازیگر تئاتر و سینما و فیلمساز

لندن یکی از مراکز فعال هنری و فرهنگی ایرانیان خارج کشور است. به ویژه در زمینه تئاتر می‌شود گفت که لندن جایگاهی ویژه یافته است. گاه اتفاق می‌افتد که در یک ماه چندین نمایش ایرانی در این شهر به روی صحنه می‌روند. البته شهر منچستر هم در زمینه اجرای تئاتر ایرانی چندان از لندن کم ندارد.

در چنین فضایی است که شرایط نسبتاً مناسبی برای شکوفایی استعداد‌های مختلف و علاقمندان به تئاتر و سینما فراهم شده و شمار زیادی از دوستداران هنر نمایش با ورود به این عرصه قابلیت‌های خود را می‌آزمایند.

رضا شادمان یکی از همین علاقمندان است. وی اگرچه در آغاز جوانی وارد دنیای هنر نشده ولی در مدتی کوتاه توانست با تلاش و پیگیری در این عرصه بدرخشد. شادمان از سال ۲۰۱۸ تا کنون در چندین نمایش و فیلم کوتاه ایفای نقش کرده و از آموزش و تجارب هنرمندان سرشناس تئاتر

و ویروس به بدن جلوگیری می‌کند؛ این واکسن هم سه دوز دارد.» اینهمه در حالیتی که وضعیت رسیدگی به دیگر بیماری‌های مقاربتی در کشور نیز چندان مطلوب نیست. پیشتر در آذرماه ۱۳۹۸ یک پزشک شاغل در تهران در مورد شیوع انواع بیماری‌های مقاربتی در بخشی از گفتگوی خود به کیهان لندن گفته بود: «تبخال تناسلی یک نوع ویروس است که به علت رفتارهای پرخطر و تعدد شرکای جنسی به وجود می‌آید و الان همراه با زگیل تناسلی پدید می‌کند. از ایدز بدتر شده. در تمام مقاطع سنی وجود دارد به‌خصوص در بین دختران دبیرستانی.»

وی توضیح داده بود: «تبخال تناسلی ویروسی است که در نواحی اندام تناسلی دیده می‌شود. اغلب از طریق سکس‌ورکها [کارگران جنسی یا همان روسپیان] به مردها

در این ارتباط ارائه می‌کند: «زنان حتما دست‌کم سالی یکبار تست پاپ اسمیر یا همان غربالگری دهانه‌ی رحم را انجام دهند؛ از برقراری رابطه‌ی جنسی جز با شریک جنسی مطمئن خودداری کنند؛ مردان در صورت مشاهده زگیل یا ضایعاتی بر روی آلت خود از برقراری رابطه جنسی پرهیز کرده و در اسرع وقت به پزشک مراجعه کنند و به هیچ عنوان زگیل و ضایعات پوستی بدن خود را دستکاری نکنند چون این کار بیشتر باعث پخش شدن ویروس می‌شود.»

در ادامه این گفتگوها، یک مربی تربیت بدنی به ما می‌پیوندد و می‌گوید: «در حال حاضر در به در دنبال واکسن برای بچه‌های نوجوان خانواده هستیم که قیمت‌اش سر به فلک می‌زند و نایاب است؛ در حالی که هیچ آموزشی هم برای پیشگیری از شیوع این ویروس نیست. واکسن اگر در بازار سیاه گیر بیاید فکر می‌کنم قیمت‌اش حدود ۴ میلیون تومان است آنهم در حالی که این واکسن هر ۱۲ سویه ویروس را در برمی‌گیرد.»

یک کارمند جوان هم با اشاره به اینکه چند سال پیش به خاطر رابطه‌های پیش از ازدواج، تجربه بیماری شبیه به زگیل تناسلی داشته است می‌گوید: «آن زمان به یک پزشک زنان مراجعه کردم؛ به من گفت ممکن است مبتلا به زگیل تناسلی باشی؛ بعد برایم هیدروژن‌تراپی کرد که خیلی دردناک بود. چندین جلسه باید می‌رفتم و هیدروژن‌تراپی انجام می‌دادم. همان موقع به من گفت ما نمی‌توانیم تشخیص بدهیم که مشکل تو زگیل تناسلی است چون برخی مواقع، التهابات شدید پوستی یکسری زائده شبیه زگیل تناسلی ایجاد می‌کند؛ بنابراین برو و واکسن زگیل تناسلی بزن. آن زمان این واکسن را از «هلال احمر» تهیه کردم با این که سنم بالای ۳۰ سال بود عملاً ناکارآمد بود ولی تزریق کردم. همان زمان دکترم از من خواست آزمایش خون بدهم تا بررسی کند که آیا در خون من ویروس اچ‌پی‌وی هست یا نه. آزمایش خون دادم و جوابش منفی بود. بنابراین آن پروسه درمانی که طی کرده بودم عملاً ناکارآمد بود. چون می‌توانست از ابتدا تزریق واکسن اچ‌پی‌وی را تجویز کند. بعد دکترم گفت بهتر است این زائده‌های اطراف آلت تناسلی را از بین ببریم و من وارد پروسه درمان اچ‌پی‌وی شدم در حالی که اصلاً لازم نبود و درواقع من عفونت داشتم؛ عفونت‌ها باعث ملتهب شدن یکسری از بافت‌های اندام جنسی من و ایجاد دانه‌هایی شبه زگیل شده بود.»

یک مهندس معمار ۴۳ ساله نیز به این گفتگو می‌پیوندد: «خیلی‌ها تخصصی در این زمینه ندارند ولی در تلگرام و اینستاگرام کانال‌هایی برای مشاوره اشتباه و سرکیسه کردن بیمارار درست کرده‌اند. پدر و مادر من با اینکه هر دو پزشک و نسبت به دانش ما در مورد بیماری‌های مختلف بسیار حساس هستند ولی تا آن زمان به ذهن‌شان نرسیده بود که باید در مورد واکسن اچ‌پی‌وی با من صحبت کنند؛ اساساً می‌توانستیم از ۱۵ تا ۳۰ سالگی این واکسن را بزنیم؛ حتا قبل از داشتن رابطه‌های جنسی؛ ولی این آگاهی متأسفانه حتا از طرف پدر و مادرم هم به من نرسید اما الان خودم برای بچه‌های خواهر و برادر همسر اطلاع‌رسانی کرده‌ام و آنها واکسن اچ‌پی‌وی را تزریق کرده‌اند. این اطلاع‌رسانی در زمان ما وجود نداشت؛ الان هم خیلی‌ها دسترسی ندارند؛ حتی اسم این ویروس و واکسن‌اش را هم نشنیده‌اند!»

در این گفتگوها، یک ماما در مورد قیمت واکسن ویروس اچ‌پی‌وی در ایران چنین توضیح می‌دهد: «الان قیمت واکسن اچ‌پی‌وی بالا رفته، سه دوز واکسن، هر کدام حدوداً ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان است که این نوع، چهار ویروس را دربرمی‌گیرد؛ نوع دیگر ۱۲ میلیون تومان است و از ورود ۹

مینا کاوانی هنرمند تئاتر و سینما:

مهم نیست چه اتفاقی افتاده، باید از کابوس‌های خود دوباره رویا بسازیم



عکس از Thomas Lavelle

مینا کاوانی درباره نوشتن این نمایش می‌گوید: «از سال ۲۰۱۹-۲۰۱۸ دست به کار نوشتن این نمایش شدم. حتی می‌توانم بگویم تولد این نمایش به زمانی برمی‌گردد که مشغول تحصیل در کنسرواتور بازیگری تئاتر ملی پاریس بودم. از آن تاریخ شروع به نوشتن مونولوگ کرده بودم و می‌دانستم روزی چنین کاری را به روی صحنه خواهم برد.»

● این نمایش روایتی است از آنچه در ایران پشت سر گذاشته‌اید و آنچه در فرانسه تا امروز تجربه کرده‌اید اما نام آن را نمی‌توان تبعید به معنایی که می‌شناسیم گذاشت؛ چطور از این مفهوم عبور کردید؟

– این نمایش با وجود اینکه در مورد تجربه شخصی من و تبعید صحبت می‌کند اما مقیاس‌اش برای من و برای یک جغرافیاست. زمان نوشتن متن می‌دانستم که می‌خواهم از ویرای کلمات، نور، صدا و موسیقی در مورد روایاها و کابوس‌های انسان حرف بزنم. در مورد تجربه شخص خودم؛ وقتی به ایران فکر می‌کنم می‌بینم که اکثر نسل من از کودکی و با نوجوانی تمام فکرم این است که از ایران برویم، که زندگی جای دیگر است. با روایاها بزرگ به آنجای دیگر می‌رسیم و بعد در آنجا، به جایی که از آن آمده‌ایم فکر می‌کنیم و تبدیل شدیم به یکسری آدم‌های شیروفرن که بیشتر در روایا و آنچه پرورده ذهن‌مان است زندگی می‌کنیم تا در واقعیت؛ احساس می‌کنیم قدرت بودن در مکانی را که هستیم از دست داده‌ایم.

فکر می‌کنم هر هنرمندی آزاد است در مورد چیزی که ذهن‌اش را مشغول کرده کاری خلق کند. درواقع ←

شناخته شده بسیاری همکاری کرده است. نمایش «من آشفته‌ام» به نویسندگی و کارگردانی و بازی مینا کاوانی از ۱۲ تا ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳ در پاریس به روی صحنه رفت. موسیقی این کار توسط سیاوش امینی هنرمند ساکن ایران تهیه و تنظیم شده است. این نمایش توسط Résidences d'artistes - Montévidéo که در فرانسه بسیار معتبر است پذیرفته و توسط تئاتر ملی فرانسه پشتیبانی شده است.

«من آشفته‌ام» تجربه شخصی نویسنده به دور از کلیشه‌های متداول از وضعیت تبعید است. شخصیت این نمایش در تک‌گویی‌های خود، روایاها و فانتزی‌های پرورده‌ی ذهن را در مواجهه با واقعیت به چالش می‌کشد. این نمایش سفر درونی انسانی است که محکوم به تبعید است. رویارویی خود با خود، خارج از زمان و مکان. روایتی متفاوت از رنج و قدرتی که از پس آن برمی‌آید. مهم نیست چه اتفاقی افتاده، باید از کابوس‌های خود دوباره رویا بسازیم. مینا کاوانی در نوشتن این متن و بازی در آن بسیار توانا عمل کرده است. نمایشی تک‌نفره که به مدت یک ساعت شما را در جایگاه تماشاچی می‌خکوب می‌کند تا داستانی را بشنوید که در گوشه‌ای از آن بخشی از خود را پیدا می‌کنید. «من آشفته‌ام» توجه منتقدان بسیاری را در فرانسه جلب کرده و نقدهای بسیاری در نشریات معتبر از آن به چاپ رسیده است. آنا دیاکتین Anne Diaktin یکی از روزنامه‌نگاران شناخته شده در حوزه تئاتر در مقاله خود در روزنامه لیراسون با تمجید از این نمایش بازی مینا کاوانی را به سحر و جادو تشبیه کرده است.

● نمایش «من آشفته‌ام» به نویسندگی و کارگردانی و بازی مینا کاوانی از ۱۲ تا ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳ در پاریس به روی صحنه رفت.

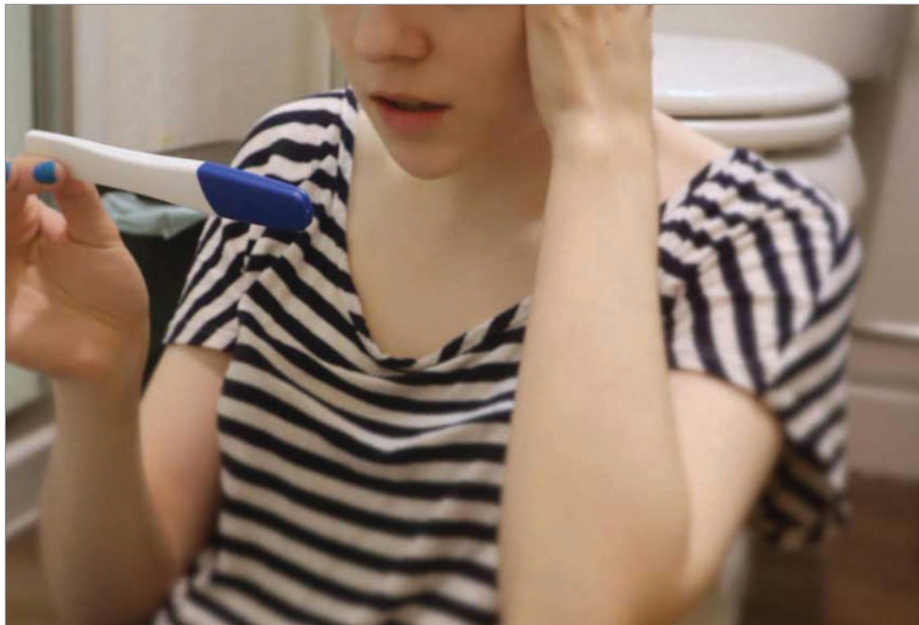
● وی درباره نوشتن این نمایش می‌گوید: «از سال ۲۰۱۹-۲۰۱۸ دست به کار نوشتن این نمایش شدم. حتی می‌توانم بگویم تولد این نمایش به زمانی برمی‌گردد که مشغول تحصیل در کنسرواتور بازیگری تئاتر ملی پاریس بودم. از آن تاریخ شروع به نوشتن مونولوگ کرده بودم و می‌دانستم روزی چنین کاری را به روی صحنه خواهم برد.»

● «آنتونی دلون (پسر آلن دلون) پس از دیدن این نمایش برای من یک نامه جالب نوشت و گفت که من خودم را در این نمایش دیدم. او کسی است که نه ایرانی است نه تبعید شده و نه با چیزهایی که ما با آن دست و پنجه نرم کردیم زندگی کرده است.»

کتابون حلاجان - مینا کاوانی از نوجوانی با نقش‌آفرینی در کارهای متعدد در عرصه تئاتر و سینما در ایران درخشید. ماندن بر صحنه نمایش و و آفرینش انتخابی بود که او از سال‌های پیش از ترک ایران در پیش گرفته بود. تنگناها و سختی‌های کار بازیگری در ایران به ویژه برای زنان او را بیشتر مشتاق تئاتر کرده بود تا سینما زیرا به گفته خودش در تئاتر می‌شد کمی آزادتر بود. سرانجام اما عرصه‌ی تنگ هنر در ایران امروز، جوانی و شوق آموختن او را به کشور فرانسه رساند و تحصیلات خود را در کنسرواتور بازیگری تئاتر ملی پاریس به پایان رساند.

مینا کاوانی در فرانسه نیز در حوزه تئاتر و بخصوص سینما فعالیت‌های بسیار موفقی داشته و با کارگردانان

زنان و مصائب راه‌های دور زدن «قانون سقط جنین» بدن‌های در اختیار حکومت!



کار می‌کرد. یک روز کار کوتاه تمام شد و یک زن جوان با چادر و حجاب سفت و سخت از اتاق کوتاه بیرون آمد و در اتاق نشست. چند دقیقه بعد مردی جوان با ریش و ظاهر پاسدارها وارد مطب شد و دستمزد ماما را پرداخت کرد؛ من به او گفتم دست‌خامت را بگیر و مراقبش باش. گفت خانم من نیست حاج‌آقا گفته بیمارم کوتاه کنه. بعداً خانم ماما به من گفت سر کلاس قرآن حاج‌آقا امام جماعت مسجد به این دختر تجاوز کرده بود و آن مرد هم محافظ شخصی او بود که آن دختر را برای سقط جنین به مطب آورده بود. سال‌ها بعد همان خانم ماما را به خاطر انجام سقط جنین‌های متعدد بازداشت کردند.»

وی معتقد است: «از زمانی که خامنه‌ای دستور افزایش جمعیت را صادر کرد، ناگهان کاندوم را در بازار جمع کردند یا اگر یافت می‌شد اغلب دارای سوراخ‌های ریزی بودند که اسپرم از آنها خارج می‌شد، قرص‌های جلوگیری از بارداری کمیاب شد، برخی شرکت‌ها ماده داخلی آن را کمتر می‌کردند و درصد جلوگیری از بارداری برای این قرص‌ها کمتر می‌شد.» یک پرستار شاغل در تهران می‌گوید: «تا زمان جنگ افرادی مثل قرائتی در تلویزیون برای تولید مثل «امت مسلمان» مردم را به فرزندآوری تشویق می‌کردند ولی پس از جنگ، همین فرد ادعا کرد پدر و مادرها باید بیشتر روی تربیت فرزندان تمرکز کنند، آن زمان تا دلتان بخواهد کاندوم به وفور یافت می‌شد، وازکتومی یا بستن لوله مردان تقریباً مجانی انجام می‌شد و من دقیقاً یادم هست در حدود سال ۸۰ به گیلانغرب رفته بودم در یک درمانگاه روزانه ۲۰ تا ۳۰ دختر و زن حتی دختران مجرد گُرد را می‌آوردند و لوله‌های رحم آنها را می‌بستند. البته سازمان بهداشت جهانی آن زمان برای انجام این کار به دولت ایران مبلغی به عنوان کمک پرداخت می‌کرد ولی این عمل از نظر من که شاهد این اقدامات حکومتی بودم بیشتر به نسل‌کشی شبیه بود!» وی با بیان اینکه دبه سقط جنین در سال‌های گذشته تا هفته دوازدهم مبلغ چندانی نبود اضافه می‌کند: «تا

● یک مادر: «هرکسی که به آزمایشگاه خون می‌رود باید کارت ملی ارائه کند اسم فرد در فهرست مداران باردار ثبت می‌شود و اگر ناچار به انجام سقط جنین شد باید دلایل موجه ارائه کند. فکر می‌کنم این یک ترکیب زیست سیاسی است یعنی بدن‌های در اختیار حکومت!»

● یک پزشک ساکن شمال کشور: «در مورد بیشتر زنانی که به صورت خوددرومانی این قرص‌ها را مصرف می‌کنند در بسیاری اوقات، سقط جنین انجام نمی‌شود. ما با میزان بالایی از نوزادان ناقص یا نوزادان دارای اختلال در سیستم ایمنی و آنامولی‌های مختلف روبرو هستیم.»

● یک حقوقدان و استاد دانشگاه: «در کل این قانون نسبت به افرادی که در این حوزه تخصص دارند سختگیری بیشتری کرده تا افراد عادی و والدین و تلاش کنند بار مسئولیت ممنوعیت سقط بر دوش متخصصین بیافتد.»

● فیروزه نوردستروم- بر اساس قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» سقط جنین ممنوع و «مستوجب مجازات دبه، حبس و ابطال پروانه پزشکی است مگر اینکه ادامه بارداری مادر، به مرگ جنین یا مادر منجر شود. در بخش دیگری از این قانون فروش و توزیع لوازم پیشگیری از بارداری نیز ممنوع شده است.

اصرار حکومت بر فرزندآوری با به راه انداختن خط تولید اجباری فرزند، از راه‌اندازی مراکز شناسایی زنان باردار که یادآور داستان‌های تخیلی است و همچنین جلوگیری از سقط جنین و اجرای طرح نفس (نجات فرزندان سقط) تا وعده اهدای زمین و وام و یارانه تا چه اندازه مردم را به فرزندآوری تشویق کرده است؟

کیهان لندن در گفتگو با یک پزشک متخصص زنان، یک حقوقدان و چند شهروند به بررسی موانع و مشکلات سقط جنین پرداخته است.

یک پزشک بازنشسته زنان و نازایی با اشاره به اینکه کوتاه‌ترین در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ با مبلغ ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان انجام می‌شد می‌گوید: «آن سال‌ها یک ماما با من

من نیز روی نقطه‌ای دست گذاشتم که برای شخص خودم سوال‌برانگیز بود. این کار نگاه شخصی و تجربه من از اتفاقاتی است که به من آسیب زده و بر من تاثیر گذاشته. بطور مثال گروه موسیقی «سگ‌های زرد» که به نیویورک رفتند و پس از مدتی یکی از آنها کنترل خودش را از دست داد و چند نفر از دوستانش را کشت و بعد خودکشی کرد اتفاقی بود که به شدت بر من تاثیر گذاشت. یا دوستانی که پراکنده در نیویورک، برلین و شهرهای دیگر زندگی می‌کنند. همه شبیه ارواح پراکنده‌ای هستیم... تاکید می‌کنم که این مسئله بین تمام کسانی که از ایران آمده‌اند رایج نیست؛ بخشی بود که خودم دوست داشتم به آن بپردازم. من در کارهایم سعی می‌کنم بیشتر روی دوگانگی آدم‌ها و تنش و جدالی که هر انسانی می‌تواند با خود داشته باشد دست بگذارم و راوی آنچه متعلق به بشر است باشم تا آنچه که معطوف به یک جغرافیاست. به همین خاطر مخاطبان غیرایرانی هم با این نمایش ارتباط برقرار کردند. به عنوان مثال آنتونی دلون (پسر آلن دلون) پس از دیدن این نمایش برای من یک نامه جالب نوشت و گفت که من خودم را در این نمایش دیدم. او کسی است که نه ایرانی است نه تبعید شده و نه با چیزهایی که ما با آن دست و پنجه نرم کردیم زندگی کرده است.

● گویا انسان این نمایش جایی بالاتر از کابوس و رویا ایستاده. نه شباهیل یک قربانی را با خود حمل می‌کند و نه خواستار توجه و ترحم است و نه شکوه و شکایت می‌کند بلکه برعکس بر رنج خود هوشیار است و آن را به قدرت تبدیل کرده. آیا این همان نکته‌ایست که شما را بر صحنه نمایش نگاه داشته؟

- تصور این است که تمام ما که تبعید از زندگی کرده و می‌کنیم یک لایه‌ای به ذهن‌مان اضافه شده؛ لایه‌ای پر از خاطره، بو، تصویر... گاهی پر از توهم و تصویرهای غلط و گاه واقعی. ما یک نوع رابطه با جهان نداریم و در اینجاست که همانقدر که اصرار می‌کنم که مرز و ملیت تعیین‌کننده نیست به همان اندازه این را هم می‌گویم که تبعید برای من خیلی مسئله است. تبعید مانند مادر شدن است؛ تا آن را تجربه نکنی نمی‌توانی آن را درک کنی. چیزی ورای درد، رنج و اندوه است. تبعید جزئی از وجودت و جزئی از نگاهت به جهان می‌شود. اگر از من بپرسید یک نقاشی برای این نمایش انتخاب کن من جیج «ادوارد مونک» را انتخاب می‌کنم. در تابلوی او قطعاً جنگ، فقر، تبعید و تمام اتفاقات ناشی از جنگ جهانی وجود دارد اما مونک آن را برای ما در یک فریاد به تصویر در آورده است. این کاری بود که من خیلی دلم می‌خواست در تئاتر انجام بدهم و فریاد درونی‌ام را به روی صحنه بیاورم بدون اینکه وارد جزئیات بشوم. یکی از سختی‌های من در این نمایش این بود که می‌خواستم نوع بیان و ادبیاتی که از آن استفاده می‌کنم شبیه بیوگرافی نباشد. می‌خواستم مانند شعرها و نوشته‌های آنتونن آرتو، سیلویا پلات و یا ویرجینیا وولف باشد. این نویسندگان بجای اینکه آنچه را در اطرافشان می‌گذرد تعریف کنند، آنچه را در درونشان اتفاق افتاده نوشته‌اند.

صحنه آخر نمایش من با امید و نور تمام می‌شود. چون فکر می‌کنم تجربه تبعید قدرتی به من داده که امروز با آن به روی صحنه هستم. در این نمایش جایی می‌گویم: همیشه آن چیزی که در رویا تصور می‌کنیم قوی تر از چیزی است که در آن زندگی می‌کنیم. اما به دنبال رویاها رفتن نشان زنده بودن است. حتی اگر رویاهامان ما را به سمت کابوس ببرد، باز ما زنده‌ایم و نوعی شجاعت در این زنده بودن وجود دارد.

فاجعه آموزش پایه در سیستان و بلوچستان؛ از هر ۱۰۰ دانش آموز کمتر از ۴۰ نفر دیپلم می گیرند

● نماینده چابهار در مجلس شورای اسلامی می گوید به دلیل مشکلات مختلف دانش آموزان برای تحصیل در این استان، از هر ۱۰۰ نفر دانش آموز کمتر از حدود ۴۰ نفر موفق به کسب دیپلم می شوند.

● چهارم آذرماه یک مینی بوس حامل دانش آموزان بلوچ در شهرستان قصرقند واژگون شد و آتش گرفت و تعدادی از دانش آموزان زخمی شدند.

● بخشی از آنچه به عنوان کلاس درس دانش آموزان شناخته می شود نیز کانکس یا کبرهای حصیری و اتاق های ساخته شده با سنگ و کلوخ هستند!

نماینده چابهار در مجلس شورای اسلامی با ارائه آمار تکانه های گفته که حدود ۱۰ درصد از بازماندگان از تحصیل در کشور در استان سیستان و بلوچستان هستند و از هر ۱۰۰ نفر دانش آموز در این استان کمتر از ۴۰ نفر موفق به کسب دیپلم می شوند.

معین الدین سعیدی نماینده چابهار در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرگزاری «ایپنا» با ارائه آمار از میزان ترک تحصیل در استان سیستان و بلوچستان گفته که «حدود ۱۰ درصد از بازماندگان از تحصیل در کشور در استان سیستان و بلوچستان هستند و بیشتر هم دختران را در برمی گیرد. در واقع از هر ۱۰۰ نفر دانش آموز سیستان و بلوچستان، کمتر از حدود ۴۰ نفر موفق به کسب دیپلم می شوند و عمدتاً ریزش تحصیلی رخ می دهد.»

این نماینده مجلس با اشاره به نبود عدالت آموزشی و روزهای سختی که دانش آموزان این استان در حوزه آموزش سپری می کنند گفته «متأسفانه در زمینه سرویس مدارس مشکلات زیادی در استان داریم و اعتبارات برای این طرح روستا مرکزی بعضاً تأمین نمی شود، البته نهادهایی مانند بنیاد مستضعفان در برخی موارد کمک کرده اند، اما به شدت مشکل داریم.»

معین الدین سعیدی گفته «طرح روستا مرکزی ۳۰ درصد منابع خود را سپرده به دست آموزش و پرورش تعریف می کند. خانواده ها نیز باید در چنین شرایطی پای کار بیایند، ولی از آنجایی که در استان سیستان و بلوچستان عمده خانواده ها از عهده حداقل های معیشتی خود نیز بر نمی آیند، ما انتظار داشتیم رئیس جمهور یا معاون اول دستور بفرمایند تمام اعتبارات طرح روستا مرکزی از سوی آموزش و پرورش داده شود که متأسفانه این اتفاق نیفتاده است.»

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی یکی دیگر از مشکلات آموزشی این استان کمبود آموزگار است. او گفته که «در کشور بنا بر گزارش همکاران کمیسیون

قرص را خوردم و یک قرص را در واژنم گذاشتم، حال بسیار وحشتناکی به من دست داد؛ کورتاژ در ترکیه البته برایم بسیار راحت تر بود تا استفاده از قرص. به حدی حامل بد شد که خواهرشوهرم که خودش ماما است بعدها به من گفت احتمال داشته که حتی رحم تو بترکد! تا این حد حامل رو به وخامت گذاشت و چون سقط جنین ممنوع بود، به اورژانس مراجعه نکردیم وگرنه ممکن بود برای ما دردسر درست شود. به همین خاطر از اسنپ یک پرستار گرفتیم تا به من سرم تزریق کند.»

یک خانم جوان کارمند هم به این گفتگو می پیوند و می گوید: «یک سال بعد از تجربه یک سقط جنین دوباره باردار شدم؛ برای آزمایش خون به آزمایشگاه رفتم چون می خواستم بدانم واقعاً باردار هستم یا نه برای اینکه «بی بی چک» جواب نمی داد؛ اما در آزمایشگاه از من کارت ملی



خواستند. تعجب کردم چون تا به حال سابقه نداشت که برای آزمایش خون کارت ملی بخواهند، در خانه به همسرم گفتم مطمئنم اینها یک نقشه ای دارند، وقتی کارت ملی می خواهند یعنی دارند وضعیت مادران باردار را پیگیری می کنند. یک هفته بعد خبرش رسید که هرکسی که به آزمایشگاه خون می رود باید کارت ملی ارائه کند؛ اسم فرد در فهرست مادران باردار ثبت می شود و اگر ناچار به انجام سقط جنین شد باید دلایل توجیه کننده ارائه کند. فکر می کنم این یک نوع زیست سیاسی است یعنی بدن های در اختیار حکومت!»

در ادامه از یک حقوقدان و استاد دانشگاه در مورد پیامدهای قانونی سقط جنین برای پزشک یا ماما پرسیدم. او گفت: «اگر ماما، پرستار یا یک فرد متخصص در امر سقط جنین به والدین کمک کند علاوه بر دیه، بین دو تا پنج سال حبس تعزیری مجازات متحمل می شود. اگر این کار با معاونت یک فرد غیرمتخصص باشد مثلاً فرد همسایه دارو بدهد یا دوستی کمک کند که سقط جنین رخ دهد علاوه بر دیه، شش ماه تا یکسال حبس و اگر مادر سقط جنین کند فقط به پرداخت دیه محکوم می شود و اگر پدر سقط جنین کند (به نحوی مادر را به سقط جنین مجبور کند) محکوم به پرداخت دیه می شود. بنابراین در کل قانون نسبت به افرادی که در این حوزه تخصص دارند سختگیری بیشتری دارد تا افراد عادی و والدین و تلاش کرده بار مسئولیت ممنوعیت سقط بر دوش متخصصین بیافتد.»

پیش از سخنانی خامنه ای و دستور او برای افزایش تولید مثل، بستن لوله رحم و واژکتومی مردان و همینطور کورتاژ در تمام مراکز درمانی بدون مشکل انجام می شد ولی بعد از دستور خامنه ای مجازات های سنگین برای واژکتومی و عقیم سازی زنان و همچنین سقط جنین اعمال کردند. از سوی دیگر داروهای میزوپروستول که برای سقط جنین تجویز می شوند پیش از دستور خامنه ای در بازار با قیمت ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان (۱۰ عدد) یافت می شد؛ قرص هایی که سه عدد از آنها را در ناحیه واژن و یک عدد هر یک ساعت به صورت زیر زبانی استفاده می شد. قیمت این قرص ها ناگهان به یک میلیون تومان رسید. در حال حاضر هیچ پزشکی جرات کورتاژ کردن ندارد. اگر با کورتاژ برای بیمار اتفاقی بیفتد و بعد بخواهد هزینه آن را پس بگیرد یا انتقام بگیرد یا از پزشک شکایت کند مجازات سنگینی در انتظار آن پزشک خواهد بود. در حال حاضر پزشکان به وسیله دستگاه کورتاژ عمل سقط جنین را انجام نمی دهند فقط این قرص ها را تجویز می کنند. پس از مصرف این قرص ها سقط به صورت ناقص انجام می شود، بیمار دچار خونریزی می شود و پس از مراجعه به یک مرکز درمانی عمل کورتاژ انجام می شود.»

به گفته این پزشک ساکن شمال کشور، در مورد بیشتر زنانی که به صورت خوددرمانی این قرص ها را مصرف می کنند در بسیاری اوقات، سقط جنین انجام نمی شود. وی می افزاید: «ما با میزان بالایی از نوزادان ناقص یا نوزادان دارای اختلال در سیستم ایمنی و آنامولی های مختلف روبرو هستیم. مجازات داشتن این قرص ها در مطب پزشک زنان مانند مجازات سقط جنین است و اگر بیماری شاکی باشد مجازات زندان های طولانی و لغو پروانه پزشکی در انتظار پزشک است.»

با خانمی ۴۳ ساله که مربی تربیت بدنی یک دبیرستان دخترانه است وارد گفتگو می شوم؛ می گوید: «من خودم دو بار سابقه سقط داشتم؛ یکبار در ترکیه کورتاژ کردم و یکبار در تهران با قرص انجام دادم.»

این مربی توضیح می دهد: «من همیشه به دوستانم می گویم هرچه در ایران ممنوع است الزاماً غیرممکن نیست! مسئله سقط جنین هم اگرچه ممنوع اعلام شده ولی غیرممکن نیست. من خودم یک تجربه سقط داشتم در زمانی که با یک نفر رابطه داشتم و بین ایران و ترکیه در رفت و آمد بودم. دوست پسرم گردن نگرفت و من باید بلافاصله برمی گشتم به ترکیه چون درس می خواندم. در آنجا با هزار بدبختی یک نفر را برای این کار پیدا کردم. تک و تنها برای سقط وارد ساختمان و راهروی بسیار تاریکی شدم؛ پزشکی بود که با قرص حاضر نشد سقط را انجام دهد و من مجبور شدم بیهوشی خفیف بگیرم و کورتاژ کنم، هیچکس در زندگی من تا امروز از این ماجرا مطلع نیست، در آن شرایط خیلی تنها بودم و رنج کشیدم.»

او که اکنون دارای یک فرزند است درباره تجربه دوم سقط جنین خود چنین می گوید: «یک بار دیگر هم تجربه سقط جنین داشتم؛ سه سال پیش بعد از ازدواج بود که بچه نمی خواستیم و ناخواسته باردار شدم و پافشاری های همسرم باعث شد سقط را انجام دهم. البته او حق داشت؛ آن زمان از نظر اقتصادی شرایط مناسبی نداشتیم. مجبور شدم با قرص سقط کنم. به نظر من سقط در ایران برای من در دسترس تر بود تا در ترکیه. از طریق یکی از دوستان که در یک محیط درمانی کار می کند، آقایی به ما معرفی شد. به ایشان تلفن کردم و گفتم به فلان دارو احتیاج دارم و بدون اینکه او را ببینم آدرس را دادم و دارو با قیمت ناچیزی حدود ۷۰۰ هزار تومان به خانه ما فرستاده شد. یک

از برنامه‌ای برای بورسیه تحصیلی دختران از غزه خبر داده بود و گفته بود در ابتدا سه نفر از دانشجویان غزه را بورس می‌کنیم و دانشگاه‌ها به ترتیب این کار را ادامه دهند و «دختران دانشجوی غزه را استقبال می‌کنیم که بیاوند در اینجا درس بخوانند.»

بر اساس جدیدترین آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار

این مقام آموزش و پرورش گفته بود که بیشتر مدارس سنگی در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان و فارس قرار دارند.

بر اساس اعلام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی دستکم ۲۰۰ مدرسه کانکسی در استان سیستان و بلوچستان وجود داشته است. رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش

➔ آموزش ۲۳ هزار کلاس فاقد معلم داشتیم؛ همین حالا در استان سیستان و بلوچستان حدود ۱۴ هزار و ۵۰۰ معلم کم داریم و شاهد هستیم که یک معلم چندین پایه آموزشی را تدریس می‌کند.

در هفته‌های گذشته چند خبر مرتبط با کمبود امکانات سرویس رفت و آمد برای دانش‌آموزان سیستان و بلوچستان



رفت‌وآمد دانش‌آموزان به مدرسه در سیستان و بلوچستان

ایران ۵۵۶ هزار دانش‌آموز قبل از ورود به مقطع دبیرستان، به دلایلی که اصلی‌ترین آن فقر و محرومیت عنوان شده ناچار به «ترک تحصیل» شده‌اند.

این آمار نشان می‌دهد در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بیش از ۵۵۶ هزار کودک در سن ۱۵ تا ۱۷ سال از تحصیل بازماندند که ۲۹۵ هزار تن، پسر و ۲۶۱ هزار تن، دختر هستند.

گزارش مرکز آمار ایران همچنین نشان می‌دهد «نرخ ترک تحصیل» دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۵ - ۹۶، ۹۶/۰۹۹ درصد بوده اما پس از پنج سال، در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ ۱/۲ درصد رسیده و در دوره متوسطه اول نیز ۴/۱۱ درصد بوده که به مرور به ۵/۴۷ درصد رسیده که سبب صعودی را ثبت نشان می‌دهد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز مه‌ماه امسال در گزارشی تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ را ۹۱۱ هزار و تعداد دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده را ۲۷۹ هزار تن اعلام کرد.

بنا بر این گزارش اگر چه میزان ترک تحصیل در یک دهه اخیر در دوره متوسطه دوم حدود ۲۲ درصد کاهش یافته اما در عوض میزان ترک تحصیل در دوره ابتدایی حدود ۲۰ درصد و در دوره متوسطه اول حدود ۵۰ درصد بیشتر شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه میزان بازماندن از تحصیل با سطح رفاه خانواده‌ها ارتباط مستقیم دارد، اعلام کرده که بیشترین میزان بازماندگی از تحصیل و ترک تحصیل در پنج استان سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، خراسان رضوی، خراسان شمالی و گلستان بوده است. در استان سیستان و بلوچستان حدود ۱۸ درصد از دانش‌آموزان از تحصیل بازمانده‌اند.

شهریور امسال مدعی شد که ۱۰۰ مدرسه کانکسی طی سال گذشته با مدارس جدید جایگزین شدند.

حمیدرضا خان‌محمدی رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیزات مدارس کشور نیز امسال با ارائه آماري درباره وضعیت کلاس‌های درس گفته بود ۱۰۴ هزار کلاس درس در کشور نامستحکم هستند، ۳۰ هزار کلاس درس نیاز به بازسازی و ۷۰ هزار کلاس نیز نیاز به نوسازی دارند.

رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیزات مدارس کشور ضمن اعلام این موضوع گفته بود که در تهران ۸ هزار و ۸۰۰ کلاس درس نیاز به مقاوم‌سازی دارند. وی افزوده «مدارس تهران پر تراکم هستند و اگر اعتبارات با رویکردی که ما پیشنهاد دادیم در برنامه هفتم مصوب شود می‌توانیم به سرعت این مسئله را حل کنیم.» در مدرسی که پر خطر تشخیص داده شده‌اند دانش‌آموزان در شیفت‌های مخالف یکدیگر تحصیل می‌کنند.

بهمن‌ماه سال گذشته حمیدرضا خان‌محمدی معاون عمرانی وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نوسازی و تجهیز مدارس کشور اعلام کرده بود که تقریباً ۱۹ درصد از مدارس کشور نیاز به تخریب، بازسازی و مقاوم‌سازی دارند. دانش‌آموزان و به ویژه دانش‌آموزان دختر در حالی قربانی فقر و نبود فضای آموزشی و امکانات سرویس برای مدارس می‌شوند که انسیه خزعلی مشاور امور زنان و خانواده جمهوری اسلامی دغدغه‌های متفاوتی دارد.

انسیه خزعلی سه روز پیش با حضور در جمع «دختران بسیجی» با بیان اینکه یکی از دغدغه‌های ما این است که مدارس مختلط نداشته باشیم گفته که «به دلیل کمبود امکانات در برخی روستاها متأسفانه مدارس مختلط داریم!» معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده ماه گذشته

منتشر شد. چندی پیش تصاویر دانش‌آموزان مدرسه راهنمایی «حکیم‌گور» در شهرستان راسک سیستان و بلوچستان که به دلیل نبود سرویس مدارس با کمپرسی و تریلی رفت و آمد می‌کنند منتشر شد.

همچنین چهارم آذرماه یک مینی‌بوس حامل دانش‌آموزان بلوچ در شهرستان قصرقند واژگون شد و آتش گرفت و تعدادی از دانش‌آموزان زخمی شدند.

گزارش‌های دیگری نشان می‌دهد برخی دانش‌آموزان برای رسیدن به مدرسه ناچار هستند روزانه چند کیلومتر پیاده روی کنند.

از سوی دیگر فضای آموزشی بسیاری از کلاس‌های درس نیز غیر استاندارد است و البته بخشی از آنچه به عنوان کلاس درس دانش‌آموزان شناخته می‌شود نیز کانکس یا کپره‌های حصیری و اتاقک‌های ساخته شده با سنگ و کلوخ هستند! سرانه فضای آموزشی برای هر دانش‌آموز ایرانی ۵.۲ مترمربع اعلام شده است در حالیکه این عدد طبق سند تحول آموزش و پرورش باید به ۸.۳ افزایش پیدا کند. آذربایجان غربی، البرز، سیستان و بلوچستان، گیلان و لرستان بیشترین کمبود فضای آموزشی را دارند.

روزنامه «همشهری» امرداد امسال در گزارشی اعلام کرده بود که ۱۰۵ هزار مدرسه در کشور وجود دارد که از این میان، هزار مدرسه کانکسی هستند.

مجید عبداللهی، معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس، اعلام کرده که دو هزار و ۲۱۵ مدرسه سنگی در ایران شناسایی شده است که از این تعداد، دست‌کم هزار و ۵۷۶ مدرسه بالای ۱۰ دانش‌آموز دارند. به عبارت دیگر، طبق آمار این مسئول دولتی، نزدیک به ۱۶ هزار دانش‌آموز در ایران در مدارس سنگی تحصیل می‌کنند.

آلودگی هوا مدارس چند شهر را تعطیل و کارمندان را دورکار کرد دولت «مازوت‌سوزی» را تکذیب می‌کند



خودایمینی و خانم‌های باردار با نظر دستگاه مربوطه در این بازه زمانی دورکار می‌شوند.

سوده نجفی و مهدی پیرهادی از جمله اعضای شورای اسلامی شهر تهران هستند که طی روزهای گذشته علت آلودگی هوای پایتخت را مازوت‌سوزی نیروگاه‌ها به دلیل کمبود گاز عنوان کردند؛ موضوعی که مقامات دولتی در وزارت نیرو و استانداری تهران آن را تکذیب می‌کنند اما فعالان صنفی حوزه نفت و گاز آن را تأیید می‌نمایند!

وزارت نیرو با انتقاد از «آدرس غلط به افکار عمومی درباره عوامل اصلی آلودگی هوای تهران» گفته که «از ۱۴۱ نیروگاه در کل کشور فقط ۱۶ نیروگاه بخاری وجود دارد و بقیه نیروگاه‌ها گازی و سیکل ترکیبی هستند که اساساً امکان مصرف مازوت را ندارند.»

وزارت نیرو افزوده که «از بین این ۱۶ نیروگاه نیز مخزن سوخت دو نیروگاه بعثت و اصفهان سال‌ها است پلمب شده و از دسترس استفاده خارج است. نیروگاه‌های موجود در استان تهران شامل نیروگاه‌های طرشت، بعثت و ری هر سه از سوخت گاز استفاده می‌کنند و نیروگاه‌های شهدای پاکدشت و پردن نیز به دلیل ماهیت سیکل ترکیبی امکان مصرف مازوت ندارند.»

در توضیحات وزارت نیرو آمده که «آنچه تهران در حوزه آلودگی هوای در حال حاضر با آن درگیر است، کاهش ضریب تخلیه آلودگی هوای تهران به دلیل سرد شدن هوا، افزایش تعداد خودرو و عدم بازنشستگی خودروهای فرسوده و در نتیجه افزایش مصرف بنزین است.»

همچنین علیرضا فخاری استاندار تهران نیز در اظهاراتی عجیب علت آلودگی هوای تهران را «موتورسیکلت» عنوان کرده است! علیرضا فخاری با این ادعا که «تا کنون خبر موثقی مبنی بر استفاده از مازوت در نیروگاه‌ها نداشته‌ایم» گفته که «به نظر می‌رسد در اینبار کمی فضا سازی شده است، همه مراکز تولید انرژی به‌ویژه نیروگاه‌ها سوخت دوگانه دارند، اما هنوز به شرایط حاد برای استفاده نکردن

در تمام مقاطع تحصیلی در شیفت‌های صبح و بعد از ظهر امروز سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲ غیرحضور اعلام شدند.

داوود میرشکار رئیس سازمان حفاظت محیط زیست اهواز نیز صبح امروز سه‌شنبه اعلام کرد که با توجه به تداوم آلودگی هوا در شهرستان‌های خرمشهر و ماهشهر، مدارس نوبت عصر به صورت غیرحضور برگزار خواهند شد.

او همچنین گفته فعالیت پیش دبستانی و مدارس ابتدایی در شهرستان‌های اهواز، باوی و کارون امروز در ۲ نوبت صبح و عصر به صورت غیرحضور است.

شاخص آلودگی هوای کلانشهر اصفهان شامگاه دوشنبه با میانگین ۲۱۷ در وضعیت بنفش و بسیار ناسالم قرار گرفت. کمیته اضطرار آلودگی هوای اصفهان شامگاه دوشنبه اعلام کرد که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تمامی مقاطع تحصیلی در نواحی شش‌گانه شهر اصفهان و مناطق آموزش و پرورش فلاورجان، پیربکران، نجف‌آباد، «خمینی‌شهر»، شاهین‌شهر، برخوار، مبارکه، زرین‌شهر و فولادشهر روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، چهاردهم و پانزدهم آذرماه، به صورت غیرحضور خواهد بود.

همچنین در شهرهای کاشان و آران و بیدگل در استان اصفهان نیز تمامی مقاطع تحصیلی آموزش و پرورش در این دو روز غیرحضور است. بر اساس مصوبه این کارگروه، مهدی‌های کودک و مراکز پیش‌دبستانی در این مناطق همچنان تعطیل است.

در ۲۴ ساعت گذشته، شاخص کیفیت هوای تهران بر روی عدد ۱۵۵ (آلوده برای همه افراد) قرار داشت. کیفیت هوای تهران امروز سه‌شنبه، چهارم آذرماه، با قرار گرفتن شاخص روی عدد ۱۴۷ در شرایط ناسالم برای گروه‌های حساس است. میرمحمد غراوی معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار تهران از غیرحضور شدن آموزش در مدارس همه مقاطع تحصیلی مدارس این استان خبر داده و گفته «یک سوم کارکنان دستگاه‌های دولتی با اولویت کارمندان دارای بیماری‌های قلبی و عروقی، بیماری‌های زمینه‌ای، تنفسی و

استاندار تهران در اظهاراتی عجیب علت آلودگی هوای تهران را «موتورسیکلت» عنوان کرده است!

● علت آلودگی هوای پایتخت «مازوت‌سوزی» نیروگاه‌ها به دلیل کمبود گاز عنوان شده است؛ موضوعی که مقامات دولتی در وزارت نیرو و استانداری تهران آن را تکذیب می‌کنند اما فعالان صنفی حوزه نفت و گاز آنرا تأیید می‌نمایند!

● بعد از «مازوت‌سوزی» در نیروگاه‌ها، کیفیت سوخت اتمی‌ها نیز یکی دیگر از علل آلودگی هوا در شهرها از جمله تهران است.

آلودگی هوا در شهرهای مختلف ایران ادامه دارد و در برخی از شهرها میزان آلودگی هوا به حدی بالاست که مدارس تعطیل و بخشی از کارمندان دورکار شده‌اند. با وجود تأیید اعضای شورای اسلامی شهر و فعالان صنفی صنعت نفت درباره «مازوت‌سوزی» نیروگاه‌ها به عنوان عامل اصلی آلودگی هوای کلانشهرها، مقامات دولتی همچنان این موضوع را تکذیب می‌کنند. آلودگی هوا در نیمه آذرماه سبب آلودگی شهرهای مختلف کشور شده و در برخی شهرها مدارس و ادارات تعطیل شده‌اند.

بر اساس خبرهای منتشر شده از روز گذشته همه مدارس ابتدایی استان البرز بجز طالقان به خاطر آلودگی هوا به صورت آنلاین درآمدند. امروز همچنین آلودگی هوای شهر سمنان سبب تعطیلی مراکز پیش‌دبستانی و مدارس مقطع ابتدایی شده است.

به دانش‌آموزان دارای بیماری زمینه‌ای نیز اعلام شده تا آخر هفته در مدارس استان مرکزی حاضر نشوند. فعالیت کارمندان دستگاه‌های اجرایی شهر اراک که دارای سابقه قلبی و تأیید شده بیمارهای زمینه‌ای قلبی، تنفسی، ریوی و... هستند، همچنین کلیه مادران باردار شاغل به صورت دورکاری اعلام شده است.

در پی تداوم آلودگی هوا، مدارس تبریز و شهرستان اسکو

شماری کشته و زخمی در حمله هوایی اسرائیل به پایگاه‌های حزب‌الله اطراف دمشق



تصویری از آثار حمله اسرائیل به حومه دمشق که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد

پس از حمله مرگبار «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل تعداد حملات هوایی‌های اسرائیل به سوریه افزایش پیدا کرد. محور این حملات پایگاه‌ها و انبار مهمات متعلق به شبه‌نظامیانی هستند که از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حمایت می‌شوند.

در یک ماه گذشته دست کم دو نوبت باند و تأسیسات فرودگاه دمشق و همچنین فرودگاه حلب هدف حملات ارتش اسرائیل قرار گرفت. جمهوری اسلامی از طریق این فرودگاه‌ها در پوشش هوایی‌های تجاری از جمله هوایی‌های شرکت «ماهان ایر» اقدام به انتقال سلاح و مهمات به سوریه می‌کند.

در این میان، درگیری‌ها در خاورمیانه به شدت افزایش یافته است. شبکه سی‌ان‌ان گزارش داد که پایگاه «الشدادی» در استان الحسکه واقع در شمال شرق سوریه روز جمعه هدف حمله راکتی قرار گرفت.

پیش از این ابوحسین الحمیدای دبیرکل گردان‌های حزب‌الله عراق گفته بود که حملات علیه پایگاه‌های آمریکا تا زمانی که این کشور به اشغالگری در عراق ادامه می‌دهد، متوقف نخواهد شد.

الحمیدای تأکید کرد: «تا زمانی که عراق آزاد نشود، رویارویی با نیروهای اشغالگر متوقف نمی‌شود و این تصمیمی است که هر چقدر هم تلفات داشته باشد، از آن عدول نخواهیم کرد.»

هم در تهیه برق به دلیل برخی شرایط از مازوت استفاده کرده و در سال گذشته از ۱۶ نیروگاه ۱۴ نیروگاه مصرف مازوت داشته‌اند. این گزارش مجلس است اگر کسی اعتراض دارد به کمیسیون اصل ۹۰ برود.»

مهدی پیرهادی گفته که «من نمی‌دانم چرا می‌خواهند بگویند در اطراف تهران مازوت‌سوزی نداریم اینگونه بهتر است که بگویند در فصل زمستان گذشته مازوت نسوزانده‌ایم بیایند تکذیب کنند آیا می‌توانند تکذیب کنند؟»

● به گزارش «تایمز اسرائیل» رامی عبدالرحمان مسئول «دیده‌بان حقوق بشر سوریه» مستقر در بریتانیا، می‌گوید: «دو نظامی سوری که برای حزب‌الله کار می‌کردند در این حملات کشته شدند و هفت نفر دیگر از نیروهای حزب‌الله در نزدیکی سیده زینب زخمی شدند.»

خبرگزاری دولتی سوریه «سانا» گزارش داد که جنگنده‌های اسرائیل بامداد شنبه ۱۱ آذرماه نقاطی در اطراف شهر دمشق را هدف قرار دادند.

یک منبع نظامی وابسته به رژیم سوریه گفته سیستم پدافندی ارتش موشک‌ها را رهگیری و تعدادی از آنها را ساقط کردند. وی مدعی شد «این تهاجم تنها منجر به وقوع خسارات مادی شد.»

به گزارش «تایمز اسرائیل» رامی عبدالرحمان مسئول «دیده‌بان حقوق بشر سوریه» مستقر در بریتانیا می‌گوید: «دو نظامی سوری که برای حزب‌الله کار می‌کردند در این حملات کشته شدند و هفت نفر دیگر از نیروهای حزب‌الله در نزدیکی سیده زینب زخمی شدند.»

دیده‌بان حقوق بشر سوریه که وابسته به مخالفان رژیم اسد است متهم شده در اعلام تعداد تلفات اغراق می‌کند. مقامات اسرائیلی نیز عمدتاً در مورد این حملات و تعداد تلفات سکوت می‌کنند بنابراین رد یا تأیید این آمار بطور مستقل ممکن نیست.

استناد به آمارهای وزارت بهداشت اعلام کرده که در سال ۱۴۰۰ تعداد مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا در تهران ۶ هزار و ۳۹۸ نفر بوده است.

عضو شورای اسلامی شهر تهران تأکید کرده که «روند تغییرات غلظت آلاینده‌ها طی بازه ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ روند کاهشی داشته است اما همچنان می‌بینیم هوا آلوده است و وزارت نفت استانداردهای سوخت را رعایت نکرده است و سوخت‌ها با استاندارد ملی عرضه نشده است. وزارت نیرو

از سوخت گاز نرسیده‌ایم و به نظر می‌رسد کمی فضا سازی غیرواقعی در برخی رسانه‌ها شده است.»
استاندار تهران گفته از عوامل اصلی بروز آلودگی هوا در پایتخت تردد زیاد موتورسیکلت‌ها است.

این ادعاها در حالی مطرح شده که احمد معروفخانی رئیس هیات مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی امروز سه‌شنبه ۱۴ آذرماه ۱۴۰۲ گفته «ما به دلیل کمبود گازوئیل، مازوت می‌سوزانیم و این موضوع باعث می‌شود وضعیت هوا به این شکل باشد؛ متأسفانه مسئولین مربوطه توجهی به استفاده از راه‌های جایگزین جهت پیشگیری ندارند و مدیریت آلودگی هوا در اولویت نیست.» این فعال صنفی افزوده که «ما راهکارهایی به وزارت نفت ارائه دادیم و معاونت برنامه‌ریزی با آن موافقت کرد و تفاهمنامه‌هایی تنظیم شد که واحدهای خصوصی که محصول هوین را که تولید و به کشورهای مختلف صادر می‌کنند در نیروگاه‌ها به جای مازوت مصرف شود این برنامه برای وزارت نفت نفع داشت و آن اینکه مازوت مصرف نمی‌شد وضعیت هوا به این شکل نبود. دوم اینکه هزینه کمتر می‌شود چون مجبورند از پالایشگاه‌ها مسیر طولانی طی کرده و مازوت را به نیروگاه‌ها برسانند اما واحدهای مینی‌ریفاینری در سطح کشور پراکنده هستند و هزینه‌های حمل کمتر می‌شود و هم اینکه با صادرات مازوت می‌توانستند ارزآوری داشته باشند.»

از سوی دیگر علیرضا عباسی عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی نیز دیروز، ۱۳ آذرماه، با استناد به گزارش‌های وزارتخانه‌های نیرو، نفت، و محیط زیست اعلام کرد که میزان گوگرد موجود در گازوئیل مصرفی نیروگاه‌ها ده برابر حد استاندارد است.

علیرضا عباسی در واکنش به انکار «مازوت‌سوزی در تهران» گفت که بر فرض صحت ممنوعیت مازوت، گازوئیل یا سوختی که هم‌اکنون در نیروگاه‌ها استفاده می‌شود استاندارد لازم را ندارد و تأثیر مخرب آن در افزایش آلودگی هوا معادل مازوت است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی با اشاره به «مصرف مازوت غیرقانونی» در نیروگاه «فردیس» گفت با وجود این که مخازن مازوت دو سال پیش پلمب شده بود اما دوباره و به تدریج در روزهایی که آلودگی هوا در جریان نبوده، مصرف شد.

علیرضا عباسی با استناد به گزارش‌هایی که درصد بالای اجزاء سوخت گازوئیلی را نشان می‌دهد، عدم پایبندی وزارت نفت، محیط زیست و وزارت نیرو به قانون هوای پاک را نگران کننده خواند.

بعد از سوزاندن مازوت در نیروگاه‌ها، کیفیت سوخت اتومبیل‌ها نیز یکی دیگر از علل آلودگی هوا در شهرها از جمله تهران است. پیرهادی رئیس کمیسیون سلامت محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران در اظهار نظری گفته: «بنا بر گزارش کمیسیون اصل ۹۰ سوخت‌های تولیدی کشور از جمله بنزین، نفت گاز و... سوخت‌های مطابق استاندارد ملی نیستند.»

اینهمه در حالیکه به گفته داریوش گل‌علیزاده رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت از محیط زیست «در بررسی‌های انجام شده توسط وزارت بهداشت در ۳۳ شهر (سال ۱۴۰۱)، بیش از ۲۶ هزار نفر به دلیل مرگ و میر منتسب به آلودگی هوا جان خود را از دست دادند که خسارت معادل آن ۳/۱۱ میلیارد دلار برآورد شده است.» طبق این گزارش «تهران بیش از ۶ هزار مرگ و میر منتسب به آلودگی هوا داشته که خسارت معادل آن ۳ میلیارد دلار است.» مهدی پیرهادی عضو شورای اسلامی شهر تهران نیز با

کودک سربازان جمهوری اسلامی؛ تأکید وزیر آموزش و پرورش بر «اسلحه به دست» بودن دانش آموزان



● وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی در سخنانی گفته از نظر علی خامنه‌ای بسیج زمانی موفق است که «در یک دست دانش آموزان بسیجی قرآن و در دست دیگر سلاح باشد. افزودن نیروهای بسیجی و طلاب به کادر آموزشی آموزش و پرورش و با وجود کمبود حدود ۳۰۰ هزار آموزگار یکی از اقدامات ایدئولوژیک در این وزارتخانه است.

رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی در سخنانی گفته از نظر علی خامنه‌ای بسیج زمانی موفق است که «در یک دست دانش آموزان بسیجی قرآن و در دست دیگر سلاح باشد.»

وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی که در «همایش بسیج دانش آموزی» سخنرانی می‌کرد افزوده که «بسیج عرصه عمومی بوده و مختص به عرصه و قشر خاصی است. همه اهداف انقلابی در بسیج جمع و در همه ساحت‌ها فعال است.» او در ادامه گفته «رذل‌ترین سربازان جهان و بی‌رحم‌ترین نظامیان اسرائیلی که زمانی کل کشورهای عربی را شکست دادند، امروز در برابر تفکر بسیجی مستأصل شده است.»

رضا مراد صحرایی که سابقه ریاست حراست دانشگاه «علامه» را در کارنامه دارد، از سال گذشته که به عنوان وزیر آموزش و پرورش فعالیت خود را آغاز کرده، اقدامات ایدئولوژیک در این وزارتخانه را در دستور کار قرار داده است. جمهوری اسلامی علاوه بر فرستادن کودکان به جبهه‌های جنگ هشت ساله با عراق با کلیدهای پلاستیکی بهشت بر گردن، در سال‌های گذشته سابقه استفاده از کودک سربازان در اعتراضات سراسری برای سرکوب شهروندان و همچنین در جنگ سوریه را نیز دارد و اکنون به نظر می‌رسد وزیر آموزش و پرورش برای بهره‌کشی بیشتر از کودکان در حوزه نظامیگری برنامه‌های جدید دارد.

دانش آموزان در چهار دهه گذشته پیوسته به اشکال مختلف به عضویت بسیج نیروی شبه‌نظامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که خود یک نهاد نظامی ایدئولوژیک نامتعارف و موازی ارتش در جمهوری اسلامی است درآمده‌اند و از آنها برای سرکوب مردم استفاده شده است. همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهد در سال‌های گذشته بخشی از کودکان و نوجوانان توسط جمهوری اسلامی در قالب نیروی سرکوب خیابانی به کار گرفته شدند تا با باتوم و اسلحه سرد به معترضان حمله کنند؛ اقدامی که قطعا مقدمه تبدیل شدن این کودکان به «شخصیت غیراجتماعی» است.

تقویت بسیج دانشجویی تنها یکی از اقدامات ایدئولوژیک آموزش و پرورش در ماه‌های گذشته بوده است. افزودن نیروهای بسیجی و طلاب به کادر آموزشی آموزش و پرورش و با وجود کمبود حدود ۳۰۰ هزار آموزگار یکی از اقدامات ایدئولوژیک در این وزارتخانه است.

وزیر آموزش و پرورش، روز یکشنبه ۱۹ آبان، در مراسمی به صراحت گفته بود که بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، کتاب‌های درسی دانش آموزان دختر باید با کتاب‌های درسی دانش آموزان پسر متفاوت باشد.

او همچنین اذعان کرد که طبق برنامه آموزش و پرورش خانواده باید از طریق مدرسه آموزش ببیند و معلمان زن باید دانش آموزان را طوری تربیت کنند که «نجابت، عفت و حیا» را به نسل آینده منتقل کنند.

رضا مراد صحرایی اردیبهشت امسال نیز بدون اشاره به

کمبود ۳۰۰ هزار نفری معلم در این وزارتخانه بر کمبود ۵۰ هزار معلم پرورشی تأکید و ابراز امیدواری کرده بود که با استخدام ۲۷ هزار نیروی پرورشی بخشی از این کمبود در سال جاری جبران شود.

معلمان پرورشی که بخش قابل توجهی از آنها دانش‌آموختگان حوزه علمیه هستند، پروپاگاندای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در مدارس را پیش برده و حتی در نقش «مخبر» و خبرچین‌های نهادهای امنیتی فعالیت می‌کنند. در حالی که برای بسیاری دروس مهم در برخی مدارس معلم وجود ندارد، سرپرست وزارت آموزش و پرورش فعالیت‌های پرورشی را از اولویت‌های اصلی این وزارتخانه خوانده است.

وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌های با عنوان «طرح امین» نیز اقدام به استخدام آخوندهای تحصیلکرده در حوزه علمیه در آموزش و پرورش کرده است. بر اساس طرح «امین» که از حدود ۶ سال قبل آغاز شده روحانیون باید حدود ۳۰ ساعت در هفته در مدارس به تبلیغات مذهبی بپردازند.

رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید، موج «پاکسازی» در مدارس را تأیید کرده و گفته «امسال نزدیک به ۲۰ هزار مدیر مدرسه تغییر کردند تا در مدارس تحول ایجاد کنند، همچنین ۷ هزار مدرسه در مسیر تحول شناسایی شدند که امسال در ۵ هزار مدرسه فعالیت‌های خود را آغاز خواهیم کرد.»

وزیر آموزش و پرورش همچنین گفته که «تمامی مدارس شناسایی شده در مسیر تحول مدارس عادی و دولتی هستند، انشالله روحیه تحولی به این مدارس برده می‌شود و شاهد الگوسازی برای تمامی مدارس کشور خواهیم بود.» منظور وزیر آموزش و پرورش از تحول، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است» که هدفش اسلامی کردن بیش از پیش مدارس است. بر اساس توضیحات ارائه شده از سوی حکومت، در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش با الهام گرفتن از اسناد بالادستی و بهره گرفتن از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و

اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ طراحی شده است. تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر «آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین‌المللی است.»

اقدامات رضا مراد صحرایی اجرای نگاهی در رأس نظام در حوزه آموزش و پرورش است. این نگاه از سوی دیگر مقامات دولت نیز مطرح می‌شود. برای نمونه انسیه خزعلی معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با حضور در جمع «دختران بسیجی» با بیان اینکه یکی از دغدغه‌های ما این است که مدارس مختلط نداشته باشیم گفته که «به دلیل کمبود امکانات در برخی روستاها متأسفانه مدارس مختلط داریم!» دغدغه کلاس‌های درس مختلط در مدارس در حالی از سوی معاون رئیس‌جمهوری در امور «زنان و خانواده» مطرح شده که گزارش‌ها از نبود فضای آموزشی کافی و هزاران کلاس درس نایمن در شهرها و روستاهای مختلف حکایت دارد. از سوی دیگر دختران، قربانی اصلی نبود عدالت آموزشی در جمهوری اسلامی هستند و شمار دخترانی که چه به دلیل مشکلات اقتصادی والدین و چه به دلیل نبود فضای آموزشی و کلاس درس در همه روستاها مجبور به ترک تحصیل هستند رو به افزایش است. بر اساس آنچه مرکز آمار ایران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ دختران بازمانده از تحصیل در مقطع ابتدایی در سال پیشتر حدود ۷۹ هزار و ۸۶۳ نفر بوده که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به ۹۶ هزار و ۸۲۵ نفر رسیدند.

فقر فرهنگی و امتناع والدین از تحصیل فرزندان، فقر مالی خانواده‌ها، کار کودکان، معلولیت کودکان، مهاجرت از روستا به شهر، افزایش کودکان بدون شناسنامه و ازدواج زودرس دختران که تابعی از وضعیت معیشتی خانواده‌های فقیر و نیازمند است از جمله دلایل بازماندگی کودکان از تحصیل عنوان شده است.

رقابت جمهوری اسلامی با طالبان و داعش اجباری شدن چادر برای کارمندان زن در قم

اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری، دادخواستی را برای ابطال این بخشنامه به دیوان عدالت اداری ارائه کردند. علی مجتهدزاده در اینباره گفته که «وزارت کشور در مصوبه خود در حالی وظایفی را بردوش دادستان‌ها گذاشته که براساس قانون آیین دادرسی کیفری، وظایف آنان روشن و مشخص است. همچنین این اقدام وزارت کشور مغایر اصول ۵۶ و ۵۷ قانون اساسی مبنی بر تفکیک قوا و استقلال قوه قضائیه است.»

این وکیل دادگستری افزوده که «همچنین در مصوبه وزارت کشور ضابطان اجازه فیلمبرداری و عکسبرداری از مردم را یافته‌اند حال آنکه براساس قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان مکلف‌اند تحت تعالیم و دستورات مقام قضائی عمل کنند. جلوگیری از ورود زنان بی حجاب به اماکن دولتی نیز که در مصوبه پیش‌بینی شده هم مصداق قانونی ندارد. همچنین در مصوبه وزارت کشور شاهد نقض بند ۱۰ اصل ۳، اصل ۲۲ و اصل ۳۶ قانون اساسی هستیم.»

محمدحسین طاهری آکردی، دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور، هفته گذشته اعلام کرده بود که به ۲۰۰ هزار شهروند تذکر حجاب داده شده است. او روز شنبه ۴ آذر با خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، ایرنا، از نیروهای حجاب‌بان به عنوان «نیروهای جهادی» نام برد و مدعی شد که آنها رایگان و «فی سبیل‌الله» فعالیت می‌کنند.

دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر جزئیات بیشتری از فعالیت‌های نیروهای «حجاب‌بان» را اعلام کرد و گفت که تعداد این نیروها بیش از ۲ هزار و ۸۵۰ نفر است و مأموریت آنها «تذکر لسانی» است. او افزوده بود که حدود سه درصد از تذکرها داده شده به شهروندان به ایجاد درگیری و مشاجره میان افراد منجر شده است.

محمدحسین طاهری آکردی فعالیت نیروهای حجاب‌بان را پیامد سخنان علی خامنه‌ای عنوان کرد و افزود: رهبر جمهوری اسلامی گفته که «اگر مسأله حجاب و عفاف برای مردم تبیین شود، آن را می‌پذیرند و عنادی ندارند» و اکنون «گروه‌های تذکر لسانی نیز همین کار را پیگیری می‌کنند.»

او همچنین از نیروهای حجاب‌بان به عنوان «گروه تذکر لسانی» نام برد و افزود که این نیروها با هماهنگی سپاه پاسداران، بسیج، فراجا، شهرداری تهران، و دادستانی در مناطق مختلف تهران از جمله میدان‌های ولیعصر، انقلاب، فردوسی مستقر شده‌اند. همچنین بنا بر گفته‌های او ستاد امر به معروف و نهی از منکر نیز بخشی از آموزش به نیروهای حجاب‌بان و گروه‌های «تذکر لسانی» را بر عهده داشته است. بخش دیگری از فشارهای اجتماعی به بهانه حجاب در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد. شوراهای دانشجویان ضمن بیان اینکه «دانشگاه سراسری تریز، کمیته‌ای به نام افاد (اقدام فرهنگی اجتماعی دانشگاه) تاسیس کرده است» اعلام کرد: «این نهاد تازه تاسیس بر اساس لیست تهیه‌شده توسط حراست دانشگاه با ارسال پیام به دانشجویان دختر از آن‌ها خواسته است تا برای بررسی وضعیت پوشش حجاب به محل معرفی شده مراجعه کنند.»

در آنسو، مردم اما با مقاومت مدنی در برابر فشار جمهوری اسلامی بر شهروندان به بهانه حجاب ایستادگی کرده و با استفاده از پوشش اختیاری، معادلات حکومت برای مدیریت فضای اجتماعی را به هم می‌زنند.



مرجع قضایی صالح معرفی خواهد شد. این لایحه با حاشیه‌های زیادی همراه بوده و اجرای بخش‌هایی از آن در ادارات و سازمان‌ها و دانشگاه‌ها و همچنین در اماکن و معابر عمومی خرساز شده است. هر چند در ماه‌های گذشته بر اساس همین لایحه بخشنامه‌هایی برای رعایت حجاب اجباری صادر و اجرا شده اما بخشنامه استانداری قم در تحمیل پوشش اسلامی یک گام فراتر رفته و به جای ممنوع کردن پوشش‌هایی که مورد پذیرش حکومت نیست، خواهان استفاده اجباری از چادر شده است!

استقرار مزدورانی تحت عنوان «حجاب‌بان» در متروها نیز از دیگر اقداماتی بوده که پیرو لایحه «حجاب و عفاف» صورت گرفته است. استخدام «حجاب‌بان»ها در امرداد امسال از سوی برخی رسانه‌ها اطلاع‌رسانی شد. افرادی که طی قرارداد با شهرداری بابت ایجاد مزاحمت برای زنان و دختران و پیشبرد ایدئولوژی حکومت ماهانه ۱۲ میلیون تومان حقوق با مزایایی دیگر دریافت می‌کنند!

رفتارها و مزاحمت‌های حجاب‌بان‌ها طی هفته‌های گذشته، از جمله عکسبرداری و فیلمبرداری از زنان، سبب حساسیت درباره آنها شد. علیرضا زاکانی شهردار تهران و وزارت کشور زیر بار مسئولیت آنها نرفتند اما هفته گذشته با افشای یک سند درباره دستورات وزارت کشور درباره حجاب مشخص شد که این نیروها توسط وزارت کشور و شهرداری بکار گرفته شدند. بخشنامه وزارت ارشاد مشخصاً درباره مترو و حتی داخل واگن‌ها تکلیف کرده و نوشته که باید «عکسبرداری و تهیه مستندات» از زنانی که از رعایت حجاب اجباری و تحمیلی جمهوری اسلامی در مراکز مختلف و از جمله در «همه بخش‌های مترو» و «داخل واگن‌ها» خودداری می‌کنند در «دستور کار ضابطین» قرار گیرد.

یک روز پس از انتشار اطلاعیه وزارت کشور درباره بخشنامه محرمانه وزارت کشور درباره اعمال محدودیت‌ها و فشارهای بیشتر به شهروندان به بهانه «حجاب»، حسن یونسوی و علی مجتهدزاده دو وکیل دادگستری با استناد به اصول قانون

بخشنامه اجباری شدن چادر برای کارمندان زن به امضای ابوالقاسم مقیمی عراقی معاون اجتماعی، فرهنگی و زیارت استانداری قم و خطاب به کلیه ادارات و سازمان‌های این استان صادر شده است.

بخشنامه استانداری قم در تحمیل پوشش اسلامی یک گام فراتر رفته و بجای ممنوع کردن پوشش‌هایی که مورد پذیرش حکومت نیست، خواهان استفاده اجباری از چادر شده است! اعلام شده که این بخشنامه در ارتباط با استفاده اجباری از چادر و ممنوعیت استفاده از لوازم آرایش برای کارمندان زن بر اساس قوانین «عفاف و حجاب» صادر شده است.

استانداری قم در بخشنامه‌ای اعلام کرده همه زنان کارمند باید با چادر و بدون آرایش در محل کار حاضر شوند. فشارهای حکومت در هفته‌های گذشته برای تحمیل حجاب اجباری به زنان افزایش یافته است.

استانداری قم در بخشنامه‌ای پوشش چادر برای تمام کارمندان و کارکنان ادارات را اجباری اعلام کرد. این بخشنامه به امضای ابوالقاسم مقیمی عراقی معاون اجتماعی، فرهنگی و زیارت استانداری قم و خطاب به کلیه ادارات و سازمان‌های استان قم صادر شده است.

در بخشنامه معاون اجتماعی استانداری قم که تصویر آن در رسانه‌های داخلی ایران منتشر شده آمده است: «مقرر گردید کلیه کارمندان خواهر بر اساس قوانین عفاف و حجاب از سوی وزارتخانه‌های متبوع و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام و تردد در سطح اداره و محل کار با پوشش چادر و بدون آرایش صورت پذیرد.»

فقط «کادر درمان» از این بخشنامه مستثنا شدند. همچنین تأکید شده که دستور استفاده اجباری از چادر و ممنوعیت استفاده از لوازم آرایش برای کارمندان زن بر اساس قوانین «عفاف و حجاب» بوده است. اشاره معاون اجتماعی استانداری قم به «لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» معروف به لایحه «عفاف و حجاب» است که با اینکه همچنان میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان پاسکاری می‌شود اما با رأی نمایندگان مجلس، اجرای آزمایشی و سه ساله آن از اول پاییز آغاز شده است.

در ماده ۲ لایحه «عفاف و حجاب» آمده است در صورت ارتکاب اعمال موضوع بند الف ماده ۱ (اقدام به نقض هنجارهای اجتماعی از جمله کشف حجاب در ملاء عام یا اماکن عمومی یا فضای مجازی)، در دستگاه‌های موضوع ماده (۲۹) قانون برنامه ششم پنج ساله توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی از سوی کارکنان آن دستگاه و از سوی اشخاصی که در مراکز آموزشی یا پژوهشی اعم از دولتی یا غیر دولتی مشغول تدریس یا به نحوی در آن مراکز شاغل هستند مراتب از طریق واحدهای نظارتی مانند حراست‌ها یا بازرسی‌ها به مرتکب تذکر داده می‌شود در صورت تکرار در مرتبه دوم مرتکب حسب مورد توسط هیئت رسیدگی به تخلفات اداری یا مراجع انتظامی یا انضباطی به کسر یک پنجم حقوق و مزایا به مدت یک ماه تا سه ماه و در مرتبه سوم به کسر یک سوم حقوق و مزایا به مدت دو تا شش ماه و لغو کلیه امتیازات، تخفیفات و معافیت‌های اعطایی از جمله سهمیه‌های پیش‌بینی شده محکوم می‌شود و در مرتبه چهارم حسب مورد به انضباط یا محرومیت از اشتغال به مدت دو تا شش ماه محکوم و برای تعقیب کیفری به

روزنامه «فایننشال تایمز»:

اسرائیل خود را برای «عملیات طولانی» در غزه آماده می کند



پیشروی ارتش اسرائیل در غزه / عکس: رویترز

یک فرد مطلع به «فایننشال تایمز» گفت که واشنگتن از اسرائیل خواسته است تا «جای پای نظامی کمتری» در جنوب داشته باشد که با تلفات غیرنظامی کمتری همراه شده و «یک طرح بشردوستانه روشن» و ترتیباتی برای «جایی که غیرنظامیان بتوانند بروند» تا امن مانند ارائه شود. مقامات اسرائیلی گفته اند این رویکرد باید تغییر کند. یک فرد آشنا با طرح های جنگی اسرائیل گفت: «ما می دانیم که نمی توانیم همان ساختار عملیاتی را که در شمال انجام دادیم در جنوب غزه نیز پیاده کنیم. اکنون دو میلیون غیرنظامی [در جنوب] وجود دارد، روش تخلیه غیرنظامیان بطور دستجمعی [مانند شمال] قابل تکرار نیست.»

مرحله دوم عملیات ائتلاف اسرائیل در جنوب غزه در شهر خان یونس دومین مرکز شهری مهم غزه و زادگاه یحیی سنوار و دیف و همچنین مرز رفح در جنوبی ترین نقطه این باریکه در مرز مصر متمرکز خواهد شد. یکی از افراد آشنا با طرح های جنگی اسرائیل گفت: «گذرگاه مرزی غزه و مصر و تونل های قاچاق زیرزمینی کانال اصلی برای بازسازی توانایی نظامی حماس است.»

برخی منابع آگاه می گویند شرایط فعلی حماس را تبدیل به یک هیولا کرده و باید مراقب تمام نقاط مرزی بین غزه و مصر بود. اسرائیل در مرحله «انتقال و تثبیت» جنگ، که پس از عملیات اصلی زمینی انجام می شود، قصد دارد غزه را برای نظم جدید بدون حماس آماده کند. برخی از خودی ها گفتند که دولت اسرائیل گفتگوهایی را برای سپردن اداره امور غزه به تشکیلات خودگردان آغاز کرده اما بطور رسمی هنوز چیزی اعلام نشده است. یکی از افراد آشنا با این گفتگوها، با تأکید بر نیاز بنیامین نتانیاو، نخست وزیر به حفظ متحدان ائتلاف خود، گفت: «هیچکس، حتی ایالات متحده، نمی تواند در این مورد با آنها صحبت کند.» هنوز مشخص نیست قرار است غزه در آینده چگونه اداره شود.

یک افسر ارشد ارتش اسرائیل گفت که دست کم ۱۰ گردان از ۲۴ گردان حماس بطور قابل توجهی آسیب دیده اند و بیش از ۵۰ فرمانده رده میانی و حدود پنج هزار عضو حماس کشته شده اند. یکی دیگر از افراد آشنا با طرح های جنگی اسرائیل گفت که ارتش این کشور همچنان عملیات در شمال غزه را ناقص می داند. عملیات در شهر غزه هنوز به پایان نرسیده و بطور کامل فتح نشده است. احتمالاً ۴۰ درصد آن اکنون تصرف شده و برای تصرف کل مناطق شمالی، احتمالاً به دو هفته تا یک ماه دیگر نیاز خواهد داشت.»

در پاسخ به حمله تروریستی و وحشیانه حماس در «هفت اکتبر»، اسرائیل سه هفته حملات هوایی شدیدی را در غزه انجام داد و به دنبال آن تهاجم زمینی آغاز شد که بخش بزرگی از شمال این منطقه را تصرف کرد. بخش اعظم منطقه به ویرانه تبدیل شده و بیش از یک میلیون نفر مجبور به ترک خانه های خود شده اند. مقامات اسرائیلی می گویند که حداقل ۱۲۰۰ نفر در حمله مرگبار حماس به اسرائیل کشته شدند که مرگبارترین حمله در تاریخ این کشور یهودی بود. به گفته مقامات بهداشت و درمان در منطقه ی تحت کنترل حماس، بیش از ۱۸ هزار تن در غزه کشته شده اند.

انتظار می رود که حمله زمینی اسرائیل به جنوب غزه نیز که تا کنون تنها توسط حملات هوایی پراکنده مورد هدف قرار گرفته بود، به موازات آن آغاز شود. مقامات اسرائیلی اشاره کرده اند که اکثر رهبری حماس، بخش عمده ای از ستیزه جویان و زرادخانه های موشکی و اکثر گروگان های اسرائیلی باقیمانده به جنوب غزه منتقل شده اند. مقامات ارتش دولت بایدن به اسرائیل هشدار داده اند که رویکرد آن در جنوب غزه باید متفاوت باشد. آنتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده روز پنجشنبه در بازدید از تل آویو تأکید کرد که در هرگونه حمله از این دست «به محافظت از غیرنظامیان اهمیت می دهد» و امکان افزایش کمک های بشردوستانه را فراهم می کند.

● روزنامه «فایننشال تایمز» به نقل از چند منبع آگاه گزارش داد، اسرائیل در حال برنامه ریزی عملیاتی علیه حماس است که به مدت یک سال یا بیشتر ادامه خواهد داشت و فشرده ترین مرحله حمله زمینی تا اوایل سال ۲۰۲۴ ادامه خواهد داشت.

● انتظار می رود که حمله زمینی اسرائیل به جنوب غزه، که تا کنون تنها توسط حملات هوایی پراکنده مورد هدف قرار گرفته، به موازات آن آغاز شود. مقامات اسرائیلی اشاره کرده اند که اکثر رهبری حماس، بخش عمده ای از جنگجویان و زرادخانه های موشکی و اکثر گروگان های اسرائیلی باقیمانده به جنوب غزه منتقل شده اند. پس از حمله تروریستی نیروهای حماس به شهروندان اسرائیل در اورشلیم «آتش بس موقت» میان اسرائیل و گروه حماس تمدید نشد و ارتش این کشور عملیات نظامی در غزه را از سر گرفت.

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا که از آتش بس موقت استقبال کرده بود، بعد از لغو تمدید آن حماس را مقصر دانست و تأکید کرد «با قدرت از اسرائیل حمایت می کنیم.» روزنامه «فایننشال تایمز» روز جمعه اول دسامبر (دهم آذرماه) به نقل از چند منبع آگاه گزارش داد، اسرائیل در حال برنامه ریزی عملیاتی علیه حماس است که به مدت یک سال یا بیشتر ادامه خواهد داشت و فشرده ترین مرحله حمله زمینی تا اوایل سال ۲۰۲۴ ادامه خواهد داشت.

بر اساس این استراتژی چند مرحله ای، نیروهای اسرائیلی که در شمال غزه مستقر هستند، به عمق جنوب این منطقه حمله می کنند. این اهداف شامل کشتن سه رهبر ارتش حماس یعنی یحیی سنوار، محمد دیف و مروان عیسی است و در عین حال تضمین یک پیروزی نظامی «قاطع» علیه ۲۴ گردان و شبکه تونل های زیرزمینی این گروه و از بین بردن «توانایی حکمرانی حماس در غزه» است.

یک منبع آگاه از طرح های اسرائیل گفت: «این یک جنگ بسیار طولانی خواهد بود. ما در حال حاضر به نیمه راه دستیابی به اهداف خود نزدیک نشده ایم.»

به گفته منابع، استراتژی کلی اسرائیل در غزه انعطاف پذیر است و زمان بندی آن به «عوامل متعدد» از جمله پیشرفت عملیات در زمین، فشار بین المللی و فرصت هایی برای آزادی گروگان های اسرائیلی تعیین می شود.

افراد آگاه تخمین زده اند که ادامه عملیات زمینی در شدیدترین حالت احتمالاً به چند ماه دیگر زمان نیاز خواهد داشت و به بعد از سال جدید میلادی خواهد کشید.

آتش بس شکننده یک هفته ای، روز جمعه با از سر گرفتن درگیری ها فروپاشید. اسرائیل اعلام کرد که برای «از بین بردن حماس» به نبرد بازمی گردد. یکی از افرادی که از گفتگوهای آمریکا و اسرائیل درباره جنگ مطلع است، گفت: «این جنگ در چند هفته تمام نخواهد شد.» پس از آن، مرحله «انتقال و تثبیت» با شدت نظامی کمتر وجود خواهد داشت که می تواند تا اواخر سال ۲۰۲۴ ادامه یابد، در حالی که محل حضور نیروهای زمینی اسرائیل در این مرحله هنوز مشخص نیست. برخلاف عملیات ها و جنگ های نظامی پیشین اسرائیل، یک مقام اسرائیلی اشاره کرد که نقطه پایان قطعی وجود نخواهد داشت. منابع می گویند در این نبرد «داور سوت پایان را نخواهد زد که تمام است.»

۳/۵ میلیارد دلار پوشاک قاچاق؛ یک فعال صنفی می‌گوید مسئولان مبارزه با قاچاق را شوخی می‌گیرند



● سعید جلالی قدیری دبیر اتحادیه تولید و صادرات صنایع نساجی و پوشاک ایران گفته در حال حاضر حجم مصرف پوشاک در کشور ۹ میلیارد دلار است که ۵/۵ میلیارد دلار آن سهم تولید و بقیه آن سهم قاچاق است که در حدود ۳/۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

● به گفته مجید افتخاری در گذشته فقط پوشاک تُرک در بازار قاچاق ایران بود، اما بعد از مدتی فروش پوشاک بنگلادشی به صورت کیلویی اضافه شد که این محصولات تا یک دهم قیمت کالا در مبدا در ایران عرضه می‌شوند.

دبیر اتحادیه تولید و صادرات صنایع نساجی و پوشاک ایران سهم پوشاک قاچاق در کشور را ۳/۵ میلیارد دلار برآورد کرده است. پیش از این سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز گفته بود میزان پوشاک قاچاق در بازار ۱/۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. سعید جلالی قدیری دبیر اتحادیه تولید و صادرات صنایع نساجی و پوشاک ایران گفته در حال حاضر حجم مصرف پوشاک در کشور ۹ میلیارد دلار است که ۵/۵ میلیارد دلار آن سهم تولید و بقیه آن سهم قاچاق است که در حدود ۳/۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

این فعال صنفی افزوده که «بررسی‌ها نشان می‌دهد آمار پوشاک قاچاق بعد از سال ۱۳۹۷ بیشتر شده است یعنی رقمی بیش از ۳ میلیارد دلار، این عدد توسط ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اندازه‌گیری شکاف عرضه و تقاضا محاسبه شده است.»

سعید جلالی قدیری توضیح داده که قاچاق به دو روش صورت می‌گیرد؛ یک روش واردات غیرقانونی و روش دیگر سوء استفاده از رویه‌های قانونی مانند واردات مسافری، گذر مرزی، پیله‌وری، مناطق آزاد، کولبری، ملوانی و ته‌لنجی است. وقتی از این روش‌ها به‌صورت سازمان‌یافته استفاده می‌شود عملاً این رویه‌ها به قاچاق تبدیل می‌شوند.

او در ادامه گفته که به‌طور مثال گفته می‌شود هر مسافر می‌تواند ۸۰ دلار کالا وارد کشور کند، اما وقتی این مسافر به میزان زیادی کالا از جمله پوشاک وارد کشور می‌کند و هیچکس آن را اندازه‌گیری نمی‌کند این نوع واردات تبدیل به قاچاق می‌شود، در زمان حاضر روزانه ۸۰ الی ۱۰۰ پرواز به سمت ترکیه انجام می‌شود، در هر پرواز حدوداً ۳۰۰ نفر جابجا می‌شوند و اگر هر کدام از این مسافران ۸۰ دلار کالا وارد کنند، عدد واردات پوشاک به این طریق بسیار بزرگ خواهد بود.

دبیر اتحادیه تولید و صادرات صنایع نساجی با تأکید بر اینکه قاچاق پوشاک «سازمان‌یافته» است گفته که «بطور مثال در زمان حاضر تورهای مسافرتی وجود دارند که افراد را ۳ روزه به کشوری مانند ترکیه می‌برند و به صورت علنی از حق واردات آنها استفاده می‌کنند، این رویه بر اساس قوانین غلط بوجود آمده است و هیچ نهاد یا دستگاهی آن را پایش نمی‌کند، بنابراین در حوزه واردات مسافری بیش از یک میلیارد دلار پوشاک قاچاق وارد کشور می‌شود.»

به گفته این فعال صنفی «مبارزه با قاچاق توسط مسئولان شوخی گرفته می‌شود». او توضیح داده که «دستور العمل تبصره (۴) الحاقی ماده (۱۸) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز را تصویب می‌کنند، اما آن را ابلاغ نمی‌کنند و از طرفی جلسات با ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز برگزار می‌شود؛ اما باز هم به خانه اول بازمی‌گردیم و هیچ نتیجه‌ای برای ما حاصل نمی‌شود، در واقع هیچ عزمی برای مبارزه با قاچاق از طرف دستگاه‌های ذی‌ربط وجود ندارد.»

دو چهار راه پایین‌تر یعنی حد فاصل «جمهوری» تا «انقلاب»، تولیدکنندگان ایرانی حسرت بازار دستفروشان لباس‌های «استوک» را می‌خورند که با اجاره موزاییک از ماموران شهرداری پیاده‌روهای «ولیعصر» را مال خود کرده‌اند.

حسین افتخاری عضو اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان صنایع نساجی درباره رونق بازار پوشاک و مصنوعات چرمی استوک و دست دوم به «تجارت نیوز» گفته که «بخش زیادی از استقبال مردم از این‌گونه کالاها مربوط به شرایط اقتصادی است، به هر حال باید قبول کنیم که اکثریت مردم قدرت خرید سال‌های قبل را ندارند و این در خرید پوشاک کاملاً مشخص است. فلذا ما پیشنهاد دادیم که سازوکاری برای فروش اقساطی در نظر گرفته شود تا تولیدکنندگان بتوانند سرپا بمانند، اما هیچ نهادی حاضر به همکاری نشد.»

او همچنین به واردات کالاهای استوک نیز اشاره کرده و توضیح داده که «کالای استوک کالایی است که خارج از سفارش تولید شده، یا از مد افتاده، یا دارای ایرادات سطحی است که بیشتر از بنگلادش و چین وارد کشور می‌شود. از سوی دیگر، کالاهای دست دوم یا تاناکورا نیز به پوشاکی می‌گویند که دست دوم است که برخی از آن‌ها برند هستند، به‌طور مثال یک کفش مارک که قیمت اصلی آن ۱۵ میلیون است به قیمت ۲/۵ میلیون به فروش می‌رسد.»

در این میان دولت با صدور بخشنامه‌ای از واردات رسمی پوشاک خودداری کرده اما در همین حال از تولیدکنندگان داخلی نیز حمایت نکرده است. این روند از یکسو باعث سرریز شدن بازار پوشاک از کالای قاچاق خارجی شده و از سوی دیگر تولیدکنندگان داخلی را به ورشکستگی کشانده است. همچنین بسیاری از فروشگاه‌های عرضه پوشاک نیز در ماه‌های گذشته به بهانه مبارزه با بی‌حجابی تعطیل و پلمب شده‌اند که این موضوع نیز زبانی مضاعف به بازار پوشاک وارد کرده است.

سعید جلالی قدیری در حالی ارزش پوشاک قاچاق در بازار کشور را ۳/۵ میلیارد دلار عنوان کرده که مهرماه امسال حمیدرضا دهقانی‌نیا سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز مدعی شده بود حجم پوشاک قاچاق موجود در بازار کشور به زیر دو میلیارد دلار و حدود ۱/۵ میلیارد دلار رسیده است. مجید افتخاری عضو هیئت مدیره اتحادیه تولید و صادرات پوشاک نیز پیشتر گفته بود که شاهد سونامی عجیبی هستیم و تا کنون این حجم کالای قاچاق به بازار ایران سابقه نداشته است. به گفته این مقام صنفی، هر سال بخش‌های جدید به صورت قاچاق وارد بازار می‌شوند و توانمندی شرکت‌های داخلی را از بین می‌برند.

به گفته مجید افتخاری در گذشته فقط پوشاک تُرک در بازار قاچاق ایران بود، اما بعد از مدتی فروش پوشاک بنگلادشی به صورت کیلویی اضافه شد که این محصولات تا یک دهم قیمت کالا در مبدا در ایران عرضه می‌شوند. بعد از برداشته شدن محدودیت‌های کرونا، پوشاک چینی هم به بازار ایران اضافه شد. بنابراین بدنه تولید دچار چالش‌های جدید است و با مشکلات داخلی از جمله تامین انرژی نیز مواجه است. یکی دیگر از مشکلاتی که سبب ایجاد بحران در بخش تولید پوشاک در داخل کشور شده، کاهش تقاضا در بازار به دلیل کاهش قدرت خرید مردم است.

در حالی که سال‌هاست بازار پوشاک دست دوم بخشی از تقاضای پوشاک را پاسخ می‌دهد اما به تازگی و با کاهش قدرت خرید مردم به دلیل تورم فزاینده و ادامه‌دار اقتصاد کشور، بازار پوشاک دست دوم رونق بیشتری پیدا کرده است. وبسایت «تجارت نیوز» مهرماه ۱۴۰۲ با انتشار گزارشی درباره رونق گرفتن خرید و فروش پوشاک دست دوم که به پوشاک تاناکورا معروف است نوشت که اگر یک روز عصر از میدان «ولی‌عصر» تهران به سمت میدان «فاطمی» پیاده حرکت کنید شدت این استقبال را خواهید دید، در حالی که

پرتاب موشک بالستیک «سلمان» با قابلیت حمل کلاهک نیم تنی

وزیر ارتباطات: برای «اعزام انسان به فضاست!»

درخواست رئیس
افبی‌آی برای تمدید
«مجوز شنود و رصد»
اطلاعات خارج از آمریکا
برای مقابله با تهدیدات
جمهوری اسلامی ایران و
جمهوری خلق چین



● کریستوفر رای مدیر افبی‌آی در جلسه استماع سنای آمریکا گفته که اگر نمایندگان کنگره مجوز فعالیت‌های نظارتی افبی‌آی، از جمله اجازه جمع‌آوری داده‌های الکترونیک را تمدید نکنند، ایالات متحده در برابر تهدیدات تروریستی رژیم‌هایی مثل ایران و چین، خود را خلع سلاح می‌کند.

● افبی‌آی خواستار تمدید مجوز شنود و رصد اطلاعات خارج از آمریکا شده است. «بند ۷۰۲» از قانون نظارت بر اطلاعات خارجی به آژانس‌های اطلاعاتی اجازه می‌دهد تا ارتباطاتی مانند ایمیل‌ها و پیام‌های نوشتاری خارجی‌های بیرون از مرزهای آمریکا را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل کنند.

● کریستوفر ری، رئیس پلیس فدرال آمریکا (افبی‌آی) در جلسه با اعضای سنا هشدار داده عدم تمدید مجوز استفاده از این بند قانونی، ضربه‌ای «ویرانگر» به توانایی نهادهای امنیتی برای مقابله با تهدیدات سایبری و تروریسم می‌زند.

● سناتور مایک لی از مخالفان تمدید این مجوز می‌گوید: «ما نمی‌توانیم به پلیس افبی‌آی در مورد مسائل مربوط به نظارت بدون مجوز از آمریکایی‌ها اعتماد کنیم، زیرا این نهاد جزئیاتی در خصوص مجازات ناقضان این امر منتشر نکرده است.»

کریستوفر رای مدیر افبی‌آی در جلسه استماع سنای آمریکا که سه‌شنبه پنجم دسامبر (۱۴ آذرماه) برگزار شد با اشاره به افزایش تهدیدات منطقه‌ای علیه نیروهای آمریکایی در منطقه هشدار داد که اگر نمایندگان کنگره مجوز فعالیت‌های نظارتی افبی‌آی، از جمله اجازه جمع‌آوری داده‌های



کلاهک نیم‌تنی (کپسول) کاووس

عملاً تعطیل بوده است (از حدود سال ۹۱ که موجود زنده «میمون» را در فاصله ۷۰-۶۰ کیلومتری رفت و برگشت) در حال احیای آن هستیم.»

در این گزارش همچنین اشاره شده «با پرتاب این کپسول ۵۰۰ کیلوگرمی طرح اعزام انسان به فضا شامل پرتاب، بازیابی، سامانه‌های کنترل سرعت و سپر ضربه‌گیر، طرح آپرودینامیک کپسول و چتر، سامانه‌های مربوط به کنترل و پایش شرایط زیستی و... مورد آزمایش قرار گرفت.»

وزیر ارتباط جمهوری اسلامی از محمدرضا قرایی آشتیانی وزیر دفاع و متخصصان این وزارتخانه برای همکاری در پرتاب این کپسول قدردانی کرده است. گفته شد که وزارت دفاع سازنده موشک «سلمان» است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۸ از موشکی به اسم «سلمان» رونمایی و اعلام کرد که «موتور فضایی» دارد و برای درگیری با اهداف مهاجم خارج از جو زمین طراحی شده و از آن به عنوان «گام مهم» سپاه پاسداران برای ساخت سلاح ضدماهواره جاسوسی نام برده شد.

دولت‌های غربی مدام هشدار می‌دهند جمهوری اسلامی در پوشش پروژه‌های علمی و فضایی موشک‌های دوربرد بالستیک با قابلیت حمل کلاهک اتمی آزمایش می‌کند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دو ماه پیش (اوایل مهرماه) ماهواره «نور ۳» را که ادعا شد مأموریت آن هدایت موشک‌های بالستیک است به فضا پرتاب کرد. وزارت خارجه بریتانیا در واکنش به این اقدام اعلام کرد رژیم ایران با نادیده گرفتن هشدارهای سازمان ملل با استفاده از یک سامانه موشکی بالستیک دوربرد این ماهواره را پرتاب کرده است.



پرتاب موشک «سلمان» از پایگاه «خمینی» در کویر سمنان

● کمتر از دو هفته پس از هشدار دولت‌های غربی به جمهوری اسلامی در مورد توسعه موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک اتمی، از پایگاه فضایی «خمینی» یک موشک با کلاهکی به وزن نیم تن به فضا پرتاب شد.

● عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی گفته «تا رسیدن به نقطه‌ای که بتوانیم انسان را به فضا ارسال کنیم هنوز ۵ تا ۶ سال فاصله داریم، اما باید توجه داشت که ۱۰ سال این حوزه عملاً تعطیل بوده است (از حدود سال ۹۱ که موجود زنده «میمون» را در فاصله ۷۰-۶۰ کیلومتری رفت و برگشت) در حال احیای آن هستیم.»

● وی از محمدرضا قرایی آشتیانی وزیر دفاع و متخصصان این وزارتخانه برای همکاری در پرتاب این کپسول قدردانی کرده است. گفته شد که وزارت دفاع سازنده موشک «سلمان» است.

کمتر از دو هفته پس از هشدار دولت‌های غربی به جمهوری اسلامی در مورد توسعه موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک اتمی، از پایگاه فضایی «خمینی» یک موشک با کلاهکی به وزن نیم تن به فضا پرتاب شد.

وزیر ارتباطات و فناوری جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۵ آذرماه مدعی شد کلاهکی که روی موشک ۱۳۰ متری «سلمان» نصب شده یک «کپسول زیستی» بوده است.

گفته شد این کپسول در راستای تحقق نقشه‌راه طرح «اعزام انسان به فضا»ست. عیسی زارع‌پور به خبرگزاری «فارس» گفته «این کپسول حدوداً نیم‌تن است و قابلیت حمل انسان را دارد، منتها تست‌های زیرمرداری آن در حال انجام است. باید توجه داشت تا رسیدن به نقطه‌ای که بتوانیم انسان را به فضا ارسال کنیم هنوز ۵ تا ۶ سال فاصله داریم، اما باید توجه داشت که ۱۰ سال این حوزه

حمله حوثی‌ها به یک ناو آمریکایی و چند کشتی تجاری در دریای سرخ



هشدارهای مقامات حوثی در مورد ادامه جنگ در غزه اعلام کرده است.

یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها در بیانیه‌ای اعلام کرد: «تا وقتی تجاوز اسرائیل به برادران فلسطینی ما در غزه متوقف نشود نیروهای مسلح یمن همچنان از حرکت کشتی‌های اسرائیلی در دریای سرخ (و خلیج عدن) جلوگیری می‌کنند... نیروهای مسلح یمن به تمامی کشتی‌های اسرائیلی یا کشتی‌های مرتبط با اسرائیل هشدار می‌دهند که در صورت تخطی از آنچه در این بیانیه آمده، به هدف قانونی تبدیل خواهند شد.»

یحیی سریع گفته یکی از کشتی‌های مورد هدف کشتی فله‌بر «Unity Explorer» (یونیتی اکسپلورر) با پرچم باهاما متعلق به یک شرکت انگلیسی است که یکی از مالکان آن دن دیوید انگار در اسرائیل زندگی می‌کند. رسانه‌های اسرائیلی انگار را پسر ابراهیم (رامی) انگار میلیاردر اسرائیلی معرفی کردند. شناور دوم کشتی کانیتزبر «نامبر ۹» با پرچم پاناما متعلق به برنهارد شولت است.

بر اساس گزارش خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه حوثی‌ها آمده «در راستای اجرای دستورات عبدالملک بدرالدین الحوثی رهبر انصارالله و در پاسخ به خواست ملت بزرگ یمن و آزادگان امت‌های عربی و اسلامی و برای تاکید در حضور در کنار گزینه‌های ملت فلسطین و مقاومت بزرگوارش نیروی دریایی نیروهای مسلح یمن با یاری خداوند صبح امروز عملیات هدف قرار دادن دو کشتی اسرائیلی را در باب‌المندب به انجام رساندند.»

شبه‌نظامیان حوثی ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان‌ماه) یک کشتی باری با ۲۵ خدمه را که متعلق به یک سرمایه‌دار اسرائیلی است در دریای سرخ به گروگان گرفتند. کشتی «گالکسی لیدر» از ترکیه به سمت هند در حرکت بود. یکی از اقدامات جرج بایدن پس از آغاز فعالیت رسمی دولت‌اش از ژانویه ۲۰۱۲، حذف حوثی‌ها از لیست تروریستی ایالات متحده آمریکا بود. اکنون مدتی است زمره‌هایی از قرار دادن دوباره نام این گروه تروریستی در این لیست به گوش می‌رسد.

● منابعی در پنتاگون به آسوشیتدپرس گفته‌اند: «ما از گزارش‌های مربوط به حملات به ناو یواس‌اس کارنی و کشتی‌های تجاری در دریای سرخ آگاه هستیم و به محض به دست آوردن اطلاعات بیشتر آن را ارائه خواهیم کرد.»

● یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها مسئولیت این حملات را بر عهده گرفت و گفت واکنشی به نادیده گرفتن هشدارها در مورد توقف جنگ در غزه است.

ساعاتی پس از حمله راکتی به پایگاه آمریکا در فرودگاه «خراب‌الجیر» در شمال شرق سوریه، وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرد روز یکشنبه سوم دسامبر (۱۲ آذرماه) یک ناو آمریکایی و چندین کشتی تجاری در دریای سرخ مورد حمله قرار گرفتند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد شبه‌نظامیان حوثی یمن مدعی حمله به دو کشتی شدند که آنها را مرتبط با اسرائیل توصیف کردند، اما هدف قرار دادن یک کشتی نیروی دریایی ایالات متحده را تأیید نکردند.

این حمله بطور بالقوه نشانه‌ای از تشدید حملات دریایی در خاورمیانه مرتبط با جنگ اسرائیل و حماس است.

منابعی در پنتاگون به آسوشیتدپرس گفته‌اند: «ما از گزارش‌های مربوط به حملات به ناو یواس‌اس کارنی و کشتی‌های تجاری در دریای سرخ آگاه هستیم و به محض به دست آوردن اطلاعات بیشتر آن را ارائه خواهیم کرد.» هنوز مشخص نیست که کشتی‌ها در این حملات چه آسیبی دیده‌اند.

ارتش بریتانیا پیش از این بدون اینکه جزئیات بیشتری ارائه کند، اعلام کرد که یک حمله و انفجار پهنای مشکوک در دریای سرخ صورت گرفته است.

پنتاگون مشخص نکرد که منشاء این حملات از کجا بود با این حال یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها مسئولیت این حملات را بر عهده گرفت و گفت که کشتی اول در تنگه باب‌المندب که دریای سرخ را به خلیج عدن متصل می‌کند مورد اصابت موشک قرار گرفت و دومین کشتی توسط یک پهپاد هدف قرار داده شده است. وی حمله به این کشتی‌ها را واکنش به نادیده گرفتن

الکترونیک را تهدید نکنند، ایالات متحده در برابر تهدیدات تروریستی رژیم‌هایی مثل جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین، خود را خلع سلاح می‌کند. مقام‌های امنیتی آمریکا می‌گویند بخشی از اطلاعات مربوط به برنامه تسلیحاتی جمهوری اسلامی از جمله خرید و فروش قطعات و تجهیزات ممنوعه را طبق مجوزی بر اساس «بند ۷۰۲» از قانون نظارت بر اطلاعات خارجی به دست آورده‌اند. این بند به آژانس‌های اطلاعاتی اجازه می‌دهد تا ارتباطاتی مانند ایمیل‌ها و پیام‌های نوشتاری خارجی‌های بیرون از مرزهای آمریکا را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل کنند اما برخی سناتورها معتقدند این ابزار ناقص حريم خصوصی افراد است.

مدیر اف‌بی‌آی معتقد است، «وقتی صحبت از دشمنان خارجی مانند رژیم ایران می‌شود، که اقداماتشان در سراسر جهان به تهدیداتی وحشیانه تبدیل شده و یا به دنبال ترور مقامات عالی‌رتبه، ربودن مخالفان و انجام حملات سایبری در ایالات متحده هستند و یا وقتی جمهوری خلق چین امنیت اقتصادی و ملی آمریکا را تهدید می‌کند، سلب اختیارات نهادهای امنیتی برای استفاده از بند ۷۰۲ در واقع خلع سلاح یکجانبه خواهد بود.»

وی در این جلسه توضیح داد، عدم تهدید قانون نظارت بر اطلاعات خارجی «ضربه ویرانگر»ی به توانایی مقامات امنیتی در مأموریت‌هاست و توضیح داد که «بند ۷۰۲» در واقع «کلید توانایی نهادهای امنیتی برای شناسایی سازمان‌های تروریستی خارجی در خارج از کشور است که عوامل خود را برای انجام حمله در حیاط خلوت ما به اینجا هدایت می‌کنند و ما متعهد هستیم از این قانون محافظت کنیم.» مدیر اف‌بی‌آی همچنین استدلال کرده اگر مجوز استفاده از این بند قانونی تمدید نشود، شاهد تکرار حوادثی شبیه «۱۱ سپتامبر» خواهیم بود.

سناتور مایک لی از مخالفان تهدید این مجوز می‌گوید: «ما نمی‌توانیم به پلیس اف‌بی‌آی در مورد مسائل مربوط به نظارت بدون مجوز از آمریکایی‌ها اعتماد کنیم، زیرا این نهاد جزئیاتی در خصوص مجازات ناقضان این امر منتشر نکرده است.» وی در جلسه مربوطه تأکید کرد که «موارد متعددی از استفاده غیرقانونی اف‌بی‌آی از این ابزار جاسوسی علیه آمریکایی‌ها وجود دارد و ما هنوز نمی‌دانیم آیا متخلفان برکنار شده‌اند یا نه.»

پایگاه خبری پولیتیکو ۲۸ نوامبر (هفتم آذرماه) به نقل از دو مقام اطلاعاتی آمریکا، سی‌آی‌آی و سایر آژانس‌های اطلاعاتی گزارش داده بود که بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق رصد ارتباطات الکترونیک مربوط به سازندگان خارجی سلاح، ارسال چندین محموله قطعات تسلیحات پیشرفته به ایران از طریق زمین، هوا و دریا متوقف شده است. اگرچه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا مجموعه گسترده‌ای از تجهیزات و سیستم‌های پیشرفته برای جمع‌آوری اطلاعات در اختیار دارند اما عملکردشان در داخل آمریکا حتا در بین مقامات ارشد به ویژه بین جمهوریخواهان منتقدان زیادی دارد. ضعف در شناسایی نفوذ عناصر و عوامل وابسته به جمهوری اسلامی از جمله در مراکز آکادمیک آمریکا با هدف تأثیرگذاری آنها بر سیاست‌های واشنگتن در قبال رژیم ایران فقط یکی از این موارد است.

مؤسسه «سمافور» اوایل مهرماه ۱۴۰۲ گزارش داد وزارت خارجه جمهوری اسلامی گروهی از کارشناسان ایرانی از جمله عدنان طباطبایی، آرین طباطبایی، دینا اسفندیاری، روزبه پارسی و علی واعظ را که به رابرت مالی نزدیک بودند به عنوان مهره‌هایی برای نفوذ و اثرگذاری در سیاست خارجی آمریکا هدایت می‌کرده است.

تشییع جنازه علی آقاعبداللهی در خیابان پاستور سرکوبگر «سپاه حفاظت انصار» که در خان طومان سرش را به باد داد!



سپاه پاسداران از علی آقاعبداللهی مشتی استخوان به خانواده‌اش تحویل داد



خانواده آقاعبداللهی می‌گویند وی در سپاه دوره پارا گلایدر و سقوط آزاد رفته بود

مفقودالائمه‌های جنگ سوریه بود، اعضای خانواده وی بارها با رسانه‌ها مصاحبه کردند. مصاحبه‌هایی که در آن ناخواسته پر از اعتراف است از جمله پدرش می‌گوید «با بچه‌های مسجد در تمام درگیری‌ها [سرکوب‌ها] حضور داشت و یکبار هم کتک مفصلی خورده بود. موتورش را آتش زده بودند.» پدرش از اعضای «کمیته‌های انقلاب» و بازنشسته مجلس شورای اسلامی است که حدود ۱۲ سال مدیر اداره ترابری بوده و سپس به اداره املاک مجلس و اداره تدارکات منتقل شد. او می‌گوید روز تولد علی (مهرماه ۶۹) در ایران نبوده و در مأموریت خارج کشور حضور داشته است: «هنگام تولدش من مأموریت خارج از کشور بودم و تا یک ماه او را ندیدم. بعد به اتفاق مادرش و خواهرانش آمدند جایی که بودم و آنجا دیدمش.»

«در فتنه ۸۸ خیلی فعال بود»

علی آقاعبداللهی یکی از نیروهای سرکوبگر اعتراضات سال ۱۳۸۸ بود. پدر وی می‌گوید: «در سن ۱۲ سالگی وارد بسیج مسجد حضرت ولیعصر شد و به عنوان بسیجی عادی و سپس عضو بسیج فعال شد و در جریان مبارزه با فتنه ۸۸ خیلی فعال بود و در مقایسه با بسیجی‌های دیگر بسیار سر نترسی داشت. وقتی رفقایش عقب می‌کشیدند، ایشان باز هم می‌رفت جلو در دل آشوبگرها تا نگذارد آنها جلو بیایند.» در مصاحبه با خبرگزاری «تسنیم» پدرش روایت می‌کند که در تظاهرات سال ۸۸ حوالی میدان «آزادی» از «آشوبگران» کتک خورده و زخمی شده و موتور او را آتش زده بودند. از روایت خانواده این عضو سپاه به نظر می‌رسد که وی یک جوان افراطی و خشک‌مغز بوده است. به عنوان مثال در درگیری‌های ۸۸ به اتهام ورود به یک خانه مسکونی دادگاهی می‌شود و صاحبخانه از وی شکایت می‌کند. پدرش می‌گوید: «وکیل طرف مقابل هم که از دوستان علی بود البته، بر ضد علی حرف می‌زد. برایش پرونده درست کرده بودند. تهمت زده بودند که وارد ساختمان شده... قاضی هم به علی گفت: حُب عذرخواهی کن تمام شود»

غیررسمی تخمین می‌زنند که بین هفت تا هشت هزار نفر پاسدار در جنگ سوریه کشته شده‌اند. بسیاری از نیروهایی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به جبهه‌های سوریه اعزام کرد، آموزش‌های لازم برای حضور در چنین جنگ دشواری ندیده بودند. این یکی از عوامل اصلی بالارفتن تلفات در بین نیروهای «سپاه قدس» است. با اینکه آقاعبداللهی یکی از نیروهای دوره‌دیده سپاه پاسداران بود اما ۲۳ دی‌ماه ۹۴ تنها ۳۱ روز پس از اولین اعزام به سوریه در منطقه خان طومان کشته شده است. طبق روایتی که اعضای خانواده آقاعبداللهی نقل می‌کنند، او نیز مثل بسیاری دیگر از کشته‌شدگان پاسداران تحت تأثیر باورهای شهادت‌طلبانه خودش را به کشتن داده است. مقامات جمهوری اسلامی «روحیه شهادت‌طلبی» را عامل حفظ نظام می‌دانند.

علی آقاعبداللهی مثل بسیاری دیگر از همکاران خود تحت تأثیر باورهای مذهبی خانوادگی و ساز و کار شستشوی مغزی جوانان در هیأت‌های مذهبی و پایگاه بسیج محلات تبدیل به عنصری ولایی و ضدمدرمی تبدیل شد که با تجربه سرکوب شهروندان خود ایران در اعتراضات مردمی به عنوان «مدافع حرم» به سوریه و عراق اعزام شد. این در حالیست که شماری از نیروهای سرکوبگر نیز پس از تجربه حضور در جنگ‌های منطقه‌ای برای سرکوب اعتراضات در قالب یگان‌های بسیج و سپاه به خیابان‌ها مأمور می‌شوند تا به مقابله با مردم معترض بپردازند. این عضو سپاه پاسداران متولد ۱۰ مهرماه سال ۶۹ بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ از دانشگاه آزاد واحد شهرری در رشته کارشناسی الکترونیک فارغ‌التحصیل و به استخدام سپاه پاسداران در آمد. او یک سال در دانشگاه افسری «امام حسین» دوره دید و سپس در «سپاه انصار» مشغول خدمت شد. مأموریت «سپاه انصار» حفاظت از شخصیت‌های نظام است. طی هشت سالی که نام آقاعبداللهی در فهرست

پدر علی آقاعبداللهی به «تسنیم» می‌گوید: «من اول انقلاب کمیته‌ای بودم و بازنشسته مجلس شورای اسلامی هستم... روز تولد علی (مهرماه ۶۹) در مأموریت خارج از کشور بودم... تا یک ماه او را ندیدم. بعد به اتفاق مادرش و خواهرانش آمدند جایی که بودم و آنجا دیدمش.»

«در جریان مبارزه با فتنه ۸۸ خیلی فعال بود و در مقایسه با بسیجی‌های دیگر بسیار سر نترسی داشت. وقتی رفقایش عقب می‌کشیدند، ایشان باز هم می‌رفت جلو در دل آشوبگرها تا نگذارد آنها جلو بیایند.»

مادر علی آقاعبداللهی می‌گوید: «علی آقا از ۱۸ سالگی می‌گفت برایم زن بگیرید.» پدر علی مخالف رفتنش به سوریه بوده و به وی گفته بود «شما که می‌خواستی بروی بهتر بود ازدواج می‌کردی.»

مادرش می‌گوید: «موقعی که می‌خواست برود سوریه، گوشی معمولی بدون دوربین داشت. گفتم: می‌خواهی گوشی آندروید ببری برایمان عکس بگیر؟ می‌گفت: نه؛ شرعاً اشکال دارد چون امنیت ندارد.»

همرمز وی در مورد نحوه کشته شدن او در خان طومان می‌گوید: «هرچه گفتم ابو امیر، جلو نرو! ما الان مهمات نداریم؛ ولی علی آقا گفت من با همین پنج تا نارنجک از پس اینها بر می‌آیم!»

در تهران (میدان پاستور) روز سه‌شنبه ۱۴ آذرماه ۱۴۰۲ مراسم تشییع جنازه علی آقاعبداللهی از اعضای نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزار شد. او یکی از هشت نیروی «مدافعان حرم» است که اجساد آنها پس از تفحص و شناسایی از طریق آزمایش DAN پس از هفت سال (هشتم آذرماه ۱۴۰۲) به ایران بازگردانده شد. تحلیلگران معتقدند جنگ در سوریه یکی از سخت‌ترین جنگ‌ها در تاریخ معاصر خاورمیانه بوده است. در عین حال تا کنون آمار دقیقی از تعداد کشته‌شدگان سپاه در این جنگ ویرانگر طی ۱۲ سال گذشته در دست نیست اما منابع

اعتصاب کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان «یگان ویژه با باتوم، دیگر اثر ندارد»



کارگران است و درخواست کارگران نیز پرداخت مطالبات و افزایش حقوق است.»

مدیر روابط عمومی ذوب آهن اصفهان مدعی شده که اعتصاب کارگران بی‌اثر است: «این تجمع تاثیری در روند تولید ندارد چون افرادی که پست‌های تولیدی مشخص دارند مشغول کار هستند.»

کارگران ذوب آهن اصفهان هفته گذشته در روز یکشنبه پنجم آذرماه نیز با اعلام اعتصاب غذای از دریافت غذای شرکت خودداری کرده بودند.

کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان در اسفندماه گذشته نیز دور دیگری از اعتصابات را برگزار کرده بودند. در روز دوم اعتصابات این کارگران شماری از اعتصاب‌کنندگان بازداشت شده و صدها نیروی یگان ویژه و پلیس ضد شورش و مأموران امنیتی در کارخانه مستقر شدند.

«اتحادیه آزاد کارگران» گزارش داده بود که نزدیک به ۱۰۰ مامور یگان ویژه در محوطه مجتمع ذوب آهن اصفهان حاضر شده و با گشت‌های موتوری در صدد تشدید فضای ارباب و تهدید علیه کارگران برآمدند.

بر اساس این گزارش شماری از کارگران پس از شناسایی از سوی مأموران امنیتی بازداشت شدند و از سوی دیگر، کارگرانی که در بخش «آگلومراسیون» و کک‌سازی و نورد، قصد برگزاری تجمع اعتراضی داشتند از سوی مأموران مورد حمله قرار گرفتند و آنها را متفرق کردند.

خواسته کارگران ذوب آهن اصفهان پارسال نیز افزایش حقوق، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و همچنین پرداخت به‌موقع دستمزدها و مزایای شغلی بود.

پیش از اسفند سال گذشته هم دو اعتصاب بزرگ این کارگران در روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان و ۵ آذر ۱۴۰۱ برگزار شده بود. پنجم آذر ۱۴۰۱ مقامات کارخانه و استان و نمایندگان وزیر صمت وعده داده بودند به سرعت مشکل کارگران را حل کنند اما خواست‌های صنفی و حقوقی کارگران در این کارخانه نه تنها همچنان پاسخی نگرفته بلکه با توجه به تشدید فلاکت اقتصادی بر مشکلات آنها نیز مانند دیگر گروه‌های اجتماعی افزوده شده است.

● کارگران اعتصاب‌کننده همزمان با تجمع مقابل ساختمان مدیریت کارخانه شعارهایی از جمله «یگان ویژه با باتوم، دیگر اثر ندارد» سر دادند.

● کارگران ذوب آهن اصفهان هفته گذشته و در روز یکشنبه پنجم آذرماه نیز با اعلام اعتصاب غذا، از دریافت غذای شرکت خودداری کرده بودند.

● مدیر روابط عمومی ذوب آهن اصفهان در گفتگو با خبرنگاری «فارس»: این تجمع تاثیری در روند تولید ندارد چون افرادی که پست‌های تولیدی مشخص دارند مشغول کار هستند!

کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان صبح امروز اعتصاب بزرگی را برگزار و پس از راهپیمایی در محوطه کارخانه مقابل ساختمان مدیریت این مجموعه صنعتی تجمع کردند. به گزارش منابع کارگری، کارگران بخش‌های مختلف کارخانه ذوب آهن اصفهان امروز شبه ۱۱ آذرماه ۱۴۰۲ در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن مطالبات صنفی‌شان دست به اعتصاب زدند. کارگران در محوطه این مجتمع صنعتی بزرگ راهپیمایی کرده و سپس در مقابل ساختمان «توحید» که محل مدیریت کارخانه است تجمع کردند.

کارگران اعتصاب‌کننده شعارهایی از جمله «یگان ویژه با باتوم، دیگر اثر ندارد» سر دادند.

سطح پایین دستمزدها که موجب مشکلات حاد معیشتی شده علت اصلی اعتراض کارگران است. آنها خواستار اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل، همسان‌سازی حقوق با دیگر شرکت‌های فولادی، افزایش دستمزد و مزایای شغلی هستند. منابع کارگری گزارش دادند که اعتصاب امروز کارگران ذوب آهن اصفهان بر اساس فراخوانی که پیشتر صادر شده بود صورت گرفته و تعداد زیادی از کارگران شب‌بخت صبح، شب و عصرکار با وجود کارشکنی و ممانعت‌های حراست و مدیریت شرکت، با حضور در محوطه کارخانه در این اعتصاب حضور پیدا کردند.

امیرحسین پرورش مدیر روابط عمومی ذوب آهن اصفهان همزمان با اعتصاب کارگران به خبرنگاری «فارس» گفته که «کارگران تجمع کرده‌اند و مدیرعامل هم در حال صحبت با

➔ برو... اما او معذرت نمی‌خواست.»

«علی آقا از ۱۸ سالگی زن می‌خواست»

وی یک سال پس از آنکه به استخدام سپاه پاسداران درآمد ازدواج کرد و دو سال بعد (سال ۹۳) صاحب یک فرزند پسر شد. همسر علی مخالف رفتن وی به سوریه بود. پدرش مخالفت عروس خانواده با رفتن او به مأموریت برون‌مرزی را تأیید می‌کند و می‌گوید: «همسر ایشان چون اول ازدواج علی آقا گفته بود من پاسدار هستم و مأموریت می‌روم شاید شهید شوم پس از کلی درخواست موافقت نمود.»

مادر علی آقاعبداللهی می‌گوید: «علی آقا از ۱۸ سالگی می‌گفت برایم زن بگیرید. یکسره می‌گفت. گفتم هرجا برویم، می‌پرسند سربازی رفته یا نه؟ می‌گویم نه. شاغل هست یا نه؟ می‌گویم نه. باید شرایطش را داشته باشی!» پدر وی نیز مخالف رفتنش به سوریه بوده و به وی گفته بود «شما که می‌خواستی بروی بهتر بود ازدواج نمی‌کردی.»

«گوشی آندروید شرعاً اشکال دارد!»

مادرش می‌گوید: «موقعی که می‌خواست بروم سوریه، گوشی معمولی بدون دوربین داشت. گفتم: نمی‌خواهی گوشی آندروید ببری برایمان عکس بگیرد؟ می‌گفت: نه؛ شرعاً اشکال دارد چون امنیت ندارد. حتی گوشی معمولی‌اش را هم نبرد.» اما همسرش روایت می‌کند «به خاطر دلتنگی که من داشتم زیاد تماس می‌گرفت... تأکید داشت که حرف خاصی پشت تلفن زده نشه.»

تناقض در روایت‌های اعضای خانواده آقاعبداللهی کم نیست. در نمونه‌ای دیگر پدرش می‌گوید «همیشه دستش توی جیب خودش بود... با همین سن کمش در بسیج فعالیت می‌کرد. موتور داشت، ماشین داشت.» اما مادرش می‌گوید «وقتی رفتم خواستگاری، گفتم ایشان از مال دنیا فقط یک موتور دارد، آنها هم پذیرفتند.»

«مهمات نداشتیم، جلو رفت»

علی آقاعبداللهی در سوریه بین سایر اعضای یگان خود به «ابو امیر» شهرت داشت. هم‌رمز وی در مورد نحوه کشته شدن او در خان طومان می‌گوید: «هرچه گفتم ابو امیر، جلو نرو! ما الان مهمات نداریم؛ ولی علی آقا گفت من با همین پنج تا نارنجک از پس اینها بر می‌آیم!»

خبرگزاری «تسنیم» در گزارشی که دوم آذرماه ۱۳۹۵ منتشر شد درباره موقعیت کشته شدن وی می‌نویسد: «آنجا مه شدیدی می‌شود. غروب بوده و دید وجود نداشته است. فرمانده‌اش می‌گوید: «من وقتی از پشت بی‌سیم صدای علی را شنیدم که مهمات کم است، خودم مهمات برداشتم و با ماشین بردم برای علی آقا. می‌خواستیم سورپرایزش کنیم. به ۱۵ متری‌اش که رسیدم گفتم: «دیگر آمدنتان به حال ما فرقی نمی‌کند» و همه جا را سکوت گرفت؛ هیچ صدایی نیامد و حتی صدای تیری هم نیامد. من برگشتم عقب.»

التماس برای رفتن به خط مقدم

علی آقاعبداللهی در وصیت‌نامه خود به تاریخ نهم آذرماه ۱۳۹۴ خطاب به اعضای خانواده‌اش می‌نویسد که آماده «شهادت» است.

«تسنیم» می‌نویسد: «رفقای تعریف کردند بعد از سه روزی که در مقر خان طومان بودیم، علی آقا موافقتش را برای رفتن به خط می‌گیرد. با لباس و اسلحه، آماده می‌آید سر یک پیچی می‌ایستد، و جلوی ماشین بچه‌های سپاه را که برای عملیات می‌رفتند، می‌گیرد. علی به آنها اصرار و التماس می‌کرده تا با آنها راهی خط شود. خلاصه علی را سوار کردند.»

وی خطاب به همسرش وصیت کرده «خواسته من از شما این است که لحظه‌ای از ولایت و خط رهبری جدا نشوید زیرا دشمن امروزه همین را می‌خواهد.»

هشدار جدیدی درباره ناترازی گاز کشور ۵۵۰ میلیون مترمکعب کسری گاز در سال ۱۴۱۰



پایین، گاز رایگان یا ارزان بدهیم اما افراد برخوردار و بهره‌مند باید قیمت واقعی گاز را بپردازند.»

مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران «تنظیم‌گری» را برای حل مشکل ناترازی لازم دانسته و گفته که «تنظیم‌گری دولت باید رفتار مردم را اصلاح بکند.»

هفته گذشته نیز اتاق بازرگانی تهران در گزارشی اعلام کرد که کسری گاز ایران در سال ۱۴۰۴ روزانه به ۲/۱۵ میلیون مترمکعب خواهد رسید. به همین ترتیب، میزان ناترازی گاز برای سال ۱۴۲۰ حدود ۱۱۱ میلیون مترمکعب در روز تخمین زده شده است.

در این گزارش که با عنوان «بررسی چالش‌ها و مسائل ناترازی گاز» منتشر شد آمده که «تنها سه کشور آمریکا، روسیه و چین مصرف گاز بیشتری نسبت به ایران در سال ۲۰۲۱ داشتند که وسعت و جمعیت هر یک از آنان چند برابر ایران است. مصرف گاز در سال ۱۴۰۱ به حدود ۲۴۲ میلیارد مترمکعب رسیده است که معادل مصرف روزانه ۶۶۳ میلیون مترمکعب است. مصرف این سوخت در سال ۱۴۰۱ رشد ۵/۱ درصدی معادل ۳ میلیارد مترمکعب داشته است.»

در بخشی از گزارش نیز آماری تفکیکی از مصرف گاز ایران ارائه شده که نشان می‌دهد ۵۱ درصد مصرف گاز در بخش خانگی، ۲۹ درصد در نیروگاه‌ها، ۲۰ درصد در صنایع است.

اتاق بازرگانی و صنایع معادن تهران با تأکید بر اینکه «گاز یک کالای امنیتی، اقتصادی، رفاهی و اجتماعی است که کاهش و نوسانات آن به ویژه در ۶ ماهه دوم سال بحران‌های امنیتی- انتظامی به همراه خواهد داشت» نسبت به تداوم ناترازی گاز در کشور هشدار داده است.

این گزارش افزوده که «عدم تأمین به‌موقع گاز صنایع، اثرات مستقیمی بر شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله کاهش صادرات و رشد اقتصادی از محل کاهش تولید بخش صنعت، کاهش درآمدهای ارزی و به تبع آن کاهش درآمدهای دولت و تشدید کسری بودجه به همراه خواهد داشت توقف صادرات گاز و عدم ایفای تعهدات صادراتی و به دنبال آن ایجاد

برای ناترازی گاز کشور عنوان شده است. او توضیح داده که «۷۵ درصد (سه چهارم) سبد انرژی کشور به گاز اختصاص دارد و ۹۸ درصد مناطق کشور گازرسانی شده‌اند، در صورتی که می‌توانستیم علاوه بر گاز از سایر فرآورده‌ها و انرژی تجدیدپذیر هم بهره‌مند شویم، حال آنکه سهم انرژی تجدیدپذیر در پرتفوی سبد انرژی کشور کمتر از یک درصد است.» بر اساس توضیحات این فعال صنعتی، «بدمصرفی» نیز از دیگر دلایل ناترازی گاز در کشور است. به عقیده عرفان افاضلی، ایران یکی از بدترین کشورهای دنیا از نظر شدت مصرف انرژی است بطوری که «تقریباً مصرف سرانه گاز در ایران به تنهایی ۴ برابر اتحادیه اروپا با ۲۷ کشور است و این بدان معناست که در حوزه مصرف باید اقدام جدی صورت بگیرد.» همه این دلایل سبب شده که به گفته او «هر سال تقریباً ۵ درصد مصرف در کشور ما افزایش پیدا می‌کند و این در حالی است که تولید تنها ۲ درصد در سال رشد داشته و تقریباً از ۳ تا ۴ سال آینده افت فشار و افت تولید را از پارس جنوبی خواهیم داشت و ناترازی گاز که پارسال ۲۵۰ میلیون مترمکعب در روز بود امسال به ۳۰۰ میلیون مترمکعب در روز می‌رسد و تا پایان ۱۴۱۰ به ۵۰۰ تا ۵۵۰ میلیون مترمکعب در روز خواهد رسید و از یک کشور صادرکننده انرژی به واردکننده تبدیل خواهیم شد.»

بحران در تأمین گاز در سال کنونی نیز در سخنان مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران نیز مشخص است. رضا نوشادی مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران امروز دوشنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۲ با استفاده از اصطلاح «تنظیم‌گری» خواهان تغییر تعرفه‌بندی گاز شده است.

رضا نوشادی گفته که «۱۲ اندیشکده بر ضرورت اصلاح سازوکار قیمتی هم‌نظر هستند. باید ساز و کار قیمتی را در حوزه انرژی اصلاح و از سه دهک پایین حمایت کنیم.» او افزوده که «اکنون یک میلیون و ۶۰۰ هزار مشترک زیر پوشش کمیته امداد و بهزیستی، در صورت مصرف مطابق الگو از گاز رایگان بهره‌مند می‌شوند. می‌توانیم به سه دهک

● دبیرکل فدراسیون صنعت نفت یکی از دلایل افزایش رقم ناترازی گاز در کشور را «عدم تحقق ظرفیت‌های پیش‌بینی شده برای تولید گاز طبیعی خصوصاً از مخزن پارس جنوبی» عنوان کرده است.

● مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران با استفاده از اصطلاح «تنظیم‌گری» خواهان تغییر تعرفه‌بندی گاز شده است.

● اتاق بازرگانی تهران اعلام کرده کسری گاز در سال ۱۴۰۴ روزانه به ۲/۱۵ میلیون مترمکعب و در سال ۱۴۲۰ به حدود ۱۱۱ میلیون مترمکعب در روز خواهد رسید.

دبیرکل فدراسیون صنعت نفت با ارائه آماری از وضعیت عرضه و تقاضای گاز در کشور گفته ناترازی گاز تا پایان ۱۴۱۰ به ۵۰۰ تا ۵۵۰ میلیون مترمکعب در روز خواهد رسید.

عرفان افاضلی دبیر کل فدراسیون صنعت نفت گفته که ناترازی گاز که پارسال ۲۵۰ میلیون مترمکعب در روز بود امسال به ۳۰۰ میلیون مترمکعب در روز می‌رسد و تا پایان ۱۴۱۰ به ۵۰۰ تا ۵۵۰ میلیون مترمکعب در روز خواهد رسید. او با اشاره به آمارهای سال ۲۰۲۱ میلادی گفته رقم تولید گاز طبیعی در کشور ۲۷ میلیارد مترمکعب بوده که ۶/۴ درصد تولید کل گاز طبیعی در جهان است، در همین سال رقم مصرف گاز ۲۴۱ میلیارد مترمکعب بوده یعنی ما به لحاظ تولید سومین کشور بعد از روسیه و آمریکا و به لحاظ مصرف در مقام چهارم جهان هستیم.

عرفان افاضلی یکی از دلایل افزایش رقم ناترازی گاز در کشور را «عدم تحقق ظرفیت‌های پیش‌بینی شده برای تولید گاز طبیعی خصوصاً از مخزن پارس جنوبی» عنوان کرده و تأکید نموده است در حالی که مقامات دولتی می‌گویند باید تولید افزایش پیدا کند اما «برنامه‌هایی که برای بهره‌برداری از پارس جنوبی پیش‌بینی شده بود به صورت کامل و صد درصدی تحقق نیافته است.»

«عدم تنوع در سبد مصرف انرژی در کشور» یکی دیگر از دلایلی است که از سوی دبیرکل فدراسیون صنعت نفت

در نوامبر ۲۰۲۲ پس از سرکوب اعتراضات مردم ایران وضع شد. بر اساس این تحریم‌ها اعضای ارشد رژیم ایران از سفر به کانادا منع شده‌اند. پرونده سامانی اولین مورد از این تحریم‌هاست که روند اجرای آن آغاز شده است.

وبسایت «گلوبال نیوز» اشاره کرده مرگ مهسا امینی در بازداشتگاه «گشت ارشاد» به یک جنبش اعتراضی علیه سرکوب زنان تحت رژیم آخوندی ایران تبدیل شد. کانادا در واکنش به این سرکوب‌ها، حکومت ایران را به عنوان یک رژیم «تروریستی و ناقض سیستماتیک و فاحش حقوق بشر» معرفی کرد. با اجرای این تحریم‌ها در عمل ده‌ها هزار مقام ایرانی و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را از ورود به کانادا منع می‌شوند.

حامد اسماعیلیون سخنگوی سابق «انجمن خانواده‌های جانب‌اختگان پرواز پی‌اس ۷۵۲» که با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرنگون شد در واکنش به آغاز روند اخراج سامانی تأکید کرده «کانادا نباید بهشت امن جنایتکاران باشد.» خبرنگاری «سی‌بی‌سی» در گزارشی که سوم دسامبر (۱۲ آذرماه) منتشر شد گزارش داد اداره خدمات مرزی کانادا ورود ده‌ها نفر از مقامات ارشد حکومت ایران را ممنوع کرده و در حال تحقیق از حدود ۱۰۰ نفر از دارندگان اقامت کانادا برای ارتباط احتمالی آنان با جمهوری اسلامی است.

با فشار جامعه ایرانی مقیم کانادا و با فشارهای سیاسی حزب محافظه‌کار (حزب رقیب دولت لیبرال جاستین ترودو) برای اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی، دولت لیبرال در عوض تصمیم گرفت از طریق

آغاز روند اخراج عوامل حکومت ایران در کانادا

ارجاع پرونده قائم‌مقام پیشین وزارت کشور جمهوری اسلامی ساکن تورنتو به دادگاه

● **وبسایت «گلوبال نیوز» خبر داد با درخواست آژانس خدمات مرزی کانادا، پرونده اخراج سیدسلیمان سامانی به جریان افتاده است.**

● **حامد اسماعیلیون سخنگوی سابق «انجمن خانواده‌های جانب‌اختگان پرواز پی‌اس ۷۵۲» که با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرنگون شد در واکنش به آغاز روند اخراج سیدسلیمان سامانی تأکید کرده «کانادا نباید بهشت امن جنایتکاران باشد.»**

دولت کانادا برای اخراج سلمان سامانی قائم‌مقام وزیر کشور در دولت حسن روحانی که در تورنتو زندگی می‌کند پرونده



سید سلمان سامانی در کنار عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور دولت حسن روحانی

قوانین مهاجرت اقداماتی انجام دهد. در بیانیه‌ای که به خبرنگاری سی‌بی‌سی ارائه شده آمده است که اداره خدمات مرزی کانادا اعلام کرد تا ۲۹ آبان ۱۴۰۲ این نهاد تقریباً ۱۷۸۰ درخواست ویزا را برای عدم پذیرش احتمالی تحت عنوان «آی‌آر پی‌ای رژیم ایران» بررسی کرده است. در نتیجه ۷۸ نفر از ورود به کانادا محروم شدند. همزمان تحقیقات روی پرونده مهاجرتی، پناهندگی و شهروندی ۱۴۱ نفر آغاز شده است. اداره خدمات مرزی کانادا ۳۸ مورد از این ۱۴۱ پرونده را بسته است به این دلیل که یا افراد خارج از کشور بودند یا اداره مرزی تشخیص داده که مجاز به حضور در کانادا هستند.

این اداره بر اساس قانون «آی‌آر پی‌ای رژیم ایران» دست‌کم ۱۰ نفر را غیرقابل پذیرش تشخیص داده است. از این تعداد ۹ نفر در حال حاضر در کانادا بسر می‌برند و در حال دادرسی در برابر هیئت مهاجرت پناهندگان هستند. دادگاه مشخص خواهد کرد که آیا اقامت آنها در کانادا باید لغو شود یا نه.

تشکیل داده است.

وبسایت «گلوبال نیوز» روز چهارشنبه ششم دسامبر (۱۵ آذرماه) گزارش داد این پرونده با درخواست آژانس خدمات مرزی کانادا تشکیل شده است. سخنگوی هیئت پناهندگان تشکیل پرونده برای سامانی را تأیید کرده اما دولت از اظهار نظر در اینباره خودداری کرده نموده است.

سید سلمان سامانی، ۴۲ ساله، تحت تحریم‌هایی که یک سال پیش علیه مقامات حکومتی رژیم ایران اعمال شد، در آستانه اخراج از کانادا قرار گرفته است.

آژانس خدمات مرزی کانادا از هیئت مهاجرت و پناهندگی درخواست کرده است تا برای سامانی جلسه‌ای برگزار کند که می‌تواند منجر به اخراج وی شود.

آنا پاپ سخنگوی هیئت پناهندگان گفت: «پرونده سامانی دهم نوامبر ۲۰۲۳ برای رسیدگی به دادگاه ارجاع شد.»

قرار بود مراحل رسیدگی به وضعیت این مقام حکومتی سوم ژانویه ۲۰۲۴ آغاز شود. وی تحت تحریم‌هایی قرار گرفته که

مسائل در روابط بین‌الملل به ویژه با همسایگان و کاهش قدرت دیپلماتیک از مشکلات ایجاد شده در فضای بین‌الملل خواهد بود.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز خردادماه امسال در گزارشی با عنوان «مسائل راهبردی بخش انرژی در سند هفتم توسعه-ذخیره‌سازی گاز»، با اشاره به بی‌توجهی به توسعه پایدار و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت نوشته بود که با تداوم این روند در سال ۱۴۲۰ میزان کل عرضه گاز طبیعی به ۸۹۸/۷ میلیون متر مکعب در روز می‌رسد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی افزوده بود که در همین مدت میزان مصرف همه بخش‌ها برابر با ۱۴۱۰/۸ میلیون متر مکعب خواهد بود. این گزارش اعلام کرده بود که در این سال ناترازی ۵۱۲ میلیون متر مکعبی در روز بوجود می‌آید به عبارتی میزان مصرف از تولید به شدت فاصله می‌گیرد. در سال‌های گذشته کمبود گاز در ماه‌های سرد سال سبب قطع گاز صنایع و وارد شدن زیان هنگفتی به اقتصاد کشور می‌شد؛ دولت امسال با ادعای شکسته شدن رکورد ۱۰ ساله ذخیره‌سازی گاز اعلام کرده بخشی از مشکلات کمبود گاز حل شده و برق صنایع قطع نخواهد شد.

محسن خجسته‌مهر مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با اعلام شکست رکورد ۱۰ ساله ذخیره‌سازی گاز در ۸ ماه ابتدایی امسال، گفته حدود ۳ میلیارد مترمکعب گاز ذخیره شده در مخازن گازی، زمستان امسال وارد مدار خواهد شد.

روزنامه «شرق» روز شنبه یازدهم آذرماه در گزارشی نوشت که وزیر نفت به تازگی توضیح داده که در این دولت ۵۰ میلیون مترمکعب تولید پارس جنوبی افزایش داشته است، «این در حالی است که بررسی جزئی هر فاز و هر مجتمع تولیدی نشان می‌دهد این بیان وزیر نفت دور از واقعیت است و فقط حدود پنج میلیون مترمکعب به تولید روزانه گاز اضافه شده است.»

روزنامه «خراسان» نیز در شماره روز پنجشنبه نهم آذرماه نسبت به ادعای وزیر نفت واکنش نشان داده و نوشته بود که اظهارات وزیر نفت حکایت از این دارد که کشور، زمستان امسال را با کمترین چالش گازی سپری خواهد کرد. این در حالی است که طبق گزارش‌ها، «حل ناترازی گاز، موضوعی اساسی‌تر بوده و نیاز به زمان دارد.»

اینهمه در حالیست که همچنان مصرف گاز در اواخر پاییز رقمی قابل توجه است و با ورود به فصل زمستان کشور با افزایش مصرف روبرو شده و مشخص نیست دولت به چه شکل قرار است کمبود گاز را مدیریت کند.

جواد اوجی، وزیر نفت دولت جمهوری اسلامی هشتم آذرماه اعلام کرد که با رشد ۶ درصدی تقریباً نزدیک به ۴۶۵ میلیون متر مکعب در بخش خانگی، تجاری، صنایع غیرعمده مصرف داشتیم. یک روز بیشتر و در هفتم آذرماه نیز سرپرست «دیسپچینگ شرکت ملی گاز ایران» افزایش مصرف گاز در بخش خانگی را ۹ درصد اعلام کرده بود که بیانگر شرایط دشوار پیش روی دولت در فصل زمستان است.

حسین حسین‌زاده رئیس کمیته نفت و انرژی مجلس شورای اسلامی اوایل آبان‌ماه در یک برنامه تلویزیونی از کمبود ۲۵۰ میلیون مترمکعب گاز در کشور در زمستان امسال خبر داد و این شرایط را «بحران انرژی» دانست و تنها راه حل آن را «خواباندن صنعت» ارزیابی کرد.

حسین حسین‌زاده با ارائه آمار و ارقام مصرف گاز، با فرض تولید روزانه یک میلیارد مترمکعب گاز، امکان تأمین انرژی برای مصارف خانگی، پتروشیمی، فولاد و سیمان را ناممکن توصیف کرده بود. در سیستان و بلوچستان نیز مدت‌هاست کمبود گاز مایع وجود دارد و سوخت‌رسانی با کپسول با کندی و تأخیر در جریان است.

LIFE



KAYHAN LONDON

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



عکس هفته | به همین آشفستگی!

سرا ن برخی دولت‌های جهان در کنفرانس اقلیمی «کاپ ۲۸» / دوی / ۱ دسامبر ۲۰۲۳